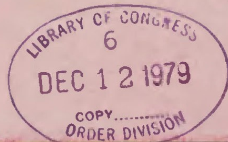
ژوندون

شنبه ۵ عقرب ۱۳۵۸

۲۷ اکتوبر ۱۹۷۹

A-P
77-938081



طرح قانون اساسی
بزرگترین وثیقهٔ ملی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان



سه عقرب
روز
حماسه آفرین

شمارهٔ سی و دوم
سال سی و یکم

قیمت هر شماره ۱۳ افغانی



حفیظ الله‌امین منشی‌عمومی کمیته مر کزی حزب‌دموکراتیک خلق‌افغانستان ،رئیس شورای‌انقلابی ولومړی وزیر جمهوری دمو کراتیك‌افغانستان موقعیکه خطاب به‌مشران ،نمایندگان واقوام منگل، توری ووزیر بیانیهٔ‌عالمانه شانراایراد می‌نمایند.

اختصار وقایع مهم هفته

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌ولومړی وزیر جمهور ی دموکراتیك افغا نستان سومین وچارمین اجلاس شورای انقلابی روز ۲عقرب در قصر گلخانه خانه خلق بر گزار شد.

درجلسه قبل ازظهر که درحوالی ساعت نه‌صبح آغاز شد ابتدا سرود ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان پخش گردیده متعا قبا رفیق حفیظ الله امین اجندای اجلاس ۲عقرب رابه شورای انقلابی ارائه نمودند شورای انقلابی نخست روی تعدیل فقرات مندرج ماده یازدهم فرمان شماره سوم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان بصورت همه جانبه غور وبحث نموده وبعداز یك سلسله تعدیلات درفقرات مندرج ماده متذکره آنرا به اتفاق آراء تایید وتصویب‌کرد.

***

باقرائت پیام حفیظ الله امین منشی‌عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان که‌شام اول عقرب توسط خیال محمد کتوازی وزیر اطلاعات وکلتور از طریق رادیو و تلویزیون خلق افغانستان خوانده شد سی وچارمین سالروز تاسیس موسسه ملل‌متحد طی محافل خاصی درمرکز وولایات کشور تجلیل گردید.

***

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب د مو کراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌ولومړی وزیر جمهور ی دموکراتیك افغا نستان جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان قبل ازظهر وبعداز ظهر اول‌عقرب درقصر گلخانه خانه‌خلق دایر گردید.

درجلسه قبل ازظهر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان که‌ازساعت نه‌ونیم الی‌دوازده ظهر ادامه یافت‌ابتدا سرود ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان پخش گردیده ومتعاقبا رفیق حفیظ الله امین ورود اعضای جدید شورای انقلابی جمهو ر ی دموکراتیك افغانستان رابه‌شورای انقلابی خیر مقدم گفته وانتخاب آنها راقدم بزرگ درراه تکامل شورای انقلابی جمهوری دموکرا تیك افغانستان‌واستحکام بیشتر جمهوری‌دموکراتیك افغانستان ارزیابی نمودند.

سپس منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر، اعضای بوروی‌سیاسی حزب دموکراتیك خلق افغانستان را بحیث اعضای هیات رئیسه جلسات جاریه شورای انقلابی پیشنهاد کردند که‌به اتفاق آراء مورد تایید قرارگرفت .

بعدا حفیظ الله‌امین اجندای جلسات جاریه شورای انقلابی را قرائت نمودند و پیرامون وظایف اساسی حزب دموکراتیك خلق افغانستان درساحه انکشاف اقتصادی‌واجتماعی جمهوری دموکراتیك افغانستان الی ۱۳۶۷ بیانیه مفصلی ایراد نموده ود رزمینه مفصلا روشنی انداختند.

***

باپیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان رئیس شورای انقلابی ولو مړی وزیر سی و چهارمین سالگرد تاسیس ملل‌متحد روز۲عقرب درسراسر کشور تجلیل‌گردید.

***

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولو مړی وزیر تیلگرام تبریکیه به‌مناسبت سی‌وچارمین سالگرد تاسیس موسسه ملل متحد عنوانی دکتور کورت والد هایم سر منشی آن‌موسسه به نیویارك مخابره شده است، در تیلگرام اعتقاد صمیمانه خلق و حکومت جمهوری د مو کر ا تیك افغا نستان به اصول و مرامهای مندرج منشور ملل متحد تایید گردیده است .

* * *

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغا نستان ساعت نه قبل از ظهر ۳۰ میز ا ن ۱۳۵۸ در قصر گلخانه خانه خلق دایر گردید .

درآغاز جلسه سرودملی جمهوری‌دموکراتیك افغانستان پخش شده وبعدا رفیق امین پیشنهاد مبنی بر انتخاب اعضای بوروی‌سیاسی رابحیث هیات رئیسه پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان طرح‌نمودند که بااتفاق آراء مورد تایید وتصویب‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان‌قرار گرفت .

* * *

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین‌منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی‌ولومړی‌وزیر شورای و زیران از سا عت چار بعد از ظهر ۲۹میزان تاساعت‌هفت‌شب در خانه خلق جلسه نمود.

درآغاز مجلس رفیق‌حفیظ‌الله امین‌خاطرنشان ساختند که بخاطر طی‌مراحل قانونی پلان پنجساله‌انکشاف‌اقتصادی‌واجتماعی ۱۳۵۸-۱۳۶۲ کشور ترتیبات خاص اتخاذ گردیده وپالیسی اقتصادی کشور در پلینوم کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان و شورای انقلابی مطرح خواهد شدوبعداز تصویب‌شورای‌انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان‌پالیسی‌مذکوربا یك روحیه جدید مورد عمل قرارخواهدگرفت.

***

بمناسبت نخستین سالگردبرافراشتن‌بیرق گلگون ملی جمهوری دموکراتیك افغانستان، بزرگان وخلق شریف اقوام سالارزایی،ماموند، اتمانخیل ، چارمنگ، صافی وشنواری طی‌نامه بهترین تبریکات شانرا بحضورحفیظ‌الله امین منشی عمومی‌کمیته‌مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی‌ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك‌افغانستان‌وتمام خلق شریف افغانستان تقدیم نمودیده‌اند .



تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین،منشی‌عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولو مری‌وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سومین‌و چارمین اجلاس شورای انقلا بی جمهوری‌دموکراتیک افغانستان درقصر گلخانه خانه‌خلق برگزار شد

متن بیانیهٔ رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر در پایان جلسات شورای انقلابی

رفقای عزیز !

حزب دموکراتیک خلق افغانستان وخلق زحمتکش افغانستان بکار خستگی ناپذیرشما بخصوص که‌درطول‌دوروزاخیر تبارز دادید واز خود نشان دادید افتخار می کند و اطمینان کامل دارد که‌برهبری دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان کشور محبوب ماسیر تکامل مطلوب را می پیماید و اهداف والای انقلاب ثورحتما تامین شدنی است و افتخارات بزرگی رابرای‌زحمتکشان‌افغانستان وزحمتکشان جهان به بار می آورد •

روحیه عالی وطنپرستانه را که در جریان مباحثات روی قوانین‌و روی‌اولین پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان دادید وآن به‌پیروزی های قطعی خلق افغانستان است همه‌ما می‌بالیم که جلسات‌دوروزه شمابهترین ممثل نقش عالی رهبری شما از امور دولتی افغانستان‌است، فضای‌دموکراتیک آزادی وسیعی که‌در صحبت هایی ازآن مستفید شدید و مورد استفاده قرار دادید وعملا سهمگیری تانرا درترتیب تنظیم ،تاییدو تصویب‌یك‌تعداد قوانین ویکتعداد موافقتنامه ها با کشور های دوست و پلان پنجساله جمهوری دموکراتیك افغانستان‌نشان‌دادید دلالت برکفایت قابل اعتماد شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان می‌کند که‌خلق افغانستان به رهبری شما بر سرنوشت خود مسلط هستند و خود زندگی خود را ترتیب و تنظیم می نمایند•

امیدوار هستم‌که‌ازین‌حلقه پرافتخار شورای انقلابی جمهوری د موکراتیك افغانستان روحیه عالی برادری، کار دستجمعی همآهنگی واحساس‌گرم‌وطن-پرستی به تمام افغانستان همچو منبع پرافتخار موجی که‌افغانستان را بصورت سریع در حرکت نگه می کندبه‌هر فرد افغانستان، به‌قلب هرفرد افغا نستان وبه‌ذهن هر فرد افغانستان برسد •

سهمگیر ی شمادرمناقشات ومباحثات روی قوانین ،موافقتنامه‌ها واولین پلان پنجساله جمهوری دموکراتیك‌افغانستان ونتایج رای گیری‌روی‌تمام آنها بخوبی نشان میدهد که همه ماو شما بایك آرزو، با یك هدف پرافتخار با یك احساس وطنپرستی می کوشیم تاکشور محبوب خودرا از تمام بدبختی ها وفلاکت های بقایای نظام‌فیودالی هرچه زودتر نجات بدهیم وهرچه سریع افتخار اعمار جامعه سو سیا لیستی رادر افغانستان داشته باشیم•

افتخار دارم همانطوریکه هر فردشما درجریان چندین ساله مبارزات طبقاتی خودبه خلق خود وعده داده بودیدکه روزی خواهد رسید همچنان که از خلق بیرون آمده اید از خلق آموخته اید بسویه دولتی نیز درخدمت خلق خود قرار خواهید گرفت امروز عملا نشان دادیم که‌باچه‌فداکاری، باچه قربانی باچه زحمتکشی وعده های حزب دموکراتیك خلق افغانستان رادر عمل قرار میدهیم‌و واقعا در خدمت خلق زحمتکش خود قرار میدهیم برعلاوه‌که اعضای پرافتخار ارگان پر افتخاررهبری دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان هستید هرکدام شما اعضای ارگانهای رهبری حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان وکادرهای پرافتخار حزب دموکراتیك خلق افغانستان نیزمی‌باشید•

یقین دارم که همه اعضای پرافتخار حزب دموکراتیك خلق افغانستان نیز اعمال وکردار شمارا وکار خستگی ناپذیر شمارا سرمشق قرار میدهند و درخدمت خلق خود طوری قرار می گیرند که اطمینان و اعتماد کامل‌به تمام زحمتکشان ما ایجاد میشود که

لطفا ورق‌بزنید

درعمل می بینندشعار مصونیت،قانونیت وعدالت در همین جلسه نیز میدرخشد ودر سراسر افغانستان موردعمل قرار میگیرد .

شما در تمام مباحثات خود نشان دادید بحیث بهترین وطن پرستان افغانستان عزیزانترنشنالستان کارگری هستید که منافع زحمتکشان تمامجهان رانیز در نظر دارید.

شما در کار های خستگی ناپذیر تان عملابه اثبات رسانیدید که نه تنها زحمتکشان افغانستان رادر نظر دارید بلکه لحظه نقش زحمتکشان افغانستان را درحفظ ودفاع از صلح منطقه و صلح جهان هم از نظر دور نساخته اید.

نقش شما مایه افتخار زحمتکشان افغانستان است که باسر بلندی از قربانی های خود در برابر زحمتکشان سراسر جهان بخاطردفاع از صلحجهان یاد کرده میتوانند و همیشه در سنگر مبارزات ضد امپریالیزم ،ضد ار تجاع ضد صهیونیزم وضداپارتایدو تبعیض نژادی قرار دارید .

موضع گیری طبقاتی شما در دوروز جلسات شورای انقلابی عملا نشانداد که‌جمهوری دموکراتیک افغانستان با افتخار و سر بلندی در پهلوی تمام کشور های صلحدوست جهان مقدم برهمه کشور های سوسیالستی ودر راس آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی با افتخار قرار دارد و افغانستان عزیز درپهلوی کشورهای برادر سوسیالستی درراس آ نها اتحادشوروی بیرق سرخ صلح‌دوستی وصلح‌خواهی رابلند نگه‌میدارد .

درجریان صحبت های ماو شما بخصوص با ارتباط اولین‌پلان پنجساله جمهوری دموکراتیک افغانستان همه‌شما به‌نمایندگی ازتمام‌زحمتکشان افغانستان مساعدت هاو همکاری های‌وسیع‌وعمیق اتحاد شوروی رابه‌نظرقدر دیدید وآنرا بهترین نمونه دوستی و برادری بین خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی شناختید .

از ینجاست که همه ماو شما بر حق می گوییم که مناسبات دوستانه بین افغانستان و اتحاد شوروی ودفاع ازین دوستی پرافتخار بین خلقهای افغانستان واتحادشوروی امروز . جزء وطنپرستی‌وطنپرستان افغانستان‌گردیده است .

همچنان ماز مساعدت هاو روابط دوستانه تمام کشور های سوسیالستی که‌از انقلاب پرافتخار ثور پشتیبانی نموده اند واز مساعدت های ممکن‌دریغ نکرده اند به‌ نظر قدر می بینیم‌واز آن امتنان عمیق داریم .

ما همکاری های تمام کشور های دوست راکه در انکشاف اقتصادی‌و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان باخلق‌افغانستان ،باجمهوری دموکراتیک افغانستان مساعدت می کنند بخوشی گرمی و دوستی‌استقبال می نماییم.

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بحیث جزء پالیسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان دوستی باپاکستان وایران راجزءپالیسی‌خارجی خودقرار داده است.

ماصمیمانه علاقمندهستیم‌که درمنطقه صلح برقرار باشد و مناسبات دوستانه بین افغانستان، ایران و پاکستان‌رشد وتکامل کند .

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان انتظاردارد که‌به‌تعقیب سفر مشاورجلالتمآب‌ضیاء الحق‌رئیس جمهور پاکستان درامورخارجی‌شاغلی آغاشاهی که‌به افغانستان صورت می گیرد رئیس جمهور پاکستان جلا لتمآب ضیاء الحق نیز هرچه زودتر به‌افغانستان خواهند آمد تادر افغانستان از طرف دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق افغانستان با گرمی دوستانه استقبال شوند و مسافرت های آغا شاهی و جلالتماب ضیاء الحق به افغانستان‌قدم های مثمری در راه انکشاف دوستی افغانستان و پاکستان خواهد بود وما معتقد هستیم که دوستی بین افغانستان پاکستان و ایران بــه نفع برادران ز حمتکش پـا کستانی و ایـرانـی مانیز می‌باشد.ما یقین داریم همانگونه که‌خلق زحمتکش‌افغانستان دشمنان‌خلق زحمتکش پاکستان و دشمنان خلق زحمتکش ایران را دشمنان خود میدانند برادران زحمتکش پاکستانی ماوبرادران زحمتکش ایرانی مانیز دشمنان خلق زحمتکش افغانستان را دشمنان خودو دوستان خلق‌افغانستان‌را دوستان خود می پندارند .

خلقهای زحمتکش افغا نستان وپاکستان وایران‌بین‌خودبرادر اند و با احساس و رو حیه برادری و برابری در سنگر دفاع از صلح در منطقه ضد تمام دشمنان مشترك خودقرار دارند و از دو ستان مشترك خود دفاع مینما یند . باا ظهار این احسا سات گرم برادرانه برادری به خلق های‌زحمتکش پا کستان و ایران نه میخواهم نا گفته بگذارم که خلق افغا نستان احساس گرم دو ستانه با خلق هند و رشد و تکامل روابط دو ستانه بین افغا نستان و جمهوری هند دارند .

ما معتقد یم که روابط دو ستانهٔ بین خلقهای افغا- نستان و هند آنقدر ریشه های تاریخی و پر افتخار دارد که هر حکو متی که در یکی ازین کشور ها به‌وجود می آید لاجرم به طور ضرورت از منا سبات دو ستانه بین خلق های افغا نستان و هند دفاع خواهند کرد وهرکسی مخالف این دو ستی عنعنوی و تاریخی بین خلقها ی افغا- نستان و هند قرار میگیرد نمیتوا ند تا دیر باقی بماند.

تاریخ‌را‌خلق میسازد‌قدرت نیرومند‌خلق‌است

ما در علا قمندی با حسن دو ستی و همجوا ری با هند پا کستان و ایران با صراحت میگو ییم که باکشور چین‌نیز علاقمند دو ستی میبا شیم و پا لیسی بین المللی ما به صراحت معلوم است که‌تجارب بیش از شصت سال دوستی بین افغانستان و اتحادشوروی و مسا عدتهای فرا وانی که خلق شوروی و دولت شوروی به افغا نستان کرده و میکند نشان میدهد هر کی دشمن شوروی است دشمن ماست هر که دوست شوروی است دوست ماست .با وجود تمام این حقایق که به ارتباط موقف بین المللی جمهو ری دموکرا- تیک افغا نستان به عرض رسانیدم .

جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان شد یدا علاقمند ادامه سیاست عدم انسلاك به سویه بین المللی است ما معتقد هستیم که نهضت عدم انسلاك به نفع صلح ضد امپر یا لیزم ضد استعمار و ضد اپار تاید و صهیو نیزم مبارزه دارد و نقشس مهمی را انجام میدهد .

وفا داری به عدم مداخله در امور یك دیگر درمناسبات بین المللی دفاع از صلح مبارزه سر سخت ضد امپریا- لیزم ضداستعمار ضد اپارتاید ضد صهیو نیزم و تشابه وسیع بین اهداف بین المللی و صلح خوا هی کشور های سو سیا لستی و نهضت‌عدم انسلاك ما را به این معتقد میسازد که کشور های سو سیا لستی متحد ین- طبیعی نهضت عدم انسلاك اند که ما نیز علا قمندی شدید به نهضت عدم انسلاك داریم بخاطر وحدت بیشتر استحکام بیشتر و نیرو مندی بیشتر آن با تمام قدرت و نیروی خود میکو شیم .

جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان با اینکه برای همیشس با امپر یا لیزم بریده است و ضد امپر یا لیزم مبارزه میکند و هیچگاه در پهلوی کشور های استثماری قرار نخواهد گرفت و در پهلوی کشور های سو سیا- لستی همیشه قرار خواهد داشت و ضد استعمار و پا لیسی های جنگ طلبا نه مبارزه خواهد کرد وبه‌سیاست عدم انسلاك وفا داری عمیق خواهد داشت از منشور ملل متحد نیز عمیقا نه و وسیعا پشتیبا نی میکند .

یقین دارم که همه شما رفقای قهر مان این ارزوهای نیك مشترك خود را به تمام همکا ران و کار کنان دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان میر سانید و تمام کار کنان و همکا ران تانرا طوری رهنما یی و تربیه میکنید تا در این پالیسی های

بقیه‌درصفحه۵۸



«تجلیل روز سوم عقرب از عنعنات پر افتخار مبارزات خلق دلیر و حزب قهرمان ما گردیده است.»

رفیق حفیظ الله امین

شنبه ۵ عقرب ۱۳۵۸ ، ۲۷ اکتوبر ۱۹۷۹



پیروزی انقلاب ثور آرمان شهدای سه عقرب را تحقق بخشید

این حقیقت که دودمان نادری استان بوس در بار انگلیس بود ، نزدهر هموطن ما روشن وآفتابیست وواضح است که نادر غدار باعهد وپیمان وشمشیر برهنه در کمر، توسط انگلیسهای آزمند وچپاولگر جهت تاراج هستی خلق وسر کوب نیرو های مترقی و وطنپرست به افغانستان فرستاده ودستور داده شد تا عناصر آزادیخواه وضد استعمار را سر ببرد وندای آزادی رادر گلوها بخشکد!

چنانچه بعد از آنکه همین گودی کوکی امپریالیزم بر سریر سلطنت افغانستان تکیه زد ، چراغ بدست در جستجوی وطنپرستان افتاد وتا توانست کسی را سرزد ، کسی را به چوبهٔ دار بست وعده یی راهم روانه سیه چالها و باانواع مصایب وشکنجه ها دست وگریبان نمود .

به تعقیب آن **اخلاف جنایتکار ش که غلامی وچاکر منشی رازاسلا ف وطن فروش خود بارث گرفته بودند** خط مشی ننگین وجنایتبار آنهارا در آزاروکشتاراولاد راستین این کشور چنان مو بمو عملی نمودند که ارواح خبیثه نیاکان شانرا شاد ونفرین خلق را نثار آنها نمودند .

یکی از ین جنایات وگناهی نا بخشودنی که لکهٔ ننگین دیگری بر جبین خاندان نادری کوبید حادثه سه عقرب ۱۳٤٤ بود که بار دیگر احساس وطنپرستی و آزادمنشی خلق افغانستان راهر انظار جهانیان تثبیت وخصلت اصلی وضد انسانی دودمان تاریخ زده یحیی را هنوز هم افشاء نمود . بدینمفهوم که در آنزمان قانون اساسی نیم بند وقلابی سلطنت ظاهر شاهی که آنهم جهت فرو- نشاندن خشم خلق وفریب توده های عظیم افغانستان بمیان آمده بود ، ودرلفظ بصراحت تمام از ادی فکر وبیان ، **اجتماعات وتظاهرات** مسالمت آمیز را مجاز دانسته بود ، خلق افغانستان **به** استناد آن خواستند تا جریان رای اعتماد شورای آنوقت رابر یکی از حکومات دست نشانده درباری از نزدیک مشاهده کنند ولی گنهگار شناخته شدند وبه امر سردار مستبد و خونخوار (سردار عبدالولی)**توسط عمال دربار زیر رگبار های** مسلسل تانک ها ودیگر سلاح های گرم گرفته شدند وجاده ها را به خون خلق بیگناه وبیدفاع ماکه بجز از قلم وکاغذ در دست نداشتند رنگین نمودند .

آن محکومان تاریخ می پنداشتند که این عمل جنایتبار شان بدوام تسلط ننگین و غیر انسانی شان می افزاید اماغافل بودند ازآنکه قطره های خون شهدای راه آزادی روزی به سیل خرو شانی مبدل میشود وبنیاد ظلم و استبداد رااز بیخ وبن نابود میسازد، و این گفته شاعر عدالت پسندراهم بخاطر نداشتند که :

«خون‌ناحق دست ازدامان قاتل برنداشت
دیده باشی لکه های دامن قصاب را»

راستی خون ناحق شهدای سه عقرب دست از دامان قاتل بر نگرفت وخلق رزمنده افغانستان بعد از آن هچه ساله در همین روز صدای اعتراض را برضد دولتهای خونخوار آل یحیی بلند نموده و مشعل فروزان آن قربانیان راه آزادی را تابناک تر ودرخشنده تر نگهداشتند و نهال آزادی را که باخون شهدای آن ریشه دوانیده بود باخونهای گرم وآتشین خودآبیاری و تنومند ساختند، چنانکه سر بازی وشهادت عبدالقادر قهرمان درسه عقرب ۱۳۵۱ توسط متحدین چپ نمای امپریالیزم وپیروزی انقلاب ثور با قربانی دادن شهدای آن ثبوت خوب این مدعای ماست .

اکنون این روز پر غرور وافتخار آمیز رادر حالی تجلیل وبزرگداشت می نماییم که **پیروزی انقلاب ثور ارواح همه شهدا وقربانیان راه آزادی را شاد ومسرورگردانیده** وارزوی مقدس شانرا که عبارت از آزادی وطن ونجات خلق افغانستان بوده به سر رسانیده است .

مادر حالیکه برخلق تاریخ ساز و شهیم افغانستان که هیچگاه در برابر دشمن به کرنش وتضرع نه پرداخته و پایمردی و شجاعت تمام درراه تامین عدالت ونجات خلق به پیش رفته اند شادباش میگوییم، بر روان پاك شهدای سه عقرب وهمه‌قربانیان راه‌آزادی درود وبر قاتلان شان نفرین می فرستیم .

تابناك باد خاطره شهدای سه عقرب وهمه قربانیان راه نجات خلق ها .

جاودان بادمشعل فروزان راه آزادی .

پیروز باد مشعل داران این راه انسانیت در سراسر جهان .

تبصره

سوم عقرب روز نبرد و افتخار خلق

چارده سا ل پیش از امروز در ز ما ن زما مداری سیاه ظاهرشاه زمانیکه ار تجاع سلطنتی و طبقات حاکمه‌ی ارتجا عی در نتیجه ی مبا رزات پیگیرو قهر مانا نه و خستگی نا پذیر خلق افغانستان وادار به عقب نشینی ها ی نسبی شدند و هکذا چون ار تجا ع و قت به مشوره با دار های امپر یالیستی خو یش دوام حکمر وائی خود را در خطر می دید ند بشکل یك اکت‌دپلو- ماتیك ترکیب دولت و طرز اداره ی خود را ظا هرا تغییر دادند به این معنی که لویه- جرگه ای را احضار و قانون اساسی را دست زده و انتخا با ت قوه ی مقننه را براه اند اختند .

خلق افغانستان واز همه او لتر رو شنفکران متر قی می دا نستند که این تلو ن‌رو ش برای بهبود خلق نه بلکه برای دوام زما- مداری سیاه سلطنت ودیگر طبقا ت حاکمه‌ی ارتجا عی ا جرا می شود . و لی برای اینکه از هر امکا نی بر ای آزادی و پیشر فت نهضت خلق استفاده نمایند با مبارزات خود بر طبقا ت حاکمه و سلطنت فئو دا لی فشار می آوردند تا بخوا ست خلق تن در دهند .

ولی بحکم علم متر قی و تجارب تا ریخی همه مید ا نند که قانو ن و غیره ا کت های دموکراسی ما با نه ی دولت های‌طبقاتی وارتجا عی کلما تیست بروی کا غذ و هر گز در عمل پیاده نمی شود . اثبات کننده ی این ادعای ما رو یداد تا ریخی سوم عقرب ١٣٤٤ است .

قانون اسا سی نام نهاد ظا هر شا هی حاوی موادی بود که از آن می شد چنین ا ستنباط نمود که دولت ار تجا عی امتیاز- اتی راقایل شده‌اند و لی در اولین قدم این استنباط جا مه ی عمل نپو شید، بعد از آنکه اولین شورای قلابی آندوره تشکیل گر دید و حکو مت موظف جهت اخذ رای اعتماد به‌شورا رفت روشنفکران و سا یر افراد وطن خوا ستار آن شد ند تا این جلسه (جلسه ی اخذ رای اعتماد حکو مت وقت) بشکل علنی دا یر شود تا خلق از چگو نگی مو ضوع آگا هی یا بند ولی قبل از آنکه این خواست به بوته ی آزما یش گذاشته شود انقلا بیون مترقی بخلق باز گوکرده بودند که قانون وسایر تعهدا ت دولت های ارتجاعی واز جمله دولت ارتجاعی ظاهر شاهی‌صرف برای حفظ منافع خود شان است و گر خلق بخوا هد از آن به نفع خود استفاده نما یند ارتجاع سلطنتی با همه قوا از آن ممانعت خوا هد کرد .

رو شنفکران وسایر علا قمندان در اطراف مقر شو را جهت استما ع‌و مشا هد ه‌ی‌رای اعتماد هجوم آوردند و لی عمان دو لت‌ازترس آنکه مبا دا و کلای شو رای طبقا تی تحت تا ثیر حضور خلق و مو جو دیت روشنفکر- ان در تا لار شو را هیجانی شو ند و خلاف دسا تیر و فر مایشا ت شان عمل نما یند

ازعلنی بودن این جریان با اعمال زور وقوه مما نعت بعمل آورد ند و یکبار دیگر در عمل ثابت سا ختند که ار تجا ع‌وطبقات حا کمه ی ار تجا عی هر گز به چیزی که می گو یند و فا نمی کنند . مرا جعین که در اطرا ف مقر شورا تجمع نموده بودند

تو سط پو لیس‌وسایر عما ل دو لتی متفر ق سا خته شدند و لی ار تجا ع وحشی بیخبر از آن بود که تقر یبا یك سا ل قبل از آنروز خلق افغانستان برای نجات کا مل خود ازپنجه‌ی استعمار واستثمار ، گر دان پیش آهنگ خود حزب دمو کر ا تیك خلق افغانستان (پیش آهنگ طبقه‌ی کار گر کشور) را تشکیل داده‌بودند واین گردان پیش آهنگ بمثابه مغز متفکرو رهنما ی خلق همه اعمال انقلابی ووطن پر ستا نه ی آنها را تنظیم می نمود و هر اقدا م خلق‌را در مسیر نهضت عمومی ومبارزه ی طبقا تی علیله ستمگر ا ن واستثمار گر ا ن سو ق می دادند .

آری جنبش مختصری که صبح سوم‌عقرب برای یك خوا ست محدود بمیا ن آمد ه بود به یك جنبش عمومی و سرا سر ی‌خلق علیه ار تجا ع تبدیل شد واز یك خوا ست محدود (علنی بود ن جلسا ت رای ا عتماد بحکو مت مو ظف آنوقت)به جنبش عظیم‌ضد سلطنتی و ضد فئو دالیزم تبد یل شد . در را س این همه فعالیت های مترقی وانقلابی حزب دمو کر ا تیك خلق افغانستان وفعالین آن قرار دا شت .

آری جنبش شکل سر ا سری بخود گر فت و ارتجا ع سلطنتی به تکا پو افتاد . در عکس العمل های ظا هری رژیم در وهله ی او ل ودر نیمه ی روز تا نك ها ی ار تجا ع با انداختن بم ها ی ا شك آورو ما نور های رنگا رنگ خوا ستو وطن پر ستا ن را هر ا نسا ن و متشتت‌سازد ولی رزمند گان راه آزادی خلق تصمیم گر فته بود ند که هر چه بیشتر ما هیت واقعی ارتجا ع سلطنتی و طبقا ت حا کمه‌ی ار تجا عی را بخلق بر ملا سا ز ند ازنیرو از عمل با ز نه ایستادند و پیش رفتند .

در ینجایك نکته ی مهم دیگر نیز قابل تذ کر ا ست و آن اینکه دو لت ار تجا عی ضمن این تظاهرات (تظاهرات سوم عقرب با شکو ه ترین د مو نستر ا سیون خلق در طول سلطنت‌ظاهر شاه بود البته قبل از آن نیز عکس العمل ها ئی از طر ف‌خلق تبارز داده شده بود)

اجنت های خودرا موظف نموده بود تا در پهلوی اخلال تظا هرات معلوم نما ید که پیگیر تر ین و مو ثر تر ین عنا صر درین مبارزه کی ها هستند و یقینا نو کر ا ن‌در بار ، حزب دمو کراتیك خلق افغا نستا ن را آشتی ناپذیر ترین دشمن ارتجاع سلطنتی و فئو دا لیزم قلمداد کردند زیرا بعد ازختم تظا هرات سوم عقرب در سا ئر عکس العمل ها و اقدامات دولت محور ضر با ت دو لت وارتجا ع فعا لین و نطا قان این حزب انقلابی قرار داشت .

چون دو لت ارتجاعی ظا هر شا هی وسا ئر عما ل در بار در و جود حزب دمو- کراتیك خلق گور کن های واقعی خود را می دید ند لذا به کمك و مشوره ی امپر- یالیزم و ار تجا ع منطقه همه ضر با ت خود را متوجه حزب دمو کراتیك خلق‌افغانستان سا خت و هر گو نه توطئه ودسیسه راعلیه آن بکار اندا خت . چه این حزب دموکرا- تیك خلق افغانستان بودکه موثر تر ین پیگیر تر ین ، ا صو لی ترین و قهرمانانه ترین مبارزات ضد ارتجا ع‌و امپر یا لیزم‌را براه می اندا ختند .

بعد از آنکه جنبش سوم عقر ب ١٣٤٤ ادامه پیدا کرددولت ارتجـاعی سخت سرا سیمه و وار خطا شد ، وشروع به اقدا مات جدی تر نمود و لی ارتجا ع کو دن وکوتاه فکر نمید ا نست که هر قدر بر عنا صر متر قی ووطن پرست فشار وارد شود همانقدر متشکل می شو ند و به همان پیما نه د ست به اقداما ت ضد ارتجا عی می زنند و هم چنان ار تجاع خیره سر نتا یج اعمال زور خود در سا عات او ل روز نتیجه ی‌درست گر فته نتوا نست چه آن خوا ست ها ی محدود (علنی بودن جلسه ی رای اعتماد)در اثر مداخله پولیس سلطنتی وارتجا ع‌به خوا ست عمده تر و شعار ها ی و سیع تر ضد سلطنت و ضد فئو دالیزم وامپریا- لیزم تبد یل گشت .

بهر صورت زما نیکه ار تجاع خود را در خطر بیند به هراقدامی دون صفتانه دست می زند از نیرو ظاهرشاه بر ای پا شا ن ساختن نهضت اوج‌گیرنده‌ی سوم عقرب١٣٤٤ با همرا هان و همد ستان در باری دا خل مشوره شد و سفا ك ترین ، بی سویه‌ترین وفاشیست مآب ترین عنصر دربار ونزد- یکتر ین عنصر به خود یعنی سر دار - عبد الو لی که در آنو قت علاوه از د امادی و پسر عمو بودن شاه سمت قو ما ندا نی قول اردوی مرکزی را نیز بر عهده دا شت مامور سر کو بی این جنبش نمود .

سر دار و حشی و ستم کیش درآخر ین سا عات روز سوم عقرب ١٣٤٤ در حالیکه بر ما شین جنگی تکیه زده بود به نوکرا ن چا کر ا ن امر آتش بر خلق را صادر نمود ظا هرا این واقعه در حالی رخداد که کا ر- گران ، دهقا نا ن، اهل کسبه ورو شنفکران متر قی وانقلابی و غیره اشترا ك کنند گان مظاهرا ت سوم عقرب اصرار داشتند تا رفقای همرزم شا ن که در طول روز از طرف‌پولیس ا ر تجا ع ز ندانی شد ه بو د ند رها داده شوند ولی جواب این خو است عادلانه ی خلق گلوله های کشنده ووحشیانه ما شین های جنگی ار تجا ع بود که عده‌ای زیادی را بخاك وخون غلتاند وسر دار جبار این ژاندارم درجه یك دربار ظاهر - شا هی بز عم خود چنین می اند یشید که‌بااین کار سفاکانه و ناشیانه ی خود نهضت را برای ابد ختم خو ا هد کر د !؟ ولی در طول تا ریخ چنین بوده و کار نا مه ی حما سه آفرین خلقها شهادت می دهد که حقیقت رانمی شود کشت ونهضت را نمی تو ا ن خفه کرد اگر چه عا ملین وفعالین آنرا بزنجیر بکشند، بدار بیاو- یز ند ، به گلو له ببند ند و ...

بیا د داریم که در هما ن گیرو دار زدو خورد خلق با ار تجاع ودر حالیکه خو ن های عده ای زیادی از قهر مانان روی سر ك‌های اسفالت وکوچه هارا رنگین سا خته بود صدا ها ئی بلند بود که می گفت این خون ها هر گز بهدر نخوا هند ر فت از همین خون ها ست که بیرق خلق ما رنگ خواهد گرف ت از همین خو ن ها ست که رو ی خلق ما سرخ و شاد ما ن خواهد شد آری چنین شد .

نهضت سو م عقرب را می توان سر آغاز جنبش ها ی قا طع ضد فئو دالی و ضد سلطنتی دا نست چه از هما ن تا ریخ به بعد خلق افغانستان مصممانه در راه‌آزادی وشکستن زنجیر های‌ا ستبداد وار تجا ع و امپر یا لیزم بشکل خستگی نا پذیر پو یا شد ند و هر گز از پانه نشستند . زیرا بر خلاف گذشته درین و قت خلق افغانستان گردان پیش آ هنگ و سر سپرده ای نیز در خدمت داشتند (حزب دمو کر ا تیك‌خلق افغانستان) وهمه جنبش ها و نهضت ها و مبا رزات خلق توسط این گر دان درموثر ترین واصو لی ترین راه سوق داده می شد .

از آنروز تا پیر و ز ی انقلاب ثور در پهلو ی‌سا یر مبا رزات خلق افغا نستان همه ساله روز سوم عقرب را با براه انداختن تظاهرات و بر گذاری میتنگ ها و جلسا ت اعتر ا ض آمیز بر گذار کرده اند . ولی ار تجا ع سلطنتی نیز بیکار نه نشسته وساحه‌ی توطئه ودسیسه ی خود را وسیع وو سیع تر سا خته بود و بر ا ی انجام دسایس و توطئه ها علاوه از قدرت دولتی متحدین د یگری را نیز بمیدان آورده بودکه متحدین چپ نمای ا مپر- یالیزم وار تجا ع افر اطی راست در را س آنها قرار دا شت چنا نچه در طی تظاهرات خلق سراسر افغانستان در روز سوم عقرب هر سا ل حوادث دلخر ا ش د یگر ی نیز بوقوع پیوسته وداغی ننگی د یگر ی

بقیه‌در صفحه٥٨

بیرنگ کوهدامنی

۳عقرب

روزحماسه آفرین

گور خونین شهیدان به تو آواز دهد
آتشی راکه فروزان شده خاموش مکن
مابه هوای وفای توگذشتیم از جا ن
دوستان را مبر ازیاد فراموش مکـــن



مرحوم عبدالقادر شهیدکه توسط متحدین چپ نمایی امپریالیزم در ۳عقرب ۱۳۵۱ در هرات به شهادت رسید .

راه مبارزه راهی است دشوار گذر وپرخطر، ونیازمند از خود گذری ها، قربانی هـــا و پذیرفتن شکست ها، نا امید نگشتن به راه پیمایی ، ادامه دادن ودر سر انـجام رسیدن، از قطره گی آغاز کـــردن وپیوستن به دریـا وخود دریا شدن . تردید را، دودلی رادر راه رسیدن به آرمان های انسانی وساختن دنیایی دیگر، در فرهنگ گرانبار ما ، اندیشمندان گذشته ی مانفی کرده اند . عطار آن عارف دل سوخته ،آن عاشق ترین شاعران درهفت- صد سال پیش ازین گفته بود :

گـــر مرد رهی میان خون باید رفت
از پای فتـاده سر نگون باید رفـــت
تو پای در راه درنـه و هیچ مپـر س
خود راه بگویدت که چــو ن باید رفت

باری، مبارزه همیشه قربانی می طـلبد ، مردان میدان می خواهد، گردان پیشتـاز ، دلاوران صف شکن . انقلاب مجلس عروسی نیز نیست عملی است خشونت بارکه طبقه‌ای را از میان برمی دارد وطبقه ای دیگر را با نهاد هایی کاملا متفاوت به میان می آوردکه نیروی بالندگی ، باروی وسرشاری فراوان دارد، انقلاب ثور درختی نیست که در یـك شب قامت افراخته باشد، ریشه های ایـــن تناور درخت در میان توده ها بود وبرگ ـ هایش از خون فرزندان راستین این آب و خاك سیراب گشته ، ازخون شهیدان ۳عقرب. که مانند آن گل لاله که در قصه های صمد بهرنگی آمده ودختری بودبه صورت گل ، به پسر کاکایش که آمده بود تا اورا بچیند وبا او عروسی کند، گفت :

چون بقای لاله‌های سرخ سال‌های آینده‌ی کوهستان بستگی به تخم های من دارد بـه سعادت خود پشت پازد وبا پسرك کاکایش عروسی نکرد، قربانی راپذیرفت وبه‌خوشبختی آیندگان اندیشید .

« می خواهم مرانچینی تاتخم هایم‌راهمه جا میپاشیم وتپه هارا باز پر از لالـه کنم» وبدینسان است که کشور ها در تاریخ خود روز هایی دارند، ملی، روزهای افتخار آفرین وبزرگ واین روزها در شمار روز های عادی نمی آیند، روزهایی اند برجسته که با خط جلی ودرشت درسینه‌ی تاریخ نوشته شده‌اند، وتاپیش از پیروزی انقلاب ثور، در کشور ما از روز هایی کذابی تجلیل می نمودند . از روزهایی که مستبدان وسیاهکاران آنرا به سود خویش تفسیر وتوجیه می نمودند دودمان تاریخ زده ای نادری که با بیشرمی از روند تکامل اجتماعی می خواستند جلوگیری‌نمایند وپویایی وحرکت انسان ها ر ا سد نمایـنـد که برای ملت ماوخلق های ماهیچ افتخـاری نداشت آنان به ناحق واز روی ریا و دروغ خودرافاتح کابل وفاتح تل و میوند مینامیدند، این بی خردان نمی دانستند که افراد فاتحان نیستند ، فاتحان واقعی تاریخ خلق ا نـد و کابل راکسی فتح نکرده وهمچنان میوند وتل را، مگر آن سر بازان گمنام که با خون‌سرخ خود کوهساران را رنگین کردند و صدای تفنگ های شان در کوچه وبازار غــرید . فاتحان تاریخ خلق‌اند، ملت ها، سـربازی‌های گمنا م ، به فلان ، ابن فلان، نه سرداران‌و سالا ران وپــوچ اندیشان ویاوه‌سرایـــان شان که تاریخ نگاران جیره خوار باشند .

تاریخ نویسان بی مسوولیت واجیر که به بلند گویان بی اراده ی در بار ها تبدیـــل شده بودند وهمچنان شاعران ودست به قلمان آزمند همیشه تاریخ میهن ما رابه سودطبقات ستمگر وحاکم تفسیر کرده اند . شرمشان باد زهنگامه‌ی رسوایی شان . این متاع شرف از وسوسه بفروختگان گردونه ی تاریخ را تلاش های مذبوحانه ی بی هنری چند کـه چشم طمع باز کرده اند وکاسه ی گـدایی در دست گرفته اند وشکم خویش را مانند آن زاغ پلشت که سه صد سال بـــه‌پستی‌و خواری عمر گذراند وشکم از گند ومردار آگند نه می تواند از حرکت باز دارد و نه می تواند سمت حرکت آن را تغییر دهد . تاریخ فر زندان راستین خودرا هـــرگـــز فراموش نمی کند .

وچنین بود که انقلاب ثور برای همیشـه تاجاودان تا بیکران کیش سالاری وسرداری را نابود کرد واز میانه برداشت . بعد ازین افتخار بر خـــلق است ، بر سپاهیان‌گمنام، بر فاتحان واقعی تاریخ ، بر رنجبران،زحمت- کشان وبر کسانی که از خون آنان درخت آزادی وانقلاب آبیاری شد .

روزخونین ۳ عقرب در تاریخ نوین میهن ما صفحه ای درخشان است که در طی آن گروهی از جوانان وطن پرست ماکـــه راه شرافتمندانه مبارزه را پذیرا گفته بودنـــد جان خودرا از دست دادند ستـــم کیشان و جباران وژاندارم دوران‌سلطنت فاسد ظاهرشاه ودرراس آنها دیوانه ی تاریـخ آن جــلاد خونخوار، آن تشنه ی خون وطن پرستان و انقلابی ها، آن شاگرد مکتب بیدادموسولینی ها ماکیاول ها وهتلر ها سردار جنرال (!) عبدالولی بر صفوف دلبستگان آزادی انسان برپویندگان راه حقیقت واندیشه های مترقی وانسان های آگاه ، روشنفکران، محصلان، انقلابی های واقعی در روز سه عقرب ۱۳٤٤ یورش بردند ودر ساحه ی مقـدس پوهنتون برناموس و شرافت فرزندان دانشجو کـه سنگری به جزقلم،تجاوز کردند وبااین‌عمل‌لکه به جزقلم، تجاوز کردند وبا این عمل لکـه ننگی در دامان خویش در تاریخ گـذاشتند. وبااین پندار احمقانه وبی پایه که با اینکار می توانند روحیه انقلابی ها ورزمندگان راه آزادی را ضعیف نمایند زهی خیال باطل و افکار پریشان . آنان نمی دانستند که جریان دریا وار ملت هارا نمی توان سد کرد این شیادان تاریخ وپاسداران سیاهی وظلمت با پندار های طاعون زده وبی بنیاد واحمقانـه حتی می پنداشتند که گل مبارزه را بخشکانند وآتش راکه فروزان شده بود خاموش کنند.

آنان که انقلاب ثور نتیجه‌ی جانبازی های شان، فداکاری ها وشهامت های شان است روحیه ایمان ومبارزه را هرگز و هیچگاه از دست ندادند . از دشواری ها ، از فضـــای اختناق وترورواز دام‌هاودانه‌های که دشمـــن می افشاند هراس نکردند وبی اعتنا ماندند. صفوف مبارزه را هرچه فشرده تر و منظم تر می کردند تا این کاروان رابه سر منـــزل برسانند ودیوار سیاه استبداد د لبستگـــان ظلمت را وپاسداران دنیای کهن ، اهریمنان ونابکاران را فروریزندوبرویرانه های‌آن‌دنیایی دیگر بسازند .

شهیدان گل کفن‌فاجعه ی ۳عـــقــرب به‌راه پیمایان اندیشه های نوین درس بزرگ‌دادند، پویندگان راه حقیقت از شکست های موقتی هراسناك نگردیدند ودست از پیکار انقـلابی وآرمان های انسانی شان نبــرنداشتـــندو خواندند که :

بار دگر به جنگ تو خیزد قبیله ام
راضی مشو به فتح خود واز شکست ما

آنان پیروزی خـــود را بـاور داشتند . شهیدان روز خونین سه عقرب آن فرزندان کوهستان ها آن عقابان دور پرواز واز جان گذشته، درفش سرخ مبارزه را تا پای جان بردوش داشتند .

وامروز است که سه عقرب رابه پـــاس‌آن پایمردی ها، آن دلاوری ها وشهامت هاروز فراموش ناشدنی وبزرگ می نامیم .

آن دل سوختگان وعاشقان راه رهایی انسان پیمان انقلاب را باخون سرخ‌خویش امـــضاء کردند وبه این سان یادآن راد مردان ر ا گرامی می داریم ، کاش آن قهرمانان زنده می ماندند واهتزاز درفش سرخ کارگری را در فضای میهن آزاد خویش می دیـــدند . ومی دیدند که کشور شان دیگر از اسارت هاآزاد است ، غــــول سرمایه وفیودالیسم به زانو نشسته ودیو استبداد نابود گـــردیده است وهمرزمان انقلابی شان با ایمان و با شهامت وتقوای انقلابی به سوی جامعه‌ی رها از استثمار انسان از انسان در حرکت اند ودر ویرانه های کاخ های سرنگون شده استبداد ، بنیادی راپی می ریزند که‌ازبـــاد وباران گزند نیابد وتلاش های مذبوحانـــه دشمنان نیزنمی تواند به جایی برسد . چه حقیقت پیروز است . واهریمن مقهور اهورا، دانایی برنادانی ، روشنایی برتاریکی،نوبر کهن پیروز می گردد واین قانون تغییرناپذیر دیالکتیـــــك تاریخ است وازآن گـــــریزی نیست .

شگوفان وسرخ بادگل یاد شهیدان خونین کفن روزسه عقرب .

دعقرب دریمه دانسانی لاری
دپلویانو دسر بښندنې او ویاړ ورځ

که دټولنیز تکامل دتاریخ پاڼی په غورسره واړو، نووبه گوروچی دټولنیز تکامل په هر پړاوکی انسانانو دظلم ، بی‌عدالتی، محکومیت استبداد او بالاخره له استثمارڅخه دخلاصون او دعدالت او خپلواکی دتامین له پاره داسی مبارزی او سر ښندنی کړی دی‌چی هغه‌تل دخپلواکی او دانسانیت دلاری دپلویانوله پاره سر مشق ؤ اووی به .

کله چی په بشری ټولنوکی دخصوصی مالکیت موضوع رامنځ ته کیږی او دهغی په نتیجه کی په ټولنه کی شتمن اونیستمن راپیدا کیږی نو ورسره ټولنه په دوومتخاصمو طبقو (حاکم اومحکوم) ویشل کیږی نوحاکمی طبقی دخپل تسلط اولاس بری ددوا م‌له پاره هرراز وسایل په کار اچوی اوحتی دخپلو ناوړه او شوموګټو دتامین له پاره له هیڅ ډول غیرانسانی عمل ،انسان وژنی او نورو څخه ډډه نه کوی . چی ددغی خبری څرګند ثبوت دمر ئتوبدوران ته په یــوه‌کتنه رامعلومیږی . خودارتجاع او حاکمه طبقاتو د ظلمونو تیریو او استبداد په وړاندی محکومه طبقه (دټولنی اکثریت پرګنی) هم لاس تړلی ندی کښیناستلی اوتل یی ددغو غیر انسانی تیریو او ظلمونو په خلاف دمبارزی غږ پورته کړی اوله سړی جګړی څخه نیولی بیا لــه طبقاتی او یا استعمارګر دښمن سره دجګړی په تاوده ډګرکــــی جنګیدلی او دخپلــو سر ښندنو په نتیجه کی دوخت ارتجاع پــه ګونډوکړی او خپلواکی یی ګټلی، اوکه‌کله ناکله دپرګنو قیامونه له ماتی سره مخامخ شوی‌هم دی، خوبیایی‌هم‌دراتلونکوبریالیتوبونو له پاره لاره اواره کړیده .

حاکمه طبقاتو و یادنورو دځمکو د لاندی کولو مینه والو استعماری قدرتونو تل داهڅه اوهاند کړیدی چی خپل دښمن په هره ممکنه وسیله چی په لاس که یی لری له منځــه یوسی . عام قتلونه یی کړی انفرادی وژل‌یی کړی، کورونه‌یی سوځولی، دمړونوپه‌وړاندی‌یی دخپلواکی دانسانی لاری دپتنګانو پرناموسونو تیری کړی، راز راز ناوړه او غیر انسانی‌اعمال یی کړیدی، ترڅوپه پرګنوکی دخپلواکــی غوښتنی او له استثمارڅخه دخلاصون له پاره دمبارزی روحیه مړه او یاکمزوری کړی، خو هغه څوك چی دانسانی عالی مرام له پــاره مبارزه کوی هغه ته بیا دخپل‌مرام او مفکوری په لاره‌کی دسر اومال قربانول ویاړدی نــه داچی له سربښندنی څخه وډارشی .

تاریخ‌په خپله سینه کــی دانسانــی‌لاری دداسی سربښندونکو کیسی رانقلوی چی‌اوس هم دهغی په اوریدو سره دپرګنو او خلکو دخلاصون او دامپریالیزم او ارتجاع دله‌منځه وړلو دلاری دمبارزینو روحیه پیاوړی کوی او هغه سربښندنه چی دوخت له زورګیر طاقت سره یی په ډغرو وهلوی کړیده، د بشریت دژغورونی دلاری دپلویانو ویــاړګڼی .

دوخت یو استعماری یرغلګر دنورو دځمکو دنیولو په لړکی دخپل نیری او تجــاوز یو مخالف سرتیری چی دخپلی خاوری دناموس څخه ددفاع اوخپلواکــی له پاره جنګیــده ژوندی ونیواو ددغه لوټمار استعماری طـاقت دیرغلګرو مشرته یی بوت هغه امروکړ، چی لاس یی څخنی پری کړی. خوکله چی دهغه څیرونکی لیوه امر پرځای شو و دپر هیــواد اوخاوری مین انسان یولاس غوڅ شو، نوبه بل لاس یی خپلی وینی راوخیستی او پرخپل مخ یی پوری کړی . په دغه وخت کی له‌دغه قهرمان مبارز څخه ددی کار دعلت پوښتنه وشوه . هغه په ډیرویاړ اوسر لوړی سره ورته وویل : خپلی سری وینی می ځکــه پرخپل مخ پوری کړی چی نه غواړم زمادښمن دمرګ په وخت کی هــم زمارنګ‌ژیړوګوری.

دادی دانسانیت او دپر خپلواکــی مینو انسانانو دعقیدی پوخوالی او سر ښندنه چی په کومه لاره چی دخلکو او خاوری دژغورنی له پاره مبارزه پیل کړی نوبیاپه دغه لاره‌کی له سر ښندنی او قربانی څخه ډډه نه کوی .

که نه نومرګ په هرحال کی بداو خراب دی په تیره بیا دهغو کسانو له پاره چــی دعقیدی څښتان وی اوزړونه یی په راتلونکی باندی، په روښانه راتلونکی باندی له امید څخه ډك دی . خوژوندی پاتی کیدل هم په هربیه اوهر شرط سره دانسانانو وړانــدی . څکه هیڅکله باید دهدف لاره منتفی نکړی.

که چیری ژوندی پاتــی کیدل دحیثیت دلاسه ورکولو دپستی په قبلولو له عزت او آبرو څخه دتیریدلو او په سیاسی اواجتماعی عقیدی باندی پښواینبودلوپــــه شراطوی‌نو مرګ سل څله پردغه راز ژوند باندی شرف لری .

دقهرمان افغانستان د ویاړلی تاریخ سره بابونه ددی شاهدی ورکوی چی افغانانــــو هیڅکله دپردیو تسلط او یا دپردیو د لاس پوځواوتالی څټو واکمنی ته غاړه نه ده ایښی اوتل یی دوطن دژغورنی نجات او دموکراسی په لاره کی نه ستړی کیدونکی مبارزی کړی اونه هیریدونکی قربانی یی ورکړی دی .

ددی لرغونی او ویاړلی ټاټوبی غر اوسمه، دره او دښته او هــره تړه او ډیــره ددی حماسه هستوونکو افغانانو دکارنامو شهادت ورکوی چی څرنګه یی دتاریخ په هر موړکی دجابرو او یرغلګرو خوله ور ماته کړی‌اوټیټ سر اوژیړرنګ یی شړلی دی .

سمه ده چی قهرمانو افغانانو دلومړی ځل له پاره داسیا په زړه کی دپرنګی استعماری یر غلګر شمله ټیټه کړه اوه ختوری یی له خپلی خاوری څخه وشاړه او خپلواکی یــی وګټله خواستعمار خپل لاس پوځی (غدارنادر) دخپل مکارانه سیاست په نتیجه کی بیایه بل رنګ دافغانستان پرخلکو تحمیل کړ . غــدار نـادر او دهغه اولا دی پخپـل‌وار

سره هغه نومیالی او هیواد پالونکی قهرمانان چی دخپلی خاوری او خلکو سره یی مینه درلوده په راز راز دسیسو او توطئو تـــرور کړل له منځه یی یووړل او نورو کوټوته یی واچول خو قهرمان افغانان ددی خپلواکــی خاوری سرلوړی ګربتان دخـــپلی‌سپڅلـــی خاوری پرسینه باندی نه دامپریالیــــزم او ارتجاع توره پښه پریږدی اونه دامپریالیزم دګوډاګیانو کرغیړنه پښه .

هغه ؤ چی دیحیــــی داولادی دواکمنــی درانسکورولو له پاره اصولی ډله ییزه مبارزه پیل شوه او دافغانستان دخلکو دموکــراتیك ګوند (دهیواد دکارګری طبقی مخکښ) جوړ شوچی دکار ګری طبقی دوران جوړونکــی ایدیالوژی یی دخپلی مبارزی دلاری بــل‌مثال وګرځاوه او ددغه ځلانده مثال په رڼا کــی خپله طبقاتی مبارزه دزیار ایستونکی انسان دژغورنی له پاره پرمخ بیوله او له یوی ورځی نه یی بلی ته پوخوالی پیدا کاوه اوآبدیده کیده .

دافغانستان دخلکو دموکراتیك ګوند پدی ټکی پوره باور درلود چی ددموکراسی له‌پاره مبارزه دسوسیالیزم له پاره. له مبارزی سره ژوراونه بیلیدونکی اړیکی لری نو دهمدغــه اصل په پام کی نیولو ســره یی دخلکــو ددموکراتیکو حقوقو او آزادیو دساتنـــی او دموکراسی له پاره دمبارزی لارښوونه کوله.

دظاهرشاهی واکمنی په توره دوره کــی دماګوژی او خلکو غولولو په مقصد د دی لپاره چی خپله دواکمنی موده څه لانوره هم اوږده کړی تش په نامه ددموکراسی ډنډوره وغږول شوه اودوخت له تبلیغاتی وسایلــو څخه یی پدی نارو سورو دخلکو غوږونه‌کاڼه کړل چی ګواکی دلته په سلطنتی دوره کی دموکراسی ده چی صدراعظم دپارلمان له‌خوا درایوپه ګټلو انتخابیږی او اعلام یی کړه چی دصدراعظم درای اخستلو دجریان دکتلو له پاره چی په علنی توګه هیوادوال کولای شی چی دشورا تالارته ورشی . خوکله چی ۱۳۴٤ کال دعقرب په دوهمه ورځ دپوهنتون محصلان دپوهنی زده کــوونکی او مترقــی روښانفکران دشورا تالارته دجریان دکتلوله پاره ورغلل نود ظاهرشاهی حکومت دتش په نامه دموکراسی پرده څیره شوی او دغــه دامپریالیزم دلاس پوڅی حکومت داړونکــی څیره ښکاره شوه .

دوخت ارتجاعی حکومت دبرچو او سپین خولیو پولیسانو په زور دشور تالار ته دمترقی روښانفکرانو دننوتلو مانع شول اوبه زیات شمیر وطنپرستان یی بندیان کړل . دهمدغی ورځی په سبا یعنی دعقربدمیاشتی‌په‌دریمــه نیټه بیادپوهنتون محصلان دپوهنی زده‌کوونکی دیوی مسالمت آمیزه مظاهری په ډول جــی دافغانستان دخلکو دموکراتیك ګوند (دهیواد دکارګری طبقی مخکښ) دغړیو له خــوایی لارښوونه کیدله راووتل او دوخت صدراعظم

دکورپه لوریدی مقصد. وخوځیدل ترڅو چی خپلی غوښتنی (دبی ګناهو بندیانو خوشــی کول) ورسره طرح کړی خــود ظـاهرشاه استبدادی حکـومت دغه حرکت د خپل عمرد لنه‌والی یوه نښه وګڼله اوددغی نښی‌دله‌منځه وړلو له پاره له یی دبی‌ګناه انسانانو له‌وینو تویولو څخه ډډه ونکړه او دټانکونوماشینګنو اوټوپکو داوربل امریی ورکړ او دقیرسرکونو دپاسه یی دخپل کرغیړن سلطنت داستبدادی واکمنی دسپیڅلو مخالفینو قهرمانو مبارزینو وینی جاری کړی چی په دی توګه دخاوری اوخلکو دښمن ظاهرشاه اودده دباند اصلی څیره رسوا شوه .

دغه کارنه یوازی داچی دخلکو زغورنــی دلاری داصیلو مبارزینو روحیه ونه وژله بلکی لایی پیاوړی کړه اوهره ورځ تر پخوا ورځی زیات دافغانستان دخلکو د دموکراتیك ګوند پرشاوخوا راټول شول داځکه چی ددی قهرمان هیواد خلکو دړك کــړه چی دادافغانستان د خلکو دموکراتیك‌ګوند دی چی په رښتینی توګه سره دسلطنتی استبداد د رانسکورولو او دیوی بی استثماره ټولنی دجوړولو له پاره مبارزه کوی .

دافغانستان دخلکو دموکراتیك ګوند نــر هغی نیټی راوروسته هرکال دعقرب دریمه‌نیټه دمظاهرو میتنګونو او اعلامیو په ترڅ کــی نمانځلی او دوخت دارتجاعی رژیم استبداد او بی عدالتی یی رسوا کړی دی او ددغی نیټی دشهیدانو روح ته یی درودونه استولی دی او هرکال یی دزیار ایستونکو دژغورنی دسری لاری دشهیدانو په وینو باندی لوړه کړی او ویلی یی دی چی ترڅو ستاسی هیلــی تر سره نکړو آرام به نه کښینو .

دغی لوړی ته وفاداری دافغانستان دخلکو دموکراتیك ګوند وفا دار غـــړی اروابناد عبدالقادر شهید له شهادت څخه ښه‌جوتیدای شی چی دعقرب ددریمی نیټی د کــالیزی دنمانځنی په مظاهره کی په ۱۳۵۱کی دهرات په ښار کی پداسی حال‌کی چی دخپل ګوند سور بیرغ ، دهیواد دزیار ایستونکو پرګنو دویاړ سمبول یی پراوږو ؤ دامپریالیزم ا و ارتجاع دکوکی‌نیانځکو دمخکینی پلان‌اوتوطئی له امله په شهادت ورسید .

دخلکو لاری وفادار ارواح ښاد عبدالقادر شهادت دافغانستان دخلکو ددموکراتیك‌ګوند صفونه لاپسی ټینګ او پیاوړی کړل او تر پخوازیات‌یی دارتجاع اواستبداد درانسکورولو اودهغوی دانسانی ضد اوخلقی ضدماهیت په افشاء کولوکی‌هڅه‌اوهاند وکړ.

دتور دځنځیر ماتوونــی‌کی‌انقــلاب‌بری‌چی زموږ په هیواد کی داستثمارګرانو دغــه انسان ډوله لیوانو واکمنی دتل له باره پای ته‌ورسوله اوزموږ په دنقلابی خاوره کــــی‌یی دتاریخ یونوی سوږباب پرانیست دهمدغــو سرو وینو دتویدلو او داصیلو انقلابیانو د مبارزو او سر ښندنی نتیجه ده .

اوس زموږ پدی حماسه هستوونکی هیواد کی داستثماردله منځه وړلو آزادی د لاری دشهیدانو امیدونو او هیلو غوړی غوړیدلی او لاپسی‌غوړیږی . زموږ زیار ایستونګـــی‌خلك هیڅکله دخپلو سر سپارلو مبارزینو کارنامی او سربښندنی نه‌هیروی بلکی هر وخت یی یادونه تازه ساتی اوروح ته یــی درودونه استوی او دهغوی په لاری پل ږدی .

نوله همدی امله دعقرب ددریمی نیټــی دشهیدانو یادتازه ساتو او د هغوی په‌قبرونو دعقیدت ګلونه ږدو او دغیرت ډیوی بلوو .

ژونـــون

سیمای درخشان زندگی درده‌سال آینده

عاقل بیرنگ کوهدامنی

پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان (پیشاهنگ طبقه‌ی کارگر کشور) که‌به تاریخ اول عقرب ۵۸ تحت ر یاست رفیق خردمند حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومړی‌وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان درقصر گلخانه خا نهٔ خلق دایر گردید وجلسات آن هنوز ادامه‌دارد دور نما یی ازده‌سال آینده افغانستان رانشان دادو باردیگر خلق مارا که‌ازسالیان درازی‌در تحت ستم‌های ملی، فرهنگی، نژادی ومذهبی قرار داشتند مژده رهایی وآزادی داد. حزب دموکراتیك خلق افغانستان ازهمان نخستین روزهای تشکیل خویش تااکنون تاوقتی که انقلاب ثور را به‌یاری قوای مسلح خلق افغانستان به پیروزی رساند درمرامنامه‌ی درخشان خویش مژده‌ی‌آزادی خلق ، نوید رهایی وساختن یك‌زندگی آبرومند وشگوفان راداده بود، اعضای بادرد این حزب پیشتاز درمیان خلق می‌رفتند واندیشه های مترقی و پیشرو را تبلیغ می‌کردند وگسترش‌می‌دادند. وبااین کارخود اندیشه های انقلابی زمان رابه نیروهای مادی مبدل می‌کردند· سخنی تکراری است که بنویسیم انقلاب ثور یك حادثه غیرمنتظره نبوده وازسالیان درازبه‌این سو شرایط عینی وهنی این رستاخیزملی و میهن آماده گردیده بود شرایط عینی آنکه توده وخلق نمی خواستند با همان شیوه‌ی پوسیده‌ی استبدادی حکومت داران بر آنان حکومت براند . وحکمروایان نیز دیگر نمی‌توانستند باهمان ابزار های فرسوده و شیوه های کهن استثماری ودرلباس رفورم های نیم بند اجتماعی ودموکراسی های قلابی وجمهوریت های عوامفریبانه خلق رابفریبند خلق باقبول اندیشه های انقلابی به نیروی بزرگ مادی‌برای‌دگرگون‌کردن زندگی‌خویش تحت راهنمایی حزب دموکراتیك‌خلق‌افغانستان بدل گردیده بود وازین دیدگاه شرایط ذهنی نیز میسر بود، وکلاسیك های‌ایدیالوژی مترقی در تعریف شرایط ذهنی گفته اند:

«شرائط ذهنی آنگاه پدیدمی‌آید که توده ها به‌صورت منظم وآگاهانه تحت راهنمایی حزب طراز نوین طبقه کارگرگردانید وبه مرامنامه وشعار وجهان بینی‌علمی ایمان بیاورند»چنین بود توده های زحمتکش افغانستان که درطول تاریخ درد شوار ترین شرایط برسرمی‌بردند وچشمان شان باسیاهی واستبداد خو گر فته بود وبه‌سبك زندگی درقرون وسطی و حتی پیش ازآن عمر به‌سر می‌بردند در زیردرفش سرخ کارگری متشکل گردیدند ، یك مشت محکم شدند ،اراده نمودند ونظم فرتوت سلطنتی آل یحیی را فرو ریختند درسرلوحه انقلاب ثور نیز به‌خلق تحت‌ستم افغانستان مژده ها ووعده های زندگی سازداده شد، اما اراده های شخصی ودیکتاتوری های فردی گاهی درراه پویایی واقعی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان موانع وسد ایجاد می‌نمود، بعد ازپلینوم مورخ۲۵ سنبله ۵۸ برگی دیگر وصفحه‌ی دیگر درتاریخ حزب پیش آ هنگ‌ما وزندگی اجتماعی ماروی داد، برای مدتی در فضای کشور مافضای ازترس وو حشت‌ایجاد گردید وسازمان اکسا بااعمال غیرمسوولانه خویش در گستردگی این فضای و حشتبار سهم‌ی عمده داشت· تاآنکه نام آن دستگاه به (کام) کارگری استخباراتی مو سسه که مجهز باجهان بینی علمی طبقه کارگر استو اعضای آن فرزندان راستین این مرزوبوم اند تبدیل گردید واین گامی است انقلابی درراه تحقق آرمان خلق وآرزوهای شان از دولت کارگری شان جلسات شورای وزیران وپلینوم کمیته مرکزی ، که‌به رهبری رفیق حفیظ الله امین رئیس شورای انقلابی منشی عمومی‌کمیته مرکزی‌حزب‌دموکراتیك‌خلق افغانستان‌ولومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان برای بحث وگفتگو درجریان است، رویدادی شگفت دیگر در تاریخ میهن مابه حساب می‌آید·

دراین جلسات بودکه رفیق امین بررهبری دسته‌جمعی تاکید کردند وباتواضع انقلابی تصریح نمودند که‌امور کشوری رایك شخص یك‌فرد، نمی‌تواند به‌پیش‌برد·
تاریخ کشورها نیز این‌واقعیت رابه اثبات رسانیده است که افراد نمی توانند بی‌اتکابه توده ها امور مملکت داری‌را به پیش ببرند، خواستهای ، مردم ، نیازهای توده‌ها راتحقق بخشند این‌رهبری‌دسته جمعی است که‌می‌تواند این امررابه‌پیش ببرد، چنانکه پیشوای کبیر کارگران جهان گفته‌است :«ماآنوقت میتوانیم کشور ی را درست اداره کنیم که: آنچه راتوده ها حس می‌نمایند ماآنرا به درست ترین صورت آن‌بیان کنیم»·

اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان وشورای وزیران‌جمهوری‌دموکراتیك افغانستان وانقلاب ووفا داری صادقانه‌به‌خلق به‌دور هم گردآمده اند ودر سر نوشت میهن خویش قلم می زنند، وجهان بینی‌علمی طبقه کارگر رابه‌تحقق میرسانند· ودرپی ساختن افغانستان شکوهمند، سر بلند ورها ازستم طبقاتی، وپس ماندگی های اقتصادی واجتماعی اند، فرزندان راستین این‌آب وخاك این‌ایمان آورندگان به آزادی واقعی انسان بادرك مسوولیت عمیق‌آن‌خشت‌های‌نخستین‌کاخ زوال ناپذیر افغانستان شگوفان فردا را اینك می‌نهند·

درسرآغاز جلسات اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان رفیق حفیظ الله امین ،سیمایی ازده سال آینده افغانستان راترسیم کردند که‌طی دو پلان پنجساله جمهوری دموکراتیك افغانستان‌جامه‌ی عمل می‌پوشد·

این مژده برای همه‌وطنپرستان ، برای‌همه دلدادگان راه آزادی ورهایی انسان از استثمار انسان غرور انگیز و افتخار بخش است·

درده سال آینده ،مابه زندگانی نو ن ودرخشانی می‌رسیم واین نوید ازنوع آن‌مژده های نیست که ستمکاران وبیداد گران برای خلق برای فریب دادن آنهایی دادند، ومرام های نیم بند شان در صفحات کاغذمی‌ماند وجنبه‌های عملی پیدانمی کرد· آنان درلفظ دموکرات وآزادی خواه، وطرفدار پیشر فت های اجتماعی وایجاد زندگانی نوین بودند· امابرای عمل یك گام برنمی داشتند آنان نمی‌خواستند که‌درمیهن به‌صنعت تو جه گردد چون اگر کشوری صنعتی گردد طبقه کارگر پدیدمی‌آید وجهان بینی‌علمی خویش را به بار وری وشگوفای می رساند واین به‌سود سرمایه داران وصاحبان وسایل تولیدنیست. باری ازصنعتی شدن افغانستان عزیز همیشه مستبدان وحکمروایان آل یحیی وپادشاهان پیش ازآن وازآن بیشتر نیز درترس وهراس بودند آنان افغانستان رابه حالت‌کشور نیمه زراعتی می‌خواستند، وفیودالیزم را تقویت می‌نمودند ، ازبیداری دهقانان واتحاد آنان با کارگران این سازندگان دنیای نوین درهراس جاودانه به‌سر می‌بردند ·

اما اکنون که‌درکشور عزیز انقلاب ثوربه رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان به پیروزی رسیده است وماراه رسیدن به‌جامعه‌ی بدون استثمارفرد ازفرد رادر پیش گرفته‌ایم به‌صنایع سنگین وزراعت نوین توجه جدی می‌گردد اعضای شورای انقلابی واعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان‌پس ازین باایمان پرشور انقلابی وبدون اینکه‌به مقام وجاه بیاندیشند همه دریك صف بادرك وظایف حساس وبزرگ شان چرخ دولت را به‌پیش میرانندوباتقوای سیاسی وانظباط‌حزبی به‌پیش می‌تازندوافغانستان راسربلند ومترقی وشگوفان می‌سازند·

درده سال آینده به‌مساله فرهنگ که از سیاست نمی‌تواند جدا باشد توجه جدی‌به‌عمل می‌آ ید درپالندگی فرهنگ خلق تلا ش صمیمانه صورت می‌گیرد · تفوق‌های زبانی ونژادی رابعدازین درکشور مانمی تواند راهی باشد، واین سیاست پوسیده چاکران امپریالیسم که‌درمیان توده ها تفرقه ایجاد می‌کردند دیگرکار ی ازپیش نمی‌بردواین‌تیر به‌خاك‌می‌نشیند·

استعمار همیشه کوشش دارد که‌در لباس فرهنگ نیز دست به‌عوامفریبی بزند واز مبارزات خلق برای آزادی دموکراسی صلح وترقی جلوگیری نماید . استعمار دانشمندان وفرهنگیان دانشمند رابه نیرنگ های مختلف می‌خواهد به‌سوی خویش بکشا ند ودر مغزآنان تخم‌انحراف رانکاردوازوظیفه‌ی اصلی شان‌آنان را باز دارد· امادر میهن ماپس ازین چنین نخواهد شدودولت خلقی مابه مساله به‌نام فرهنگ‌خلق توجه جدی وصمیمانه دارد واستعمار گران راکه‌در لباس بخواهند مردم ما راگمراه نمایند می‌شناسد .
درده سال غرورآفرین‌آینده‌که ضامن‌زندگانی نوین به‌شمار می‌آید، بابیسوادی مبارزه بی‌امان صورت می‌گیرد، واین غول راکه از سال های دراز به اینسو خلق مارا آزرده است ازنفس می‌اندازیم،واجازه زندگی بیش ازین برایش نمی‌دهیم·

درساحه تعلمات واندوختن دانش ویادگرفتن گام‌های بلندی برداشته می‌شود وبه عنصر دانش که‌سرچشمه ی دگرگونی به‌حساب‌می‌آید توجه آگاهانه صورت می‌گیرد اگر انسان خرد ودانش وآگاهی نداشته باشد نمی تواند در امر تکامل اجتماعی آن‌گونه که‌ضروراست‌سهم جدی وفعال بگیرد·

درده‌سال آینده که‌در کشور ماسه مشعل تابناك مصوونیت، قانونیت وعدالت‌همچنان به روشنی می‌تابد· مامالکان واقعی افغا نستان عزیز هستیم دیگر دست بیگانه را یارای آن نخواهدبود که ثروت‌ملی وطبیعی‌مارابه غارت برند· باکمك های صمیمانه کشور های دوست‌وآنانی که‌سال پیش ازین دیوسرمایه دارای راشکست داده ودر راه بنیاد جامعه‌ی بدون استثمار گام براشته و اینك ثمره‌ی‌آن‌را برمی دارند· مامی‌توانیم پروژه های بزرگ اقتصادی وصناعتی وزراعتی خویش راگسترش دهیم‌وبه‌باروری برسانیم·

به‌پیش به‌سوی ساختن جامعه‌ای در خشان آزاد وسربلند ورها ازاستثمارفرد از فرد .

بمناسبت روز ملل‌متحد

ارسالی اداره اطلاعات ملل‌متحد

اشتراك ملل متحد در مبارزه جمهوری دموکراتیك افغانستان علیه‌بیسوادی

دسترس به تعلیم وتربیه و بوسیلهٔ تعلیم وتربیه به میراث واندوخته فرهنگی انسانی تقریبا مانند غذا، لباس ، ومسکن ازحقوق طبیعی هر شخص میباشد .

به پیروزی از همین تعهد اساسی برای انکشاف انسانی بوده است که ملل متحد ازبدو تاسیس مساعی کشور های عضو خودرا در فراهم ساختن فرصت های تربیوی بصورت رسمی وغیر رسمی حمایت کرده است . معهذا باوصف کوشش هادر ظرف این سه دهه، تعداد بیسوادان درجهان روبه افزایش است . اعلامیه سمپوزیم بین المللی منعقده پرسیپولس در سال ۱۹۷۵ حاکیست که «این انعکاس دهنده ناکامی پالیسی های است که در مقابل ارضای خواهشات اساسی انسان بی تفاوت میباشند .» این گفته راجع بحالت قبل از انقلاب ثور افغانستان کاملا صدق میکند . فعالیتهای متشکل تربیه اکابر در افغانستان تاریخچه درازتر از یك دهه دارد امااین فعالیتها به مشکل بقسمت کوچکی ازنفوس کشور تماس گرفته میتوانست . باسواد شدن بذات خود بحیث یك هدف تلقی میشد نه آنکه وسیله ای برای تغییرات اساسی بشری پنداشته شود .

انقلاب ثور یك تحول کاملی رادرپرنسیب وطرق مبارزه با بیسوادی بوجود آورد . اکنون این مبارزه به وسیعترین مفهوم آن یك نهضت بزرگیست که هدف آن نه تنها آموختن مهارتهای اساسی درسوادآموزیست بلکه ایجادوقوف وآگاهی درمیان مردم راجع به تحول اجتماعی واقتصادی و نقش غیرقابل انکار ایشان در اعمار یك افغانستان نوین میباشد .

کمك ملل متحد در مبارزه علیه بیسوادی بایست در مقابل این پس منظر دیده شود . مساعی اورگانهای ملل متحد با تعلیم‌وتربیه اکابر درین کشور سابقه بیشتر از دهسال دارد. معهذا طوریکه در مورد همه چنین کمك هاصدق میکند معاونت ملل متحد از آنچه که‌هدف سیستم ملی‌بوده است، نمیتوانست کار بیشتری انجام دهد . قبل از انقلاب ثور سه اورگان ملل متحد فعالیتهای مربوط به سواد آموزی اکابر راکمك میکردند.

پروگرام انکشافی ملل متحد صندوق ملل متحد برای فعالیت های مربوط به نفوس صندوق انکشاف بین المللی سویدن و اف.ای.او هریك ازین شعبه فوق یك ساحه مخصوص تربیه اکابر را طوریکه دستور مخصوص خود شان تعیین کرده بود کمك میکردند : پروگرام انکشافی ملل متحد پروژه مربوط به پلانگذاری و تطبیق « پلان ملی سواد آموزی اکابر » راتمویل میکرد صندوق‌انکشاف بین‌المللی سویدن واف.ای.او پروگرام سواد آموزی رابرای دهقانان عضو کوپراتیف معاونت مینمود وصندوق ملل متحد برای فعالیتهای مربوط به نفوس پروژه سواد آموزی راکه مربوط به رهنمایی صحت فامیل بود کمك میکرد .

خیلی تجارب قیمتدار ی بدست آمد ومواد مفید سواد آموزی تدوین گردید که وظیفتا به‌گروپهای مطمح نظر ، مانند دهقانها، اعضای کوپراتیف ها وزنان ارتباط میگرفت . کتابهای متعدد قرائت کمك درسی تولید گردید وتجارب در طرح نصاب تعلیمی،تربیه، وروی وارزیابی نیز حاصل گردید . همیشه این دست آورد ها هنوز هم در وظایفی که رویدست داریم ارزشمند میباشد .

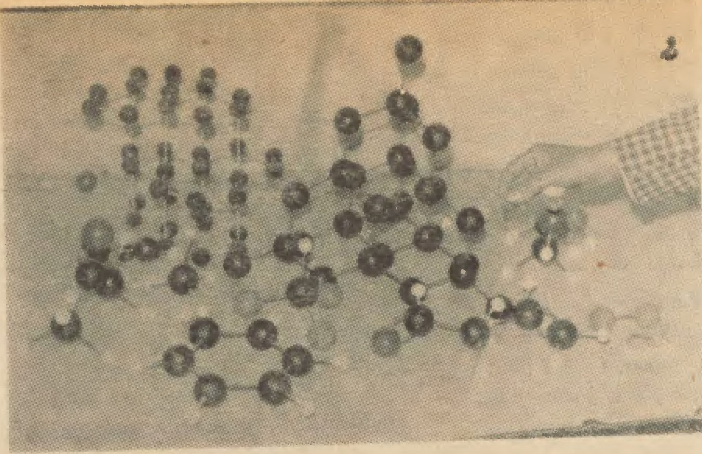
معذالك نمیتوان ادعا کرد که همه این مساعی تاثیراتیراکه از سرمایه گذاری های مادی وتخنیکی توقع برده میشد بوجود آورده باشد. برای وسیع ساختن پروگرام مبارزه بابیسوادی جهته پخش سواد آموزی در توده ها ارادهٔ سیاسی موجود نبود . ماشین تشکیلاتی نیز ضعیف بود وجرات برداشتن گامهای بزرگ را نداشت . ونتیجه آن بود که تا شروع انقلاب ثور سواد آموزی محض به چند هزار نفر معدود در پنج ـ شش‌ولایت رسیده بود وبس . در تحت چنین شرایط کمك ملل متحد که طور اوسط سالانه به سیصد هزار دالر میرسید محض تاثیر محدودی میتوانست داشته باشد ـ بیشتر محدود به تربیه یك کدر کوچکی دربعضی مهارتهای اساسی بود .

انقلاب ثور شروع یك عصر جدیدی د ر ساحهٔ تعلیم اکابر در افغانستان بود سواد اکنون یکی از اهداف مهم انقلاب را تشکیل میدهد وهمان مقامی را داراست که امحای فیودالیزم دارا میباشد . این یك پروگرام بزرگیست که در ظرف پنجسال بیشتر از۸ ملیون نفر را در بر میگیرد وهمهٔ افرادمیسر ومنابع رادر کشور بسیج می کرد . این یك اقدامیست که در جوامع دارای نظیر این اهداف نمونه شده میتواند .

عکس العمل ملل‌متحد جهت فراهم ساختن کمك تحت این روحیه جدید واین هدف مشتاقانه بود . شکل جدید کمك ملل متحد سه ممیزهٔ مهم دارد :

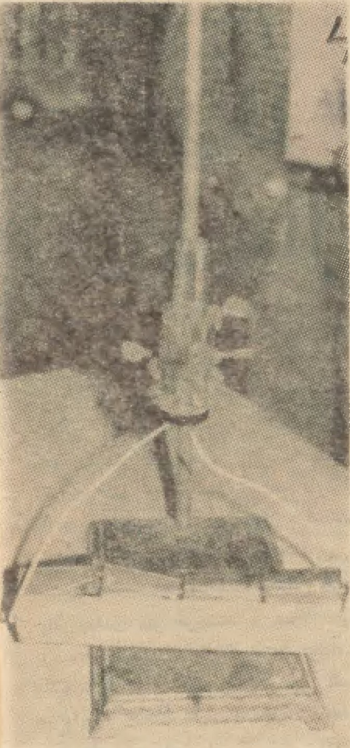
(الف) سه شعبهٔ ملل متحد یعنی پروگرام انکشافی ملل متحد، یونسیف و صندوق ملل متحد برای فعالیتهای مربوط به نفوس

بقیه‌در صفحه ۵٦



ارسالی اداره اطلا عات ملل‌متحد

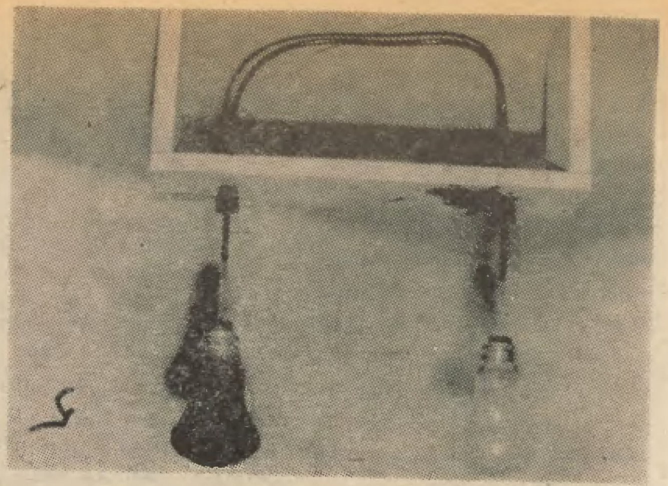
تجهیزات ارزان‌قیمت‌ساینس برای‌مکاتب



یکی ازعوامل بسیار مهمی که‌درکوشش‌برای پیشبرد تدریس ساینس وریاضیات بایست مدنظر گرفته شود اینست که چگونه اینهارا عملی ساخته وبا واقعات زندگی روزمره‌ارتباط داد. واضحست که‌تجهیزات ووسایل کمك های‌درسی برای برآوردن این احتیاجات‌اساسی میباشد. سامان وتجهیزات‌که درکشور های صنعتی تولید میشود اکثرا گران و خیلی اختصاصی بوده وباشرایط واحتیاجات محلی مناسبت نمیداشته باشد.

پیشبینی شده است که سیستم تعلیم وتربیهٔ افغانستان درآینده قریب توسعه عظیمی خواهدیافت . درعین حال مساعی‌جدی بعمل میاید تاکیفیت تعلیم‌وتربیه بهترگردیده ومفیدترشود. مرکز ملی ساینس. یك شعبهٔ وزارت تعلیم وتربیه موظف به‌انکشاف‌وتولید مواد ووسایل کمك درسی جهت مضامین ساینس وریاضیات برای سویه ها ی مکاتب ابتدایی وثانوی میباشد. مرکز مذکوردرحریم پوهنتون کابل واقع شده است. اگر چه جزپوهنتون نمی‌باشد. مجموع اعضای این مرکز به‌صدنفر میرسد که‌ازین جمله ٤٠ نفر آنها آمران شعبات ساینس و ترتیب دهندگان نصاب تعلیمی میباشند. ۱۵ نفر در فعالیتهای تولید مواد اشتغال دارند. این مرکز دارای شعبات ریاضیات ،فزیك، کیمیا بیالوجی، تعلیم وتربیه محیطی . تحقیقات تربیوی وریسرچ‌میباشد.

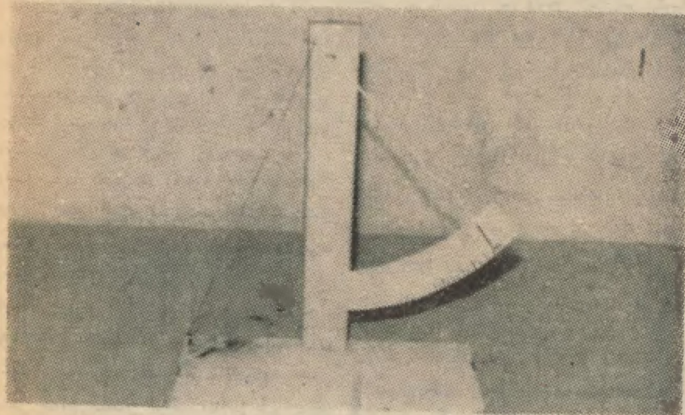
مرکز ملی ساینس که‌درسال ۱۹۷۱تاسیس گردید مصروف انکشاف نصاب تعلیمی‌ومواد تربیوی برای ساینس وریاضیات تا نوی تربیه داخل خدمت نظارات از تدریس‌ساینس وریاضیات وریسرچ تربیوی در ارتباط به فعالیتهای فوق میباشد . فعالیتهای این‌مرکز ازجانب یك پروژه یونسکو برای تربیه در ساینس کمك‌می‌شود. بوسیله این پروژه تربیه اعضای مرکز ساینس هم‌درخود مرکزوهم بوسیله یك پروگرام فیلوشپ هابا تاکید بالای اشتراك در ورکشاپ های منطقوی و بازدید های مطالعوی صورت میگیرد. برای انکشاف تجهیزات تزریق مفکوره های جدید وداشتن نظر وسیع درمورد روشهای تربیوی اساسی می‌باشد. پروگرام تربیوی بر ین



تجهیزات ووسایل به‌ترمیم وحفظ ومراقبت احتیاج میداشته باشند ومرکز چنین‌تسهیلات رانیز فراهم مینماید.

بحیث یك‌فعالیت مهم ، مکتبی برای تربیه تکنیشن های لابراتوار مکاتب نیز تاسیس شده‌است. مرکزملی ساینس مسوول‌تدویر امور تربیوی و کورسهای این مکتب می‌باشد.

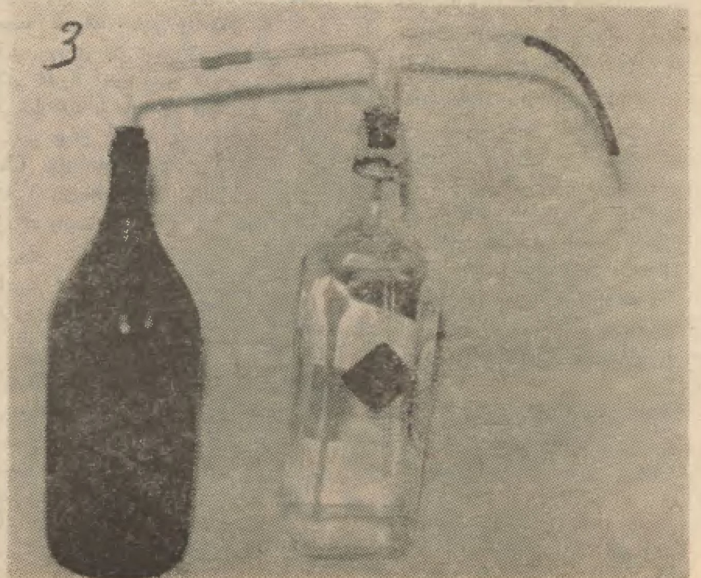
مرکز ملی ساینس ، درطول عمر هشت ساله خود بحیث یك‌واحد فعال در داخل سیستم تعلیم وتربیه درآمده است. بوسیله کمك های یونسکو وپروگرام انکشافی‌ملل‌متحد که‌برای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ به هفتصد هزار دالر میرسد وبشکل ترینگ تهیه مشاور وفراهم ساختن موادتربیوی ومواد خام‌می‌باشد. چنین پیشبینی شده‌است که‌مرکز مذکور رول مهمتر ومبتکرانه‌تری رادراصلاح وتنظیم مجدد تربیه ساینس وریاضیات در افغانستان انجام بدهد.



جنبه هارا تاکیدمیکند.

براساس کتب درسی ساینس جعبه های وسایل کمك تدریس برای ریاضیات فزیك کیمیاوبیالوجی تهیه گردیده است. هدف آنست‌که‌تاحد ممکن ازمواد ومنابع میسرمحلی استفاده شود. بعلاوهٔ پائین نگهداشتن سطح مصارف ، متوافق ساختن مواد محلی و اتکا بخود طور اتوماتیك درپروسه مضمرمیباشند. درطول سال گذشته مجموعا ٤٤٠ جعبه‌وسایل کمکی تدریس تکمیل گردید وبمکاتب ثانوی درکشور توزیع شد. بادرنظر داشتن‌اینکه اصلا تسهیلات ورکشاپ در مرکز برای‌دیزاین وتهیه نمونه هامیباشد رقم تولید جعبهٔوسایل درخور توجه می‌باشد. بعلاوه جعبه های شخصی یك‌تعداد وسایل دیگر نیز برای کمك به‌تدریس ساینس وریاضیات تولید گردیده است. بوسیله دایرشدن ورکشاپها در مرکز را جع به تکنالو جی تربیوی مفکوره هاودیزاین ها انکشاف یافته است. دربن کارها ازپرسونل خارج از مرکز ساینس نیز استفاده گردیده است. که از ایشان هم بمنظور جمع آوری مفکوره هاوهم برای نشر وگسترش مفکوره ها کارگرفته شده‌است. برای یك‌پروژه نمونوی در تعلیم و تربیه محیطی اخیرا یك جعبهٔ مخصوص انکشاف داده شده‌است که کاملا باموادکورس توحید گردیده است. درین منابع محلی‌کاملا استفاده بعمل آمده است که‌بادرنظر گرفتن هدف کورس دارای اهمیت زیادیست.

مرکز ساینس باداشتن دونظارت چی درهر ولایت فعالیت های خودرا در سراسر کشور گسترش میدهد این ناظرین مرکز ، معلمین مکاتب رادر سروظیفهٔ شان‌کمك میکند ، بوسیله ناظرین ورکشاپها وسیمینار ها طرز استعمال وسایل ومواد تولید شده در مرکز ساینس برای معلمین یاد داده می‌شود. در تهیه وتولید کتابهای رهنمای استعمال وسایل ممدرسی مساعی قابل ملاحظه‌ای بعمل آمده است.



کنترول توبر کلوزدرافغانستان

درنتیجهٔ تتبعات وتحقیقاتی که‌درسی سال گذشته بعمل آمده بالاخره مرض سل قابل جلوگیری وعلاج شده‌است. اکنون ممکن‌است که‌یك پروگرام کنترول توبرکلوز بر اساس یك تکنالوجی ساده وارزان معیادی طرح گردد .

چنین پروگرامی بدون شك میتواند موفق باشد. مشروط برآنکه باشرایط احتیاجات و تسهیلات یك کشور متوافق شده با شد. معهذا ازلحاظ اینکه در مقابل پرابلمهای‌موجود محلی راه حل یکرنگ که‌درهمهٔ مواقع قابل تطبیق باشدموجود نیست بکارانداختن‌موثریك پروگرام کنترول توبرکلوز میتواند مواجه بمشکلات شود ، هر کشور وحتی حصص مختلف یك مملکت بعضی او قات‌بایست راه مخصوص‌به خود رادر تطبیق‌طریقه‌های امتحان شده کنترول توبر کلوز در یابدکه باشرایط خود شان به بهترین وجه متوافق‌باشد.

درافغانستان مانند بسیاری کشورهای‌دیگر توبر کلوزبحیث‌یکی از بزرگترین پرابلم‌های صحی باقیمانده‌است در حدود تقریبا ۳۰فیصد اطفال الی سن۱٤درحال حاضرمصاب به توبر-کلوز میباشند ویك تعداد نسبتا زیادجوانان که مولد ترین‌قسمت نفوس‌را تشکیل میدهند معروض‌ومصاب باین مرض‌میباشندکه‌انعکاس دهنده یك حالت اپیدیمك خطرناك میباشد. وزارت صحت عامه افغانستان از وضع‌بخوبی آگاه بوده وتوبر کلوز را بحیث‌یکی‌امراض ساری ای‌میداند که بایست‌بدرستی‌در کشور کنترول گردد. یك تقلیل‌تدریجی پرابلم‌بحیث وظیفه دراز مدت‌تمام عناصرخدمات صحی‌کشور میباشد .

سهمگیری بین‌المللی درپروگرام کنترول توبرکلوز افغانستان یك تاریخ طولانی‌دارد (درحدود۲۵سال) ، اما چنین سهمگیری به پیمانه موثر در ۱۹۷٤-موقعی آغازشد که همکاری حکومت افغانستان پروگرام انکشافی ملل متحد سازمان صحی جهان‌یونیسیف‌پرو-گرام مواد غذایی جهان وموسسه‌همکاری‌بین-المللی جاپان‌متحداء متشکل‌شده وبحیث‌عناصر همکارپروگرام درآمدند .موسسه‌ملی‌توبرکلوز درهمان سال تشکیل گردید که بحیث مرکز برای تربیه وتتبعات‌پروگرام‌شد .ازآن تاریخ ببعد انکشاف قابل‌ملاحظه در فعالیتهای‌مربوط به‌کنترول توبرکلوز درکشورمشاهده‌شده‌میتواند یك شبکه اختصاصی موسسات‌کنترول‌توبرکلوز درسرتاسر کشورموفقانه‌ایجاد شد که مشتمل از ٦ مرکز منطقوی و ۲۲مرکزولایتی‌میباشد اقداماتی‌بطرف توحید فعالیتهای‌کنترول‌توبر-کلوز با خدمات‌عمومی صحی‌گرفته شد:درحال حاضر ۳۸فیصد واکسیناسیون ضدتوبرکلوز و۲۳فیصد تشخیص وقایع مرض‌بوسیله‌واحد های خدمات اساسی صحی‌صورت میگیرد

بقیه در صفحه ٥٦

غ: صمیم

طرح قانون اساسی بزرگترین وثیقهٔ ملی ج،د،ا

اریکه نشینان رژیم های فردی راه رسم وآئین چنین است که همیشه بی رحمانه اکثریت جا معه و مولد ین نعمات مادی ومعنوی را به زنجیر بکشند و از پوست گوشت آنها زندگی خویش را رنگین ورونق بخشند ودر پرتو چنین اندیشه منفی ضد کرامت انسانی و حقوق بشری ملیونها انسان از هرگونه مزایاو معیشت محروم مانده و جز حسرت واشفته حالی توشه ندارند وعلی الرغم آن یك مشت اقلیت ستمگراز بهترین زندگی مستفید بوده وبصورت افسانوی حیات به سرمی برند طبعادر جوامعی که تسلط فردی فرمان می راندهمه پلان‌هاو برنامه های آن درراه منافع فرد صرف وعملی میشودوبه این روش منافع جمعی قربان منافع فردی میگردد • تحت این گونه شرایط حق تلفی، بی‌عدالتی ، آدم کشی بی سوادی، و به همین ترتیب ده ها و صد ها فجا یع چون مکروب کشنده گریبان گیر اکثریت عظیم در چنین جوامع معروض به علت شده راه رفاه و موفقیت را بروی آنهامی بندد وقوانین؛ مقررات ولوایح، همه منافع فردی را تضمین می کند، واز حقوق حقه اکثریت که مولدین نعمات مادی را در جامعه تشکیل میدهند ، چشم می پوشد، و لی با این همه بیداد گریها و حق تلفی ها صورت آشتی ناپذیر بین ستمگر و ستمکش مجادله به طور آگاهانه ونا خود آگاه ادامه پیدامی کند وبالا خره رهبرانو رهنمایانی در صنوف و مشاغل عرض‌وجود می کنند و خط فاصل استثمار گر را از استثمارشونده‌مجزا ساخته‌وصف‌های زحمتکشان جهت سرکوبی و سرنگونی قدرت های حاکمه جبار مستحکم وبسیج میشوند و خلق طغیان میکند و ستمگران را ازجهان و دنیای انسانیت ایجاد میگردد قبل‌از انقلاب شکوهمندثور مشت ستمگر بالای خلق‌قهرمان ما حکومت‌میکردند وقشربی هویت جاکران ارتجاع وامپریالیزم نیم قرن خلق‌زحمتکش وملیت های وطن پرست مارا در آتش کشیدند و صد ها و هزار ها جوان مترقی ووطن دوست دربای دار، سیاه چال ها سزنان های رژیم های مستبدآل‌یحیی جان دادند .

قانون اساسی وسایر قوانین و لوایحی که در عصر استبداد ظاهر داود و نادرغدار ونافذ شده همه آن در محور منافع اریکه نشینان سلطنتی وفیودالان خون آشام و عمال‌فاسد و نوکران ارتجاع وامپریالیزم می‌چرخید ازقوانین بحیث روپوش تدویر ویرا به جهت استثمار و به زنجیر کشیدن خلق و ملیت های وطن پرست استفاده بعمل می آمد واین وضع باعث شد که نفرت وانزجار خلق روز تاروز اوج بگیرد وجهت رهائی از قید اسارت وزندگی ملالت بار مبارزه صورت گیرد ، همان بود حزب‌دموکراتیک‌خلق افغانستان « پیش آهنگ طبقه کارگر » که۱٤ سال به خاطر نجات خلق از چنگ رژیم های استعداد کش‌دودمان آل‌یحیی وآخرین سردمدار آن داود خون‌آشام مبارزه میکرد به‌قوماندہ مستقیم رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولمړی وزیر و فداکاری اردوی قهرمان خلق وبه‌پشتیبانی‌بالقوه‌وبالفعل خلق، انقلاب کبیر ثور پیروزشد قدرت درکف وارثین واقعی انتقال یافت و بتاسی از پلان ها و برنامه های انقلابی تحولات عمیق ودگرگونی های شگرفی در حیات اقتصادی ، اجتماعی‌فرهنگی ، وغیره خلق وملیت های برادر پدیدآمد کاروان انقلاب به سوی افق های روشن و تابناك پیش میرفت و کدر رهبری حزب با آگاهی

ومتانت مسیرمترقی انقلاب را تعقیب مینمود واندیشه مترقی وآئین پرولتاریا شخصیت پرستی را محکوم مینمود و در چنین موقع بود کدر رهبری حالت و رسالت تاریخی خود را به ثبوت رسانید و کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان پلنوم تاریخی۲۵ سنبله رادایرنمود ورفیق‌حفیظ الله‌امین به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولمړی وزیر ، از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان وشورای انقلابی انتخاب شدند•

رئیس شورای انقلابی بابیانیه تاریخی خویش و تحقق پذیرفتن شعار مصئونیت ، قانونیت ، وعدالت ، صفحه نوینی به‌حیات خلق باز کرد و با پیام‌پر محتوا پرتلالو انقلابی خود کارکمیسیون تسوید و تدوین قانون اساسی وبزرگترین وثیقه ملی خلق قهرمان افغانستان را آغاز نمودند، کار تسوید و تدوین قانون اساسی جدید ازطرف کمیسیون های منتخب تحت ریاست رئیس شورای انقلابی به‌شدت پیش میرود واین اطمینان و افتخار دل هروطن پرست رادر سینه به خوشی می آورد که قانون اساسی ما به زودی تدوین و نافذ میگردد ودر پرتو این قانون مصئونیت ، قانونیت ، وعدالت ،طوریکه شایسته عصر نوین ماست تحقق‌پذیرفته وزمینه برای ایجاد یك جامعه بدون استثمار فرد از فرد مساعد میگردد .

احسان

امواج‌نیرومند مبارزات آزادی‌خواهی درامریکای‌لاتین

عصر کنونی‌ماشاهدمبارزات قاطعانه واشتی ناپذیر بین‌استثمار گران واستثمار شوندگان و بطور عموم بین خلق ها وامپریالیزم بشدت جریان دارد . واقعیت های حوادث جاری سیاسی بین المللی بطور انکار ناپذیرنشان میدهد که دوران تسلط امپریالیزم به پایان رسیده ودوران نو وشگوفان انقلاب های‌خلقی کارگری ورهایی بخش آغاز گردیده است. ناکامی ستراتیژی های جهانشمول امپریالیزم در سرتاسر جهان به سقوط دیکتاتوری های استبدادی وروی کار آمدن دولت های جوان ومترقی در صحنه جهانی بازتاب گویای این حقیقت می باشد .

امریکای لاتین‌که سالهای طولانی منبع سرشار مواد خام انحصارات امپریالستی را تشکیل میداد وچشم طمع استعمارگران بدین ناحیه جهان بطور مداوم دوخته می باشد . امروز کاملا در شرایط جداگانه‌ای قراردارد. خلقهای امریکای لاتین از مبارزات‌خروشنده وانقلابات کارگری در آسیا واز قیام های آزادی خواهی مردمان قاره افریقا الهام گرفتند . تشکل ها وانسجام مبارزات سیاسی درامریکای لاتین بخصوص دردههٔ اخیر بطور قابل ملاحظه ای رشد و گسترش یافته‌است. عقب ماندگی وحشتناك اقتصادی واستثمار وحشیانه ارتجاع والیگارشی محلی عوامل اساسی ای اند که خود باعث تشدیدمبارزات طبقاتی درین جا گردیده است . ولی امپریالیزم وارتجاع بین المللی برای اینکه به استیلای خود وعمر ننگین چاکران خود بیفزاید در امور داخلی این کشور ها آشکار ویا پنهانی دست می زنند . بطور مثال سقوط دولت قانونی سلوادور النده توسط ارتجاع چلی به کمك مستقیم امپریالیزم بین المللی ازنمونه برجسته پوسیدگی تجاوز وغارتگری یی زرداد خانه امپریالیزم بشمار می رود . به تمام جهانیان روشن است که در زمان حکومت مترقی وانقلابی النده جامعه چیلی بطور روز افزونی عقب ماندگی های اقتصادی خودرا رفع نموده ودر سیمای مادی و معنوی جامعه تغییرات اساسی ورادیکال به میان آمد . وبرای خلق چیلی زمینه وسیعی بمیان آمد تادرراه اعمار جامعه فراوانی و فاقد استثمار فرد از فرد گام های متینی بردارد.

این دوران که از سال ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۳ ادامه یافت معادن بزرگ مس، آهن و فولاد که دردست انحصارات امپریالستی و مالکین بزرگ وابسته قرار داشت ملی اعلام گردید.

سکتور دولتی اقتصاد تقویت گردید و کنترول شدید بالای تجارت خارجی صورت گرفت ، اقتصاد جامعه در این دوره شگوفان وانقلابی کاملا از وابستگی ارتجاع، کاپیتالیزم وامپریالیزم رهایی یافت• برای رهایی‌دهاقین از استثمار فیودالان ریفورم های بنیادی‌بمیان آمد ودر سرتاسر کشور سیستم کوپراتیف زراعتی با شیوه ها واسلوب های علمی تعمیم یافت بطور خلاصه سطح عمومی زندگانی خلق بلند برده شد وشاهراه تمدن واعمار جامعه سوسیالستی طبق اندیشه ها و تیوری دوران ساز طبقه کار گر فراهم گردید . برای ارتجاع وامپریالیزم بین المللی اتخاذ چنین سیاست اقتصادی چیلی دیگر قابل تحمل نبود از ینرو بابی شرمانه ترین شیوه باارتجاع سیاه چیلی دمساز گردید و بکمك داردوسته پینوچت رژیم انقلابی و قانونی‌النده را سقوط داد . ازهمان لحظه استقرار رژیم ارتجاعی تراژیدی المناك سراسر جامعه ودامان خلقهای چیلی را فرا گرفت . ولی این اعمال وحشیانه امپریالیزم و ارتجاع‌محلی هرگز مبارزات قهرمانانه خلق چیلی رانابود ساخته نتوانست، توده های وسیع مردم برضد دیکتاتوری واستعمار داخلی دست به قیام ها ومبارزات مسلحانه ای زدند .

در برازیل نیز امپریالیزم بین المللی بعد از سقوط حکومت لیبرال جوگ گولادرت در سال ۱۹٦٤ دیکتاتوری رادر آنکشورتاسیس نموده وبخاطر تاراج بی رحمانه ثروت های ملی خلق برازیل از هیچگونه جنایت شانه خالی ننمود . دولت جدید ارتجاعی برازیل برای اینکه از منافع امپریالیزم پاسداری نموده باشد برای سرمایه‌گذاری وانحصارات امپریالستی پنتاگون زمینه فراخی مساعد نمود به همین ترتیب‌اوضاع سیاسی واقتصادی در بعضی از کشور های دیگر امریکای لاتین ازقبیل ال سلوادور، ارجنتاین و یوراگوای نیز عینا به همین منوال می باشد . تمام این اعمال بی بندوباروبدون کوچکترین احساس مسوولیت در مقابل بشریت صرف برای بلع نمودن ذخایر ومنابع سرشار طبیعی‌بالخصوص ذخایر نفتی این‌گوشه جهان چیزی دیگری نمیباشد .

طوریکه قبلا ذکر گردید مبارزات خستگی ناپذیر خلقهای امریکای لاتین در برابر ارتجاع داخلی وامپریالیزم پیوسته توسعه می پذیرد .

انقلاب های زنجیر شکن که در سالهای اخیر در قاره آسیا، افریقا و امریکای لاتین یکی پی دیگری به پیروزی رسید توازن قوا

بقیه در صفحه ٤١

از سپوتنیک

یک گام تا نابودی

مترجم عبدالله (سعیدی)

در اول سپتمبر ۱۹۳۹باحمله فاشیست های هتلری بالای پولیند جنگ دوم خانمانسوز جهانی که پنجاه ملیون انسان را از بین برد آغاز گردید . از آن وقت تاحال چهل سال میگذرداامامردم هنوزهم سوال‌های رنج‌باری بخود میدهند، جنگ چرا آغاز شد؟ آیا میتوانست کاری کردکه جنگ بوقوع نمی پیوست؟

درسپتمبر ۱۹۳۸ صدراعظم وقت انگلستان نیویل چمبرلین سه مرتبه نزد هتلر به برلین پرواز نمود . تابالاخره در ۲۹ سپتمبرمعاهده مونشن بین انگلستان وجرمنی امضا گردید. در نتیجه امضای این معاهده چکوسلواکیا از هرنگاه به فاشیست ها گذاشته شد، بعد از باز گشت در میدان هوایی لندن چمبرلین حین فرودآمدن ازطیاره کاغذی رادردست‌داشت وآنرا به مردم نشان میداد وبه بسیار مسرت میگفت : «این است صلح برای نسل آینده ما» درین سند چنین تذکر رفته بود . «مااین معاهده را وهمچنین موافقت نامه بحری بین جرمنی وانگلستان رابه قسم سمبول تمایل تلقی نموده که هیچوقت با یکدیگر به‌جنگ مبادرت نخواهیم ورزید وتمام مسایل را در آینده بطور قاطعانه از طریق مشوره و مذاکرات با یکدیگر حل وفصل خواهیم نمود.» در قسمت اخیر کاغذ امضا های هتلر وچمبرلین ثبت گردیده بود . حال از اسناد فاشیستها که بدست آمده چنین نتیجه گیری میشود . جرمنی در سال ۱۹۳۹ ممکن بود بالای پولیند حمله نمی کرد اگر میدانست که در سرحد نه تنها در مقابل عساکرپولیند بلکه در مقابل عساکر شوروی نیز قرارمی گیرد. پس چه علت باعث اخلال این کارشد. وبه چه ترتیب سال فلاکت بار ۱۹۳۹ برای خلق اروپا آغاز گردید .

در بهارهمین سال از تمام اطراف و اکناف اروپا بوی باروت بمشام میرسید . عساکر ایتالیا البانیا را در تصرف خود درآوردند جرمنی الغای معاهده بین آلمان و انگلستان را اعلام داشت ومعاهده عدم تعرض باپولیند نیز فسخ گردید.

در نیمه اول ماه می سال ۱۹۳۹پوتومکین معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی به رهبران وقت پولیند اظهار داشت که اگر پولیند متمایل باشد از کمك همه جانبه دولت شوروی برخوردار خواهد شد . اما رهبران وقت پولیند که‌بادولت شوروی خصومت طبقاتی داشتند پیشنهاد شوروی را نپذیرفتند وبا اتکا به معاهده همکاری متقابله بافرانسه کسب گیرائی از طرف دولت انگلستان رهبران مرتجع وقت پولیند از کمك های صمیمانه شوروی ابا ورزیدند . به این ترتیب حکومت وقت پولیند تحفه خوبی به هتلر تقدیم کرد .

بتاریخ ۲۳ ماه می سال ۱۹۳۹ یعنی یك روزبعد از امضای «معاهده آهنین» با ایتالیا هتلر رهبران رایش رادر اطاق کار خود احضار کرد ودر جلسه مخفی که ازپروتوکول آن فقط یك نقل ترتیب گردید و در آن تصمیم ذیل اتخاذگردیده بود : «مساله ترحم بالای پولیند بکلی ملغی قرار داده میشود ودر اولین فرصت مناسب پولیندراباید مورد حمله قرار داد» اما چندی قبل ازین در ۱۱ اپریل هتلر فرمان دیگربه تمام قوای مسلح خود صادر نموده بود . درین فرمان ذکرشده بودکه اهداف عمده قوای جرمنی این است تادر مدت بسیار کم قوای عسکری پولیند را محو ونابود نمایند . برای این کار پلان حمله ناگهانی باید ترتیب داده شود .فرمان حاکی ازآن بود که از اول سپتمبربه بعد قوای جرمنی در هر لحظه برای حمله بالای پولیند آماده باشند .

به‌این ترتیب برای نخستین بارتاریخ آغاز تراژیدی بشریت نام برده شد .

بادر نظر داشت تحلیل همه جانبه ناشی ازخطرات جنگ اتحاد شوروی چندین بار پیشنهاد نمود که علیه متجاوزین باید بطور متحد عمل شود وقاطعانه تلاش مینمود تا با انگلستان وفرانسه موافقتنامه همکاری‌متقابله منجمله در ساحه دفاع امضا نماید . بتاریخ ۲۱ ماه می سال ۱۹۳۹ سفیر اتحاد شوروی در لندن به وزیر خارجه وقت انگلستان صریحا اظهار داشت . «اگر چه اتحادشوروی بطور منفردانه توسط قوای خود هرنوع جنگ دفاعی رابه نفع خود خواهد کشانید اما به تنهایی نمیتواند از وقوع جنگ جلوگیری نماید . به این لحاظ اتحاد شوروی حاضر است تا بامماك دیگر روابط همکاری متقابله برقرار نماید » اما پیشنهادات شوروی از جانب رهبران وقت فرانسه وانگلستان‌مورد قبول قرار نگرفت . آنها سعی مینمودند تا بالای شوروی معاهدات یکجانبه را تحمیل نمایند وشوروی را با جرمنی در میدان جنگ بکشانند وانگلستان وفرانسه از جنگ دورتر باقی بمانند. درین قسمت رهبران امپریالیستی امریکا از آنها حمایت کامل مینمود . اوضاع روزبروز حادتر میشد، هر دقیقه وهر ساعت نهایت پرارزش بود . اتحاد شوروی یکبار دیگر به‌رهبران انگلستان و فرانسه در مورد اوضاع وقت پیشنهاد یه صادر نمود

واز آنها خواستار شد تا هیات های نمایندگی آنها درمسکو باهم مذاکره نمایند. در لندن سفیر شوروی به افتخار هیات نمایندگی فرانسه وانگلستان ضیافتی ترتیب نمود. در ضمن بین ایوان مایسکی سفیر شوروی در لندن وجنرال درکس رئیس‌هیات نمایندگی انگلستان گفتگوی ذیل رخداد:

– لطفا اگر بگویید که به کدام تاریخ عازم مسکو میشوید ؟

– تاهنوز تصمیم نهایی درین مورد اتخاذ نگردیده‌است.

– شما حتما پرواز خواهید کرد ؟

– نه خیر زیراکه هیات نمایندگی فرانسه وانگلستان به چهل نفر میرسد وبا تمام محمولات پرواز در طیاره چندان مساعدنیست.

– ممکن است در یکی از کشتی های سریع الحرکت جنگی خود به‌مسکوخواهید رفت ؟

– نه‌خیر، زیراکه درین‌صورت تقریبابیست افسر کشتی مجبور اند جاهای خود را به ماوا گذار شوند . این کار تکلیف اضافی ایجاد مینماید .

– در ینصورت دریکی از کشتی های سریع الحرکت مسافربری خود عازم خواهید شد؟ وقت بسیار خطرناك است شما باید هر چه زودتر عازم مسکو شوید .

جانب مقابل آشکارا خواهان ادامه گفتگو نبود. فقط بتاریخ ۵ اگست در کشتی مسافربری « سیتی اف اکستر» بطرف‌مسکو روانه گردیدند .

اتحاد شوروی به هیات نمایندگی خود تاکید کرده بود تا باماموربن فرانسوی و انگلیسی معاهده دفاعی امضا نماید . مارشال ژوکوف درین مورد در خاطرات خود چنین مینویسد :

«انگلستان وفرانسه ماموربن فرعی درجه دوم خودرا فرستادند که صمیمانه خواهان مذاکرات از ماموریت مخفی آنها آشکاربود که انگلستان نمیخواهد هیچ نوع تعهدی را متحمل شود ودست وپای خودرا ببندد.آنها وظیفه داشتند تا گفتگو را بسیار بطی پیش ببرند از احتیاط کار بگیرند وبه فرمول بندی های عمومی اکتفاء نمایند . »

هیات نمایندگی اتحاد شوروی که وروشیلوف وزیر دفاع وقت ریاست آنرا بعهده داشت سه‌نوع پیشنهاد رابه جوانب مقابل‌ارائه‌نمود. اما آنهانه تنها پیشنهادات را نپذیرفتند‌بلکه مذاکرات را نیز خاتمه دادند . قسمیکه بعد ها آشکار شد درین وقت دولت انگلستان گفتگو های مخفی را با هتلر پیش میبردهدف آنها تنها این بود که جرمنی علیه شوروی قرار بگیرد وباجرمنی معاهده عدم تعرض امضا نمایند . سفیر جرمنی در انگلستان دیرکسن دریادداشتهای خود چنین نوشته بود: «در صورت امضای معاهده عدم تعرض انگلستان امکان می یابد تا از گرانتی های خود در مقابل پولیند فارغ گردد به این ترتیب مساله پولیند جدیت تام خودرا از دست میدهد .»

در آنوقتیکه جنگ روزبروز به سرحدات شوروی نزدیکتر میشد اتحادشوروی چاره‌یی جز آغاز مذاکرات با جرمنی نداشت . در ۲۳ اگست معاهده عدم تعرض بین آلمان و شوروی در مسکو امضا گردید .

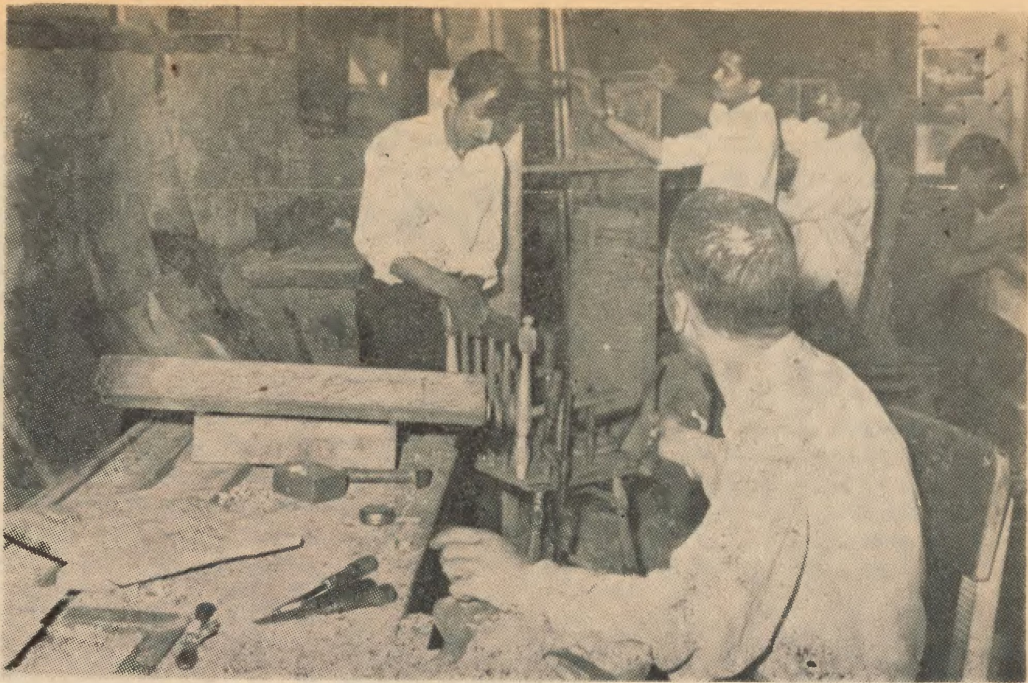
این معاهده پلان آنانیرا که میخواستند جرمنی را علیه شوروی در میدان جنگ بکشانند خنثی نمود .

در تابستان سال ۱۹۳۹ جاپان بالای جمهوریت خلق مغلستان حمله نمود زیراکه به‌آغاز جنگ بین آلمان وشوروی عقیدهٔ‌کامل داشت . بدین ترتیب پلان شوم آنها نیز موثر واقع نگردید .

بقیه درصفحه ٤١



ترتیب پلان برای حملهٔ ناگهانی



کندن کاری روی چوب درکشور ما تاریخ خیلی قدیم دارد

صنایع نجاری در کشور ما تاریخ دیرپای دارد

کابل از جمله شهر های بزرگ صنعتی کشور ما محسوب میگردد وجود فابریکه های خورد وبزرگ باعث گردیده که یك تعداد زیاد از صنعت گران در این فابریکه ها جذب شوند اما در پهلوی این فابریکات بزرگ وکوچك، هستند دستگاه هایی که توسط یك یاچند نفر اداره میشوند وشکل صنایع خصوصی رابخود گرفته‌اند.

در این هفته روی سخن مابه نجاری، کنده‌کاری، چوب بری وخرادی است و به صورت عموم میتوان گفت به صنعت نجاری. این صنعت مانند سایرصنایع دستی‌انکشاف قابل ملاحظه نموده است . بااینکه درگذشته محدودیت های زیادی برای صنعتگران بوجود می آوردند ولی با تمام این ها این صنعت راه خودرا در قطار سایر صنایع باز کرده است .

صنعت نجاری را میتوان به چند شعبه تقسیم‌کرد:

کندن‌کاری، موبل سازی ، خرادی، صندوق سازی ، پرکاری وصنایع ظریف دیگر مانند سیت سازی و غیره و ساختن دروازه وکلکین برای ساختمان ها .

اگر به تاریخ این صنعت نظر بیاندازیم میتوانیم تاریخ آنرا تابه قرن ها قبل یعنی تاپنج هزار سال بشماریم .

چوب بری هاو کندن‌کاری های که روی چوب صورت گرفته وآثار آن هنوز باقی است تاریخ آنرا خیلی پیش از تاریخ‌اسلام نشان میدهد . ولی کمتر آثاری از این صنعت باقی مانده . بهر حال نجاری از جمله صنایع است که در کشور ما عمومیت دارد. این صنعت تنها در کابل محدود نمانده بلکه در تمام ولایات افغانستان رواج دارد .

ابتدا شعبه بزرگ این صنعت را که عبارت از ساختن وتهیه وسایل اولیه یك ساختمان ومشتمل بر کلکین ، دروازه، سقف وغیره است به‌شما معرفی میکنیم وبا یکتن از صنعت گریکه پیشه ساختن این وسال رابعهده دارد به‌گفتگو‌می‌نشینیم‌وازش دران مورد معلومات می‌خواهم.

اسمش غلام سخی است وسابقه سی سال کار در رشته نجاری دارد .

می پرسم کمی در این مورد روشنی‌اندازد میگوید :

برای شما معلوم است که هرقدر تمدن بلند برود به همان پیمانه سطح زندگی نیز بلند می رود . وقتیکه سطح زندگی بلند رفت توقعات وخواسته هانیز زیاد میگردد و همین امر باعث میشودکه صنعت نیز رشد و ترقی کند.

حرفه ما هم بستگی به این تحولات دارد. مثلا اگر در گذشته شخصی خانه می‌ساخت طبیعی بود که‌آن خانه‌به وسایلی مانند دروازه، کلکین ، سقف وغیره ضرورت دارد بناء برای خانه خویش این وسایل را تهیه می کرد اما بشکل ساده وابتدایی آن . اما امروز همان خانه ویا خانه دیگر از این وسایل نیز استفاده میکنند منتها به شکل اساسی تر آن به‌این ترتیب حرفه ماهمیشه درحال تحول بوده وخواهد بود .

- آیا منازل کانکریتی صدمه به کارهای شما نمی زند ؟

هیچوقت . زیرا هر خانه کانکریتی بازهم به دروازه ، کلکین وغیره ضرورت دارد که ماآنرا درست میکنیم . پس سکتگی در کار ماوارد نمیشود .

- این صنعت را نسبت به‌گذشته منظورم اززمانه‌های بسیار قدیم است چطور می‌بینی؟

با اینکه کار های قدیم نجاری ما خیلی زیباونفیس است وازظرافت‌وریزه کاری های زیادی بر خوردار است اما امروز هم اگر خواسته باشند میتوانیم مانند گذشته این کار هارا انجام دهیم . منتها وقت و زمان بیشتر می خواهد . چون در گذشته مقدار ساختمان هاخیلی محدود وکم بود بنابر آن یك نجار یا یك صنعت گر وقت زیادی را برای ساختن آن صرف میکرد . اما امروز چون تعداد ساختمان ها روز بروز بیشتر میشود واز طرف دیگر امروز سادگی رابیشتر می‌پسندند ازین رو هرصنعت گر کوشش میکند که کار خویش را هر چه زودتر انجام دهد . روی همین ملحوظ ریزه‌کاری هاییکه در بعضی سقف ها، دروازه ها ورواق ها قدیمی وجود داشت امروز کمتر به نظرمی خورد. و همین امر باعث میگردد که این صنعت کمتر خودرا بنمایاند . ویکعده خیال میکنند که صنعت گر امروز آن مهارت صنعت گر گذشته را ندارد در حالیکه‌عقیده من غیر ازاین است .

موبل سازی رشته دیگر این صنعت است. صنعتیکه روز بروز رونق می یابد وانکشاف میکند .

از یك موبل ساز سابقه دار در باره صنعتش معلومات می خواهم، میگوید :



او راهش رایافته است وبکارش عشق‌دارد



گوشه‌ی ازتولیدات مختلف دافغان تصدی‌که اززیبایی وظرافت زیادی برخور داراست.

من بیشتر ازسی سال عمر خودرا در پای این صنعت گذشتانده ام . ودر طول زندگیم شاید به هزار هاچوکی. میز،انواری. ودیگر وسایل خانه این خانه‌ساخته باشم اما با تمام این ها وگذشت سالها بازهم فکرمی‌کنم که درشروع کار قرار دارم. هما نطوریکه هرعلم بی پایان ونامحدود است این کارویا بهتر بگویم این صنعت هم دامنه و سیع داردکه انتهایش معلوم نیست .

موبل سازی تاریخ بسیار قدیم در کشور ماندارد شاید پنجصد سال بیشتر عمرنداشته باشد . اما در طول همین مدت این صنعت روزبروز انکشاف قابل ملاحظه ای نموده است . صنعت موبل سازی بصورت عمو م به دو شعبه تقسیم میگردد یکی ساختن خود موبل ها از قبیل چوبی، کوچ، چپرکت، میز، انواری وغیره که تماما از چوب ساخته می شود . شعبه دوم این صنعت پر کاری وروبه کاری میباشد که تقریبا میتوان گفت آخر کار است .

در صنایع چوبی گذشته بیشتر ساختمان ها با کندن کاری از قبیل گل وبرگ‌تزیین می‌یافت که‌امروز این تزئینات را کمتر میتوان دید . اما از یکی دو سال به این طرف بازهم ساختن لوازم منزل مانند چوکی های بزرگ وکوچك، انواری، اقسام میز ها به‌استیل قدیم یعنی باکندن کاری رواج یافته وامروز این شیوه بازار گرم دارد و تقریبا میتوان گفت که احیای دو بارهٔ هنر قدیم است .

ـ بیشتر مردم بکدام شیوه ازلوازم منزل علاقه نشان میدهند قدیم یا مدرن ؟

این بسته به میل طرف است یکعده زیاد مردم علاقمند موبل و فرنیچر مدرن‌هستند. مزیت که این وسایل دارد اینستکه بیشتر آن سبك وحمل آن آسان سهل است . در حالیکه فرنیچر یکه با استیل قدیمی کار شده وساخته شده باشد بزرگتر و گرانتر میباشد یك موضوع هم قابل یاد آوری است که قیمت لوازم قدیمی نسبت به لوازم مدرن بیشتر است واین بخاطری است که وقت بیشتر صرف ساختمان مخصوصا کنده‌کاری های آن میگردد .

ـ از نظر یك صنعت گر کدام یك بیشتر ارزش دارد، لوازم مدرن یاکلاسیك قدیمی؟

برای صنعت گر هر دو یکی است و هردو شیوه برایش ارزش داردالبته هرکدام‌در مقام خود . اما شرطش اینستکه این فر آورده هاچگونه ساخته میشود . یکعده نجاران حرفوی اند که‌صرف برای شان پول‌مطرح‌است تانوعیت کار ازهمین سبب است‌که‌تا اندازه این صنعت شکل تجارتی را بخود گرفته است . ولی‌عدهٔ دیگر هستند که بکار شان عشق، علاقه وتوجه خاصی دارند . از مواد خوب وعالی در ساخته هایشان استفاده‌میکنند وتوجه می نمایند که که کار شان بدون عیب ونقص باشد . که بیشتر این فرآورده ها را میتوان در موسسات دولتی از قبیل فابریکه نجاری وزارت تعلیم وتربیه، وتصدی افغا نی ترکانی وامثال آن بخوبی مشاهده کرد . فرآورده هاییکه ازاین موسسات بیرون می شود هم از نظر زیبایی وظرافت وهم از نگاه دوام خود قابل یادآوری است .

ـ ازنظر تویك نجار ویایك صنعتگر موفق کدام است ؟

موفقیت وکامیابی یك نجار ویا هر صنعتگر دیگر بستگی بدو عامل مهم دارد . یکی علاقه وپشتکار دوم راستی وصداقت درکار. این‌دو عامل اگر درفرآورده های نجاری مراعات گردد ساخته ای که از زیر دست انها بیرون میشود بدون عیب ونقص بوده وخود صنعتگر نیز انسانی است موفق در زندگی

ـ آیا صنایع فلزی رقیب برای صنایع چوبی نخواهد بود ؟

چرا، تا اندازهٔ صنایع فلزی میتواند با صنایع چوبی مخصوصا در حرفه ما رقابت نماید ولی به‌جرئت میتوان گفت که هر گز جای صنایع چوبی را صنایع فلزی گرفته نمیتواند .

اگر چه در چند سال اخیر صنایع فلزی رقیب سرسخت صنایع چوبی بشمار می آید ولی هیچوقت نتوانسته جای صنعت چوبی را بگیرد. صنایع فلزی یك مزیت دارد و آنهم مقاومت واستحکام آن ولی ظرافت و زیبایی صنایع چوبی را هرگز ندارد و نخواهد داشت .

ـ امروز در بیشتر فرنیچر و لوازم از مواد مانند فارمیکا وتخته های پرس شده مانند اسپانت پلیت استفاده میشود، دراین مورد چه نظر داری ؟

ـ در این شکی نیست که هر صنعت نظر به مقتضای عصر وزمان خود تحول میکند وانکشاف می یابد . امروز که از این صنایع کیمیاوی در ساخته های خویش استفاده میکنیم بخاطر شرایط ومقتضیات‌زمان است ودیگر علاقمندی مردم نیز در آن نقش زیادی دارد . از حق نگذریم که این فرآورده های کیمیاوی در زیبایی صنایع نجاری نقش ارزندهٔ دارد . ودر پهلوی زیبایی کار صنعتگر را نیز سهل وساده ساخته است . مثلا در گذشته برای صاف کردن یك‌چوب مجبور بودیم ساعت‌ها وقت خودرا صرف کنیم در حالیکه امروز تخته های پرس شده بدون کدام مشکلی جای آنرا گرفته واز نظر ظرافت نیز برتری بیشتری دارد .

فارمیکا که تازه در صنعت نجاری از آن استفاده میشود کار نجاران مارا خیلی ساده ساخته است. وهمچنین علاقمندان آن نیزخیلی زیاد اند . استفاده از این پدیده هادرصنعت نجاری ، به این صنعت شکل تازهٔ بخشیده است .

در مورد کندن کاری روی چوب از یک صنعتگر که‌پیشه اش کندن کاری روی چوب است سوال کردم‌که که در مورد تاریخچه این صنعت چه معلومات دارد، میگوید :

صنعت کندن کاری روی چوب در کشور ماتاریخ بسیار قدیمی دارد . آثاریکه در بعضی معابد وساختمان های قدیمی به چشم

لطفاً ورق‌بزنید



صنعت کندن کاری روی چوب در کشور خرادی وفرآورده های آن امروز علاقمندان زیاددارد.

می خورد تاریخ کهن این صنعت را بخوبی می رساند .

– ازنظر تو این صنعت منظورم کندن کاری روی چوب است آیا انکشاف نموده یابرعکس سیرنزولی داشته است ؟

وقتیکه به آثار قدیمی برمی خوریم وریزه کاری های که در آن مشاهده میکنیم واین آثار راباحال مقایسه می نمائیم یکنوع تفاوتی د رآن میبینیم بدین معنی که آثار گذشته وقدیمی ما از ظرافت وریزه کاری های بیشتری برخوردار بودند، در حالیکه ازنظر وسایل نیز محدود بودند، ولی پس از انقلاب ظفرمند ثور میتوانیم ادعا کنیم کهاین صنعت نیز راه احیای دو بارهٔ خویش رادر پیش گرفته است .

هنریکه در بته فراموشی سپرده شده بود وحالا تازه جان میگیرد .

– هنر کندن کاری چگونه هنری است ؟

کندن کاری یکنوع هنر تزبینی است که حوصله، ذوق ودقت زیاد می خواهد وباید علاوه کردکه صنعتگر در پهلوی هنر کندن کاری نقاشی وتناسبات رانیز یاد داشته باشد. پس گفته میتوانیم که این صنعت باهنر نقاشی رابطه نزدیك دارد . وهریك درتکمیل دیگر خویش نقش بسزایی دارند .

– وسایلیکه در این صنعت از آن استفاده میشود کدام ها اند ؟

باید بگویم که در صنعت کندن کاری روی چوب از وسایل و لوازم خاص استفاده نمیشود تنها سه وسیله اساسی در این صنعت چکش، قلم وسوهان است وبس واین وسایل از قدیم تا امروز همین بوده است .

– یك چوکی ساده بایك چوکی که روی آن کنده کاری شده باشد چقدر از نگاه قیمت تفاوت دارد ؟

یك موضوع را باید خاطر نشان سازم و آن اینکه یك موبل ساده اگر قیمتش هزار افغانی باشد، شاید سه تاپنجصد افغانی بیشتر باشد اما این بستگی به طرز کندن- کاری وجسامت خود موبل دارد.

هرقدر موبل بزرگ باشد به همان پیمانه کندن کاری روی آن بیشتر میشود و مطلب دیگر اینکه کندن کاری هاهم از خود کتگوری های دارد . بعضی کندن کاری ها ساده است که کمتر گل وبرگ یا خطوط تزئینی دارند وبرخی زیادتر روی آن کندن- کاری صورت گرفته که این هم در قیمت آنها تاثیر زیاد دارد .

شما در ساخته های خود از کدام روش استفاده میکنید وبیشتر این کندن کاری هاروی چوب به کدام سبك است ؟

مادر تمام ساخته هاو فرآورده های خودکه توام با کندن کاری‌روی‌چوب‌است‌ازروش‌خاص افغانی وعنعنوی خویش استفاده‌میکنیم. کوشش ما اینستکه نقش ونگار های کلاسیك و قدیمی افغانستان را دوباره احیا وزنده‌کنیم. این صنعت در کشور ما همانطوریکه قبلا گفتم .. تاریخ خیلی کهن دارد و بایست اصالت وزیبایی آنرا همانطوریکه هنرمندان گذشته حفظ کرده‌بودند ماهم می خواهیم آنرابه بهترین صورت حفظ نماییم .

– بیشتر این کندن کاری ها روی موبل وفرنیچر صورت میگیرد یابرای ساختمان‌منازل ومخصوصا برای زیبایی آنها از آن استفاده میشود .

مانظربه فرمایش مشتریان کار میکنیم اگر مشتری خواسته باشد که روی چوب ها برایش کندن کاری این کار را میکنیم چنانچه بسیاری از مشتریان ما بخاطر زیبایی منزل شان گوشه ای از دیوار خانه شان را از چوب کندن کاری پوش نموده اند . دروازه هاوبعضی دیگر از ساختمان رانیز کنده کاری می کنیم . واین علاوه ازکندن- کاری روی فرنیچر ولوازم چوبی خانه است.

به دوکان دیگر نجاری که بیشتر فرآورده هایش از چراغ های خواب، چراغ های کنج سالون، خاکستر دانی های چوبی و دیگر لوازم منزل میسازد وارد میشوم این همه‌لوازم که با سلیقه خاص چیده وتهیه شده بود توجه هر بینندهٔ را جلب می کند .

از فروشندهٔ آن در مورد ساختمان آن سوال میکنم میگوید :

بیشتر این فرآورده های چوبی را که می بینید که از چوب های بی مصرف که‌بسیاری ازنجاران آن را بدور می اندازند تهیه شده است .

مثلا این چراغ های خواب وچراغ های کنجی از پارچه های نازك که تقریبا شبیه پرخچه است ساخته شده است. و همینطور خاکستر دانی، گلدانی وغیره چیز هاییکه می بینید همه وهمه از توته پارچه های چوب ساخته شده است .

– آیا این ساخته های شما فروش هم دارد ؟

بلی، چرانه نداشته باشد، این اشیا که ظاهرا ساده بنظرمی آید ولی در حقیقت‌خیلی بدرد بخور است . شما اگر نظیر آنرا که از ساخته های خارجی باشد از بازار بخرید شاید چهار چند قیمت این را داشته باشد در حالیکه این فرآورده ها هم از نگاه زیبایی وهم از نگاه جنسیت خویش بهتر از فرآورده های خارجی است .

– درساخته های خویش ازکدام چوب هااستفاده میکنید واز نگاه کار تان کدام چوب بهتر است ؟

این بسته به میل خریدار وعلاقمند است که کدام چوب رامی پسندد، اما، مادرتمام ساخته های خویش از هر نوع چوب استفاده میکنیم . در قسمت این سوال شما که کدام چوب بیشتر بدرد بخور است باید بگویم که تمام چوب ها برای ما قابل استفاده است ولی‌چوب های نسبتا نرم کار مارا آسان‌تر میسازد ولی بعضی ازاین ساخته‌طوری است که غیر از چوب سخت از دیگر چوب ها ساخته نمیشود .

– شما در موسسه خود چند نفر کارگر دارید وآیاتا بحال چقدر تربیه نموده اید ؟

درکارگاه ما بیش از ده نفر کار میکنند یکعده هم بدون اخذ معاش برای یادگرفتن کار با ما همکاری دارند، وشاید تا حال پنجاه نفر درین قسمت تربیه شده باشند .

صدای چکش های متواتر که روی چوب می خورد توجه مرا جلب کرد نزد جوانی که باچکش وقلم روی چوب می کوبید رفتم او مصروف کار خود بود. بدون اینکه سرخودرا بلند کند باتراش های‌که در روی چوب می آورد ، چوب آهسته آهسته شکل میگرفت وبالاخره پس از چند دقیقه شبیه خاکستر دانی از چوب ساخته‌شد. هنوزکار زیادی باقی بود تا این پارچه چوب یك خاکستر دانی به تمام معنی گردد . از این جوان در بارهٔ کارش سوال کردم با دلچسپی جواب داد : بکارم عشق دارم ، وقتیکه‌مصروف میشوم اصلا گذر دقایق وساعات را فراموش میکنم ، کارم خیلی مصروف کننده وجالب است. وقتیکه موفق میشوم تا ازیك پارچه چوب بی مصرف شی مورد احتیاج رامیسازم به خود می بالم واحساس خوشی وغرور به‌من دست میدهد امیدوارم که در آینده بتوانم کار های بیشتر وسودمندتری انجام دهمو...

بازهم مصروف کارش میشود وصدای چکش وقلم بلند میشود، دیگر نخواستم مزاحم او گردم از دکان خارج میشوم .

اگر گذرتان به قلاچه ویا سرای شما لی و.... بیفتد یکعده را مصروف ساختن‌صندوق های میوه می یابید این ها از پارچه های چوب چنار باسرعت تمام که باعث شگفتی انسان میگردد به ساختن صندوق مشغول اند وقتیکه از کار شان سوال کنید با علاقمندی جواب میدهند ومیگویند : میوه یکی ازاقلام درشت صادراتی کشور عزیز ماافغانستان را تشکیل میدهد وباید برای این‌قلم در شت که به اقتصاد کشور ما کمك بسزایی‌میکند صندوق ها ساخت و ماهم مصروف این کاریم .

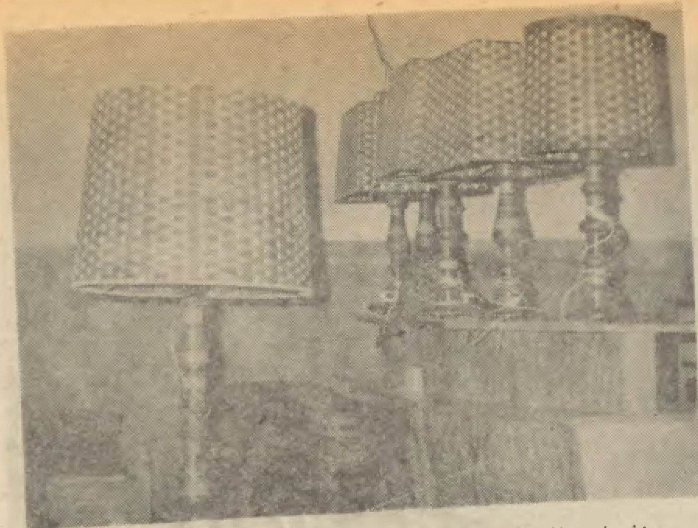
می‌پرسیم یکنفر به‌تنهایی ازین چوب های بریده شده به چه اندازه صندوق میسازد میگوید : ممکن درحدود صد تا یکصدوپنجاه صندوق .

خرادی هم قسمت دیگر از صنایع نجاری را میسازد ، این شیوه نجاری امروز علاقمند زیادی پیدا نموده است وروز بروز بر تعداد علاقمندان این صنعت اضافه میگردد .

علت این علاقمندی مردم به این صنعت برای چیست وبخاطر چه ؟

این سوال را از خرادکاریکه مصروف ساختن یك سیت چوکی خرادی بود نمودم . در جواب گفت : علت عمدهٔ که مردم‌علاقمند فرنیچر خرادی شده اند د ر قدم اول قیمت آن است. شما به تناسب دیگر لوازم، لوازم خرادی شده را ببینید قیمت‌آن خیلی کمتر است واین ازنظراقتصادی برای خریدار نهایت ارزشمند است .

در پهلوی قیمت ارزان ومناسب این فرآورده ها استحکام ودوام آن هم قابل‌بحث واهمیت است . از همین رو امروز بیشتر خارجیان که در کشور ما زندگی دارندازاین ساخته ها استفاده میکنند حتی علاقمندان آن در اروپا نیز روز بروز بیشتر گردیده است . تغییرات وتحولاتی که روز بروز در این صنعت داده میشود بیشتر برمحبوبیت آن دربین علاقمندان آن افزوده است .



چراغ های ساخته شده ازچوب اززیبایی‌وظرافت خاص برخوردار است



صندوق سازی ازجمله صنایع نجاری‌محسوب میگردد که یکعدهٔ زیادی را بخود مصروف ساخته‌است

ترجمه ولی لطیفی ·

ده قرن در چهل سال

از پسمانی تا پیشرفت، از زندگی کوچی تا سوسیالیزم پیشرفته

مردمان آسیای میانه اتحاد شوروی چنین راهی را در ظرف چند ده سال طی کرده‌اند.

بخاطر میاوریم سطور چند از راپور ژورنالیست فرانسوی را که راجع بـــه آسیای میانه نوشته بود -(ده‌قرن رادر ظرف کمتر از چهل سال عقب گذاشته اند) · اما در جهان هیچ چیزی (خود به خود اتفاق نمی افتد) برای هر چیز آسیاب و عوامل وجود دارد · امادر اساس چنین پیشرفت سریع جمهوریتهای آسیای میانه چه چیزی نهفته است ؟

تا قبل از انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ خلقهای روسیه در سطوح مختلف اقتصادی -سیاسی پیشرفتهای فرهنگی ونتیجتا در سطح های مختلف استحکام ملی قرار داشتند · درآسیای میانه بافرق از مناطق اروپا یی مملکت ، بیشتری خلقهایشان به صورت ملت تشکیل نشده بودند · بسیاری آنها بشکل کوچی زندگی میکردند. درعرصه اقتصادی و اجتماعی رول عمده را مناسبات عقب مانده یی فیودالی بازی میکرد تجارب شوروی نشان داد که‌فرق در سطح پیشرفت خلقها به حیث یك مانـــع بر طرف ناشدنی برای اتحاد آنها در چوکات یك دولت یگانه شده نمی‌تواند : بهمین سبب سوسیالیزم به خلقهای عقب مانده اجازه داد تابا گامهای سریـــع خودرا به ملت های پیشرو وپیشرفته برساند ·

اتحاد شوروی به اثر از بین بردن ستم ملی وحقیقت بخشیدن خود ارادیت - آزادی خلقها -حق ملتها برای تعین سرنوشتشان بوجود آمد · وضع قوانین اساسی مشکل ترین کار هانیست -بسیار مشکل تر ازآن از بین بردن ستم ملی وبر طرف کردن عقب مانیها در عمل است . تاریخ به مامثالهای فراوان‌آموزنده میدهدکه چگونه‌کلمات زیبای آزادی - برابری - دموکراسی - همانطور بشکل کلمات نوشته شده روی کاغذ باقـــی میماند ·

دریکی از تصامیم کمیتهٔ مرکزی حـــزب کمونیست که در آغاز سالهای بیست‌گرفته شده بود - گفته شده : «کمك بهر یك از جمهوریتها -یا ایالت ها باید بادر نظر داشت و مطابقهٔ با روابط اقتصادی وطرز زندگـــی مخصوص خود مردمان همان سرزمین صورت بگیرد · وراجع به سرزمین های دور دست شرقی - ما همیشه باید بخاطر داشته باشیم که هر کدام آنها یك جهان مخصوص بخود بارسوم ورواجهای مخصوص و زندگی اقتصادی مخصوص بخود را دارا میباشند. » رهبر پرولتاریای جهان تذکر داد که باید موسسات شوروی را به سطح ممالك دهقانی شرق سازگار ساخت ·

نمونه یی این سازگاری حکومت شوروی به نیازمندیهای عملی ساختمان سوسیالیزم درسرزمین های دور دست و عقب مانده‌روسیه تعیین حدود حکومت های ملی در آسیای‌میانه بود - که پنجاه سال قبل اتفاق افتاد ·

در نتیجه آن حکومات جدیدی بوجود آمدکه به شکل جمهوریت های یگانه ملی از نوملحق شوند ·

بوجود آمدن‌از بکستان‌شوروی -ترکمنستان شوروی و جمهوریتهای تاجکستان وقرغزستان خود مختار -که بعد ها جمهوریت های‌شوروی شدند - باعث رشد خود آگاهی ملی وتکامل این خلقها به ملیتهای سوسیالیستی شد·

شخصیت معروف حکومت شوروی م·ی· کالنین نوشت :

«که خصوصا این دو باره سازی نه تنها ممانعت فراهـــم نیاورد بلکه رشد یگانگی اتحاد را مساعد ساخت ·»

استحکام ملی خلقهای آسیای میانه اتحاد شوروی در عین زمان برای عملی کردن آن سرمایه گزار یهای بزرگ که حکومت شوروی برای ساختمان زندگی اقتصادی و فرهنگی-سرزمین های دور افتاده تعیین کرده بود- یك سازمان منظم را بوجود آورد ·

قبل از همه تقسیم مجدد منابع در آمـــد خلقهای با اقتصاد پیشرفته به خلقهای عقب مانده صورت گرفت · امابرای بر قراری‌واقعی حقوق مساوی یکبار تقسیم مجدد کفایت‌نمیکرد صنعتی ساختن آسیای میانه وآنهم سرعت‌رشد صنعت باید فوق العاده سریـــع باشد·

اساس صنعتی شدن سر زمین های دور دست ملیتهای شرقی ، مناطق روسیه مرکزی واو کرائین بود ·

از آنجائیکه جمهوریت های خاوری ذخایر لازم را برای صنعتی شدن نداشتند - پـــول طرف ضرورت آنها از بودجه سرتاسر اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داده شد · درعین زمان دهنیشینان آسیای میانه -یابه عباره‌دیگر قسمت بیشتر مردم درسال ۱۹۲٤ از پرداخت مالیات عمومی برای مدت پنج سال معـــاف شدند ·

نتایج چنین سیاست اتحاد شوروی بزودی خود را نشان داد· در سال ۱۹۲۷ هنگامیکه جواهر لعل نهر واز مسافرتش به شوروی‌دو-باره بوطن بازگشت به هموطنان خود گفت:

"آگاهی از موفقیت های بزرگ مناطق عقب-مانده‌ی آسیای میانه که در زمان حکومت شوروی به آن دست یافته اند - تاثیر بزرگی بالای من گذاشت ····موجودیت اتحادشوروی در جهان تاریك وافسر ده یك پدیده روشن ومطبوع است ·"

اماسال ۱۹۲۷ فقط آغاز پیشرفت نبود·

مهمترین مرحله در تحول سوسیالیستی‌ا آسیای میانه دسته جمعی ساختن زراعت بود· برای آمادگی آن در جمهوریت های خارجی اتحاد شوروی لازم به تحقق بخشیدن وتغییر شکل اساسی در حدود روابط تولیدی ماقبل سرمایه داری بود ·

اصلاح اراضی وآبیاری - تعیین حدود چرا گاه ها ومراتع - مصادرهٔ دارایی های نیمه فیودالها (بایها) ·

رژیم عقب مانده در آغاز باید به خـــرده بورژوازی تغییر میخورد -نقش مهم دسته جمعی ساختن‌زراعت برای رشدراه غیرسرمایه داری چنین تعیین شد- که خلقهای عقب‌مانده در حالیکه بطور عادی تولید کنندگان کالاباقی ماندند - گذار به سوسیالیزم را تحقـــق بخشیدند ·

بزودی بعداز سه ده‌سال کلخوز هاوسلخوز های‌آسیای‌میانه‌تبدیل به‌موسسات‌سوسیالیستی ومجهز با مکانیزهٔ عالی شدند ···

برای اینکه از اعداد سو استفاده نکرده باشیم - راجـــع به رشد جمهوریت های آسیای میانه ارقام را مثال نمیاوریم · تایید میشود که سر زمین های ملیت‌های دور دست دریك مدت کوتاه به جمهوریت های عصری فوق‌لعاده پیشرفته یی صنعتی وزراعتی مبدل شدند · آنها مراحل رشد کاپیالیستی را عقب گذاشته وبه ملیتهای پیشرو وپیشقدم اتحاد شوروی خودرا رساندند · اما در اساس این پدیده مثلی که ما میبینیم - تقسیم مجددمنابع مادی به‌مقیاس تمام‌دولت وکمك‌متقابل‌برادرانه ای خانواده های خلقهای شوروی قرار داشت·

همزمان آسیای میانه پسمانیهای فرهنگی را نیز از بین برد · وباز هـــم نقش قاطع‌را کمك برادرانه یی خلقهای رشد یافته تر باز نمودند · فدرا سیون روسیه وا وکراین نه‌تنها درجمهور یتهای خاوری انجینیران متخصصین زراعت - ذوب فلز- وتربتران - معدنکاران راه سازی معماران بلکه استاد ان معلمیـــن داکتران وکار کنان علوم‌وهنر رانیز فرستادند·

باید خاطر نشان ساخت :

مسأله مطلقاروسی‌ساختن خاورنبوده‌هیچگاه.

ازیکی ازاسناد حزب کمونست اتحادشوروی نقل قول مشبود که‌روی این سوال روشنـــی مطلق می اندا زد ·

درتصمیم کنگره دوازدهم حزب سال۱۹۲۳ راجع به آن‌که باید قوانین وضـع شـود تا استعمال زبانهای محلی رادر تمام موسسات‌که برای مردم همان محل وملیتهای کوچکترخدمت میکنند مهیا سازد وباتمام سختگیری انقلابی متخلفین حقوق ملیت هاومخصوصاء حقـــوق ملیتهای کوچك را تعقیب وبسزای اعمال‌شان برسا نند مستقیماء تذکر داده شده بود· این تمام ساحات زندگی را دربر میگرفت دراین میان راجع به برابری زبانهازبین بردن برتر یهاو مهیا ساختن راه های آزاد رشد هریك اززبانها . آزادی مطلق حرف زدن هرنفرهمو طن- تربیه‌کردن آموختن-اطفالشان رابه هریك اززبانهای اتحاد شوروی که خوا سته باشند سخن زده شده بود ·

روشن است که زبان روسی مثل مروجترین زبانها در اتحاد شوروی وسیله رابطه بین‌تمام ملت ها شد · اما انتخاب زبان روسی برای قانیی‌ه ییدی میلم سایا زگکلا بنعوچق زهجه تمام خلقهای اتحاد شوروی رضا کارانه بود·

در آسیای میانه روشنفکران ملی باآهنگ سریع بوجود آمد · تعداد محصلین بالای‌هریك ده هزار نفر ساکنین درجمهوریتی مانـــند از بکستان نظر به آلمان غرب وایتالیا برتـــری داشت ونظربه تعداد داکتر امریکا انگلستان وفرا نسه را عقب گذا شته بود ·

میخواهیم یکبار دیگر به کلمات ژورنالیست فرانسوی باز گردم · (ده قرن درظرف کمتر ازچهل سال طی شده) · مثل که میبینیم این وا قیعیت است نه‌یك تمثال هنری بلکـــــه اعترا ف یك واقعیت حقیقی ·

انتون چخوف د ماکسیم گورکی په‌نظر کی

تیرپسی

«آنتون پاو لوویچ ، تاسی په د یسری بی وجدانی سره ما د یو ی بیخی پیچیده مسئلی سره مخا مخ کړی . که چیری زه و پوهیږم چی د گر یکوری یف په و جود کـــی د شیطا نی کار ونو دسی نه رسو لی له باره اگا ها نه اراده و جود لری . داز ماوظیفـــه ده چی هغه بی‌له خنډه زندان ته و سپار م. په دی د لیل چی د تو لنی گټی همدا غواړی که چیری هغه و حشی او دخپل عمل لــه جنایت څخه خبر نه وی ، نوبیا می زړه‌ړی سو ځی.

که چیری هغه دیو داسی مو جود په‌حیث په نظر کی ونیسم چی‌بی له عقله عمل کوی اوز ه له رقت څخه ډکو احساساتـــو تـــه ځان و سپا رم ، څنګه کولی شم چی تولنی ته ضما نت ورکړم چی دغه دنیس گر یکوری به‌نور ددروازو قلفونه نـــه وازوی او تـــر- ینو نه‌به له خپلو لارو څخه دباندی نـــه غور ځوی؟»

وروسته لږ څه چپ شو ، او په چو کـــی کښنا ست او خپلی ستر گی بی په آنتون پا ولوو یچ کی خښی کړی . ددی سړی رسمی لباس نوی ؤاو لاند ینی تکمی یـــی دیو ه منصب او گستا خ زنکی چی تا زه یی خپل مخ مینځلی وی ، دسترگو په شان ځلیدی .

آنتو ن پاولوویچ په خورا و قار سره وویل «که‌چیری زه قاضی وم، د نیس تـــه بـــه برائت ورکړم.»

«په څه دلیل سره؟»

«هغه ته می ویل : (دنیس ، تاتر اوسه یوری دیوه آگاه او با خبره جنایتکار پـــــه اندازه رشد نه‌دی کړی . څه ولاړ شه ترڅو چی هغه ځای ته ورسیږی .)

سړی وخندل مگر ډیر ژر بی‌خپـــل وقـــار بیرته لاس ته راوړ او ادامه یی ورکـــړه: «نه، آنتون پاولوویچ محترم ، هغه مسئله چی‌تاسی میدان ته را ایستلی ده، یـــوازی دتو لنی په گټه حل کیدی شی ، هغـــــه تولنه چی زه یی د ځان او ما ل دسا تنـــی له باره موظف شوی یم . هو! دا ربشتیاده چی دنیس وحشی دی، خو جنایـــتکار نـــدی او حقیقت هم‌په همدی ځای کی‌پت دی.»

آنتون پاو لوو یچ ناځا پـــه پوښتنه وکړه «آیا تاسی علاقه لری‌چی گراماقـــون واوری ؟» زنکی له لږ څنډ څخه وروسته ځواب ورکړ. «آه ! ولی‌نه، ډیر زیات، حیـــرانو ونـــکی اختراع ده .»

آنتون پاولوو یـــچ په تاثر سره اعتـــراف وکړ: « خوزه دگراماقون داوریدلـــو تـــوان نه لرم .»

«ولی؟»

«هو! گراماقون خبری کـــوی، سنـــد ر ی وایی ، بی له دی چی څه شی ا حسا س کړی .

ټول غږ ونه چی له هغه څخه وزی بیخی بی مغزه او خا لی دی . او تا ســی په عکا سی کی هم لاس وهی؟»

ښکاره شوه چی ښا غلی څا رنوال دعکا- سی له ستا یو نکو څخه دی . هغه بی لـــه ځنډه او په ډیـــــــر هیجان سره دهغـــی په باره کی په خبرو پیل و کړ . او نوره یی هیڅ علاقه له گراما فون سره و نـــــه ښو دله ، چی دده په نظر (حیرا نوونکـــی اخترا ع) وه . او چخوف په ډیر د قت او هغه ظرافت سره ورته توجیح کړی وو. داخل ما د هغه رسمی لباس څخه دلاندی یـــو رونـــدی او جالب سرولیـــد ، هسی انسان چی د ژوندانه په لاره او رو ش کی هغـــــه سپی ته ورته ؤ چی دښکار لـــــه پـــاره بیو ل کیږی .

کله چی آنتون پاو لوویـــچ ولید چـــی هغه ځوان سړی له کوټی ووت ، په خپگان سره یی‌وویل :

«دعدالت دصحنی شاته دده په شان نـــا- ولی څنا ور مو جود دی چی د ښیا د ما نو سرنوشت ټاکی.»

له لږ سکو ت څخه یی وروسته زیا ته‌کړه «څارنوالان تل لـــه ماهیگیری سره مینـــه لری خصو صا له اغزی لرونکو ماهیا نـــو سره .»

چخوف هر چیری دپستیو او مزخر فاتـــو دښکارکولو هنر په خپل ځـــان کـــی‌درلود.

داسی هنر چی یواز ی هغه خلك چی له خپل ژوندانه څخه عالی او لو ړ تو قعات‌لری او په هغوی کی ما هراو استاذی تـــــه رسیږی او د سادگی، ښکلا او دانسا نانو دهما هنگی دلید لو له سو ځوونکی هـــوس څخه سر چینه اخلی. هغه دپستیواو مزخر- فاتوجدی او بی رحمه قاضی ؤ.

یو ځلی یو چا دده په مخکی وویل چی دیوی مشهور ی مجلی چلو و نکی ، هغـــه سړی چی تل د نو روبه نسبت د زړه سو ی او علاقی داړ تیا څخه خبری کوی . بی له کو م واړه علته څخه یی داو سپنی دلا ری سا تو نکی تو هین کړی ، او دخپل عادت سره سم د خپلو لاس لاندی خلکو ســـره سم‌گذاره نه کوی .

آنتو ن پا ولوویچ په خندا سره وو یـــل. «طبیعی ده ، ځکه هغه یو اشراف زاده ئی دتعلیم او تر بیی خاوند یوسړی دی ... لوړ او بر جسته تعلیم بی کـــړی دی او د خرمنی خپلی په پښو کوی» او دا کـلمات په داسی ټول ادا شول چـــی د «اشراف» کلمه یی په یوه مسخر ه‌شوی او منځنـــی موجود بد له کړه . دیوه مشخص ور ځپا نه لیکونکی په باره کی یی وویل : «یو ډیر با استعداده شخص دی ،لکنی‌یی تــــل: له آب و تا ب او خوږو څخه ډکی وی ...د خلکو په مخکی خپلی ښځی ته دا حق په نا مه غږ کو ی . خد متگا ر ان یی په یوه لنډه کوټه کی بیدیږی او ټول درو ماتیزم دزیا توا لی او پر مختیا په کار کی لاس لری ....»

«آنتون پاولویچ ! آیاتاسی دغسی ازغیاتو او احوال خوښوی ؟»

«هو! یونازنین سړی دی.» آنتون پا و - لوویچ په داسی حال کی چی تو خیده ،بیا یی تکرار کړه «په ټولو شیانو پوهیږی ، ډیره مطا لعه کوی . هغه دری کتا به له مـــا څخه واخیستل او هغه یی بیرته را نه‌وړل.لږ څه پریشان فکره دی . نن تاسی تـــــه وایی چی ښه سړی یاستی او سبا بیا بـــل سړی ته وایی چی دخپلی معشو قی د میره ورښمینی جورابی موغلاکړی‌دی.»

کله به په نظر کی داسی ښکا ریده چی له نا امیدی څخه ډك حرکا ت یی د نو روبه نسبت دده په رفتار او عمل کی مو جـــود دی . یو دا سی ټول نا امیدی لکه سړه‌ما- یو سی او چو پتیا .

یو ځل یی ماته وویل چی : «روس یـــو عجیب موجود دی چی تر ډیره وخته پو ری یو شی په خپل ځان کی نه شی سا تلای په ځوا نی کی په ډیره مینه ، خپـــل ځان په هر شی با ند ی چی مخی ته یی موجود وی سنبا لوی . کله چی دیر ش کلنـــی ته ورسیږی دخو شی او چټی شیا نو لـــه ډیری څخه په غیر چی‌نه رنگ لری او نـــه بوی، بل څه ورته نه پا تی کیږی . کـــه چیری انسا ن وغواړی چی ژوند و لری ، هغه هم یو انسانی ژوند ، باید کـار و کـړی کاربه‌ډیره مینه ا وایما ن سره .ولی مونږ په خپل هیوا دکی‌نیو هیڅو چی هغه څرنگه سرته‌ور سی و . دمعما ری استاد چـــی یو دوه کو ره آبا د کړی . نور کرا ر کښینی او خپل پاتی ژوند دور قو په‌لوبی سره تیر وی . یا دا چی دنما یش د صحنی شا ته چکرو هی .

یا داچی یو ډاکټر لږ څه تجربه پیداکړه، نو بیا په علم او یو هی پسی نه گر زی هیڅ وخت د (در ملو له څېړو نو) څخه په غیر بل څه نه لولی او په ځلوېښت‌کلنی کاملا عقیده پیدا کوی چی ټول مر ضو نه له‌والگی او زکام څخه پیدا کیږی ما هیـــچ وخت له یو داسی کار کوو نکی (کارمند) سره خبری نه دی کړی یعنی ورسره مخا مخ شوی نه یم چی د خپل کارله اهمیت څخه ډیره لږه خبر تیا و لری . هغو ی عمو مـــا خپل ځانونه په پایتخت او په ابا لتـــی ښار ونو کی د فن کوی . لیکو نه لیکی . زیمو ف او اسمر گون ته‌بی لیږ ی ترڅو چی هغه تر اجرا لاندی ونیسی زیمـوف او اسمرگون هم هغـــه پـــه خپلـــی کـــاروو کی محدودوی کارکونکی (کارمند) هم‌دیوبت‌پرست په څیر چی جهنمی شکنجو ته اهمیت نـــه ور کوی ، په خپلو د غو اسناد و سر عنوړ کار نه هیڅ توجه نه کوی او هغه قا ضـــی چی په یوی بریالی د فا عیی سره بی نو م او نشا ن پیدا کړی دی ، نور نو خپـــل ځان ته دحقیقت څخه ددفاع له پاره دردسر نه ور کوی .

بلکی خپلی پیسی د آسو نو د ځغلو لو په مسا بقه اپږ دی . او خپل ځان په ټولو هنرونو کی یوه اوکـــار شناس ښیی. یـــوه هنرمنده چی په دوه یا دری نقشـــونو کـــی بی بر یا لیتو ب لاس ته راوړی ، نور یې خپلو نقشو نو با ند ی هیڅ نظر نه اچوی ، بلکه یـــوه جـــگه خـــولـــی په‌سر ایـــږدی او ځان نابغه بولی ...» ددغو کلماتو لا ند ی یو سوړ او له غمو ډك سر زنش پټ دی . مگر چخو ف په هما غه حال کی چی خلك یی حقیر گڼل ، دتر حم احسا س یی هـــم کاوه .که چیری دده په مخکی دچا ســـره بد رفتار شوی وی دایقینی وه‌چی د هغه ددفا ع له پاره را پو رته کیده .

«ووینی! هغه یوزوړ سړی دی. او یـــا (۷۰)کاله عمرلری ...»

«هغه تر اوســه ځوان دی، یوازی اویوازی دده بی تجربگی ده چی ...»

او کله به یی چی دا ټول خبری کو لی ماپه‌ده‌کی د کر کی او تنفر هیڅ ټول نښه نه لید له ...

کله‌چی محترم خـــلـــك ، دآلبیون دلـــور (دختر البیون) کیسه اولـــی نو خـــا نـــدی او په‌احتما ل سره ویلی شو چی قا درنه دی چی هغه د کر کی ډك ریشخند چـــی خوښی خو را که مالك یی په هغه بیچاره‌او بی وزلی مو جود با ند ی چی له هر چـــا او هر شی سره بیگا نه دی په دا ستا ن کی ووینی . زه د چخو ف په‌ټولو خند وونکـــو کیسو کی دده دیا ك ا وانسا نی زړه آرام او ژور آهو نه او رم . هغه مایو سانه‌اوله ترحمـــه ډك آهـــونه چی دانسانی موجـــود - اتو لپاره نه شی کو لی د خپل ځان دموجو- دیت له پاره‌احترام‌لاس تـــه‌راوړی. اودوحشی قو تو نو په مقابل کی‌بی له عقا ومته دمر-

ښو ب ژوند ته دتسلیمی غاړه ایږ دی .او په خپل ورځنی ژوند کښی بی له خوړلو او څښلو څخه بل شی ته عقیده نه لږ لی او دقوی اودزوراو روله لاسه دوهلو وتکولـو له ډیری څخه پرته بل هیڅ احساس ددوی په وجود کی نه پیدا کیږی •

تر اوسه پوری هیچا د وژړدانه د توجنیو او وږو شیا نو په غم لړلی ما هیت با ندی لکه څنگه چی چخوف په رو ښا نه اوښکاره ټول ور با ند ی پو هید لی او پو هیږی.پوهه اوخبر تیانه ده حاصله کړی• مخکی‌له‌دی هیڅ‌لیکوا ل په دی نه دی قادر شو ی چی دچخو ف په شا ن هغه ټول شیا ن چـــی دمنځنی طبقی په‌بی نظمه او نا مرتب ژوندکی موجود دی تشر یح کړی •

دده د ښمن ابتذال ؤ. په خپل ټـــول ژوند کی دهغه په ضد جنگیده • دهغـــه دسر زنش لپاره یی دهغه له مخه پرده پورته کوله پخپل تیزاو با انصافه قلـــــم سره دهغه تصویر جوړوی ا وپه هغو ځا یو نو کی چی په لو مړی نظر سره ، دسړی نظر نه راځی چی‌ټول شیا ن په بهتر ین شکل او په منا سبتر ین طرز او په منظمه ډول ـلا ترتیب شوی دی . دی‌دابتذال خپاوی ښکی پیدا کوی . او کله چی ابتذال په خپل بد رنگ فریب . کله چی خپل بی رو حه‌بدن شا عری بد ن یی، داوسپنی لاری پـــــه وا گو ن کی چی خاص دصد فو نو ډیرلو او را وړلو له‌پاره و . کینو د دده خوا ته بیر ته راو گر ځید .

دغه شین رنگه کثیف واگون .دیوبربالی او متبذل ریشخند په څیر په خپل ستر ی دښمن .زما په اعصا بو فشا ر وار دوی.او ډیرو بی شمیرو (یادونه او خاطری) پـــه حسا دت لړو نکو نشر یو کی ـزیا کا را نه خوا شینی چی په ماورا ء کی یی د هما غه ابتـــــذال د نفس ســــور نیش احساسوو چی تر پردی لاندی د خپل دښمن په مر گ باندی د خو شحا لی جشن نسی.

ما هیڅوک نه‌دی لید لی چی د کار اهمیت په اسا س کی تمدن یی د چخو ف پـــه اندازه ژور او د مختلفو اړخونو له پلـــوه احسا س کړی وی .

دغه احسا س ، خپل ځان د چخو ف دزو-ندانه په ټو لو کو چنیو شیا نو کـــــی ښکاره کوی . د کوږ داتا ئیسی په انتخاب‌کی په هغه علاقی او مینی چـــی دکور دلوازمو او اسباب سره یی درلوده اوپه هغه وخت کی هــــم چـــی دشیانو د ټو لـــو لو له هو س څخه یی لاس اخستی و . بیا یی هم د هغوی له ستا ینی څخه ، دبشری رو ح دمحصول په عنوان نه ستړ ی کیده• هغـــه دبا غ دجو ړو لو او سا ختما ن سره ډیر ه مینه درلود ه ، څمکه یی ستا یله ، پـــه خپله دکار په و جود کی یی شعر احسا سولو داحساس څخه په یوی ډکی توجه سره یی دمیوه لرونکو ونو او د گـلانو ده‌ټو وده او ر شد. چی په خپل لاس یی نیها ل کړ ی وو نما شا کو له . دهغو یی شمیر ه‌کارونو په منځ کی چی په (او ټکا)کی یی هغـــه احاطه کړی وویل :

«که چیری په ټوی کـی هر چـا ، پـه

هغه ټوټه څمکه کی چی په ده پوری تړلی ده ، هغه څه چی د وړتیا وړوی سر تـــه ورسوی » .

په هغه و خت کی ماد (واسیلی بوـلایف) په نا مه یو ټرام لیکه ، او د وا سیلـــی له آب و تا به ډک مغرورانه پیش آمد مـــی ورته و او راوه .

ما که چیری لږ څه ډیر قو ت په ځان کی در لودای !

په خپل سو ځوونکی نفس به می خپلــی شاو خوا واوری و یلی کړی وی ،

دنړی په چار چا پیره بـه گر ځیدم او څمکه به می شود باره کو له ،

لوی او واړه پر تمین ښا رونه به مــــی جوړ کړی وو .

کلیسا وی به می جوړی وی، او دمیوو با غو نه به می جوړ کړی وو .

هغه و خت به نړی دیوی ښکلی پیغلـــی په څیر ښکاره شی !

او ما به هغه وخت هغه د ناوی په څیر په غیږ کی نیو لی وه ،

څمکه به می په خپلی سینی پوری ټینگه نیولی وه ،

پورته لوړ به‌می کتل او ... ته به وزوړی وه .

ووینی چی او س می هغه څو مره ښکلی کړی ده .

تاسی هغه دیوی ډبـــری په شــــا ن په فضا کی و غور څوله ،

ما هغه دیو ښکلی (جواهر)په څیـــــر ښکلی جوړه کړه !

که کولای می شوای ،په ډیری خوشحالی سره به می تا سی ته هد یه کړی وای. خو داکار نه شم کو لای څکه چی ډیره راته گرانه ده .

دچخو ف دا پیش آمد ډیر خو ښ شو ، په عصبی ټوخی سره یی ما او آ. آن.آلکسین وویل :

(ښه ... ډیر ښه .... حقیقی ، انسا نی. رښتیا هم یوداسی شی دی چی په هغـه کی (دټو لو فلسفو معنی پټه ده) بشر نړی داو-سیدو ځای گرځولی دی .

او د هغی څخه به د خپل ژوند له پا ره یوښه ځای جوړ کړی » .

خپل ســر یی و ښو راوه او تکرا ر یی کړه (هغه به داکار وکړی .)

ماته یی وویل چی یو ځل یی بیا وواېه، اوپه داسی حا ل کی چی له کړکی څخه یی دباندی کتل ، دهغه اور ید و ته یـــی غوږ نیولی و .

(دده ورو ستی بیتو نه یی ښه نه دی مبا رزه غو ښتو نکی دی ، زا ید دی .)

چخوف په ډیر لږ او په بی میلـــی سره کړلی .

ما تقر یبا په همغه اصیل اصرار سره‌چی ده په هغه شکل د لږ و لستوی په با ره کی خبری کړ لی . صحبت کړی ؤ. چخوف به‌ډیر کم کله‌به‌چی‌په‌ذوق برابرو. له‌خندا‌څخه په ډکه خوله به یی دخپل دا ستا ن طرح جوړ نه و یله ، دده ټول داستا نو نه لـــه استهزا څخه ډک وو :

باتی په ۵۷مخ کی

طنز هفته

ترجمه : کاوشگر

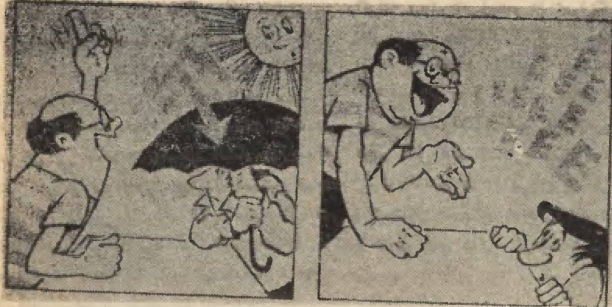
گرداگرد۰۰۰؟

تفریحگاه یابه عبارت درست اگر بگویم استراحتگاه بنده در یکی از کوهستان های خوش آب وهوای روستا های دور قرارداشت. اتاقی که درآن به استراحت و گرفتن نیروی از دست رفته می پرداختم، روشن، آفتابی وهوادار بود . در اتاق نان میز دونفری بنده رادر برنده که همه جای کوهستان سر سبز رادیده می توانستم گذاشته بودند و قت خوردن نان قایق های رنگارنگ را با بادبان



های کوچك سپیدکه در آنها آدم هـــا ی باپوست آفتاب سوخته، به استراحت مــی پرداختند می‌دیدم . این کشتی گك ها به‌روی مخمل آبی بحر مثل اینکه با آهنگ موزون وملایمی بر قصد پایین وبالامی شدند .

هوای دلکش وزیبا بودومن سعی می کردم اززندگی‌ام در این بهشت روی زمین‌حداکثر لذت را ببرم .



روز دیگر که با اشتهای فراوان وسرحال پایین شدم که نام بخورم یك مرد میانه‌سال آنسوی دیگر میزنان بنده نشسته بود.

کومه های گرد چشم های گرددهان گرد عینك های گرد وازهمه مهمتر سر طاس گرد داشت .

«خوب هستی ؟»

«خوب ...»



چشم های گردش راکه درآن عینگك های گرد چون دایره های متحد المرکز قـــرار داشت به سویم گشتانده بالحن پرسنـــــده گفت :

«می فامی که یکی از زهرناك ترین مارق هامزه بسیار عالی داره ؟»

نفسم بند شد .

کمی پس تر پرسید :

«قدم نمی زنی ؟»

گفتم :

«چرانی»

«ممکن توفان شوه»

«ده ای آسمان آبی آبی ؟»

«می فامی که‌آدم صدای غرش رعد ره ده فاصله بیست کیلومتری نمی شنوه ممکن‌همی حالی ده دور دستها رعد غرش کنه ...»

من که زیر تاثیر این «منطق» رفته بودم



اضافه کردم :

«ممکن همی خالی کدام توفان باران حاره یی سرازیر شده باشد .»

او ناگهان به شا خه دیگری پرید وگفت:

«تصادفا همی حرف «ی» ده زبان اروپایی زیاد به کار می بره، مثلا ده زبان فرانسوی ازهر هزار کلمه ۱۸٤ تا ی ان «ی» دارد.»

من فرار را برقرار ترجیح دادم .

بقیه صفحه٤۳

مترجم : حفیظ الله «عمادی

نظریات واندیشه های البرت انشتین در صدسال آیندهٔ جامعهٔ بشری

همه کس میدانند که پروفیسور البرت ـ انشتین نوآوری هایی در باره انرژی هستوی نموده که فورمول مشهور او «انرژی مولده مساوی است به حاصل ضرب کتله غائیب شده به مربع سرعت نور ای مساوی است به ام، سی مربع امروز درساحه علوم مورد استفاده اعظمی قرار گرفته وشهرت جهان شمول کسب نموده است. همچنان البرت انشتین تیوری نسبیت را طرح نمود که امروز در صنعت هوانوردی ازآن پیروی شده ویا تیوری عام وی درباه نسبیت زبان زد خاص وعام است، این همه نوآوری ها واکتشافات در ساحه علم بوده که مقام وی رادرتاریخ جامعه بشری ودرتاریخ اکتشافات علوم ارج به خصوص بخشیده است. این همه اکتشافات نه تنها در ساحه علوم وجامعه بشری منحصر گردیده بلکه درازدیاد شناخت ومعرفت آدمیزاد در باره جهان طبیعی نیز مقام ارجمندی را حایز است .

فزیکدان برجسته عالم بشریت (البرت ـ انشتین) کار های علمی خودرا در سال ۱۹۰۵ (که در حدود سنین بیست وشش سالگی قرارداشت) بواسطه انشار چارساله فلسفی آغاز نمود. قبل ازاینکه انشتین درجه دکتورای فلسفی را اخذ نماید وی تاثیرات فوتوالکتریك ، محاسبه غیر دید مالیکول ها محدودیت موجودیت اساسی حساس بودن هریك از امواج باینده را تشریح وتئوری نسبیت خودرا در ۹۰۰۰ کلمه بصورت فشرده و دقیق بیان داشت .

اکنون که صد سال ازروز وفاتش میگذرد. ساحه تحقق بخشیدن اندیشه هاونظر یات علمی موصوف در سراسر جهان می باشیم چنانچه تیو ری انفجار اتمی اوبه محققین رشته الکترو انجنیری این امکان را میسر نمود که چگونه میتوانند آخذه‌های حساس ستریو ـ اقسام رابصورت کاملتر بهبود بخشند سیستم دستگاه قدرت های هستوی در جهان امروز ثابت کنند ه نظریه وتیوری انشتین مبنی بر تبدیل ماده به انرژی می‌باشد هم چنان تیوری قانون نور موصوف تکامل و پیشرفت اشعه لیزرزا بنیان گذاشت. دستگاه های اقمار مصنوعی که در دورا دور کره زمین به‌گردش اند نظریات فوتوالکتریك را که از ذرات شمسی تولید میگردد ثابت نموده است .

گرچه جسما البرت انشتین ازین جهان رفته است اما نظریات ، تیوری‌ها واندیشه های علمی او هنوز هم زنده است و تاجهان باقی است هم چنان براهمیتش افزوده خواهد شد .تصور کنید که۲۷۰۹ ویا دوهزارمین سال میلادانشتین بزرگ باشد مجمع‌الکواکب جدید در فضامی درخشد وزنجیر های حلقوی دستگاه های انرژی شمسی در مدار وجود دارند که همه این ها نظربه گفته البرت بزرگ دارای مواد فوتوسنتیك بوده که در جذب انرژی در تلاش اند . این‌انرژی ها به اشعه های بزرگ نوری مبدل میشوند .

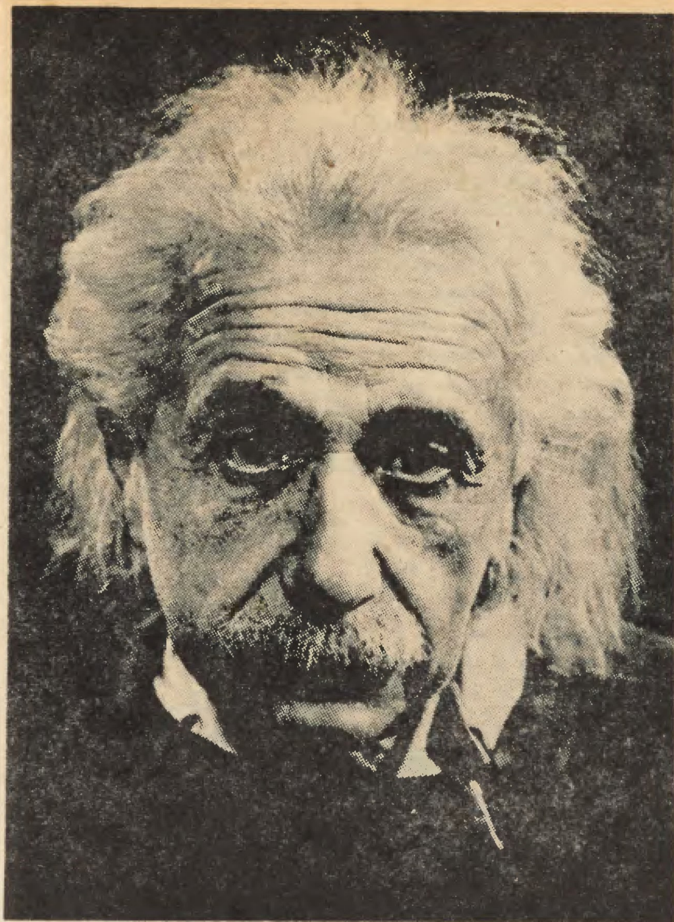
بعضی اشعه های لیزر برای بکار انداختن قوای فضانوردی ، کشتی رانی و در دستگاه تبدیل کننده برق در روی زمین مورداستفاده قرار می گیرند .

پیام های رادیویی از نقاط دور بواسطه تیوری تاثیر سرعت نسبی انشتین شکل گرفته وبواسطه آخذه ها ی دیگر دو باره قابل سمع میگردند . گرچه سیستم مفاهمه از طریق امواج رادیویی روزبروز کهنه گردیده واز رونق می افتد امادر عوض طریقه های مفاهمه بالموا جه که عکس دو طرف درآن قابل دید باشد به اساس تیوری فزیك البرت انشتین طرح وپی ریزی گردیده است. دانشمندان همچنان درتلاش اند تابا استفاده ازتئوری های علمی البرت انشتین علم‌ودانش رادر زمینه هایی بکار برند تا امکانات بهره برداری مواد نفتی را از سایر مواد حاری حصول نموده بتوانند .

اگر در سالهای ۲۰۷۹ نگاه کنیم به صراحت گفته میتوانیم که یك قرن بعدو حتی چندین قرن بعد نیز اندیشه هاوتئوری های علمی انشتین در خدمت عالم بشریت و عالم علم ودانش قرار خواهد گرفت .

اگر کمی به عقب بنگریم خصوصا زمانیکه انشتین بیست وپنج ساله بوده و تازه دوره تحصیل خودرا در سویتزرلیند به پایان‌رسانیده بود درآن زمان معمول این بوده که هریك از فارغ التحصیلان بایست مدتی را بحیث معاون یکی ازپروفیسوران سپری نمایند تا بتوانند تجارب در زمینه کسب نمایند . گرچه البرت انشتین شخص دانشمند اماظاهر وچهره خشن داشت اما د ر آزمونگاه علمی موقف برازنده را نسبت به دیگران بدست آورد .

البرت انشتین خودمی دانست که‌وی نسبت به همقطاران و سایر پروفیسوران دانشگاه لیاقت وورزیدگی در مسایل داشته اما روحیه



البرت انشتین

خشن وناآرام و ی مانع افشای این مساله می گردید وروی این لحاظ وی اکثرا درصنف درسی کمتر حاضر می گردید وی ترجیح میداد تا روزنامه ها و جراید علمی منطبعه را شخصا مرور ومطالعه نماید وی در زمان امتحان نوت های درسی رفقایش را یکبا ر مطالعه می نمود وحاضر به امتحان می‌گردید. معلمین قبلی انشتین هیچکدام حاضر نبودند ونمی خواستند وی را سفارش خوب نمایند روی این لحاظ بودکه وی نتوانست کرسی علمی را در یکی از پوهنتون ها احراز نماید بالاخره بعد از تلاش و مجاهدت زیاد با کمك رفقا وحلقه های خویشاوندان توانست وظیفه خصوصی دریابد ودر صنف دوم یکی ازمکتب ها بحیث ناظر امور درسی داخل کار شد وی از مطالعه نوشته های متعلمین چیز های‌زیادی رادر می یافت که قبلا به آن مواجه نگردیده بود .

در ین زمان وی دریافت که مفکوره سطوح فزیکی کدام مفهوم نداشته ودر صدد کشف قوانین دیگر برآمد .

اداره مکتب نیز از وی تقاضا می نمود تا راهی دریابد که چگونه بتوانند مسایل ومعما های پیچیده ومغلق علمی را دریك کلمه‌ساده وروان وعام فهم بگنجانند .

اداره مکتب پول وبودجه کافی به اختیار البرت گذاشت تابتواند در مسایل فز یکی تحقیقات انجام دهد وکار وبار روزمره اش راروی این لحاظتا حدودی کاهش بخشیدتاوی فرصت کافی تفکر در مورد مسایل فزیکی دریافته بتواند .

در جریان همین ساعات واوقات فراغت بعد ازوقت بود که وی تئوری را کشف نمود که جهان راکاملا تکان داد که حتی تئوریسن های بزرگ اتمی تا سال ۱۹۰۵ به کشف آن قادر نگردیده بودند . دانشمندان فزیك در مورد تاثیرات فوتوالکتریك تحقیقات بعمل می آوردند گفته می شدکه اگر ذرات نور روی فلز تصادم کند ذرات برقی که بنام الکترون نامیده میشود ازآن بیرون می شود اگر این الکترون ها در فضا بدوران افتند موادیکه با آن در تصادم قرار می گیرد بنام فوتومیسیف یاد می گردد در صورتیکه الکترون ها در مواد باقی بمانند مواد متذکره بنام فوتوولتائیك یادمی گردد که تحت تاثیر نور ولتاج برقی در اطراف مواد فوتوولتائیك پیدا میشود که آنرا به یك بطری کوچك برقی مبدل می سازد .

در آن زمان دانشمندان عقیده داشتند که برای جدایی الکترون ها از مواد فلزی وغیره یك انرژی ضرورت است واین واضح بود که اشعه نور این انرژی راذخیره می‌نمایدبواسطه ازدیاد اشعه نوری آنها استدلال می نمودند که میتوانند انرژی زیادتری تولید نمایند وباانرژی زیاد الکترون ها آزادشده و بایك سرعت زیادی در فضا به حرکت درمیایند . مگر به‌این شکل که‌اگر یك اشعه نو ر ی سبز رنگ را در نظر گیریم دانشمندان معتقدند که تمام الکترون به یك سرعت ازآن جسم خارج میشوند در صورتی که اگر رنگ

تغییر یابد یارنگ آبی ویا ماوراء بنفش باشد الکترون ها کمتر بوده ولی با سرعت زیادتری از مدار خارج میگردند در صورتی که شدت اشعه نوری بیشتر گردد سرعت الکترون های آزاد شده به یك پیمانه خواهد بود اما تعداد الکترون ها اگر رنگ تغییر یابد اشعه نوری به طرف انجام رنگ سرخ قرار می گیرد که الکترون ها باسرعت کندتری از مدار خارج می گردند اما در رنگ های که سرخی آ ن بیشتر باشد هیچ الکترون آزاد نمیشود .

در صورتی که اگر شدت نور سبز آبی کم شود در هریك دو ثانیه فقط یك الکترون از مدار آزاد میگردد اگر نور را در سراسر جسم بگسترانیم که در هر یك از قسمت های جسم فشار مجموعی انرژی هاییکه منجر به آزاد شدن الکترون ها میگردد احساس گردد مشاهده میشود که یك الکترون در هر یك ثانیه آزاد میگردند .

هیچ یکی از ین تجارب نتوانست آرزوهای دانشمند جوان را قانع سازد زیرا وی نوررا به مثابه امواج می پنداشت ووی توانست تاثیرات فوتو الکتریك را کشف نماید. او نشان دادکه نورنه از امواج مسلسل ونه از امواج منقطع تشکیل گردیده بلکه نور متشکل از توده های زیاد امواج انرژی اند که بنام فوتون هایاد میشود هریك ازفوتون ها دارای انرژی اند که مطابق بهفریکونسی توده های موج اند. هرقدر فرنکونس زیاد باشد انرژی نیز زیاد است عوض اینکه در اطراف انتشار یابد امواج فوتون هابه شکل توده های متحد باقی می مانند . وقتیکه فوتون هابه سطح فوتوالکتریك تصادم نماید کلیه انرژی آن دریك نقطه تجمع می نماید روی این لحاظ با کشف این حقیقت وی نه تنها به توضیح سلوك فوتوالکتریك موفق گردید بلکه وی توانست فورمول های ریاضی را نیز طرح وتدوین نماید که به اساس آن دیگران توانند خصوصیت نوررامورد ارزیابی ومطالعه قرار دهند .

مطالعات دقیق وعینی وی از طبیعت لقب بزرگترین دانشمند طبیعی ر ا بوی ارزانی داشت آثار علمی دیگر انشتین در موردتیوری اتم ومالیکول ها مشهور است در سال ۱۹۰۵ دانشمندانی بودند که به عینیت اتم ومالیکول هیچ عقیده وایمان نداشتند همه آنها در بحر اندیشه های ایده آلیستی غـــرق بـودند . وی ثابت نمود که مالیکول ها وجود داشته واین یك واقعیت علمی وعینی است که تجارب برصحت آن انگشت گذاریده چنا نچه وی مایعی رادر ظرف انداخته بهاثر حرارت بـــه بخار وبخار رابه مالیکول ها مبدل کرد در صورتیکه اگر و یا تغییـــر یابد فشار ...به اساس قانونمندی مشخص که از تجارب علمی بدست آمده تغییر می یابد . انشتین این نظریات را به شکل علمی در کلیه مواد واجسام تطبیق نمود به نظر البرت انشتین حرارت فقط حرکات واهتزازات اتم هایی است که به اساس قانون ریاضی انشتین بایکدیگر تبادلهٔ انرژی می نمایند .

انشتین توانست اندازه مالیکول های خود را محاسبه نماید چنانچه طبق گفته وی در سال ۱۹۰۵ قطر یك مالیکول شکـــر ۹۰۸ انگستروم یاهزار ملیون حصه یك متربـوده است .)

پنجاه سال قبل ازین که انشتین بدنیـــا بیاید رابرت براون دانشمند کیمیا گفته بـود که اگر یك دانه خورد وکوچك پولن گل به کب بیفتد هیچ گاهی از حرکت باز نمی استد. گفته می شد که اگر کسی مدت یك سال هم انتظار بکشد حرکت پولن هیچگاهی متوقف نمیشود . انشتین به این موضوع روشنی انداخت که حرکت دایمی پولن درآب بواسطه حرارت آب صورت می گیرد که دراثر آن مالیکول های آب دایم در جریان می باشند وپولن نیز درین حرکت بامالیکول های آب تبادله انرژی می نماید اماهیچگاهی انرژی ازبین نمیرود زیرا انرژی بواسطه حرکات ذرات خورد ذخیره میگردند مالیکول های آب به مراتب کوچکتر از ذرات مالیکول پولن است زیرا صد میلیون مالیکول آب از یك طرف وصدملیون مالیکول آب از طرف دیگر دایم فشار می آورند واین امر باعث میگردد تاحرکت پولن درآب بصورت واضح وبرجسته ملاحظه شود .

انشتین گفته ا گـر حر کتی کـه بواسطه گروه پولن صورت می گیرد ازدیاد یابد پولن خورد شده وحرارت ازدیاد میابد ...تجارب علمی امروز درمـورد صدا،رادار، رادیو وتیلفون نیز مورد استفاده قرارمیگیرد.

انشتین تئوری احصائیه را نیز تدوین نمود در احصائیه گفته می شد که همه چیزروی تصادف بمیان آمده و هیچگـــونه ارتباط دیالکتیکی میان علت ومعلول مشاهده نشده ووجود هم نمیداشته باشد انشتین می گفت: «که خداوند زیرك ودانا است اماهیچگاهی قمار بازی نمیکند» او عقیده داشت که همه اشیا وپدیده هاروی قانونمندی خاص کـــه اساس پدیده هارا تشکیل میدهد وجـــود دارد .

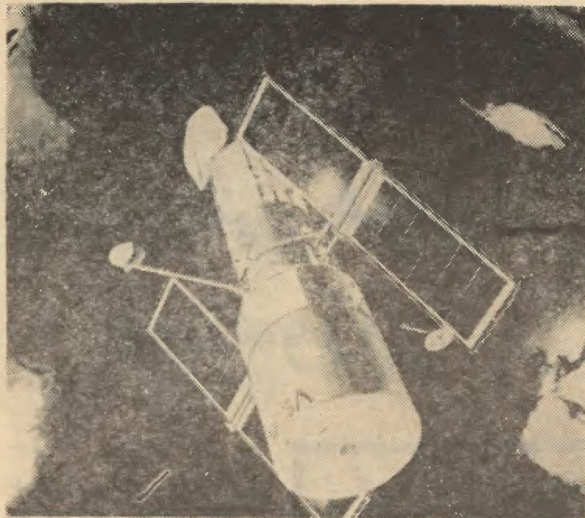
تئوری نسبیت انشتین عمده ترین تئوری میخانیك شمرده میشود قبلا نظریات میخانیك نیوتن برآن بودکه چگونه ماده در زمان و مکان در حرکت اند . درین حرکت مـــاده انـــرژی را ازدست میدهد وانـــر ژ ی را بدست میآورد . انشتیـــن گفـــته بود در صورتیکه سرعت اجسام به سرعت نوربرسند این فورمول ها نمیتواند بقدر کافی نیازمندی علمی را رفع سازد . انشتین ...

که اگر با سرعت نور ... کنیم چه چیزی را میتوانم مشاهده کنم آیامیتوانم فوتون هارا در اطرافم ملاحظه کنم روی این لحاظ وی به کشف ساحه مقناطیسی گردید که اهتزازات ساحه به اشعه نـــــوری فریکونس های بخشیده که در آن هم انرژی به شکل های مختلف آن جلوه میکند .

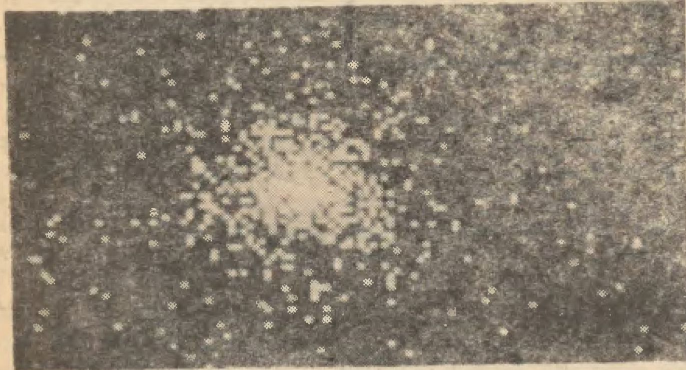
سوال دلچسپ دیگری که وی از خویشتن می نمود این بود که فرضا به سرعت نوری حرکت میکنیم واشعه رابه پیش از خود می فرستیم بودن به حیث نورچنان به نظرمی رسد که به اندازه سرعت نور در حرکت باشم در حالیکه آنرا از یك جسم محرك میفرستم آیاناظرین دیگری نمیتوانند ببینند که اشعه نوری از سرعت نور سر یعتر حرکت میکند؟ اما انشتین این را می اندیشید که فـــرق ندارد که چه پیمانه سریع یا بطی و کنـد حرکت میکنم برای من اشعه نوری در زمان حرکت وگردش عین سرعت را خـــواهـد داشت .

وقتیکه به سرعت نوری حر کـــت کنیم مکان به صفر تقرب نموده وزمان به یـــك موجودیت تبدیل میشود .

انشتین میگوید برای این که سرعت نور راکه موجود است در یابند انرژی قابـــل ملاحظه بصورت لایتناهی بکاربوده از این لحاظ هریك از موجودات عینی مادی هیچگـــاهی نمیتوانند به سرعت نور در حرکت باشند زیرا نـــور شکلی از انـــرژی خالص است برای اینکه موجودیت خـودرا ادامـــه داده بتوانند ناگزیر بهسرعت نوری باید در حرکت باشند روی این لحاظ تیوری علمی نسبیـــت انشتین برای اکثریت زیاد وبی شمار مـــردم غیر قابل تبدل به نظرمی رسد زیرا آنهـا ازعلم فزیك وتحقیقات لازم آن آگاهی کامل میداشته باشند.



یکی از تلسکوپ های فضایی بهدارزمین فرستاده شد. دانشمندان هنوز هم نظریات انشتین رادر مورد شناخت کائنات باوقت پیشتری پیروی می نمایند.....



سینوس اکسل-۱ بفاصلهٔ ۶۰۰۰ سال نوری بعید بوده که درتصویر کمپیوتر ی ستاره هـا دیده میشود

انشتین مسئله مهم زمان ومکان را نیز مورد بحث قرار داد کـه خلص آن چنیـن است: مکان درزمان است وزمان در مکـان.

ماده به انرژی وانرژی به ماده مبـــد ل میگردد .

وقتیکه مابه سرعت نور حرکت می کنیـم مکان خورد شده وزمان مدت آن طولانی می گردد .

ترجمه از : نصیر «ابوی»

رنگ‌ها و بیماری‌ها

طب رنگی همطراز طب سوزنی

- رنگ ها بچند گروه تقسیم می شوندوچه اثراتی در سلامتی روان انسانها دارند ؟
- رنگ ها برای ضمیر آگاه ویا نا خودآگاه انسان ارزش ومعنی سمبولیك دارند .
- آیا غذاهای خوشرنگ ساده تر هضم می شوند ؟
- طب رنگی گام دیگری برای معالجه انسان نه مبارزه با بیماری .
- کدام رنگها غم انگیز وکدام رنگهاشادی بخش هستند !
- در آینده نزدیك ازین شیوه با درونمایه امیدوار کننده غرض پیشگیری امراض مسری استفاده خواهد شد .

زیبایی مجموعه از هماهنگی وروبا رویی وآمیختگی رنگها است . به این جهت است که رنگ رامادر زیبایی گویند ۰ ازنگاه بعضی هازیبایی ورنگ هردویك معنی دارند . ما موجودیت رنگهای مختلف رادر طبیعت حس می کنیم ومنحیث یك موجود زنده مقابل آن از خود عکس العمل نشان میدهیم مثلا دیدن یك منظره پائیز در ما احساس مختلف می آفریند ، یا از دیدن رنگها امواج آبی دریا احساسی بما دست میدهد . که فرجام آن اندوه ویا شادی است .

روانکاوان را عقیده برین است که انواع رنگها برای ضمیر آگاه ویا ناخود آگاه انسان ارزش ومعنی سمبولیك دارند وهرکدام تصویر های ذهنی خاصی را میسازند . رنگها برای سلامتی ، احساسات جنسی، حالات انفعالی مثلا شادی واندوه وعواطف مثلا دوست داشتن ویا تنفر تاثیر می گذارند .

نقش رنگ در زندگی ماتا آنجاست که نمیتوان یك دنیای بدون رنگ یاحتی دنیایی رافقط به رنگ خاصی باشد تصور نمود . امروز درپهلوی رنگهای طبیعی رنگهای ترکیبی نیز داریم که حدود آن تاچهل هزار نوع میرسد . مطالعه تیوری رنگ بصورت عموم از چهار نگاه زیر صورت می گیرد :

۱- از نگاه ساختمان کیمیایی .

۲- از نگاه فزیکی .

۳- متود سوم برتاثیرات بیولوژی و نگها استواری دارد .

٤- آمیزش وهماهنگی رنگها .

تاثیر رنگ درجلوه دادن شخصیت:

۱- رنگ سپید به فرد اعتماد بنفس وآرامش خاطر میدهد۰

۲-رنگ پشمی نمایانگر طبع محافظه کار است .

۳- رنگ گلابی سوخته به بیننده احساس آرامش خاطر می بخشد .

باتوجه به اصل بالا در سال ۱۹۷۷ د ر سراسر امریکا واروپا موج مدسیاه پاگرفت.

این نهضت بعد ها اسم زندگی در ظلمت راگرفت . طراحان، نقاشان همه در بازار ها رنگ سیاه روانه کردند . وحتی گل سرخ یخن به گل زر سیاه تحویل یافت . اما این موج بوسیله روانشناسان رد گردید و پیشقدمان آن به عنوان افراد عقده یی ومنزوی تلقی گردید ودانسته شد لباس سیاه رنگ چه تاثیر به اعصاب پوشنده آن دارد . داکتر ماکس لوچه روان شناس مشهور سویسی رنگها را بدو دسته تقسیم می کند:

۱- رنگهای که از روز الهام گرفته اند .

۲- رنگهای که ازشب الهام گرفته شده اند.

دردسته دوم رنگ های تیره چون سیاه، آبی نفتی، خاکی، خاکستری تیره جای دارند . که باعث افسردگی بیننده می شوند ودسته دوم رنگ های روشن موجود در روزند که در بیننده احساس نشاط ، میل به فعالیت شور وهیجان رازنده می کند چون سرخ ، زرد، نارنجی، سبز وغیره .

برای نخستین بار جاپانی ها از تحلیل رابطه میان رنگ وروان انسان قدم فراتر نهادند وتلاش آنها، در مورد شناخت رنگ وروان آدمی پا گرفت .

اکیوساتو دانشمند جاپانی از نظر فزیك واثرآن بالای انسان رنگ هارابه گروه های ذیل تقسیم می کند :

۱- رنگ های سرد بروی سیستم اعصاب انسان اثر نا خوش آیندی بجا میگذارد . زیرا احساس نا امیدی ومیل در خود فرورفتن انزوا وکناره جویی را تقویت میکند .

۲- در مقابل رنگ های گرم اثرات مثبتی روی اعصاب دارند این هانشاط آور بوده تحرك وفعالیت را بوجود آورده وانسان را سر حال وبشاش نگهمیدارد . این رنگ ها بین سرخ، صورتی ، نارنجی ، زرد انواع رنگهای سبز، وقهوه یی روشن میباشد۰ بعد ازگروه بندی وتعیین اثرات رنگ ها وبازده اش به شخصیت وزندگی انسانها، کار شنا سان پوهنتون ایکاشیکا تحت نظرپروفیسر اکیوساتو به پژوهش های هرچه وسیع تر وعلمی تر همت گماردند ۰ بعدها دانسته شد که بهترین رنگ برای اطاق نرس های شفاخانه رنگ سبز است که رنگ گرم وشاد وآرامش بخش است۰ بعددرحلقه های علمی خبر دا غی پیچید که گفته میشد رابطه بسیار نزدیکی میان رنگ غذا ودستگاه هضمی برای هضم غذا وجود دارد . انبوه اطلاعات نشان میدهد که امروز غذایی لذیذ مطبوع وخوردنی تر است که خوشرنگ وخوش ترکیب باشد . زیرا میل به خوردن غذا از راه دیدن غذا وبوسیله تاثیری که رنگ ظاهری آن روی چشم می گذارد تقویت می شود . وهر قدر غذا زیباتر وجالب تر آماده شود وبه شکل جالبی با رنگین کمان هادر مقابل چشم قرار بگیرد اشتها بر انگیز است . وآسان ترهضم میگردد .

«پاولوف» دانشمند شوروی معتقد است :

خوشمزگی غذا به بو، درجه حرارت ، صدای خرد شدن آن زیردندان وبیشتر از همه به رنگ غذا ارتباط داد، مناسبترین رنگها از نگاه درجه هضمیت بین رنگ ارغوانی تاسرخ میباشد .

سال هاست که انسان به نقش رنگ در غذا توجه دارد وهنوز معلوم نیست انسانها چگونه آموختند بجای غذای بی رنگ غذای رنگین ودل پذیر بخورند اما میتوان گفت که انسان از وقتی پختن غذا را آغاز کرد به نقش رنگ در غذایی برد (پیش از دوره پخته خواری انسانها به خام خواری رو کرده بودند۰ وامروز به یقین ثابت شده است که غذا هاوسبزیجات خام بهتر از غذاهای پخته است) .

تنها در چند سال اخیر با بمیان آمدن غذاهای حاضری (کانسرو) وغیره بشرآموخته است دیگر بجای رنگ های طبیعی ازرنگهای مصنوعی استفاده برد. امروز این نکته کاملا روشن است که رنگ هامدت حفاظه (شلف لایف) خوراکی ها رازیاد میسازد . ورنگ جا لبی به غذا میدهد .

رنگها امروز در صنایع ساخت غذابه عنوان مواد حفاظتی مورد استعمال دارد۰

رنگها در مواد خوراکی به استندرد معینی (پی پارت پارت فی ملیون) علاوه می شود واگر ازین سرحد تجاوز کند سرطان زا اند واحتمال خطرهای زیادی رادر خود دارد احتمال زیان بخش بودن رنگ های غذایی برای انواع مصنوعی آنها بیشتر است . تاسه سال پیش صنایع غذای اروپا برای اینکه به محصولاتش که در قطعی های کانسرو عرضه میشود رنگ بهتری بدهند ازیك ماده کیمیایی سرخرنگ بنام آی ۱۲۳ استفاده می کردند۰ به تازگی کشف شدکه مصرف این ماده کیمیایی خطرناك است .

معالجه بارنگ ویاطب رنگی پدیده جدیدی است ومانند طب سوزنی میرود تا جایش را با موفقیت در میان روش های درمانی جدید پیدا کند . اینك عده از اطبای اروپایی وامریکایی این شیوه راکه هدف آن درمان به کمك رنگ هاست پیشنهاد می کنند . با اینکه این روش مانند طب سوزنی ریشه خیلی ها قدیمی دارد ودانش خیلی قدیمی است ولی درمورد آن کمتر فهمیده شده است . وهنوز هم جزئیاتش در سراپرده ابهام قرار دارد . طرفداران روش معتقد استند که این متود به زودی جایش رابه عنوان یك اصل مداوایی ودرمانی درعالم طبابت احراز خواهد کرد . یکی از پیشقدمان درین راه استاد یکی از پوهنتون های ایتالیا بنام «جان باتیتا» میباشد اومعتقد است استفاده از رنگ به حیث یك عامل تعادل بخش روانی وبه عنوان یك مؤلد سلامتی درآینده جهان طبابت را تسخیر وتوجه جهانیان را بخود معطوف خواهدساخت۰ چنانچه استفاده ازرنگ بحیث یك شیوه درمانی بالاخص بیماری های روانی سابقه و ریشه قدیمی دارد. اکنون که درمورد سوکسه واهمیت شیوه گفتیم ببینیم آیا کندوکاوها وپژوهش های علمای سراسر جهان در مورد کاری از پیش برده است ؟ بازده وثمر این تحقیقات چقدر مفید بوده است آیا آنرا میتوان در هرگونه شرایط پیاده کرد؟ بدرستی معلوم شده است که :

رومیزی سرخ ضد پرخوری، رومیزی بنفش ضد اشتها، رنگ آبی ضد بیماری اسما (نفس تنگی) بوده وبالاخره رنگ نارنجی نبض را سریع میسازد .

امروز از رنگ هااستفاده غلط میشود . مثلا رنگ سپیدی که در شفاخانه ها مورد استعمال دارد با خاصه «هپنوتزی» اش اثر مطلوبی بالای بیماران ندارد در عوض پروفیسر دلیوتی یکی از پیشقدمان طب رنگی برای تزئین شفاخانه ها رنگ سبز راپیشنهاد میکند .

همچنان رنگ فولادی که برای تزیین اکثر جاها مستعمل است متاسفانه دارای خاصیت مالینکونیك یامالیخولیایی است۰ جلوگیری ازتزئین واستفاده از یندو رنگ در مکاتب ، شفاخانه وغیره جاهای عمومی کاری است معقول .

مؤثریت رنگ در معالجه بیماری ها :

درین باره نظریات مختلفی وجود دارد از آن جمله فرضیه «رادیاسیون» یا تشعشع رنگها است . هریك از رنگ هادر میدان های رنگه دارای انحرافاتی اند، انحرافی که به دلیل

بقیه درصفحه ٤۱



دلفین هابه انسانها علاقه خاصی از خود نشان میدهند .

از سپو تنیک   مترجم ش . احمد شاه

دلفین یا دوست انسانها

دراین اواخرد ر بعضی از ممالك جهان دلفین هارابه طرز مخصوص تربیه مینما یند تا از آنها بمقصد نمایش و اهداف مختلف دیگر استفاده کنند . یکی از نمایشگاه های دلفین ها در شهر با تومی واقع در ایالت گرجستان اتحاد شوروی میباشد . این نمایشگاه که گنجایش دو صدو پنجاه نفر را دارد از تماشاچیان هیچ وقت خالی نمیباشد . نمایش درینجا شبیه نمایش درسرکس میباشد. بطور مثال طبق هدایت مربی دلفین ها توپ را به سبد باسکتبال پرتاب میکنند با همدیگر والیبال بازی میکنند .دود لفین همزمان از آب جست میزنند ودو باره در آب فرو میروند . به این ترتیب چند ین نوع نمایش را اجرا میکنند . اما در حقیقت این یك نمایشگاه نیست بلکه یك لابراتوار تحقیقاتی است که در آنجا تحقیقات مختلف صورت میگیرد . طبق اظهار یا روسلاف بلیز نیوك آمر لابراتوار هدف آنها این نیست که دلفین ها توپ رابه سبد باسکتبال پرتاب کنند و یا کدام نمایش دیگر را اجرا کنند، بلکه هدف عمده این است که در یابند تا کدام اندازه دلفین ها برای انسانها مفید و به اصطلاح دوست شده میتوانند

در لابراتوار مذکور سعی میکنند تابدانند به چه طریق توسط دلفین ها محلاتی را در یابند که از نقطه نظر ماهی غنی باشد یا بوسیله دلفین ها ماهی ها را به سوی کشتی های ماهیگیری سوق دهند ویا ازکدام طریق دیگر درین قسمت به اشخاص موظف اطلاع بدهند .

طبق اظهار محققین دلفین را تا هنوز به اصطلاح عاقل شمرده نمیتوانیم بلکه تنها گفته میشود که انکشاف مغزی دلفین هامساوی به سطح انکشاف مغزی شمپانزی میباشد ودر مقابل حوادث عکس العمل بسیار سریع از خود نشان میدهند درنتیجه قابلیت دلفین ها را حافظه نه بلکه عکس العمل آنها تعیین میکند .

دلفین ها در تمام شرایط یعنی چه در بحر و چه در حوض های تحقیقاتی به انسانها علاقه خاص از خود نشان میدهند اما یکی از نقایص این است که دلفین ها اشخاص را از همدیگر مانند سگ ها از همدیگر فرق کرده نمیتوانند و به تمام اشخاص عین علاقه را نشان میدهند.

در لابراتوار تا هنوز باد لفین ها ازطریق صدا ها و حرکات مخصوص مفاهمه مینمایند وتاحال تقریبا سی نوع حرکات مخصوص راآموخته اند امادرقسمت لسان دلفین هاتنها به صداهای مخصوص اکتفامیشود دراتحاد شوروی به کمك حیوان شناسان آله ای ساخته شده است که توسط آن (لسان) دلفین ها به دقت فهمیده می شود یکی از مقاصد دیگر



یکی از دلفین ها، دریك حالت جالب

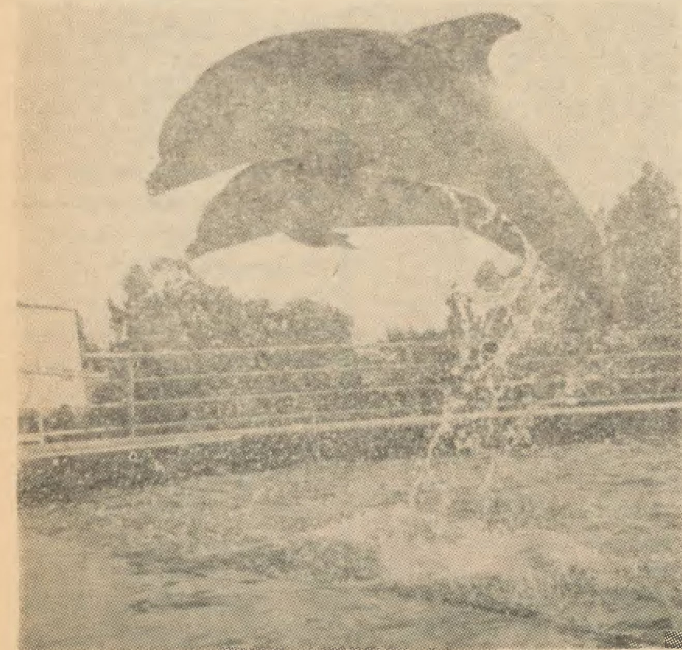
لابراتوار تعیین محل رهایش دلفین ها و تحقیقات در قسمت مواد خوراکی آنها میبا شد . زیرا که درچندسال اخیر از تعداد دلفین ها در تمام نقاط جهان کاسته شده است .

برای این مقصد در سال ۱۹۶٦ به ابتکار اتحاد شوروی از طرف ممالکی که به بحیره سیاه ارتباط داشتند موافقتنامه

بقیه در صفحه ۴۱



مصاحبهٔ جالب قبل ازشروع نمایش



دلفین هادروقت جست از آب

استعمال آتش درزمانهای قبل تاریخ

نوشته: وی . آن میشرا

مترجم: م . راد

در همه جوامع بشری استعمال آتش کلیت داشته تنها به‌استثنا جزیره نشین‌اندامن که آنها اعتقاد به‌فراموش کردن هنرآتش‌سازی واستفاده نکردن از آتش داشتند، باقی حتی میان گروپ های انسان بدوی که با سطح وتکنالوجی عصر سنگ زندگی میکردند، میدانستند که چگونه آتش بسازند و از کدام ابزار در تولید آتش کمک خواسته و آنرا مورد استفاده قرار دهند.

باید تذکر داد که نسبت اختراع ابزارو انکشاف تکنالوجی عصری آتش بشیوه های نوینی بدست آمده و غرض استفاده به منظور های گوناگون متدرجا آماده شده وتا اندازه یی هم به آسانی و بدون تکلیف ساخته و تولید می شود، بطور مثال ذریعه ماشین های عصری ءاستفاده از انرژی برقی و مقدار معین مواد لازمه گوگرد با چوبك های آن ساخته شده و هنگام ضرورت انسانرا بی نیاز می سازد که در این صورت آتش با شیوه های نوین تولید و عرضه میگردد، در غیر آن آتش بشکل دیگری کشف و مورد استفاده قرار می گرفت. اگرچه جوامع بسیط دراز منه باستان از ارزش های آتش بسیار دور و حتی بی خبر بودند ولی باآنهم زندگانی شان خیلی باهم مشابه وارتباط نزدیك داشت که اینگونه نزدیکی و گردهم آیی ها صرف بمنظور بقا زندگی بوده است. بعدها که آتش را خلق کردند جمعیت ها فشرده تر شدند و زندگی انسانها حتی ساختمان فزیکی ایشان نیز تغییر پذیرفت. اکثر جوامع افسانه هایی را در مورد آتش خلق کردند. چنانچه آرین های عصر ودیك آتش را چون رب النوع پرستش میکردند ودر ستایش آن سرود های مقبولی را میخواندند، حتی امروز هم پرستش آتش یك بخشی از مذاهب هندو را در مراسم تشریفات و محافل خوشی تشکیل داده چنانچه از بهترین نمونه آن می توان مذهب زردشتی را در هند یاد اور شد.

با آنهم هستند عده ایکه از آتش ترس داشته واز آن بعضی اوقات و یا مطلقا دوری می گزینند. پس بدین ترتیب گفته می توانیم که استعمال واستفاده از آتش شکل طبیعی ویا اجباری نداشته بلکه روی سلسله نیاز مندیها و اتفاقاتی بمیان آمده است، اینکه افزار آن بشکل فرهنگ وکلچر تحصیل شده، استعمال و ساختن آن که چگونه انسانهای اولیه و بدوی آنرا آموخته اند، مربوط میشود به یك تحقیق خیلی عمیق وطولانی، که نه تنها در ین مختصر نمی گنجد بلکه از بحث ما نیز خارج است ولی جای شك نیست که آتش در اثر مراحل و طولانی تکامل تدریجی با قدم های منظم وتجارب گوناگون انسانهای اولیه بمیان آمده است.

آتش یك نقش ارزنده و بس مهمی را در فرهنگ وکلچر انسان وتکامل جسمی وبیولوجیکی آن بازی کرده است. مهمتر واولتر از هم آتش مانند اسلحه تدافعی برای انسان های اولیه کمك کرده تا انسان توانسته باشد بااستفاده‌از این سلاح خود را از خطر شکار حیوانات درنده در شکارگاهها دور و درامان نگهدارد. قدیمترین انسان یا انسان اولیه واجداد انسانهای امروزی که درفضای آزاد، بدون سرپناه زندگی میکردند اصلا در انهنگام سرپناهی وجود نداشت، یا بعباره دیگر جای مشخص برای رهایش وبود و باش شان موجود نبود. هرجایی میرسیدند اقامت می گزیدند و حتی شب ها را از ترس چون همواره بشکل گروپ واورو گله‌حیوانات بالای درختان و جاهای نسبتا مصئون تر صبح‌می‌کردند وبسر می بردند. یی‌حرکت می کردند و دنبال شکار می گشتند تا دز یکسو از خطر حیوانات نسبتا محفوظ باشند واز طرفی هم بتوانند شکار را محاصره کرده بچنگ بیاورند، و شب‌را در قله های بلند صبح می نمودند. وفقط بعد از کسب و بهره برداشتن آتش بودکه آنها توانستند بطرف مغاره ها حرکت کنند و در گام اول پناهگاه های‌سنگی (مغاره های طبیعی) اولین و سابقه دارترین جای ومحل اقامت گزینی و شب پائی بود که توسط انسانهای اولیه و حتی جانور گوشتخوار تصرف واشغال گردید. همچنان آتش بمنظور آلـه شکار یا در شکار کردن حیوانات‌نیز مورد استفاده انسانها قرار می گرفت، با کمك آتش انسانها توانستند بشکل یك گروپ بزرگ، گله های علف خوار را ترسانده واین رمه ها رابطرف مرداب ها و دره های باریك وسراشیبی های خطرناك بکشانند تا بدینترتیب آنهارا از پرتگاهها قتل عام کرده و مدتی از گوشت آنها تغذیه نموده واز پوست و استخوان آنها نیز احتیاجات ضروری خویش را رفع نمایند.

استفاده واستعمال آتش بمنظور پختن غذا، تاثیر بسا بزرگی را پیرامون تکامل بیولوجیکی انسان وارد آورده، چنانکه جویدن گوشت خام و غذا های نباتی سبزیجات فك ها وعضلات قوی داشته را ایجاب می نمود. که انسانهای‌نهایت بدوی و گوشتخوار چنانکه دیده می شود (نظر به پیدایش بقایای استخوان هـا و فوسیل های شان ذریعه باستان‌شناسان وانتروپولوجیست ها) دارای چهره های جسیم واکتشاف یافته بوده همچنان برآمدگی های استخوانی که ماهیچه‌های فك را با هم متصل‌می سازد، نیز دارااند در حالیکه استعمال آتش تحولی‌شگرفی را در ساختمان فزیکی انسان بمیان‌آورده چنانچه بعداء غذای که پخته می شد این قدرت ماهیچه ها را نسبتا تقلیل بخشیدن یعنی تغییر غذای‌خام به پختـه سبب شد تا قدرت و توانایی ماهیچه ها و عضلات فك هـا به تقلیل رفته که در نتیجه موجب یك تحولی شگرف در ساختمان و شکل ظاهری جمجمه انسان گردید، جمجمه نازکتر شد که این وضع برای محلی که درآن مغز جا دارد، موقع داد تا فراخ ووسیع گردد.

همچنان آتش‌انسانرا از سرما محافظت می کرد. شواهد باستان‌شناسی اشاره می کند اینکه تنها زمانیکه انسان قادر به استعمال و بدست‌آوردن آتش شد آنگاه بود که انسان‌اقدام به‌پیشرفت در نواحی سرد تر در غرض جغرافیائی جنوبی نموده بطرف قطبین راه یافتـه واکثر نقاط را تحت تسلط خویش در آورد از زمان پر پشمی (یك زمانی بود که‌وجود انسان پر از موی بوده یعنی مانند سایر حیوانات یك قشر انبوه موی و پشم وجود انسانرا پوشانیده وازگزندسرما تقریبا آنها را محفوظ گردانیده بود.) به این سو آتش به انسان موقع داد تا بشکل وسیع در پاك ساختن بعضی قسمت های جنگل دست یابد وبخش های پاك‌شده جنگل رابرای زراعت واقامتگاه های خود اختصاص دهد.

نا گفته نماند، مهمتر از همه انسان قبل‌تاریخ‌آتش رابرای روشنی‌وروشن ساختن نیز تهیه می کردند. قبل از اینکه انسان از آتش چیزی‌بداند، روز انسان باغروب آفتاب خاتمه می یافت یعنی همینکه آفتاب می نشست همه فعالیت های انسان خاتمه می‌پذیرفت وانسانها مجبورا می خوابیدند آتش طول فعالیت کلتوری انسان راافزایش بخشیده و آنرا با وزن ومقدار روشنی روز متعادل گردانید. بعد از پیدایش، اختراع واستعمال آتش انسانها عوض کناره‌گرفتن از فعالیت به زور وجبر وخوابیدن بعد از غروب آفتاب بیك سلسله کار های‌ارزنده یی دست می زدند، مثلا بعد از غروب آفتاب بشکل گروپ وار گرد آتش جمع می شدند و با خوشی و سرور دور هم حلقه می‌زدند وملاحظات وبرخورد های روز مره خود را در چگونگی شکار توضیح‌می کردند وبعدا برای روز آینده و طرز شکار پلان های طرح مینمودند بدین ترتیب آتش موقع مساعدی را برای انسان درازمنه قدیم مهیا ساخت تادر هنگام فراغت و مجال یافتن، به آبادانی دست بزنند واز ایام بیکاری حد اعظمی استفاده نمایند ودرین گردهم آیی های فامیلی، بزرگان وصاحب تجارب از آزمایش ها ورویداد هایی زندگی برای جوانان وتازه کاران حکایت ها می نمودند وکوشش می شد تا این گونه گردهم آیی شکل رهنمایی را داشته باشد. افسانه ها گفته می شد واز سینه به‌سینه منتقل می‌شد وباگذشت زمان خاطرات گذشتگان رازنده‌نگاهمیداشت وتا اندازه یی هم مورد استفاده قرار می گرفت. لذا گفته می توانیم که در جوامع بدوی زمین باخانه و سر پناه مترادف شناخته شده وبدین گونه گرد هم آیی کنار آتش در زمره اولین مدسه انسان اولی به حساب آمده است.

آتش یك حالت و موفقیت رو حیاتی خوبی رابه زندگانی انسان جا داد، یعنی اینکه آتش‌دیگر مشوق‌خوب‌وبزرگتری برای شکارچی بود تا شکارش را در فضا آزاد پخته کرده بدون ترس با سایـر

اعضای فامیلی یکجا در اطراف آتش جمع شده و با خوشی و سرور آنرا صرف نما یند که اینگونه گرد هم آیی و صرف غـذا شکل میله را هم بخود داشت .

دیگر شکارگران شکار شان را چون راهبه ها و تارك دنیا در جا های گوشه ودور از انتظار دیگران مانند قله ها، جا ها، زیر سنگها له ها حتی چقری هــاروپش خاك و سنگ ریخته و بطور خام پنها ن نمی کردند که با همچو عمل مقدار زیاد مواد خام را تقریبا تلف مـی نمودند . پس بدین ترتیب آتش بشکل بالقوه ورشته اتصال بسیار قوی در تحکیم فامیلی های بشری نقش ارزنده یی پیداکرد که در نتیجه گفته می توانیم واقعا زمانیکه انسا ن قادر شد آتش را مطیع و تحت اداره وکنترول خود در آورد، آنگاهست که وی توا نست با همچوعمل خود حتی دیگران را نیـز رام و اهـلـی سـاخـتـه وزمینه گسترش فا میلی را مهیا گردانـد، چنا نچه این عمل تحقق هم پذیرفت.

قدیمترین مدرك آ تش با شرکت یـا معاشرات فرهنگ انسا ن و یا با بقایای فزیکی آنست که از امتداد قسمت های شمالی اروپا و چین بدست آمده است .ممکن این هم بطور یقین و کا مل نبا شد تا اینکـه انسا ن شروع به مهاجرت و حرکت بطرف منا طق و محیط سرد تر نمود، آنگاه هست که انسا ن یقینا به آتش و موجودیت آن احسا س ضرورت کرده است .

همچنا این نکته قابل قبول را با یدخاطر نشا ن سا خت که اثرات قدیمه آتش در اروپا وبرخی حصص چین نگا هداری شده زیرا انسان بعضی او قات جایی رادر مغاره های مختلف در افریقا وجا های دیگـر چنا نچه معمو لا آنها در هوای آزاد و سر باز زندگی می کردند ، برای بودو باش خود انتخاب می نمودند تا از یکسو نسبتـا از گز ند حیوا نا ت درنده و مضر درامان بوده واز جا نبی هم با فرآورده ها ی طبیعی دسترسی دا شته با شند ، که در نتیجـه از همچو جاها به اثر کا وشها اثرات آتش بدست آمده است .

بااثر کاوشهای محققین از مغـاره سکیل واقع درکرانه دریای دورانس که از مارسلیز چندان فا صله نداشته ودر یا ی مذکور در کنا ر خود چند ین طبقه و تر اس را تشکیل داده است ، یکمقدار چو ب سو خته یـا ذغال ، خا کستر و همچنا ن استخوا ن های سو خته و سنگها ی که بوسیله حرار ت آتش چاك و یا ترکیده بدست آمده است محققین مذکور باین نتیجه رسیده انـد بقا یـای که از مغارهٔ مـذ کـور بـدست آمده تا ریخ آن گما ن غالب به ...۷۵تـا ۱۰۰۰...سا ل قبل منسو ب می شود .

فقط کمی جنو ب تر از مغار هٔ سیکل ساحه جو کوتین کـه نـز د یـك پکنگ مو قعیت دارد با داشتن مدارك آتش وبقایای آن معروف می باشد ساحه مذکور علاوه بر غنی بودنش از نگاه فابریکه ابتدا یی یامرکز او لیه سا ختمان ابـزار سنگی چون ساطور . قطع کننده و برنـده سنگی واستخوا نها ی وافر حیو انا ت پستا ند ار، یك مقدار زیادی از بقا یای انسا نهای بدوی ودورهٔ انسان فوسیل (شامل انسان اولیه و یا نژاد انسا نهای امروزی)،سن انترو پوس - پکنینس رانیـز دارا بـوده است در این سا حه مدار کی که موجودیت آتش رادر آن زمان به اثبات می رسا نـد عبا رت از اتشدانها ، ذغال ، چوب سو خته، استخوانها ی سو خته حیو انا ت بشمو ل شا خ گوزن ، دانه ها ی حبوبا ت سو خته و همچنا ن فر ش گلی پخته شده بر نگ های سرخ وزرد میباشد.

اثرات آتش در سا حاتی که متعلـق بـه فرهنگ دورهٔ اشلـو لیـن شنا ختـه شده و بـا فرهنگ و کلتورابزار سنگی چو ن سا طور وبرنده بیك پیروز ی رسیده است ، نیز شریك وهم دوره مـی باشد . قدیمتر ین این ساحات عبارت است از فـو را لبا و امبر و نـا در هسپـا نیای مر کزی که به ......۵ سال قبـل منسو ب و تا ریخ گذاری می شود .شواهد ومدارك استعمال آتش ذریعه انسا ن دوره اشو لین در افر یقا از سا حا ت از یمبلا مربوط به کشور تانزانیا وآبشار کالا مبـو واقع درکشور زمبیا نیزذریعه کاوشهای محققین بدست آمده است.

د ر د و ر هٔ پیشینـه سنگـی که تقر یبا در حدود ...(۳۵...) سال قبـل شروع شده و فضا ء انسا ن مها جر نشین سا حه وسیع وپهنا ور جها ن را ا حتونموده همچنا ن آتشدا نها ی متعد ی از سطـح های آوریکنشین واقـع در ابـری پـا تـو د و سا حـات مختلف فـرانسه و سا حـه اوکراین کوستینکی کشف ومربوط بدوره های باستان شناخته شده است.

قد یمتر ین اشکال گلی که ذریعـه آتش پخته شد ه وبمنظور ها ی خا صـی در ایا م قدیم مورد استفاده قرار گر فتـه ازمناطق دالنی ویستونیس وپاولونزدیك برنو واقع کشور سو سیالیستی چکو سلوا کیا بـدست آمده است که محققین اشکال مذکور را مربوط به (۲۰۰۰۰...) سال قبل دانسته انـد همـچنـا ن د ر کـو ستنـکی بقا یا ی استخو ا نها ی سو خته حیوانی که بیشتر در ا تشدا ن ها یا فت شده و گمان غا لب از هنگا م پختن یا کباب کردن حیوان ذریعه استعمال آتش با بنسو در آنجا ها مانده با شد، بطور معلو م و یقیـن میر سا ند که چو ن چو ب هنگا م سر ما و زمستا ن در جلگه های پو شیده ازبرف متفرق شده وبدست آوردن آن زحمت زیـادی را ایجاب مینمود ، لذا استخوان حیو انا ت را سو ختا ند ه ورفع نیاز مند ی نموده اند باید یاد آور شد که با لاخره آثار قدیمتر ین شیوه استعما ل آتش بر ا ی ترتیب و نگهد اشت وجود انسا ن از گز ند سرما ا ز چـنـد یـن قسمت در یـا چه منگـو واقع آ ستر الیا ذریعـهٔ محققین و باستانشنا سا ن بد ست آمده است اکثـــرا با ستا نشنا سا ن استخوا ن ها ی سو خته وخا کستر ا جسا د فن شده را از اتشدانها و قبر ها ی که در مجرای در یا چـــه مذکور قرار داشت ذ ریعه کاوشها از سا حهٔ مند کره بدست آورده و آنها را بعد از تحقیق به ...۳۰... سال قبل نسبت داده اند.

طبق عقیده عده ئی از دانشمندا ن ومحققین آتش تقر یبا یك میلیو ن سال قبل مورد استفاده انسا نها قرار گر فته و لی بلوصف تحقیقات و پژو هشهای متو ا تر تا هنوز بدقت فهمیده شده نتوانسته است که انسان چه زمانی قادر شده تا آتش را تو سـط میتود هـا ی مصنو عی حا صل و تولیـد نما ید.؟ اگر چه دلایل زیادی مو جود است که سبب بروز آتش در طبیعت شده است که مهمتر از همه شعله ور گر د ید ن جنگـل وتـو لید آ تش است ذ ریعـه مـا لش یـا اصطکاك در ختا ن با یکد یگر .

همچنان کوه های آتش فشان مبداء دیگری است که آتش را تو لید نموده است ،اگر چه اینگو نه تو لید آتش در بر خی ازمناطق محدود بوده است . ناگفته نباید گذا شت که تراو ش ور خنه ها ی طبیعی تیـل وگاز نیز سبب دیگری ایست که آتش را بـمـیـا ن آ و ر د ه ا ست. پس به یقین میتوا ن گفت که انسا ن قبلی شاهد آنست که در بعضی موا قع آتش طبیعی موجود بوده و در بر خی موارد ممکن هـم ذریعه اتفا قات ناگهـا نی صورت پذیر فتـه و از تصا د م سنگی به سنگ دیگر و یادر ختی بد رخت دیگر جر قه آتش تو لیدشده باشد که ممکن بعدا انسا نها مفیدیت آنرا احسا س کرده با شند .و در آن هنگا م زمانیکه یکبار آتش ذریعهٔ اینگونه اتفا قات بوجود میامد وبدست انسانهای اولیه قر ا ر میگر فت . انگاه بود که بشکل گر و پ ـ وار بدور آن حلقه زده و بادقت کا مـل همواره در حفظ ونگهبا نی آن میکوشید ند، یعنی اینکه آتش را محا صره کرده ودر آتشدا نها ی مخصو ص و بزرگ مثلا یك چقری زمین ،سنگ قالبها ی بزرگ و غیره جا ها نگهداری مینمو دند بعد از همـه مراحل گونا گو نی که در کشف وچگو نگی استفاده و نگهدا شت آتش سپری شد،برخی از فامیلها در خانه ها ی رو ستا ها (حتی امروز هم در منا طق خیلی دور افتاده از شهرو قریه)بطور دایم آتش راد ر اتشدانها روشن نگهداری میکردند آتش مصنوعی بد و طر یق تو لید میشد : یکی ذریعه ضر بت و تصا د م ودیگر ی ذریعه ما لش واصطکاك . میتود ضر بتی یا تصادمی عبارت است از یك گره کو چك از کبیـ گوگر د وفلز (مواد او لیه وابتد ا ئی گو گرد امروز ی) که بمقا بل یك پا رچه سنگ ضر بت و یا تصا د م داده میشود ودر نتیجه جرقه یا شعله زننده بوجود میاید و جر قـه ـ ایکه ازین طریق تو لید میشود فتیله خشك وبدون رطو بت را می تواند روشن سازد شیوه یا میتود د یگر ی که عبارت ازمالش دادن یك شی باشی دیگر یا اصطکاك اجناس است نسبتا پر زحمت تر بوده وایجا ب مینماید که پارچه ها ی چوب خشك را بایکدیگر بشکل دوامدار مالش داده تاحرارت تو لیـد شده و ذریعـه آن فتیله خشك روشن گردد

قد یمترین مدر کی از شیو ه تولید ا تش توسط میتود ضربتی یاتصادمی ازمغارهٔ بلجین بد ست آمده که محققین آنرا مر بو ط به ...۱۵... سال قبل شنا خته اند ، وا یـن طریقه ایجا ب یك گلو له کوچك ویا توپ سلفا ید طبیعی آهن را (یایك پا رچــه آهن ونکل) نموده تابایك مجرای عمیـق سبب تکرار عملیه در عین محل شده بتواند یعنی در عین محل شکل یك جر ی راداشته با شد . تو لید ا تش ذریعه عملیه ما لش یا اصطکا ك ایشا ء با لخا صه بعد از اینکه انسان شروع به ساختن ابزار وو سا یـل سنگی تو سط خورد و با رچه سا ختن سنگ دردورهٔ پیشینه سنگی نمود،آغازگردیده که محققین آنرا بـه ۳۰۰۰۰ سال قبـل منسو ب کرده اند .ولی تخنیك اینگو نه استفاده کـــه بیشتر بشکل مستقل ذریعه بومی هــــای آسترالیائی مورد استعمال قرار میگر فت تو سط یکعده محققین و دا نشمندا ن کشف گردیده و استعمال آنرا بشکل منفــرد دانشمندان در حدود ....٤۰۰۰ سال قبل نسبت داده اند، ایـــنگونه مـرا حـل را آ تش گذشتا ند ه ا ست اگر چه بطور د قیـق معلو م شده نتوا نسته است که اتش دراول درکدام قـاره کشف و یـامورد استفاده و استعما ل قرار گرفته است و لی با نهـم در بعضی قاره ها چو ن افر یقا برای اینکه دارای اقلیم گر م وقاره ای بود ه و مـــردم اولیه تا دیر زمان در فضا سر باز زند گـی میکردند لذا بقایای آتش از زمانهای خیلـی ها نخستین تا حال کشف و بد ست نیامده است ، ودر قاره های د یگر نیز مدارك اولی بطور د قیق تا حال معلوم نگر د ید ه ا ست که چگو نه و چه زمانی آتش کشف ومورد استعما ل انسا نا ولیه قرار گرفته است تا توضیح و تشریح گردد و لـی محققیـن و دانشمندان پیو سته در زمینه مصروف پژوهش اند . تا با شد که با را هگشا یی این معضله رو شنی های بیشتری در کشف و تحقیـق علوم دیگر بیاندازند.



احسان «شریف»

دیکتاتوری پرولتاریا و سازمان جوانان

دیکتاتوری پرولتاریا که در گذار ازمرحله سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی مرحله موقت وحتمی وانکار ناپذیر است امریست برای رسیدن به جامعه فارغ از استثمارفرد ازفرد. دیکتاتوری پولتاریا حافظ ونگهبان یك طبقه بر طبقات دیگر است بایك تفاوت بزرگ.

دولت های فاشیستی و استثمارگر بمنظور صیانت منافع طبقات استثمارگر «که خود از همان طبقه نمایندگی میکند برطبقات وتوده های زحمتکش ورنجبر جامعه عرض اندام نموده است امادیکتا توری پرو لتاریا • به خاطر حفظ ونگهبانی ، منافع . طبقه زحمتکش و بهره ده جامعه که معمولا میزان بیشتر از اکثریت به مفهوم وسیع کلمه را نشان میدهد . عرض وجود می نماید که بخاطر تحقق خواست وآرمانهای توده ملیونی کمر همت می بندد وبه نفع ایشان دست به اقدامات موثر میزنند .

سیستم دیکتاتوری پرولتاریا ازنظرمکانیسم آن دارای تسمه هاواهرمهای است که منحیث نیروی هدایت کننده عمل میکند این اهرمها وتسمه ها عبارت اند از :

اتحادیه کارگران - شورا هاکوپرانیف ها وسازمان جوانان .

سازمان جوانان که بسیج شدن عناصر انقلابی وروشنفکر جامعه رادر بردارد متشکل از آنعده جوانانی است که توانسته اند فرم طبقاتی جامعه‌خودرابببینندوبرای درهم شکستن آن دست فعالیت بگشایند این سازمان از برای فایق آمدن دیکتاتوری پرولتاریا در مناقشات داخلی ودر زایل ساختن سؤتفاهمات در زمینه های مختلف اهمیت بسزایی دارد .•

سازمان جوانان . سازمان توده های کارگر دهقانان وسایر زحمتکشان می باشد که همه برای دفاع از منافع طبقه خود در سنگر دفاع از انقلاب قرار میگیرند این سازمان دارای تشکیلات غیر حزبی اما وابسته به‌حزب است .

از وظایف خطیر که بدوش این سازمان است تربیت نسل جوان مطابق باروحیه‌انقلاب کارگری می باشد که با این عمل خودبه حزب کمك ویاری میرسانند .

این سازمان برای تمام سازمانهای دیگر جامعه رشته های اداری ذخایری از جوانان بادرد مهیا می کند که در استواری انقلاب کارگری نقش مهم میگیرد .

بعد از استقرار دیکتاتوری‌پرولیتاریارسالت ووظایف سازمانهای جوانان اساسی تر شده وبیشتر و ظایف این سازمان به‌دورهٔ کار پردامنه دار فرهنگی متوجه میشود تاباندیشه های تازه وانقلابی خود رسوم و عنعنات کهنه رابه پرتگاه نیستی برانند•

بر علاوه سازمان جوانان منحیث کانون پرورش جوانان یك جامعه‌عمل‌نموده وجوانانرا باایدیولوژی دوران ساز طبقه کارگر تجهیز نموده آنها رادر راه نجات از خرافات‌پرستی رهنمونی می‌نماید•

غذاوارتباط آن به‌سلامتی انسان

از بسیاری جهات سلامت ما وابسته بطرز تغذیه ماست . بر اثریك تغذیه درست و مناسب میتوان از بسیاری بیماری های کوچك وبزرگ جلوگیری کرد، در حالیکه با اشتباهات وخطاهایی که‌در امر تغذیه مرتکب میشویم، چه‌بساکه بدست خودعوامل پیدایش یك یا چند بیماری راایجادمیکنیم ویاناراحتی های موجود را شدت میدهیم . چاقی، لاغری، وبعضی بیماری های دیگر ارتباط مستقیم باتغذیه نادرست دارد. با این حال باید گفت

که متاسفانه بسیاری از مردم با تغذیه نادرست وناسالم باعث بسا مریضی هامیگردند واین بخاطر اینستکه آنها از خواص ومضار غذاهابی‌خبر هستند ونمیدانند خوراکهای که مصرف میکنند چه نفع و چه ضرری دارند. با اطلاعاتیکه از این مقاله بدست می آوریدکه‌شاید هم‌زیاد تازگی برای شمانداشته باشد میتوانید استفاده نمایید ولی حد اقل این مطلب شما را یاد آوری می نماید که‌چه بخورید وچه نخورید تاصحتمند وتند رست باشید . با استفاده از این مطلب که حاوی نظرات متخصصین علم غذا شناسی است خواهید توانست پروگرام غذایی سالم ومفید برای خود ترتیب دهید . ودر ضمن ما روش خاص باغذها وخورکهای مخصوص را بشما توصیه نمی کنیم زیرا تغذیه امریست که تابع شرایط زندگی افراد میباشد ونمی توان در این مورد یك نسخه کلی وعمومی تهیه کرد .

شمامیتوانید حتی غذاهای‌سنگین وخوراکهای راکه ازلحاظ خاصیت چندان تعریفی ندارند بحداعتدال بخورید ، بدون اینکه خطری متوجه تان گردد. در حالیکه برعکس خوراك های بدون ضرر اگر بحد اسراف مصرف شوند وطریقه طبخ آنها نادرست باشد ، مبدل به غذاهای زیانبخش میگردند وچه‌بسا که امروز شمادر برابر یك خوراکی ساده حساسیت داشته باشید ، آن خوراکی برای شما صورت سم را پیدا کند ...

دیگر اینکه شما دراین مطلب باحسابهای درهم وپیچیده مربوط به کالوری وویتامین هاوتجزیه وترکیب های کیمیاوی مغلق روبرو نخواهید شد ، زیرا آشپز خانه رانمی توان به آزمایشگاه تبدیل کرد بنظر هرکس هنر خوب تغذیه کردن زایده عقل سلیم وتجربه شخصی است تیوری هاو حسابها درآن نقش اساسی را بعهده ندارند .

بااین حال امیدواریم که‌امر تغذیه، یعنی رکن اصلی واساسی تندرستی شما به‌صورت یك امر ماشینی در نیاید، بلکه این مساله ازروی عقل وبصیرت انجام شود وشما که مسوول خوراك خانواده هستید یادتان باشد که‌بیش از هرداکتری مسوولیت سلامت افراد خانواده را بعهده دارید، واز آنجاکه طبخ خوب وخوراك مطبوع بارعایت اصول صحی غذایی به هیچوجه منافی ندارد، بنابر این امیدواریم که در عین خوش خوراکی‌بتوانیم شمارا در انتخاب غذا های سالم یاری نماییم.

اصول صحی غذای روزانه :

بسیاری از مردم با اندازه کافی غذا نمی گیرند وبسیاری دیگر زیاده از اندازه غذا می خورند . آیا شما گفته میتوانید که در کدام یك از این دودسته قرار دارید ؟

به موجب ارقامی که از نظربین المللی مورد تایید قرار گرفته اند جیره غذایی روزانه افراد برحسب کالوری باید به این شرح باشد ومحاسبه گردد .

- برای زنی‌که وزنش میان ۵۵ تا ۶۰کیلو گرام باشد. دو هزار تادوهزاروچهار صد کالوری ضروری است .•

- برای مردیکه وزنش میان هفتاد تاهشتاد وپنج کیلوگرام باشد دوهزارو چار صد تا دوهزارو هشتصد کالوری لازم است -

وبرحسب میزان فعالیت بدنی این ارقام باید از پنجصد تا هزار افزایش یابندوبعلاوه برحسب سن نیز این اندازه ها تغییر پذیر هستند . در مورد پیر مردان باید از میزان خوراك به اندازه قابل توجهی کاسته شود . برعکس برای نوجوانان باید خوراك فراوان وجودداشته باشد .

چنانچه بین شانزده تابیست ویك سال بر حسب سلامت مزاج ومیزان فعالیت جیره روزانه ممکن است به روزی سه هزار تا سه هزارو پنجصد کالوری ضرورت بیفتد .

البته ممکن نیست که شما هر روزکالوری هارا شمارش کنید وحساب دقیق آن رابدست آورید . امابدنیست که گاه بیگاه لااقل بطورتقریبی در بارهٔ آنچه می خوریدمعلوماتی داشته باشید. تامعلوم گردد که آیا رژیم غذایی شما از نظر کمیت کافی هست یاخیر؟

به اندازهٔ کافی غذا بخورید :-

هنگامیکه شمایك زندگی عادی و فعال دارید، جیره کالوری ها نباید از روزی‌هزار پنجصد کمترباشد وحتی بسیاری از متخصصین

بقیه‌در صفحه ۵۸



بقیه‌درصفحه ۵۸

سخنی چند با خوانندگان این صفحه

هر هفته عده ای از خوانندگان این صفحه با فرستادن مطالب شان همکاری می نمایند و ما را در راه بهتر شدن مجله شان یاری می کنند اما این هفته روی سخن به آن دسته از همکاران قلمی این صفحه است که با خط ریز خویش باعث زحمت آپریتران مجله میگردد. گذشته ازآن بعضی از این همکاران مطالبی می فرستند که اصلا برای مجله قابل قبول وهضم نیست.

وبازهم صرف نظر از این موضوع این عده با تیلفون های وقت وبی وقت خویش که چرا فلان مضمون به چاپ نرسید باعث اذیت کارکنان این مجله میگردد. اگر برای این همکاران در صفحه جواب به نامه ها تذکرات چند میدهیم باز هم **مورد قبول اینها قرار نمیگیرد.**

متصدی صفحه جواب به‌نامه دایم به این خوانندگان ارجمند خاطر نشان ساخته است که مطالبی برای مجله تان بفرستید که قابل نشر بوده وارزش این را داشته باشد که خوانندهٔ این مجله با وقت کمی که دارد از آن استفاده بنماید **ولی این دوستان یا بهتر بگوییم این** «آشنایان ناشناس» کوچکترین توجهی نکرده باز هم با همان خط ریز و غیر خوانا **که‌به مشکل میشود چند سطری از آن** را خواند به این کار شان ادامه میدهند.

چه میشد که اگر این خوانندگان با این همکاران ارجمند مطالب شان را تایپ می نمودند و بما می فرستادند ویا لااقل بخط نسبتا درشت و خوانا که باعث تکلیف آپریتران نگردد به ما ارسال می نمودند.

ما که سالها درد دلهای شما را گوش **کردیم، یکبار هم شما به درد دل ما گوش دهید واین خواهش ما را بپذیرید.**

خوانندگان ارجمند این مجله البته مطلع اند که مجله شان، مجله خانواده هاست و باید مطالبی از خانواده و آنچه مربوط به آن است در این مجله نشر گردد ولی در پهلوی آن این مجله وظیفه دارد تا بعضی مطالب جالب دیگر را نیز به‌نشر بسپارد تا ذوق خوانندهٔ ما که بیشتر مایل هستند مطالبی دیگر را نیز در مجله خود داشته باشند مدنظر گرفته شود از این جاست که این مجله درپهلوی نشرات ذوقی خود بعضی مطالب دیگر آموزنده را نیز بچاپ می رساند تا ذوق آن دسته از خوانندگان که بیشتر مایل به این گونه مطالب اند بر آورده گردد فلهذا توقع ما از تمام خوانندگان این مجله مخصوصا از این صفحه شان اینستکه مجله خود را با فرستادن مطالب متنوع، انقلابی و آموزنده کمک ویاری نمایند تا خدا بخواهد که این مجله شان آنطوریکه توقع خوانندگان ارجمند وعزیز است به نشرات خویش ادامه دهد.



گریز جوانان از ازدواج

امروز یکی از پدیده های رایج روزگار ما **گریز جوانان از دواج شده است** به همین جهت بسیاری از جامعه شناسان و علما معتقد اند که «تمدن» و «پیشرفت» با وجود آنکه مزایای زیادی را به جهان بشریت هدیه میکند مشکلاتی را نیز با خود به همراه می آورد که از جمله گریز جوانان از ازدواج را میتوان نام برد **مخصوصا دردهه اخیر بیشتر میتوان این** فرار جوانان را از ازدواج مشاهده کرد.

علت این گریز چیست؟

آیا عامل اصلی این گریز مساله اقتصاد است؟ یا نبودن اطمینان متقابل بین دختر وپسر بخاطر خوشبختی از آینده؟

تکنالوژی و تمدن امروزی در این گریز دخیل نیست؟

وحقیقت اینستکه تاقبل از انقلاب ثور جوانان ما در چنین حالت قرار داشتند یعنی بی خانگی، نامساعد بودن و ضع اقتصاد به ایشان این امکان را میسر نمی ساخت تا برای خود زندگی ایده آل انتخاب کنند. تبعیض های گوناگون باعث گردیده بود که جوانان کمتر بفکر ازدواج بیفتند **وده ها مساله دیگر بود که‌جوانان ما را** از ازدواج گریزان میساخت.

ولی بعداز انقلاب ثور جوانان مارو حیه تازه یافتند و به زندگی دلبستگی پیدانمودند دیگر اقتصاد و یا نام خانوادگی مانع خوشبختی دو جوان شده نمیتوانند. در گذشته رسم چنان بود که‌خانوادهٔ متمول و سرشناس باید حتما با خانواده سرشناس و متمول دیگر خویشی می کردند اخلاق و تعلیم مدار اعتبار واعتماد نبود صرف **پول بود وزندگی مجلل. از همین رو یک** عدهٔ زیادی **ازجوانان ما با اینکه واجد** شرایط زندگی خانوادگی بودند اما باچنان شرایط نمی توانستند زندگی خانوادگی **خود را بسازند. وکانون گرم زندگی راتشکیل نمایند ولی خوشبختانه با پیروزی** انقلاب ثور دیگر تمام این سد های پوشالی از میان بر داشته شد.

وامروز جوانان ما دیگر احساس حقارت نمی کنند زیرا پول که در گذشته معیار همه چیز شمرده میشد کنون اعتبارخود را در این مسایل از دست داده است.

امروز ارزش جوان به تعلیم، اخلاق، کرکتر او ارزیابی میگردد. از همین رو در مدت کمتر از دو سال که از انقلاب ثور سپری میشود جوانان ما توانسته راه زندگی حقیقی را دریابند و سوی یك زندگی آبرومند وشرافتمندانه به‌پیش‌بروند.

نکاتی چند دربارهٔ زندگی

پیش از همه باید بگویم که هیچکس از من نخواسته است که این عقاید را، بصورت فورمولی برای خوشبختی زندگی زناشویی. در این جابنویسیم وبنابر این، طبعا ضمانت نمیکنیم که همه‌ی این عقاید واقعا درست وبجا باشد وبدرد همه کس بخورد وهمه خانواده ها را از مشکلی که معمولا بدان دچار اند برکنار میسازد.

مقدمه کوتاه، بایدخدمتتان عرض شود که‌ازذکر این نکته‌نبایدخودداری شود که همه این عقایدواندرزهایی که‌اکنون ملاحظه خواهید کرد، زاییده فکرواندیشه شخصی من نیست. غالب آنها مطالبی است‌که در بارهٔ خوشبختی خانواده ها مخصوصا زن وشوهر ها آمده است وماآنرا برای شما گلچین کرده ایم. حالا این نکات را بخوانید:

نکته اول- هرگز، کسانی راکه بنحوی درزندگی گذشته همسر شما مقامی داشته‌اند، به عنوان موضوع صحبت انتخاب نکنید.

بنظر اکثر از خانواده ها این عادت بد است که بعضی زنها دارند وناگفته نماندکه (مرد هاهم دارند) بدین معنی که می خواهند بهرترتیب شده زنی (یامردی) راکه سابقا مورد توجه همسر شان بوده است دست بیندازند ومسخره کنند. همین موضوع یکی از سرچشمه های دعوای بسیاری اززن هاو شوهر هاست.

خوب، شما چه غرض دارید که شوهر تان سابقا می خواسته بازنی ازدواج کند که زیاد زیبا نبوده وشاید هم اصلا زیبایی نداشته است؟..

وشما که مرد دانسته وفهمیده وخانواده داری هستید چکار دارید که اولین خواستگار زنتان مردی پیر بوده است .... فعلا که به خواست خداوند شریك زندگی همدیگر شده اید برگذشته های یك دیگر خویش پردهٔ فراموشی بکشید، اگریك وقت خواستید دراین مورد صحبتی بکنید، بطوری حرف بزنیدکه طرف به هیچصورت احساس تمسخر در حرفهای شما نکند.

زن وشوهری که بی جهت (وباجهت) سعی میکنند ازچنین موضوعی حرف به میان بیاورند، بدست خود، زندگی خانوادگی شان رابه پرتگاه سقوط سوق میدهند. اگر هم کاربه آنجا نرسد، بسیار احتمال دارد که در اثر همین صحبت های بی جاوبی لزوم یکی ازطرفین عصبانی شده‌باعث‌مجروح شدن همدیگر گردند.

نکته دوم- هر شوری باید سعی کند نام های خواهرخوانده های همسرش رایاد نگیرد وبداند. گرچه این کار برای شوهر مشکل باشد بازهم سعی خودرا بنماید زیرا با این کار زن را خوشحال میسازد که شوهرش‌نظر به علاقه که به او دارد نام دوستان او رایاد دارد. این امر علاوه ازآن باعث خوشحالی دوستان همسر تان نیز میگردد. ووقتیکه دوستان همسر تان از شمابه قدردانی یادکرد طبیعی است که این امر بر خوشحالی همسر

بقیه در صفحه ٥٦



فاطمه . د . نیرو

مبارزه درراه رهائی زنان، مبارزه درجهت دموکراسی وترقی اجتماعی است

مبارزات رهاگرانه زنان در واقعیت امر ، بخشی از مبارزات انقلابی طبقهٔ کـارگـر را (چه در دوران سلطهٔ طبقات مرتجع و چه در دوران بعد از پیروزی انقلاب کارگری) احتوا میکند . اما مبارزات زنان همانند مبارزات عمومی طبقهٔ کارگر وگردان پیشاهنگ آ ن در پروسه انقلاب با نحوه واشکال مبارزات قبل از انقلاب از هم متفاوت میباشد . زیرا قبل از انقـلاب زنان بیشتر در تشکـل ، ساز ماندهی وتبلیغات سیاسی تکیه میکردند. در حالیکه بعد از انقلاب نه اینکه در جهت گسترش تشکیلات، سازماندهی و تبلیغات روشنگرانه شان می تلاشند ، بلکه در پروسه تحول انقلابی جامعه نوین خویش نیز بصورت آگاهانه وفعالانه سهم میگیرند .

مثلا زنان آگاه وپیکارجوی افغانستان که در چوکات یك سازمان خلقی تحت در فش ایدیالوژی علمی پرولتاریا ودر فروغ رهنمود های داهیانه حزب دموکراتیك خلق افغانستان به منظور رهایی شان از بند اسارت ملی ، طبقاتی، خانوادگی ودیگر تبعیض وستم، علیه ارتجاع، استبداد، استعمار وامپریالیزم دلیرانه میرز میدند اکنون در پروسه انقلاب ثـــور بیش از پیش دارای رسالت ووظایف سنگین بوده وباید با درك همین رسالت ووظایـــف خویش مبارزات شانرا تقو یت و گسترش دهند .

از آنجاییکه مبارزهٔ زنان در شرایط انقلاب ثور دارای پـــهلوهای زیاد واشکـــــال متنوع میباشد باید تمـــام زنان وطنپرست. انقلابی، درك وچیز فهم دست بدست هم داده وبه سازمان خلقی شان پیوسته ودر جهـــت رهایی کامل شان کار وپیکار خلاق ایفاء نمایند. بدیهی است که رهایی کامل زنان از بند انواع اسارت ملی ، طبقاتی، خانوادگی وفرهنگی تنها در جامعه فاقد طبقات میسـر می آید. بنابرین زنان آگاه افغانستان نباید باتحقق ظفر مند انقلابجاودان ثـــوروظایف شانرا تمام شده پندارند . از طرف دیگـــر مبارزات زنان کشور ما طوریکه در بالا تذکر دادیم بخشی از مبارزات عمومی و انقـــلابی طبقهٔ کارگر کشور وحزب راستین آن یعنی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رادر بـــر میگیرد . لذا بین مبارزات آگاهانه زنـــان ومبارزات عمومی وانقلابی زحمتکشان مابمنظور تکامل انقلاب ثور وبخاطـــر درهم شکستن مقاومت هاو واکنش های گونه‌گون دشمنان داخلی وخارجی وطن محبوب ما ارتباطـــات ناگسستنی وجوددارد‌که نمیتوان این ارتباطات رانادیده پنداشت . چنا نچه آموزگار کبیر پرولتاریای جهان میگوید : «مبارزه بـــرای برابری زنان بخشی از مبارزه عمومی طبقـــهٔ کارگر برای دموکراسی وپیشرفت اجتماعـــی است» رهایی واقعی زنان مستقیماوابسته‌به دگرگونی های انقلابی ، سیاسی واقتصادی در کشور است . وفقط گذار انقلابی جامعه به سوسیالیزم میتواند زنان را بطور کامل ا ز نابرابری واستثمار رهایی بخشد .»

زنان آگاه و رزمنده افغانستان نسبت به همه زنان مبارز جهان در شرایط بغرنـج و حساس قرار گرفته‌اند .

چه از یکطرف انقلاب کارگری مادرشرایط فیودالی تحقق یافت وهنوز زنان کمتر پا از دایرهٔ خانواده در عرصهٔ اجتماع نهاده و به تحصیلات ومشاغل پرداخته اند که این حالت موجب ضعف کمی زنان چیز فهم، روشنفکر، با سواد ومبارزشده است . در حالیکـــه در جوامع سر مایداری‌زنان صرف‌نظر ازیـــنکه چگونه در حصار مظالم سر مایه محصور اند باآنهم بیشتر در مکاتب، پوهنځی‌ها ،موسسات و کارگاه هادیده میشوند . و بدین ترتیب زمینه پذیرش علم وایدیالوژی دربین‌ایـــشان به ملاحظه میرسد . اما ازطرف دیگر زنان‌ما بنا بر سنن ملی ومعیار های فرهنگی شـــان نسبت به جوامع غرب هنوز در تحت‌قیودات گونه‌گون اند . که این دوجهت هریك در تشکل ، تنظیم ، سازماندهی وبیداری ز نان کشور وگرایش آنان به تحول وتکامل‌جامعه اثرات‌منفی بجا گذاشته است .

معهذا زنان کشور ما وقتی میتوانند بهتر درکار وپیکار خویش مؤفق باشند که همگام با مبارزات کارگری کشور و در سنگر دفاع از انقلاب مجدانه در حرکت باشند . وروابط منطقی مبارزه شانرا با مبارزات عمومی طبقهٔ کارگر وگردان پیشاهنگ آن‌درك کنند .

چنانچه رهبر داهی انقلاب کبیر اکتوبـــر میگوید : «پرولتاریا نمیتواند خودرا آزادکند بی آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه‌کند» هرگاه در جامعه ما این اندیشه راه‌یابدکـــه زنان ومبارزهٔ آنهادر امر تکامل انقلاب واعمار جامعهٔ نوین وبدون طبقات چندان مؤثر نیست اشتباه محض میباشد . زیرا زنان باید بدانند که اگر طبقهٔ کارگر بدون رهائی زنـــان از اسارت ، خویش را نیز آزاد نمیتـــوانند . زنان نیز بدون آزادی پرولتـــاریا ایشـــان را نمیتوانند آزاد بسازند .

زنان دلیر و مبارز ما باید ملتفت باشند که مبارزه زنان کشور ما نمیتواند تنها بایك سازمان نامنکشف وکمیت معین مبارزین در چوکات این سازمان در راه رهائی کامل‌شان توفیق یابند . زیرا جنبش انقلابی زنان‌کشور ما در فروغ انقلاب ثور آنقدر گسترش یافته و اوج میگیرد که بتواند آماجگاه جذب و کشش وتشویق همه زنان محروم ومظلوم وطن محبوب ما قرار بگیرد .

چون در افغانستان زنان هنوز غالباً بیسواد، خانه نشین ، مستور وبعیداز نهضت قراردارند. لذا رفع چنین حالات وکشاندن این زنان بـــه نهضت انقلابی وبخصوص در سنگر انقلاب کار مشکل بوده که مساعی همه جـانبـه وکـار خستگی ناپذیر را میطلبد . زنان آگاه ومبارز ما بنابه همین کمیت معین زنان کشور کـــه دور سازمان خلقی زنان وحزب ما حلقه‌زده انددل خوش نمایند. بدین مفهوم که نهضت زنان کشور ما باید به‌سطح جنبش کارگری جامعه گسترش یابد تابتواند تمام زنـــان را بحرکت در آورد چنانچه آموزگـــار کبیـــر پرولتاریای جهان میگوید :

«جنبش زنان باید وسیع ترین اقشار زنـــان را دربر گیرداین جنبش باید بخشی ازجنبش عمومی توده‌ها باشد یعنی - بخشی از جنبش همه استثمار شوندگان وستمکشان و نه‌تنها بخشی از جنبش کارگری»

زنان آگاه وانقلابی ما میدانند که‌اسارت ملی ، طبقاتی ، خانوادگی وانواع تبعیض و ستم بر زنان همزمان باپیدایش طبقـــات ، مالکیت،خصوصی واستثمار فرد از فرد بوجود آمده است. هرگاه زنان نجیـــب کشور مـــا بخواهند ازآزادی کامل واز حقوق همه جانبه انسانی شان به‌خور دار گردند باید تا پای جان در راه محو طبقات واستثمار فرد ازفرد پیکار نمایند بخصوص در کشور ما دیگـــر وظایف نهضت زنان ازچار چوبه صرفاً تبلیغاتی وسیاسی خود بیرون شده وحـــالا بمثا بـــه بخشی از مبارزات ونهضت کارگری کشور در آمده است .

برانی بادنجان زیر آتش

اولتر بادنجان را شسته بعد توسط خمیر تمام بادنجان راپوش نموده آنرا در بیـــن خریج قرار دهید بعد ماست یاچکـــه آمـاده شده رابا سیر کوبیده شده مخلوط نماییـــد بعد از بیست دقیقه الی نیم ساعت بادنجان هارا از زیر خریج کشیده سپس آنها را از حصه وسط دونیم نموده آنرا بروی یك غوری پهلوی هم قرار داده ماست یاچکه آماده‌شده رابالای آن انداخته روغن گرم شده رابالای آن علاوه کنید بانعنای خشك ، مرچ وگشنیز آنرا زینت داده وبرای صرف بالای میز وبا روی سفره ببرید .



تاکدام حد باید از معالجات خانگی استفاده کرد!

امراض از نظر نوع خود ـ گوناگون و مختلف اند . از این رو بعضی از امراض را **بامعالجات خانگی وبرخی دیگر رابايد با ادويه** مدرن تداوی نمود .

حقیقت اینست که مرض مهلك وخطرناك مثل امراض سینه وبغل تیتانوس، محرقه ، توبرکلوز، اپاندیست ، امراض مقاربتی، تب های شدید بعداز ولادت را باید با مشورهٔ دکتور توسط ادويه مدرن مداوا نمـــود . **هیچگونه‌غفلت‌وتنبلی‌درین مورد مجاز نیست...** درصورت وقوع امراض فوق نباید وقت خودرا باتداوی های خانگی .تلف کرد .

دانستن اینکه کدام مرض را با معالجهٔ خانگی وکدام آنرا با ادویه مدرن درمان‌کنیم مشکل است ... برای فهمیدن وتفکیك آن به تجربه ومطالعهٔ زیاد درین زمینه احتیاج داریم .

به خاطر باید داشت کـــه برای در مان امراض مهلك بدون اتلاف وقت بـه دکتور مراجعه کرد .

طرق تداوی قدیم و جدید :

بعضی طریقه های درمانی مدرن بهتر از تداوی ومعالجه های خانگیست، لیکن دربرخی موارد طرق تداوی قدیمی وعنعنوی بهتریـــن تداوی ها محسوب شده است .

طور مثال، در بسا موارد درمانی برخورد بزرگسالان قدیمی با اطفال بهتر از برخورد مادران وپدران مدرن با اطفال شان اســت .

از جمله میتوانیم بگوییم که مادران قد یمی شیرمادر را بهترین غذا برای طفـــل شان میپنداشتند وهنوزهم می پندارند . طب امروزی ثابت کرده که آنها درست فکر میکردند ومی کنند . در حا لیکه مادران به اصطلاح مدرن فریب تبلیغات تجاران شیر های پودری راخورده وتصور مینمایند که تغذیه طفـــل با شیر پودری وبوتل از هر لحاظ بهتر است. مابصراحت میگوییم که این طرز فکر غلط محض است .

دانشمندان علوم تربیتی وطبی ثابت کرده اند : طفلیکه با شیر پودری بزرگ شـــده باشد، به آسانی به انواع امراض مصـــاب میگردد . همچنان مادریکه شیر خودش را بفرزندش نخورانده باشد ... امکان داردبه سرطان پستان مبتلا گردد .

اعتقادات وتلقیناتیکه باعث صحت یا بی میگردند :

بعضی از معالجات خانگی فقط از نظـــر تاثیر روانی مستقیما بالای مریض‌تاثیرگذاشته وباعث صحت‌یابی میگردد . در حا لیکـــه برخی دیگر بخاطر اعتقاد داشتن بدان نـــوع تداوی باعث اعادهٔ صحت و سلامتیٔ انســان میشوند . باید بخاطر داشت که اعتقاد قوی داشتن بیك مـــوضوع د ر بسیاری مـوارد صحتمندی انسان را تامین مینماید .



به طور مثال : من شخصیراکه شدیداً از دردسر بخود می پیچید ، دیدم ... برای‌آنکه اورا تداوی کرده باشند، زنی یـك توته از لبلبوی خام را به او داده وگفت، این قوی ترین مسکن وکشنده درد است .

مردکه به تداوی این زن اعتقاد شدیـــد داشت آنرا فوراً جویده وقورت کرد، هنـوز

بیش ازچند دقیقه نگذشته بودکه اوسلا متی خودرا باز یافته واحساس بهبود کـــرد . بناء باید گفت که بعضی از تداوی ها ی خانگی صرف بخاطر اعتقاد داشتن بدان موثر واقع میگردند زیرا بوضاحت درین مثـــا ل دیدیم که لبلبوی خام نه بلکه اعتقاد بتداوی آن زن موثر واقع شد . در غیرآن درلبلبوی خام هیچگونه خاصیت ازبین بردن دردوجود نداشته وندارد .

بنابرین باید گفت که اکثر مریضـــان خیالی که فکر میکنند آنها مریض اند .... **فقط باداشتن اعتقاد قوی بیك تداوی صحت‌ـ یاب میگردند** که این خود وسیله ای خوبی است ، برای تداوی چنین اشخاص .

نورپه‌افغانستان کی ښځې نه‌استثماریږي

معلو مه خبره ده چې د ثور د ستر خلقي پا څون د بر یالیتو ب څخه را پد ی خوا نه یوازی داچی دافغانستان دټولـو زیارایستو ـ نکو په گټه پاخه گامونه او چت شوی دی اودهغوی د ژوندانه په هره بـــر خـــه کـی مثبت بدلونونه رامنځ تـــه‌شوی دی بلـــکی ددی ستر پا څون له بر کته زموږ دهیواد

دمظلومو ښځو اوپـــیغلو د هو سایـــی او سو کا لی په خا طر او دتیرو راسته او انسان وژونکی رژیم دناوړو او خیـــر نـــو مناسباتو او پلار واکی دبیر حـــمو کـــړ ـ ووړو څخه دهغوی دژغورنی او خلا صون د

پاره هم لوی او دیا دو نی وړ گا مو نـــه اخستل شوی دی د نا رینو سره د ښځــو دحقو قو برابر ی او دهغو ی د آزادی او

برا بری تا مینیدل هغه ستر خلقـــی گـــام وچی ورو سته د ثور دستر انقلاب څخه پورته کړای شو ، زموږ خلقي او د خلکو پـــه

هوسایی مین دولت چی یوازینی ارمان یـــی زمو ږ ټولو زیار ایستو نکو او استثما ر شوو پر گنو ته خد مت دی تل هڅه کوی چـــه دتیر و نا انډولیو او د فرد له خواد فرد په

استثمار دولاړو ناوړو مناسباتو او نابرابر ـ یومخه ونیسی او زموږ دخلکو دژو نـــدانـــه

خزان و هلی و چی دشتی سمسور ی اوزرغون کړی څکه دا انقلاب دخلکو انقلاب دی‌دخلکو

له پاره او دخلکو د گټو دسا تلو په خاطر را منځ ته شوی دی.

هر هغه اقدام چه زموږ د پر ا خو پرگنو سو کا لی پکښی پر ته دی او زموږ زیـــار ـ ایستو نکو له پا ره ژوند ښو نکی ز یری ولری زمو ږ دخلقي دولت کړ نلاره ده اوتر وسه وسه زیار باسی چه داسی نافع اوژوند

ښو نکی اقداما ت د عمل په ډگر کښی‌پلی کاندی دهمدی او چت او انسانی اصل لـــه مخی دښځو دحقوقـــو پوره پیـــژندنـــه او تامین چه زموږ دټولنی نیما یی قشرتشکیلوی

هغه په‌زړه پوری خلقی اقدام ووچه دلومړی ځل لپـــاره په‌واقعی تـــو گـــه دثـــور پـــه شا نه تلو نکی انقلاب له بریالیتو ب څخه ورسته عملی شو او داوم نمبر فر ما ن د صادریدو په وسیله یی هغه تور څنځیرونه چه کلو نه کلو نه یی زموږ دهیواد ښځی په ډیره فجیعانه تو گه زو رولی او کړو لی وو ما ت کړل او هغو ته‌یی د آزادی او بسیا تو ب ملغلر ی وربه غاره کړی .

په‌تیروراسته کړ غیړن بی محتوا او تش په نو م داود شاهی جمهوریت کی‌نه یوازی دپلار وا کی تورو څنځیر ونو زموږ د هیواد ښځی دهر ډول آزادی څخه محرو می او په

ځلور و دیو الونو کی‌یی ایسا ری کـــړی وه بلکی د متاع په‌حیث به‌دمعاملی بـا زار

تـــه و ړ ا نـــد ی کیدلـی او په ډیره بی شر ما نه توگه به دپیسو په مقا بل کـــی خـــر څیـد ل د د ا شا ن نـا و ړ و نا انډ و لیو اود انسا ن پلو رنی بازارد ومره تود شوی و چی خبره دسودا گرانو تر منځ

رقا بت ته پورته شوی وه اوبی له دی چی

دا دانسا نیت قاتلان دښځی بشری حقـــوق دپیژندنی او دهغی شخصیت او انســـانـــی کرکتر به نظر کی ولـــری د مریی پـــه صفت خر څول کید ی.

دثور انقلاب نه یوازی دانسانیت سوداگران ابـــد ی کنـد ی ته وسپارل شول بلکـــی

دهغوی تور او وژونکی منا سبا ت هـــــم ړنگ شول اود تل له پاره له منځه لاړل،

اودیوی داسی غـو ړ یدلـی ټولنی اساسی بنسټ کیښودلـی شوچی په‌هغه کی به نـــه یوازی انسا ن ته دانسا نیت په ستر گـــه کتل کیږی بلکی دهـــرډول استثمار څخه به هم خلاصه وی او زموږ زیار ایستو نکی پرگنی به دژوند دیوه آزاد، آباد، غوړیدلی اوسمسور پسرلی خاوندان وی هر چا تـــه به دخپل استعداد پـــه اندازه اوکـــار پـــه اندازه معا ش ور کو ل کیږی اود مفتخوار ښغر به‌ټول کړی.



۳ عقرب

سه عقرب ستاره ها بارید
خون مردان با شهامت خلق
و هسپاران راه آزادی
همه را شعر خلقها بر لب
ذره ذره ز هر کرانه شهر
حمله بر دژ ارتجاع بردند
پاسداران شوم استبداد
رهروان راه خویش پیمودند

تیغ خورشید انقلاب کشید
سرخ در جاده های شهردوید
دسته . دسته زهرکرانه رسید
همه را شور توده گشت نشید
جمع گردید و آفتاب دمید
کاخ دشمن به خویشتن لرزید
همه را سر شکست و سنیه درید
همگی بی هراس و بی تردید

صف خود را فشرده تر کردند
تا که خورشید انقلاب دمید

م . عاقل بیرنگ کوهدامنی

اهدا به شهدای راه آرمان خلق

زندگی و نبرد

خوشاره بردن از یک‌آرزو در کام توفانها
خوشادل های گرم و آتشین از مهر انسانها
حیات بی تکاپو همچو زندانیست بی‌زنجیر
خوشا پاشیدن زنجیر هادر پای‌ارمانها

مرادرزندگانی‌گرامیدی‌هست جزاین نیست
که دیو نامیدی ها نگیرد راه ارمانها

دل بی مدعا شهریست بادر وازهٔ بسته
برون درنهیب وتیر زهرآلود دربانها

چه‌دشواراست دورازهای وهوی‌کاروان‌ماندن

نماند هیچ نامی در فراموشی دورا نها
گلوی خود پر ستی دشنهٔ الماس میخواهد

تو مردم شو وبا مردم بکن تجدید پیمانها
به‌گیتی‌استواری هست‌اگر باعزم‌مزدوراست
که چشم زندگی دیدست‌بس‌ویرانه ایوانها
به قربا نگاه سرخ آرزو کافیست ایمانی

که شرح عاشقی‌نتوان به دفتر ها به‌دیوانها
سعادت در تلاش مرد تنها کی توان جستن

خوشا از دور دست روستا هورای دهقانها
حبیب از شمع‌محفل آنچه‌من آموختم اینست
که حفظ آبرو را شرط باشد رفتن جانها

کابل ۲ عقرب سال ۱۳۵۸
دکتور اسد الله حبیب

په تیرو رژیمو نو کی زمو نبر دزیار کښا نو دژوند یوه منظره.

د کیږدی اختر

بوډی لگیاده لیمخی تکوی
بوډا لگیا دی لرگی ما توی
ما شو مان ژاړی مرورغوندی‌دی
پیغلی زړی، زړی‌جامی جوړوی

وا یی سبا اختـــر دی

زوی دخپل پلار ځنی پوښته‌کوی
ولی دا موږ نوی کالی نه لـرو ؟
نویو کا لیو تری غو ښتنه کوی
ولی په کور کی اوره غوړی نه لرو؟

پـلاره سبا اختر دی

پیغله سری سترگی‌وچی‌شنډی‌ناسته
پخپل زاړه کمیس‌لاسو نه‌وهی
کله نتکی ، کله اوږی یـادوی
کله‌دډک تمر سو چو نه وهـــی

ځکه سبا اختر دی

هلته په‌ځنگ کی‌یو ځلمی‌ښکاری
په یوکنډول کی تک‌تور تیل‌اړوی
دخپل زاړه دسمال‌ټوټه یی‌پری‌کړه
غوړو کی ډو به کړه ځپلی غوړوی

وا یی سبا اختر دی

مور خپله غیږه کی ما شوم‌لوبوی
ترمو اوبو باندی یی مخ پر یمیځی
دمیږو کوچو باندی یی سرغوړوی
رانجه را واخلی پری‌سترگی توروی

خکه سبااختردی

دادی اختر دی‌شورماشورښکاری
دکیږ دی‌مینځ کی‌سره‌غونډ ناست‌دی
نشته کیکو نه چاکیتان شرینی
یوه‌جوارو ډوډی‌گوره اوشکورښکاری

داسی زمااختردی

درمحمد افغا نیار
ژوندون

دبزگرجونگړه

یوه نړه غونډی کلاوه هلته له غربتو جوړه دنیاوه هلته
شانړی میری وی خړی پړی څمکی
یوه سپیره‌غو ندی بید یا وهلته
یوه جو نګړه دبزگروه پکی
له اوسیلوجوړه غوغا وه هلته
له یوی شمعی شین لوگی‌پور ته وه
نوره‌سړه غو ندی فضا وه هلته
دیوه کتمګی له پاسه سوی‌سلګی
دبزگرلور چی نیمه خوا وه هلته
په پوزه کی باندی پرته وه نجلی
دا د خپل ژوند په تمنا وه هلته
ددی سلګیو او سیلو کی پته
یوه غمجنه واویلا وه هلته
دغه بزگر سره ملګری‌ومه
څکه‌څما مینه پخوا وه هلته
چی کله کله به تپوس ته‌ور تلم
تل دمظلوم سوی ژړا وه هلته
دفر یا دو نو ما تم جوړو
تا به وی جوړه کر بلاوه هلته
له غمه ډکه در نځو نو دنیا
تابه‌وی څه توره بلا وه هلته
په تورو شپو کی کله‌پټ‌ور تلم
څکه‌څما مینه رسوا وه هلته
دتړمو او ښکو له موجو نوڅینی
دانقلاب‌وږمه پیدا وه هلته
له انقلاب نه پس همور غللم
بیاپه جو نګړو کی رڼا وه هلته
سیمه گلزاروه باغ بن سمسورو
یوه‌دگلو تماشا وه هلته
چمن شین شوی و گلان‌ووپکی
یوه‌تازه غو ندی هوا وه هلته
یو شور ما شور و دطو طیانوپکی
شوز دبلبلو تماشا وه هلته
دآرزو گانو سپړ یدلی‌غو تسی
پسه‌مکیزو کتل ، نازوا اداوه هلته
هیلی تر سره شمعه بیابلیده
یوه‌په زړه پوری مسکا وه هلته
دغه جو نګړه کی هر څه‌بدل وو
خیال‌بدل شوی وښکلا وه هلته
جوړه یوه دخو شحا لی دنیا
دآرمانو نو ښه خندا وه هلته
ډکه له مینی دنیا گی جوړه وه
لیلا مجنون سره پخلا وه هلته
دا انقلاب دی چی بز گرته‌گلستان‌راوړی
شیرزی دشعرپه‌څپو کی ارمغان‌راوړی

علی احمد ـ شیرزی

قربانی

صبای عید، میگوید: دم قربانی، نزدیک است
به هر سر، کرده خون خورشید گل، افکار خونینی
درفش سرخ خلق، ای‌آتشین کردارمعبودم،
به تو آورده ام قربانی اینک، شعررنگینی

آزادگی

تاقدرت جنبشی بود تن را
کج، نزد کسی‌مساز گردن‌را

باگردریاو ننگ دریوزه
آلوده‌مساز پاکدامن را

یا قابل زیستن بجوسکن
یا در دل خاک ساز مسکن‌را

برابری

ای آشنای نعرهٔ امواج بیقرار
سوزحیات نیست به آوای سرداو
مرگست بهرخاطر صیاد زندگی
زیبنده‌نیست طوق‌اسیری بگردنت
زردی رنگ خشکی لب‌چشم‌ترنماند
بازارگرم بی هنران سرشدهمی
جای برادری و زمان برابریست
کردار مامعرف ما هست جاودان
درس تلاش میدهدوسعی بیکران
نقش امیدو عشق بود جوهر بشر
از شاهراه منزل مقصود پا مکش
پرسیلم ازبلندنگاهی‌حیات چیست
با اژدهای فقر وجهالت نبرد کن
از همت بلندبدنیای بیش و کم
همواره درمقابل طوفان حادثات
گروارسی بخویش تویی عالم‌کبیر
خشمت بود زبرق جهانسوز تند تر
برشو زخواب دیده بکن‌بازروزشد
خورشید زندگی توبا تابشی دگر
دیگر مکش تو ناز فرومایگان‌دهر
دیگرزنحس‌وسعدکواکب‌سخن‌مگو
دیگربکام خویش‌بگردان ستاره‌را
دیگر ترا بطالع‌واژونه کار نیست
دیگر بهار آرزوی تست بیخزان
اصل‌حیات نیست جزآزادزیستن
جوش و خروش مردم آزاده ودلیر
طوفان شوروحال جوانان باصفا
درپیکرجوان وطن‌خون دمیده است
گلهای افتخار بروید ز خاک تو

مشنو دگر تو ناله بیجان جویبار
گرمی مجو زساز غم افزای آبشار
بلبل مکن‌بکنج قفس ناله های‌زار
قمری چوسرونام به‌آزادگی برار
ای شاعری‌که است تراشعرآبدار
برچشم‌مشتری هنرخویش‌عرضه‌دار
معیاربرتری بجهانست حسن کار
یعنی‌چوصورتیکه بمعنی‌است‌استوار
شور ونوای زنده امواج رود بار
عزم وثبات وعلم‌وعمل‌رنگ اعتبار
دست طلب ز دامن مطلوب وامدار
گفتابود مجاهده بارنج بی شمار
با چرخ کهنه‌کار دلیرانه‌کار زار
پای اراده داشتن ودست اختیار
مانند کوهسار وطن باش استوار
خردی‌مکن زبونی‌وخواری بخودمیار
جهد توهم زسینه خاراکشد شرار
ای آرزوی خفته شبهای انتظار
ازپشت ابرهای سیه‌گشت آشکار
دیگر بحال‌خویش زبونی روامدار
افسانه های ثابت وسیارمواگذار
دیگرمکن توشکوه زبیدادروزگار
دیگرتراست شاهد اقبال درکنار
دیگر بودحدیقه عمرتو میوه دار
محکوم غیررا نبود زندگی شعار
چون‌موجهای‌سرکش دریای‌بیکنار
انگیزهٔ مسرت پیران هوشیار
یارب تو از فساد زمانش نگاهدار
گرجان خودبعشق وطن‌میکنی نثار.

حیدری پنجشیری

---

* باعرض یادآوری وپوزش، در شماره‌سی ویکم اشتباهاتی رخ دادکه به ترتیب ذیل تصحیح گردد :
- شعر پشتی چارم از شاعر گرانمایه‌لطیف ناظمی است .
- شعر «سیمرغ آتشین» که بقیه یی آن‌زیرعنوان «ای میهن» بچاپ رسیده است ، همان دنباله شعر «سیمرغ...» است‌که سهوآعنوان «ای میهن»، درگرماگرم کارپرتیبوتاب فورمه چاپ کردن افتیده بود .

دنیای اطفال

حسادت در اطفال

هرگاه در یک خانواده نوزادی تولد میشود کودک بزرگتر این تازه وارد را رقیب خود دانسته و نسبت باو شدیداً احساس حسادت مینماید که این حالت در او کم و بیش پایدار میماند و این بصورت ناخودآگاه همان کینه بزرگتر نسبت به کوچکتر است و به اشکال مختلف عکس‌العمل از خود نشان میدهد که ریشه اغلب اختلافات و نزاعهای جزئی بین اطفال را همان رقابتهای کودکانه تشکیل میدهد که در مواقع مختلف برانگیخته شده و بروز میکند که سبب نگرانی والدین میگردد.

سوژه بعضی آثار ادبی، رومانها و نمایشنامه‌ها را نیز همین عقده‌های کودکانه میسازد.

داکتر کولر در کتاب خود (کودکان عصبی) می‌نویسد: علاوه بر مشاهدات روانشناسی در روزنامه‌ها و جراید هم میتوان موارد بیشمار در این زمینه ملاحظه نمود.

از جمله در یکی از روزنامه‌های معتبر یکی از ممالک مترقی خبری بچاپ رسیده بود بدین شرح:

پسر یک ساله و هشت ماهه که نسبت به خواهر چند روزه خود شدیداً حسادت میکرد از یک غیبت کوتاه والدین استفاده نموده نوزاد را باندازه لت و کوب مینماید که مادر و پدر هنگام بازگشت با جسد بیجان نوزاد مواجه میشوند و آثار ضرب و خراش بسیار در بدن لطیف او مشاهده میکنند. اغلب رویاهای کودکان از همین عقده‌ها سرچشمه میگیرد که با تغییر و درک درست آن میتوان به گرفتاری روانی او پی برد.

قابل تذکر است که اگر این عقده حسادت با خواهر یا برادر در آوان کودکی به نحو مطلوب گشوده نشود بعدها به اشکال مختلف از جمله بصورت دشمنی و کینه توزی حسد احساس گناهکاری، عقده شرم و خجلت، نگرانی وافسردگی در میاید و بطور خلاصه باید گفت حالات مختلف را سبب میشود که البته بالای شخصیت کودک رول عمده دارد.

اوضاع خانواده و طرز رفتار پدر و مادر خواهر و برادر با کودک در ریشه دار شدن ویا ضعیف و حتی بی اثر شدن آن تاثیر بسزائی دارد.

وظیفه والدین است تا برموز روانشناسی و فن پرورش و تربیت کودک تا اندازه‌ای آشنائی حاصل نمایند و باید ارتباط خود را با فرزندان آنطور تنظیم کنند که از اختلافات عاطفی بر کنار بماند و حسادت و نفرت را بمحبت و عشق تبدیل بسازند.

خوشبختانه اکثر کودکان بزودی بالای اینوع کینه و نفرت غالب گردیده و قدرت آنرا میابند که محبت و صمیمیت صادقانه و کودکانه را جانشین آن کنند.

پیدا شدن این عقده در کودکان زیاد هم ایجاد نگرانی را نمی نماید زیرا امکان آن موجود است که عقده مذکور به وجهه نیکو و موفقیت آمیز حل شود.

ناگفته نماند که داشتن خواهر و یابرادر برای زندگی آینده کودک مفید هم واقع میشود زیرا بزرگ شدن با خواهر و برادر آمادگی است برای زندگی در اجتماع آینده.

حل عقیده حسادت برای زندگی آینده کودک نهایت ضروری است زیرا همین نوع حسادت‌ها را بعدها در مورد همصنفی‌ها و نزدیکان خود معمول خواهد داشت.

روانشناسان از وقتیکه متوجه این عقیده شده اند مطالب جالب ودلچسپ از زبان خود کودکان جمع آوری نموده اند.

از جمله این دو مطلب را برای خوانندگان ارائه میداریم:

یکی از روانشناسان میگوید: من دختر پنج ساله ای را می شناختم که صاحب برادری شده بود روزی یکی از دوستان بشوخی از وی پرسید: آیا میخواهی که من نوزاد را در سطل خاکروبه انداخته وبیرون بیندازم؟

دخترک باخونسردی جواب میدهد: بلی مگر سطل ما را دوباره بیاورید!

یک طفل دیگر گفته: دلم میخواهد این چوچه را با یک توپ بدل کنم چون دندان ندارد، رویش سرخ است وبو میدهد.

(شارل بودون) در یکی از کتابهای خود بنام (روانکاوی ویکتور هوگو و مطالعه بر (آثاروی) دریافته که هوگو در کودکی بسختی دچار این عقده بوده مگر از طریق به گرائی و تعالی بر این عقده ناخودآگاه پیروز آمده وعقده فروتری ناشی از رقابت رابصورت شاهکارهای جاودانه شعر وادب ترمیم کرده است.

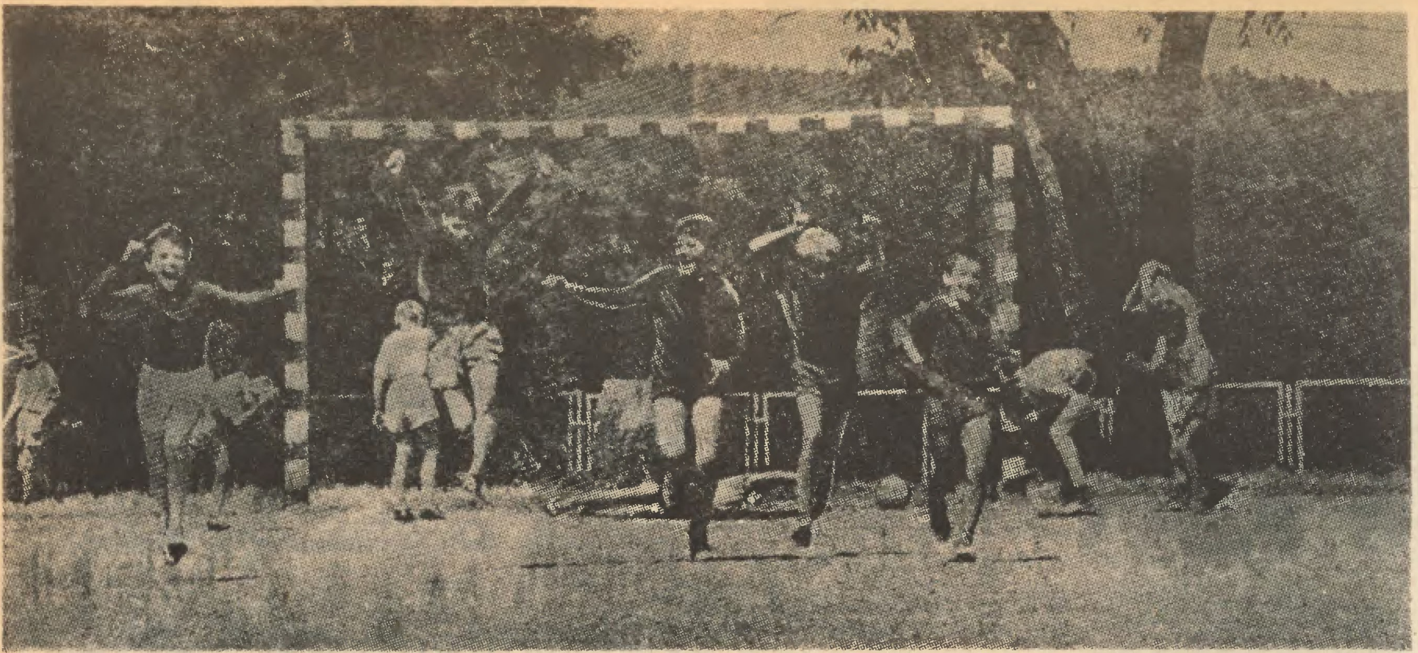
ویکتور هوگو ازدو برادر خود کوچکتر بوده و در سالهای نخستین کودکی از ضعف مزاج رنج میبرد پدر و مادرش هم چندان توجهی به او نداشتند این بود که همیشه میل داشت با برادرانش مساوی شود و حتی از آنها هم فراتر رود و جای آنها را بیشتر بگیرد.

تاثیر این عقده گاهی تا اخر عمر درنزد اطفال باقی مانده و اثرات مثبت ومنفی آن در زندگی آنها انکار ناپذیر می باشد کودک وقتیکه یک نوزاد را در خانواده خود می بیند دچار نگرانی گردیده وحس میکند که این مهمان تازه وارد جای او را نزد والدین مخصوصاً مادر گرفته است و کودک اغلب در چنین مواقع مرگ رقیب را آرزو میکند. باید دانست که مرگ بنظر کودک تقریباً مفهوم غایب بودن واز نظر دور شدن را دارد.

پس بر والدین واجب است تا با بدنیا آمدن طفل جدید از توجه و محبت خویش به اطفال بزرگتر غافل نگردیده و عشق وعلاقه بیشتر به آنها مبذول بدارند.



فراهم نمودن وسایل نقاشی برای کودکان وتشویق آنها درینرا باعث شگوفانی استعداد شان درین رشته میشود.



صحنه‌ای از ورزش اطفال‌در اتحادشوروی

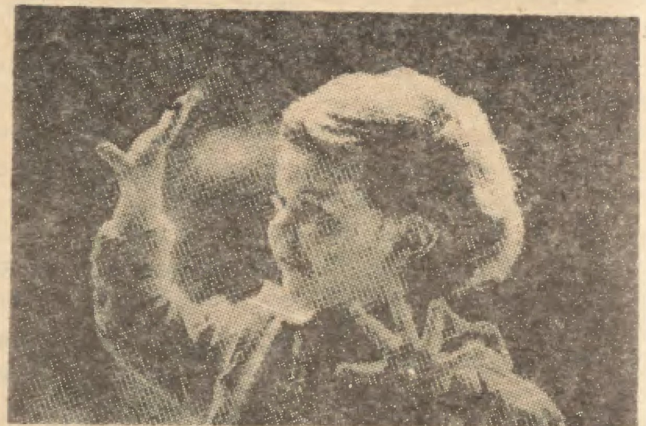


ترجمه : ریوسفزی

فرصت‌های تازهٔ تعلیمی برای جوانان و اطفال اتحادشوروی در (۵٦) زبان کتب برای اطفال چاپ میشود و بیش از (۷۰) نوع نشریه و مجلهٔ مخصوص اطفال وجود دارد



آنهابه مطالعهٔ کتب دلچسپ می‌پردازند



یکی‌ازاطفال شاداب

اتحاد شوروی درپهلوی سایر فرصت های بی سابقه یی که بعداز انقلاب کبیر اکتوبر در رشته های مختلف حیات اجتماعی وسیاسی برای خلق آنکشور میسر ساخته است تسهیلات خوب تعلیمی وتربیوی را مطابق ایجابات عصر وزمان نیز باختیار خلق‌آنکشور قرار داده است .

اتحاد شوروی به عصر تعلیم و تربیه بحیث تهداب مطمئن برای پیشرفت فرهنگی وانکشاف دانش علمی وتخنیکی توجه خاص مبذول نموده وسرمایه گذاری های قابل ملاحظه درین ساحه بعمل آورده است .

بدون شك وقوع انقلابات علمی وتکنالوژیك در جهان کنونی باعث شده تا کارگران، تکنیشن ها، انجنیران وسایر اقشار مؤلدطور مداوم مهارت های شان را بمنظور معامله سریع وموثر با مسایل بهبود وانکشاف بخشند که این امربه پیمانه خوبی در کشور پیشرفته اتحاد شوروی مراعات گردیده است. اکنون در جمع ساحات تولیدی عملیه کار درهمه اوقات باتعلیم وتربیه توام بوده وشامل تجدید تربیه پرسونل است که این امر بذات خود مسوولیت های جدیدی را بدوش تعلیم وتربیه گذاشته است .

بادر نظر داشت این امر مقامات اتحاد شوروی تعلیم وتربیه را بحیث یکی از ساحات عمده وحیاتی برای خلق آنکشورتلقی میکند که نه تنها هر جوان، طفل و تبعه اتحاد شوروی را باتفاهم عمیق در مورد تنظیمات اساسی طبیعت وجامعه مجهز می گرداند بلکه همچنان بانها می آموزاند که چگونه دانش بیاموزند و فکر کنند. آماده ساختن مجدد جوانان برای کار در ساحه تولیدات مادی وانتخاب صحیح‌حرفه از طرف شاگردان ومحصلان در زمینه از اهمیت‌خاصی برخوردار است . انکشاف علاقه در هرشاگرد بیك نوع فعالیت حرفه یی وعادت به کار های از قبیل راندن تراکتور، قطار آهن وکار در فابریکه یك اساس محکم مادی برای تعلیم وتربیه گذاشته است .

در اتحاد شوروی اکنون (۱۵۰۰۰۰) مکتب عمومی برای آموزش وپرورش جوانان واطفال موجود است واعمار مکاتب جدید ادامه دارد .

تنها در سال جاری اعمار چندین صد تعمیر برای بیش از یك ملیون نفر درنظر گرفته شده‌که در نتیجه آن تسهیلات بهتر درسی از لحاظ اتاق های متعدد برای دانش آموزان میسر خواهد شدهمچنان باعمارمکاتب مجوزه سالون های بیشتر مطالعه و اتاق های استفاده ازماخذ ومواد علمی که باسیت‌هانیز مجهز خواهد بود دردسترس این نسل های تلویزیونی ، تیپ ریکاردرها وپروجکتور فعال وپرتحرك قرار خواهد داشت .

دستگاه های صنعتی اتحاد شوروی بمنظور کمك در پیشرفت تعلیم وتربیه مدرن ترین وسایل را بدسترس مکاتب می گذارد تا شاگردان طور بهتر وآسان تر معلومات‌جدید

بقیه‌درصفحه۴۳



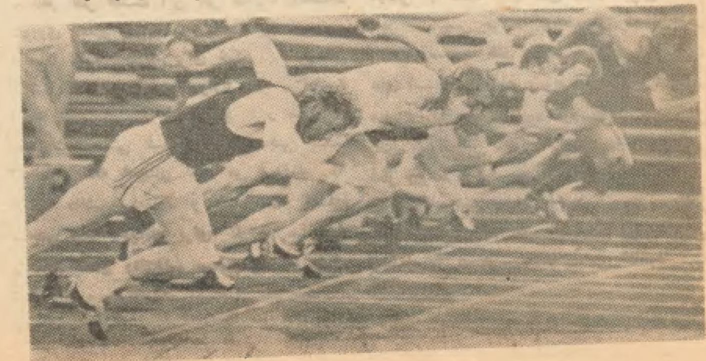
اینک فقط چند هفتهٔ دیگر به شروع بازی‌های المپیایی ۱۹۸۰ باقیمانده

طوریکه علاقمندان ورزشی آگاهند بازی‌های المپیایی برای سال ۱۹۸۰ در مسکو برگزار میگردد که آمادگی برای بازی های مذکور ازمدتهاست که باجدیت تمام ادامه دارد. در ضمن اینهمه تپ و تلاش ها نباید مساعی کشورهای گیتی که بعضا قصد سهمگیری‌در المپیای ۱۹۸۰ را دارند نمیشود نادیده گرفت اشتیاق ملل جهان برای آگاهی ازین آمادگی حد وحصر ندارد به تاسی‌از همین نیك‌بینی هاوعلاقمندی ها اخیرا بدعوت مردم‌آستر لیا ونیوز یلاندکه بایستی ژورنالستانی را که از ورزش وباز یهائیکه قرار است در المپیایی ۱۹۸۰ انجام پذیرد، از کشور های شامله، آمادگی کشور های‌شامله‌و همه وهمه‌مشخصات دیگر بوره معلومات داشته باشند وضمنا به لسان انگلیسی خوب بلدیت داشته باشنددر آستر الیا ونیو زیلاندبفرستند تادر یونیورستی ها ، انستیتوت ها، رادیو تلویزیون ،جراید ونشریه ها . در باره آمادگی و تدارکات‌بازی های المپیای ۱۹۸۰ معلومات‌کامل ارائه بدارند که‌این دعوت پذیرفته شد و تروپی از ژورنالیستان روانه کشور های‌متذکره گردیدند تاباشد کـه‌معلومات همه جانبه را در اختیار منابع اطلاعاتی‌و نشراتی‌شان بگذارند (پات‌ریان) نماینده بازی های المپیای در آسترلیاگفت: مردمان شوروی زیاد دوستدار ورزش اند وپهلوانی رامی پسندند. بازی‌های المپیای که فقط چند هفته به برگزاری آن‌مانده است از همین اکنون علاقمندی‌فراوانی از تمام قاره ها نسبت به آن ابراز گردیده وپیوسته در صدد کسب اطلاعات تازه در زمینه اند. (پیتر گوتز) سکر تر ورزشی سدنی گفت‌که:

المپیای مسکو داغترین حادثه ورزشی دهۀ نهم قرن‌موجودبشمارمیرود. نامبرده ژورنالستان شوروی رادرقسمت بـه‌اختیار گذاشتن اطلاعات مکمل ورزشی در بارۀ المپیای ۱۹۸۰ برای آسترالیایی ها کمك فراوان کرد. هر چند که باپرواز طیاره از سدنی تا مسکو ۲٤ ساعت وقت را در بر میگیرد لاکن برای اینکه خود باچشم سر ناظر جریان بازی های المپیای باشند از همین اکنون ورزشدوستان تلاش برای رسیدن به‌مسکو، محل برگزاری بیست ودو همین بازی های المپیایی ادامه دارد. بهمین ترتیب (داینی باتواین) نماینده ورزشی شهر نیوزیلاند خبر داد که همین حالا قسمت زیاد هو تل وسایر مراکزاقامت ازطرف سهمگیرندگان بازی ها ریزرف بیصبرانه در صدد فرارسیدن موعداجرای مسابقات اند. موصوف متذ کر گردید که مهمان نوازی شوروی ها خیلی ها چشمگیر و قابـل یاد آوری است .نمایندگان ورزشی وژورنالیستانی که جهت ارائه جواب به‌پاسخ نامه‌نگاران ورزشی نیوزیلند وآسترالیا بران کشور های رفته بودند میگویند که دوساعت تمام در بارهٔ چگونگی بازی های المپیایی ۱۹۸۰ و مشخصات آن سوال شد ودوساعت دیگر پاسخ هارا دربر گرفت . علاقمندی‌بیش از حد آسترالیایی ها برای آگهی ازجریانات ورزشی ۱۹۸۰ مسکو اینست که‌ورزشکاران آستر الیایی دربازی های ۱۹۷٦-المپیایی مقام نزدهم را حایز وبدریافت مدال طلا نا یل نگردیده بودند معذالك اینبار خیال‌دستیابی به چنین مدال رادارند . (کن بوت)یکتن از مبصرین ورزشی متذکر گردید که المپیایی ۱۹۸۰ به‌نوبه خود در رشد استعداد های ورزشکاران، درتوسعه انواع ورزش هاوفعالیت های نوورزشی جان تازه ای بخشیده . کتاب لحظات بزرگ درسپورت آسترالیا مقا بل (وی تینکتان) یکتن دیگر از مبصرین ورزشی آسترالیا قرار دارد ودراین کتاب‌درج است که : آسترالیا مهد ورزش های تازه در آینده خواهد بود وکجا معلوم که روزی آسترالیا وزیلاند خود میزبان وناظر برگزاری بازی های المپیایی باشد. بایست علاوه کرد که‌در اواخر سال ۱۹۷۸ شهـر آسترالیـا سدنی و(بریزبان) ازجمله شهر های بودنـد که‌مسکو رابحیث محل برگزاری بازی هـای المپیایی ۱۹۸۰ تعین کردند.



پهلوانی جز پروگرام های ورزشی ۱۹۸۰ المپیای مسکو میباشد .



آمادگی برای دوش درمسابقات بازی های‌المپیایی ۱۹۸۰

از آوازخوانی در کاباره تاپردهٔ فلم‌های سینمایی

در ینجا از یك هنرپیشه وآواز خوان زن حرف میزنیم ،آواز خوانیکه در سنین کودکی درآسمان هنر، ستاره اش تابیدن گرفت و خود حیثیت ستاره فروزان هنری را یا فت این زن (الاپوگاتشوفه) است که‌اینك‌دربسیاری ازکشور ها هنرش مورد استقبال فراوان قرار گرفته ، بااو آشنا شده و صمیمانه دوستش میدارند. وی ابتداء درحلقه مسابقه دهندگان آواز خوانی(هوپر طلایی) یا (افسانه‌طلایی) شامل گردید ودیری نگذشت که‌راهش رادر تلویزیون باز کرد اودیگر هنرپیشه تلویزیون شده بودوفقط همان میلودی‌همه پسند نخستین اوبود که مشهورش‌ساخت وبرسکوی شهرتش نشاند، اونه‌تنها یك آواز خوان کوچك نه بلکه یك رقاصه کوچك نیز بود . از همان مراحل ابتدایی برای ظا هر شدن(پوگاتشوفا) بابیحوصلگی انتظارش برده میشد. درسالون های کنسرت ازخارج وداخل استقبال گـرم می‌باشد واینهمه استقبال ازوی، باعث گردید که (پوگا تشو فا)درردیف هنرپیشگان شماره یك درآید. آواز های فراوان وی ریکـا رد گردید . همه مبهوتانه از هم میپرسیدند چه شد که یکبار چنین حلقه افتخارات هنری‌پوگا-تشوفا روز بروز وسعت‌یافته‌وبزرگترگردید. مسلما آنان جوابی برای پاسخ به سوالات همدیگر داشتند وآن پاسخ چه چیزی جزکم سنی (پوگا تشو فا) وخلاقیت وابتکار ات‌هنری او میتوانست باشد . صرفنظر ازینکه وی‌از منتهای زیبایی برخوردار و بمعرض ظاهرشدن روی سن بطوراعجازآمیزی‌درتماشاگر باجذابیتی که‌داشت نفوذمیکرد، بعلاوه وی دختری بود، با احساس ، شوخ‌طبع، همه وقت شاداب که بیشتر برای مردمش میخواندو خوب میدانست که چگونه بخواند. (پوگا تشوفا)در دو مسابقه هنری بین المللی سهم‌گرفت‌در(افسانه طلایی) رر بلغاریا ودر «زووت ۷۸» که یك‌اصطلاح بخصوص پو لندی هـا ست . که هـر دو برایش شهرت فراوان آورد ودر ضمن‌منحیث عزیز ترین (آواز خوان کاباره ای) شوروی شناخته شد . اکنون مایه شگفت وتعجب همه حلقه های هنری گردیده که وی چسان از کاباره به‌جهان سینما راهش را باز کرد وبا بازی اش‌در نخستین فلم باعث‌شد تا همه انگشت تعجب میان دندان ها بگذارند واورا هنرپیشه خوب وممتاز سینما بخوانند .

وی در فلم (زن آواز خوان) که بیقین با مشخصات خودوی هماهنگی تام داشت ، ظاهر گردید . عجیب است، آنجا هنرپیشه ممتاز



صحنهٔ از فلم (زن آوازخوان) که در آن «پوگاتشوفا» رامی ابید.



«پوگاتشوفا» درکنار مردایده آل.

کاباره بودواینجا هنر پیشه مو فق‌فلم.کرکتر «پوگاتشوفا» یك کرکتر نمونه وی است که بااندیشه جدی وعالی کار های هنری اش را دنبال مینماید وهمه مسایل محولهٔ هنــری را با کاوش وتعمق به بررسی میگیرد . در فلم (زن آوازخوان) تمام مسایل فلم روی خود اوکه قهرمان فلم است می چرخد، روی خودش که در آوازخوانی یدطولا دارد که از طرف اولیای امور هنری این یك آغازیست برای پیروزی های چشمگیر وهمه پسندبعدی. «پوگاتشوفا» درفلم (زن آواز خوان) نام‌مستعار «اناتسریلسوفا» را گرفته بود . موضوع فلم سراسر صداقت ودرستکاری در ارتباط بــا مسایل معاشرت بود وایفاء گر عین کرکتر هادر تیاتر نیز بود واز نگاه او دو رنگی را هنر پذیرانیست . وی پیرو همان مقوله ایست که هنر وهنر موسیقی عاری از ریا همانست که از دل برخیزد وبردل نشیند وفقط اثــر خاص ودست نخورده برقلب بگذارد . اصلادر قدم اول برای سناریونویس ونویسندهٔ داستان فلم هنرپیشهٔ چون «پوگاتشوفا» تا آندم‌مطرح نبود زیرا اکثرا کرکتر فطری «پوگاتشوفا» باصحنه های فلم مطابقت مفکوروی ندارد و این ضعف ونقطهٔ تنزل فلم‌است. وقتی موزیك به فغان می آید و«پوگاتشوفا» برای خواندن آهنگی حنجره میگشاید معمولا آهنگ های ترازیدی که‌خودش همچو آهنگ ها را دوست دارد واکثرا خودش آهنگ هایش را کمپوز میدارد، میسراید . اینجاست که تماشاگر در جهان هنر شگرف وصدای اعجاز آمیز هنرمندش فرو میرود ودر پایان آهنگ در می یابد که چه ستاره وهنرپیشه فروزان و موفقی در برابرش هنرنمایی کــرده است . (زن آواز خوان) نیز قشنگترین آهنگی است در فلم که خیلی ها ماهرانه از حنجرهٔ طلایی اینزن بیرون شده وبیرون از چهار دیـواری سالون ها تا بیرون ها میرود وبدون تـردید این آهنگ نام بامسمائیست برای فلم مزبور.

ازنگاه «پوگاتشوفا» کــــه خود توانایی شعر گویی دارد، اکثرا اشعار خودش را می خواند. شعر یك معرفت است ویك نیاز،نباید دروغ در شعر راه داده شود ، شعر باید مبرا از اشتباهات باشد . چیزیکه باعث شد تااز هنرپیشهٔ کاباره ای که دیگر اینك اوبتازگی ها در فلم ظاهر گشت واسمش روی زبا نها نشست ، اینجا گزارش بدهیم همانا ابتکارات هنری «پوگاتشوفا» است ودرخشش ایــن ستارهٔ جدید امابیش از حد تصور موفــق ، زیبا ، با استعداد وصاحب خلاقیت هنری .

بمب‌های نیوترونی، دشمن شماره یک صلح و آرامش بشریت

بمب های نیوترونی که‌تدبیرآن‌ازطرف‌کشور های امپریالیستی رویدست گرفته شده است وسیله ایست برای ناآرامی‌کتله های بشریت که‌بعباره میشود آنرا دشمن صلح و آرامش شناخت . از ینرو کشور هائیکه خوا هان ساختن بمب های نیوترونی خاصتا کشورهای اروپای غربی شامله پیمان ناتواند. بایستی به او شان هشد ار داد که نباید صلح جهان را به مخاطره بیندازندکه کنفرانس‌صلح جهانی منعقدهٔ برلین در فبر وری سال جاری بیشتر روی این امر انسانی که باید جلو ساختن بمب های نیوترونی گرفته شود ، بیشترتاکید میورزد . یکتن از مربوطین پیمان ناتودر اروپا «جنرال هایك»مدعی‌است که بمب های- نیوترونی ازبدو پیدایش آن پیو سته باذلت تعقیب ویا دشده است ودر انتظار منحیث‌یك هیولا عرض وجود نموده. یقینا هم همینطور است چه کشور های سوسیالیستی منحیث پاسداران صلح‌درجهان هم‌وقت مخالف‌ساختن بمب های نیوترونی انــد . اینکه منا بــع پروپا گندی غربی باجدیت تلاش دارند تا- ظاهرا ثابت سازندکه‌بمب هـای نیوترونــی فقط وسیله ایست مثل سایر وسایــــل جنگی منتها (کمی بهتر) امریست نابخشودنی چه همین بمب های نیوترونی است که قیافه منحوس مرگ را جلو وجلو تردید کان کتله های کانون بشری قرار میدهد . ناظرین را عقیده برینست که بمب های نیوترونی بیشتر مایه متــلاشی شدن نسل های کنونی میگردد که جنبه تخر یـبی آن بمـر ا تـب بیشتر ازبمب های هستوی است. شدت قوای بمب های مزبور بحدیست که هرکجا زنده جانیست بمعرض رسیدن آن در یـــك سرزمین همه رایکسره به‌نیستی و مرگ میکشد. بمب‌های نیوترونی راکه وحشی مستبد یاد کرده انـد. باانفجار آن توفانی بوقوع می‌پیوندد وسرعت نیوترون هائیکه از آن خارج میگردد (۴۰۰۰۰) کیلو متـر فی ثانیه محاسبه گردیده.است‌که بمحض اصابت در جسم حجرات وجودرایکسره تخریبوسپس بالای آنانیکه درفواصل بعیـد ترقرار دارند دروجود ایشان یکنوع تسمـم بار می آورد وایـــــن تعداد خودشانرا در قطار مرد گان ردیف میکنند حتی در فواصل (۷۰۰)متری انفجار، حجرات بدن‌زن جانی مرگ رادرخود زمزمه میـکنند چــه شعا تـــیکه از اثر انفجار بمب های نیوترون پدید وتادور دست ها میدود از اثرات بدناشی از آن‌بطور حتم دوهفته بعد مایهٔ نابود ی افراد محلــه مذکور میگرد د چه حتی در فواصل (۱۷۰۰) متری،ده فیصد با شند گان آن مـزهٔ مر گ را می چشند ونود فیصد متباقی را نیز سرطان های شدید وسایرامراض مدهشی و معنوف که‌مرگ راحتمی درقبال دارد تهدید میکند و فیصدی‌ناچیزی که‌اگراحیاناًزنده‌بماند ، اثرات نامطلوب اشعه های نیوترونی وغیره عوامل ناشی از آن در اشخاص مزبور باعث میشود تافرزندان ،نواسه هاونسل های‌بعدی ایشان ناقص‌الخلقه بدنیا بیایند. اطفال معصو مـی که‌قرار است مثلا پنجاه سال بعدبدنیا بیایند مگرچه گناهی دارند؟

اینکه اضلاع متحده امریکا قسمت اعظم‌بمب های نیوترونی را استحصال داشته است بجهت آنست تابــاز هم مردم را در اسارت نگهدارد واز استثمار حمایه کرده باشد ، اینجاست که موجی ازاعتراضات بخاطر جلو- گیری از ساختن بمب های نیوترونی بالاگرفت تا باشد که کشور های شامله ناتو را متوجه این امر ضد امنیت ، آسایش و صلح بشریت گردند . از آنجائیکه جها نیان مشتاق صلح کامل در سراسر جهان اند مساعی همه‌جانبه برای صلح ادامه دارد لازم می‌افتد که بـــه تولید بمب های نیوترونی که ترازیدی بشر در آن نهفته است هر چه زود تر پایان داده شود صرفنظر از ینکه انحصارات ناتوبرای تولید انواع اسلحه ها قابـــــل تحمل نیست واین غیر قابل باوراست در عصر یکه علم و تخنیك به اوج شکوفایی خود رسیده (ناتو) انحصارات تولید اسلحه رابدوش دارد . در واقـــع میشود چنین تفسیر کرد که آنانی اسلحه های نیوترونی رابدست‌دارند که دشمن بشریت بوده و میخواهند جنگ‌رادر جهان آتش بزننـد که‌بـرای صلحجویـــان و صلحپسندان این یـــك امر یست گران‌وغیر قابـــل تحمّل ، چه جهان نیاز مند صلـــح سر تاسر ی است . بودجه نظامی امریـــکا (پنتاگون)قسماوقف ناتوگردیده وازهمینجاست که در اروپا (۷۰۰۰) نوکلاتور ومراکز وپایگاه های بمب های نیوترونی دارد . در هرحال اگر جلو تولید بمب های نیوترونی بطور قطع گرفته نشود دیریازود جهانیان رایك فاجعهٔ بزرگ که‌کنون بخاطر بمب های نیوترونـــی بسوی ایشان کمین کرده، تهدید خواهدکرد. ازهمین اکنون آنانیکه آگاهند این امرضدامنیت وصلح رابه بررسی گرفته وپس از قضاوت میدانند که مسوولیت آنراچه کسی‌ویا کشوری بعهده دارد. لاکن بطور قطع‌تلاش پاسداران صلح جهان ، تلاشی انسانی وبنفع ترقـــی پسندان وصلحجویان ونوعپرستان، تا باشد که‌جلو تخریبکاری های اهریمنا نه گرفته‌شود ونه امپریالیزم ، نه ارتجاع ونه هیچ نیروی دیگر ضد انسانیت ، جلو پیشرفت نیروهای مترقی و زحمتکشان جهان را نتواننـــد سد شوند .

یک مرد انتظار میکشد...

اثر از (شولت فون هرزانی) نویسنده شهیر مجارستانی

ترجمه از (حجاز)

(الیزابت) اجازه نداشت که دیگر انتظار بکشد وباید تصمیم خود رامی‌گرفت . مادرش اورا آرام نمیگذاشت اوباید در بین ایـــن دو مرد یکی را انتخاب می‌نمود این دو مرد اساسا باهـــــم فرق زیاد داشتند یکی آن شاید هنوز به مرحله مردانگی نرسیده‌بود در حالیکه یك سال از الیزابت کوچکتر هم بود. او بیست ویك سال داشت ودختر بیست ودو سال ،طبیعی است این مردکه اسمش (تیبور) بودیك جوان زیبا ودو ست داشتنی بود اما خیلی پس رفته وخجالتی،که در هر فرصت دست وپای خودرا گم می‌کرد. اگرکسی بااوصحبت می‌نمود فورا از خجالت سرخ‌می‌شد. انسان بسادگی مـی‌تو انست ببیند که‌این جوان تادوگوش درعشق الیزابت غرق بود واورامی پرستید ،اگر دختر را نگاه میکرد ضر بان شد یـــد ی قلبش حتـــی ازشعله چشمانش درك‌می‌شد. این‌پس رفتگی مانــــع اظهار عشق او به دخترك می‌گردید در مجالس با او مانند یك طفل پیش‌آمد می‌کردند . اما باوجود سن کم خود جــوان قابل ازدواج وخیلی‌فعال‌بود. زیرا اوتحصیلات خود را در رشته زراعت دریونیور ستی‌خاتمه داده ویك مرد متکی بخود بود پدرش دارایی زیادی را بعد از مرگ به‌او میراث گــذاشته بود .

مرد دیگربیست‌ودوسال‌داشت‌وزیبانبود. اما درمقابل ، رفتار خیلی جدی آرام‌ومتین‌داشت او حقوق تحصیل کرده بود واز جمله حقوق دانان جوان وموفق به‌شمار می رفت همـــه می‌گفتند که در دفتر کارش به او خیلی‌اهمیت واحترام قایل هستند ارتقای اودر مسلکش آرام و موفقانه به پیش میرفت ، انســـان میتوانست بسنجد که معاش او بعد از سپری شدن پانزده سال چقدر خواهد بود واطفال که تا آنوقت بدنیا می‌آورد چند ساله می‌شدند وچگونه باناز ونعمت پرورش می‌یافتند .

او هم عاشق الیزابت بود اما در هنگـــام رو بـرو شدن باالیزابت لکنت زبان بـه او دست نمیداد واگر بااو هم صحبت می‌گردید از خجالت سرخ نمیشد . او از عقب عینك های خود بصورت جدی الیزابت رامی‌نگریست خیلی واضح وسنجیده فواید ابـن‌ازدواج را با او مطرح می‌کرد .

مادر الیزابت می گفت :

-دیگر با اعصاب من بازی نکن ، چـون این روش تودیگر قابـــــل تحمل نیست. چرا بالاخره تصمیم نمیگیری؟

دخترك جواب میداد :

-بخاطر یکه(تیبور) صدمرتبه بیشتر خوشم می‌آید پس اورا به‌اندازه ای دوست دارم که فکر میکنم مادرش هستم صرف. اوتا کنون موضوع را برای من واضح نساخته است.

-تو باید بااو مذاکره نمایی .

-تو اورا خوب می‌شناسی . اگر میخواهم که‌به‌عشق خود اعتراف کند ازنزدم می گریزد وبعد یك دسته گل بزرگ برایم می‌فرستد وبه این صورت از عشق خود حرف‌می‌زند.

مادرش گفت :

-خوب اگر اینقدر احمق است بـــا یــد باقسمت خود بسازد . من بتویك هفته دیگر وقت میدهم تا تصمیمت را بگیری . از ایـــن زیاده دیگر انتظار نمی کشم دیگر کافی‌است.

الیزابت یك هفته انتظار نکشید . بلکه همان روز میخواست موضوع را یکطرفه کند واین سوال حل شود . زیرا خودش هـــم دیگر حوصله نداشت .

بعدازظهرهمان‌روز (تیبور) بـرای صرف چای به‌منزل شان آمد به مجردیکـه مـــا در ش آنها را تنها گذاشت آنوقت (تیبور) دوباره سراز پاگم کرد وبانگاه های مضطرب ونا- آرام اطراف رامی نگریست. الیزابت تصمیم گرفته بودکه سوال عشق وازدواج را مطرح کند واز لابلای این گفتگو نتیجه حاصله را هرچه که بود بگیرد . بنابران بالحن جدی پرسید :

-(تیبور) بمن بگویید چرا ازدواج‌نمی‌کنید؟

مرد جوان تابنا گوش سرخ گردید .پیاله چای راکه‌دردست داشت می‌لرزیدوآن رادوباره در جایش گذاشت آنوقت بالکنت زبان‌ولبان لرزان جواب‌داد:

-برای اینکه ... برای اینکه من ....که من خیلی عاشق هستم .

اوه ! بالاخره ... وکی رادوست‌دارید؟

جوان در حالیکه خیلی دست وپاچه شده بود از جایش بلند شده گفت:

-بالاخره ... یکروز اورا خواهیدشناخت. وآنوقت بدون خد احافظی وبه سرعت از اطاق خارج گردید او رفت . الیزابت تاروز آینده انتظار کشید در ضمن قبل از ظهرروز دیگر برای اویك کتاب آوردند که یك رمان انگلیسی بود این کتاب را (تیبور) فرستاده بود. الیزابت کتاب را بابی‌اعتنایی در الماری کتاب ها گذاشت وبایك قهر وخشم بـــی نظیری که حکایت ازمایوسی واحساس‌تحقیر درخود میکرد از چشمانش می‌درخشید. باخود فکر کرد: «درعوض‌اینکه‌عشق‌خودرابمن‌اعتراف نماید . بمن کتاب می‌فرستد . حتی به این صورت نیز نمی شود یك کلمه از زبان‌اودر آورد؟

آنوقت به جستجوی مادر خود شتافت وبا ملال خاطر به‌اوگفت:

-مادر ، من تصمیم خودرا گرفتم . من زن (گیزا) می‌شوم . او را برای طعام شام دعوت کن .

من به‌او قول ازدواج میدهم.

-اوه ! بالاخره ... وکی رادوســـت دارید ؟

این ازدواج خیلی سعادتمند انه بود در سال اول زنا شویی صاحب‌یك دختر شیرین شدند که اسم اورا (ایوا) گذاشتند آنهـــا خیلی خوشبختانه باهم زندگی می‌کردند و زندگی آنها مانند تقسیم اوقات پیش می‌رفت منزل شان فوق العاده منظم وبا سلیقه بود. دربین این زوج که بیست وسه سال باهم بسر بردند کوچکترین سایه کدورتی رونما نگردید و هیچگونه کلمات مشاجره آمیزبین شان ردو بدل نشد .

بعداز بیست وسه سال ازدواج شوهرش که‌کنون عضو برجسته دیوان عالی محاکمات بود می‌بایست یك‌عملیات جزیی را بگذرانـد وبعد از اینکه عملیات موفقانه‌به پایان رسید او دچار مریضی (ترومبوز) گردید ومرد .

الیزابت ازاین‌مرگ نابهنگام شوهروفادارش خیلی متاثر شد و چنانچه شایسته او بود سوگواری نمود وازغم‌اوصبح‌تاشام می‌گریست یگانه تسلی او دخترش بود که یك شباهت فوق العاده باپدرش داشت و همچنان ظریف وزیبا بود.

وقتیکه چندماه بعداز مرگ شوهرش در بین کتاب های خود به جستجو مشغول بود یك رومان قدیمی انگلیسی بدستش آفتادکه فورا آنرا شناخت . این کتاب هدیه (تیبور) بود که در آنوقت برایش فرستاده بود . الیزابت در حالیکه کتاب رابدست داشت در فکر عمیقی فرورفت . او (تیبور) را بعدازآن دوسه مرتبه سر سری دیده بـود . (تیبور) بالای مزرعه خود مقیم‌شده وبندرت به شهر می‌آمد . دیگر هیچوقت با او تماس نگرفته بود .

الیزابت در حالیکه تبسمی بر لبانش‌نقش بسته بود باخود فکر کرد: «درحقیقت او را دوست داشتم» آنوقت خودرا مشغول مطالعه کتاب نمود . بعد از مرور دوسه صفحه‌دفعتا ازبین کتاب یك مکتوب بیرون افتاد که بـه اسم او آدرس شده بود . متعجبانه آن راباز کرد . در نامه (تیبور) به عشق خود اعتراف کرده واز او خواستگاری نموده بود. دراخیر نامه چنین نگاشته شده‌بود:

-«اگرمن اشتباه می‌کنم وشمامرد دیگـری رادوست دارید ، در آنصورت حاضرم انتظار بکشم. این‌انتظار هرقدرکه‌طول بکشد مـــن خسته نخواهم شد حتی‌تاپایان عمرم. درآیینه قلب من دیگر هیچ چیزی انعکاس نخواهد داشت غیر ازمـوهای نصواری رنگ چشمان آبی برنگ بنفشه ، اندام باریك ودخترانه ودستهای ظریف وقشنگ شما . این عکس برای ابد در قلب من باقی خواهد ماند . واگر شما بعد از بیست سال هم مرابخوا هیـد. ویابعداز چهل‌سال‌هنوز هم‌من‌در انتظار شـما خواهم‌بود.فقط‌یك حرف‌شما‌کافی‌است» الیزابت دقایق زیادی راجـــع به این راه عجیـــب قسمت وسر نوشت‌فکر کردآنوقت درجستجوی آدرس (تیبور) افتاد وبعد از آنکه او را در یافت فقط این‌چند کلمه رابوی نوشت :

من تنها هستم وبه شما احتیاج دارم. (الیزابت) .

دربین دو روز (تیبور) به‌بودا پست آمده اودیگرآن جوان خجالتی و زیبا نبود. بلکـه یك مرد چهل وچهار ساله و متین و خیلی قشنگ با حرکات سر شار از زندگی. پوست نصواری رنگ آفتاب ساخته واندام‌باریك در مقابل او ظاهر گردید . آنها هیچ کلمه ای ازگذشته یاد نـکردند. الیزابت از اینکـه اعتراف کند در آنوقت‌کتاب هدیه اورا حتی باز هم نکرده بود خجالت می‌کشید مرد را نیز خاطرات گذشته توام باآزردگی از یاد آوری سال های سپری شده مانــع می‌شد.

از این وقت به بعد (تیبور) هفتهٔ یك‌مرتبه به بوداپست می‌آمد هنگامیکه خزان فرارسید. برای دایم در بوداپست‌مقیم‌شد. آنها همیشه باهم به تیاتر ، سینما وکنسرت می‌رفتند. انسان همواره هرسه آنها رابا هم یکجامیدید



مادر ، دختر و (تیبور) را •

یك روز (تیبور) به الیزابت گفت که میخواهد چند دقیقه تنها با او صحبت نماید• ضربان قلب الیزابت ازهیجا به‌طپش در آمد او همان لحظه تصمیم گرفت که این مرتبه بدون توقف در خواست اورا بپلرد • بالاخره می‌توانست زن مردی شود که اورا از صمیم قلب دوست داشت • هنگامیکه تنها شدند در حالیکه مرد دستان اورا گرفت بملایمت‌گفت:

-من میخواهم یك موضوع مهم رابا شما درمیان بگذارم ••• من عاشق دختر شما هستم ومیخواهم بااو ازدواج کنم • او نیز مرا دوست دارد در موضوع سن وسال باهم بتوافق رسیده ایم •امیدواریم که شمابااین وصلت رضایت داشته باشید •

درلحظات اول تمام اشیا در مقابل چشمان الیزابت به چرخ در آمد ونزدیك بود تعادل خودرا از دست بدهد • وازینکه سرنوشت یکبار دیگر بااو چنین معامله ای نموده‌بود، خیلی متاثر شد •

اما بزودی جلو احساسات خودرا گرفت• آنوقت بدون کدام حرفی از جای خود بلند شد ومکتوبی راکه تیبورچندین سال قبل برایش نوشته بود وهنوز آنرا درروك‌میز تحریرخودبا احتیاط نگهمیداشت‌آورد بدستش داد وگفت: «آخرین سطور نامه رابا آواز بلند بخوانید• »

مرد، آنرا باآواز بلند خواند ودر حالیکه باسر خود اشاره مثبت می‌نمود اظهار کرد:

-بلی همینطور است•موهای نصواری‌رنگ، چشمان آبی برنگ بنفشه ، اندام باریك ودخترانه ودست های ظریف و قشنگ، این بکلی صفات (ایوا) است•

(ایوا) امروز همچنان زیبا است که شما درآن وقت بودید من‌عاشق دیوانه وار این تصویر دخترانه هستم وتابه امروز به‌او وفادار مانده ام با او شما دوباره بمن مراجعت می‌کنید • می‌فهمید چه می‌گویم؟

الیزابت سکوت کرد • آنوقت در حالیکه اشك درچشمانش حلقه زده بود جوابداد:

-من شمارا خیلی دوست داشتم تیبور ! چیزی که‌من به اشما احساس می‌کردم زیادتر احساس مادری بود • شما آنقدر خجالتی و پس رفته بودید وبه‌کمك احتیاج داشتید که انسان مجبور بود شمارادوست داشته باشد• درعمق روح خودبه شما مانند پسر خود نگاه می‌کردم واینك می‌بینم که سر نوشت نیز چیزی دیگری نمیخواهد•من (ایوا) راپرستش می‌کنم وبرای او نیز همچویك احساس‌دارم•

بروید باهم خوشبخت باشید •

آنوقت دست خود را بالای دست اوگذاشت گفت :

-صرف عاشقان وفادار پیدا نمی‌شوند• بلکه مادر ان فدا کارنیز وجود دارند•

پایان



تهیه وتنظیم : صالح محمدکهسار

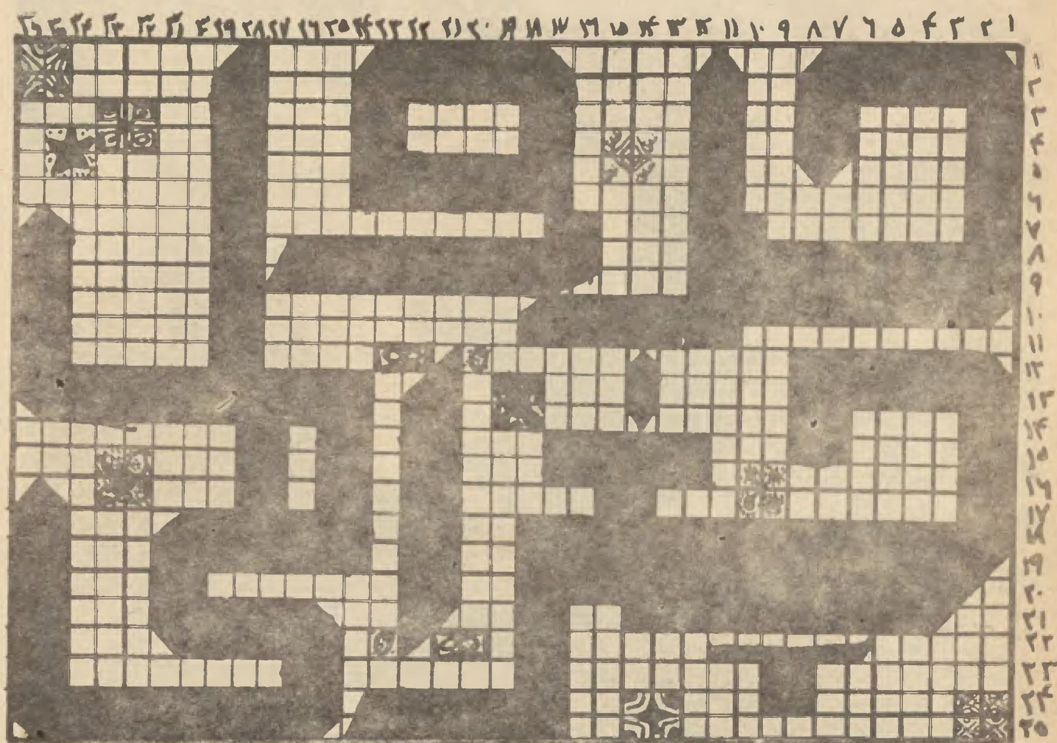
جدول کلمات متقاطع

افقی:

۱- آب درآن جریان دارد ، مرکزیست از ولایات کشورما، ادنا است مگر بی سر، به مجارستان نیز شهرت دارد. ۲- از اعداد پشتو- باتغییر حرف اول گران میشود، از حروف آسیا انتخاب کنید، دو حرف اول را کم سازید الم میگردد، ۳- گهواره انقلاب، گیس میان تهی ، منظم آن اغنا میباشد، سرزمین سیاه موی وجلالی، یادداشت، این به پشتو، از جمله میوه جات است ، ٤- رها شد بدون حرف اول، ازآنطرف خشک نیست، یکی از شهر های بزرگ هندوستان، ازآلات موسیقی شکسته ،اول بی آغاز ، ٥-باتغییرکم یکی از ولسوالی های شرق کشور ما، منظم آن دربین بهار قرار دارد ، اهلی بی پا ، منظم آن یکی از مراکز اروپایی ، ٦- یکی ازولایت کشورما، یکی ازکشور های جهان، رمل شکسته ، بدون حرف آخر یکی ازکشور های جهان، ۷-یکی از و لا یات کشور ما ، میر و م به پشتو، یکی از کشور های اروپایی ، باتغییرحرف آخراتریش میشود، ۸- ازآن طرف نگاه است، مرطوب، ۹- آتش عرب، داس بود آخرش شکست، ۱۰- یکی از ممالک جهان ، یکی از کشور های جهان با تغییرحرف آخر، ۱۱-یکی از کشور های جهان، یکی از ممالک اروپایی ، یك کلمهٔ بی معنی ، ۱۲- یکی از ممالك آسیایی، سرزمین تمدن غرب، از ولسوالی های ولایت غرب کشورما، این کشوردرهمین ردیف قرار دارد، ۱۳- کلمه بی معنی، در بین غزنی وقلات قرار دارد، ١٤- از کشور های عربی ، اوگندا بدون آغاز ، ازآن طرف جوان نیست، ١٥- یکی از مناطق کشور ما، منظم آن مادر کلان پښتو است، ریگ و سنگ نیست. یکی از بزرگترین دریا های جهان، ١٦- از جمله براعظم های جهان، سه حرف مختلف وسه خانه، منظم آن از کشور های افریقایی می شود، مرکزاطریش، ۱۷- ازکوه های بلند جهان ، بزرگترین دریای کشورما، بدون حرف اول قطغن است، ۱۸- اسپ به زبان پښتو، ازکوه های پامیر سر چشمه میگیرد، ۱۹- رفیق بولت، پای فاسق قطع شد، ۲۰- نصف ساعت، از جمله براعظم ها ی جهان، پایش رابرید رد میشود ، ۲۱- ارم بی آغاز- تاردوام دار، هزار کیلو، جدید ، یار مغشوش، ۲۲- یکی از ولسوالی ها ی کشورما، سرزمین تمدن ، قیود نشده، ۲۳- مرکز یکی از ممالك افریقایی، این براعظم درردیف بیستم افقی قرار دارد ، ٢٤- منظم آن زن وروم است، باخ مریخ است ، دروازه پښتو، ٢٥- یکی از کشورهای جهان ، اداموامدار .

عمودی :

۱- یکی از ممالك عربی، ۲- منظم آن یکی از خزندگان، ۳- بدون حرف چهارم منظم آن منکر میشود، یکی ازممالك عربی، میبیند به پښتو، ٤- یکی از ولسوالی های کشورما، باتغییر حرف دوم سنگ مرمر میشود، امید، ٥- بدون حرف آخر بهار است، پایش راقطع سازید سازید امر میشود، منظم آن گوزر است، ٦- ازشهر های ممالك شرقی، بدون حرف آخرمنظم آن نیك است، آخرش راکم سازید عطرمیدهد، ۷- من په پښتو، نمیشنود، سیم پراگنده، ۸- گاز نامکمل، مادر عربی، ۹- یکی از ولایات شرقی کشورما، یکی از مراکز جهان ، ۱۰- یکی از ممالك دنیا ، باتغییر کم دریای گنگا میشود، سرحدبین افغانستان وشوروی راتشکیل میدهد. ۱۱- یکی از کشور های امریکایی، پنهانی است، ۱۲- از آسیا میبراید، باجمع حرف میم و حذف الف یتیم میشود ، ۱۳- قلب آسیا ، باجمع فه لفافه است، نصف وردك، ١٤- دربین بیراه قرار دارد یکی ازدریاهای مشهور اتحاد شوروی، ناقل آب است، ١٥- بگذار بزبان عوام، بدون آخر خود یمن است، منظم آن نیم است، به تایوان نرسیده، ١٦- یك کلمه که معنی ندارد، از آنطرف آب میاو رد، بامجمع (ره) اناردره میشود، ۱۷- سخت نیست، ۱۸- مطبخ غیر منظم، ۱۹- نصف بهتر ، یکی ازممالك آسیایی، در ردیف سیزدهم عمودی قرار دارد، ۲۰- رمق بی پایان، کور نشده ، یکی ازجمهوریت های شوروی، ۲۱- از تعامل دوعنصر بدست میاید، جوگ بی سر ، ۲۲- تیر کوتاه، طرف، ۲۳- عددی به پښتو، کشوریکه شاهی راسرنگون ساخت. ٢٤- گول پراگنده ، ازبازار خریداری میشود، ٢٥-یکی ازکشور های جهان، ارا پراگنده، ٢٦- مرکز هند، امربه کوشیدن، از جاهای تاریخی کشورما، ۲۷- از جمله براعظم ها، اولش را کم کنید خودش یک است، ۲۸-۲۹- رود نیل دربین آن جریان دارد، ۳۰- یك کشور بامرکز خودش ، یك کشور عربی، ۳۱- با علاوه (ی) بعداز حرف اول نیپال وباکم کردن دوالف ازبین آن پایتخت این کشورمیگردد. ۳۲- گام کوتاه، خمیر است اما اولش نبود . ازآنطرف غیرت است ، ازبراعظم های جهان، ۳۳- رول میان تهی، حرف سوالیه پښتو، روشنی به پښتو، ازمراکز اروپایی، ٣٤- منظم نیم است، معکوس یکی از مناطق توریستیك کشورما، یکی ازممالك اروپابی، ٣٥ - پیر نشده ، ٣٦-مرکز کشورما، از واحد پول آسیایی .



طرح از: خالده (عالمی) متعلمه صنف هشتم لیسه جهان ملکه ولایت غزنی .

این مرد کیست ؟



در عید میلاد مسیح سال ۱٦٤۲ کودکان بسیاری چشم به جهان گشودند اما فقط یکی از آنها بود که نامش برای همیشه درصفحات تاریخ علوم ثبت شد . اویکی از چهره های بسیار درخشان جهان علوم است کار های اودر ریاضیات، فزیك نظری وفزیك تجربی چنان مهم وبی سابقه بود که تا زمان‌انشتین کسی نتوانسته بود با او برابری کندیکی از تذکره نویسان معاصر او رابه رودنیل تشبیه میکند که همه به عظمت او قایل اند و لی کسی سر چشمه آنرا نمیشناسد با این همه با استفاده از آنچه از دوران خرد سالی او در دست است میتوان تا حدی اخلاق وروحیات وتحولات فکری اورا تحت مطالعه درآورد او در دوران کودکی علیل وناتوان بودبه طوری‌که میگویند قادربه تحمل سروگردنش هم نبود پدرش سه ماه پیش از تولد اودر گذشت‌بعد ازدوسال مادرش ازدواج کرد وتربیت این کودك بدست مادر کلانش افتاد او بعد ازآن نه‌مادری داشت نه‌خواهر ونه برادری • به‌همین سبب بودکه اودر جوانی گوشه گیری را اختیار کرد واندیشیدن در خلوت و تنهایی راوسیله آرامش قرار داد تا آنکه عادت کرد که در خود فرورود وزیاد تر اوقات خود رابه اندیشیدن بگذراند وقتی که او چهارده ساله بود پدر اندر اومرد ومادر دو باره نزد او آمد وخواست که پسرش به کار دهقانی مشغول گردد ولی او قبول نکرد، تا اینکه به‌دانشگاه کیمبر یج شامل گردید ایزك‌برواستاد ریاضیات متوجه استعداد او شد واورا تحت مراقبت خویش درآورد بدینترتیب آن کودك علیل و مریض در بیست و شش سالگی به مقام علمی ممتاز رسید او در دوران تحصیل دررشته های‌ریاضیات وتخنیك سماوی ونور تحقیقاتی انجام داد ومردی بود بسیار محجوب ومتمایل به ساده‌گی وهمیشه ازاعلام کشفیات خود بیزار بود به همین منظور واقعیاتی راکه در باره تجزیه وتحلیل نور بدست آورد منتشر نکرد. اونظریه خود را چنین اعلان کرد: اگر نور سفید از منشوری بگذرد پرتوهای رنگینی که نور سفید ازآنها ترکیب شده بازاویه های مختلف میشکنند وبه شکل فیته رنگینی از منشور بیرون می آیند اگر برعکس همین فیته رنگین از منشور دیگر بگذرد پرتو هابه یك دیگروصل شده وتشکیل نور سفید را میدهند . موصوف بعد ازآن شهرت زیاد حاصل کرد وبالاخره او از منجمین وریاضیدانان مشهور جهان بشمار رفت .

حالا شما از روی بیوگرافی، اسم اورابرای ما بنویسید ناگفته نماند که باحل سوال یك قطعه فوتوی خویش را نیز ارسال دارید وهم برای اینکه به سوال مازودتر جواب گفته باشیدفوتوی اورانیزبرایتان چاپ نمودیم .

کدام صحنه ها ؟



هرکشوریکه تحت سلطه امپریالیزم باشد بالاخره تلاش میکند تاخودرا ازین سلطه ظالمانه برهاند که نمونه های بارز آن کیوبا وویتنام رانامبرده میتوانیم این صحنه هم‌یکی از صحنه های پیروزی کشوری میباشد که عساکر آن سر مست باده پیروزی بوده و مالك کشور خود اند وآنرا نگهمیدارند حالا برای مابنویسید که این عساکر مربوط کدام کشور می باشند .

این ستاره کیست ؟



یکی ازستارگان مشهور جهان بود وبنام معشوقه جنگل نیز شهرت داشت زیرا اوبا حیوانات علاقه میگرفت . حالاشمابه سوالات ذیل جواب بگویید :

۱ـ درکدام سال تولد یافت ؟

۲ـ درکدام آرکستر ها اشتراك نموده است ؟

۳ـ در کدام سال به هالیود رفت ؟

٤ـ برای اولین بار در کدام کمپنی فلمبرداری شروع بکار نمود ؟

٥ـ آیاباکدام کمپنی‌فلمبرداری دیگرهم‌کار نمودہ است ؟

٦ـ از چند فلمش نام ببرید ؟

۷ـ یکی از همبازی های اورا نام ببرید .

این عکس چیست ؟



به این عکس خوب متوجه گردید وبعداز آنکه آنرا بدقت دیده ومطالعه نمودیدبرای مابنویسید که این عکس چیست ازکجابدست می آید ونیز علاوه نمایید‌که درکدام کشور جهان زیاد پیدا میشود ؟

راجع به کودك ؟

به چهره بشاش این کودك متوجه شوید میدانید برای چه آنقدر خوش وخندان معلوم میگردد از نگاه روانشناسی کودك به‌سوالات



شماکه هم بدون اینکه توجه‌داشته باشید ذیل جواب ارایه دارید :

۱ـ بخاطرچه آنقدر خوش است ؟

۲ـ آیا ترسیده است ؟

۳ـ کدام حالت خنده آور رادیده است ؟

٤ـ آیا میخواهد برقصد ؟

٥ـ آیابه آینده اش امیدوار است ؟

٦ـ مادرش رادیده است ؟

حالاازنگاه روان شناسی جواب مارابنویسید واگر اصل مطلب مارا نوشتید باعکس و مضمون تان یکجا چاپ میگردد .

حل کنندگان



امان الله عثمانی

حل‌کنندگان‌جدول عبارت اند ازعزیزاحمدعطایی اسدالله قیومی ، ننگیالی، فضل احمد عزیز احمد و لی زاده محمد سلیم، غلام ربانی ، محمد افضل، میر آغا، که‌تنها فوتوی امان الله عثمانی به‌چاپ رسید.

مربوط به کدام داستان است؟

این عکس راکه درین جا ملاحظه میکنیدیکی از داستان های مشهور راتمثیل مینماید وحتی فلمی هم ازین داستان تهیه گردیده‌است اگر با این داستان ونویسنده آن آشنایی داشته باشید ویا فلمی که از روی‌همین داستان تهیه گردیده است برای ما اسم این داستان را بنویسید وضمن آن یك‌قطعه فوتوی خویش را نیز برای ما ارسال دارید .



ستراتیژی سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان

پیوسته بگذشته

وجانی دو باره این کشور را اشغال نماییم.»
گورنر جنرال انگلیس **درهند** نیز گفت که :
«ما باید بقدر توان کوشش کنیم ونگذاریم که در افغانستان قوت های خارجی نفوذ کنند
امنیت مادر شرق مستلزم آنست که در افغانستان دستگاهی ایجاد نماییم که مانع حمله‌ی خارجی باشد، **واما توان آنرا نداشته** باشد که با دشمنان کشور گیرما همرا هی کنند ما باید درین کشوریك سد دایمی بسازیم تامانع حمله‌ی دشمنان شمالی و مغربی ما باشد .»

ازینرو انگلیس ها در سومین کسب سیاست نظامی ودیپلوماتیك خودبه اتفاق حکومت سکهای پنجاب در زیر نقاب شاه شجاع فراری در سال ۱۸۳٤ باچهل و پنجهزار عسکر منظم وتوپ خانه به‌افغانستان تاختند وتادامنه های جنوب هندوکش آمده، گردن بند و سلی را بگردن افغانستان انداختند . زیرا «سکرت کمیتی» انگلیس در یادداشت ۲۵ جون ۱۸۳٦ خودبه لارد آکلند گورنر جنرال هند انگلیس نوشته بود :
«در افغانستان جهت مقابله با پیشرفت نفوذ روسیه بهر نوعی که می خواهید عمل کنید.»
وانگلیس ها در وقت بازگشت از افغانستان نیز ولایات سند وبلوچستان را از افغانستان جداوبه حکومت انگلیس ملحق نمودند و به تعقیب آن خودرا جانشین حکومت سکهه در (نما ینده ی امپر ا طوری)گفت که: این شمشیر را در راه خد مت به بریطا نیای کبیر از غلاف خوا هم کشید ، ولایت کابل نیز تو سط گر یفن به سر دار ولی محمد- خان پسر امیر دوست محمد بحیث یك حکو مت تحتا لحما یه ی انگلیس سپرد (خلق افغانستان این سر دار را بنام ولی محمد لاتی یاد می کردند و کلمه ی«لار- دی »در بین عو ا م بحیث یك لقب تو هین **آمیز استعمال می شد ولی در لسان خلق آنوقت افغانستان لاردی رالاتی می گفتند)**
در با ب ولایت هرا ت آقای سا لسبر ی‌از **لندن درمکتوب اکتوبر ۱۸۷۹** به ر و نا لد- تا مسن سفیر انگلیس در تهران نو شت که:

هرا ت‌را به ایران بد هید ؟! به این‌شرط که در مو قع خطر ، انگلیس هرا ت را **اشغال خواهد کرد ولی این بار نو بت دولت روس بود که نگذارد انگلیس بنام** ایران در هرات نفوذ نما ید لذا مذکر ا ت انگلیس و ایران در مورد هرات بی نتیجه ماند .

یك لارد دیگر انگلیسی بنام نند رد ن در همین و قت پیشنهاد کرد که سر حدات **ایران و افغانستان به نفع ایران تعیین** شود به‌این ترتیب **دو لت انگلیس چنانکه** **دولت روس خواب آ قائی براستانبو ل و بالقانات رامی دید وکمتر ین و دور-** تر ین خطر بر ا ی هند و ستان از طر ف دو لت روس بود• **در ایران هم سا ز ش** برا درانه رو س وانگلیس عملی شده و بعد ها این کشور به مناطق نفوذ این **برادران!تقسیم‌گردید • درحالیکه نه‌در گذ-** شته افغا نستان زیر تا ثیر دولت زار ی‌روس بود و نه بعد ها صحنه ی فعالیت اتحاد- جما هیر شو روی گر دید . زیرا اتحاد- شو روی خود برای دفاع از تجا وز غرب خوا ها نی کشید ن حصا ری در دورا دور خود بود . که این کا ر با سیا ست پیشروی و تعر ض هیچگو نه ار تبا طی نداشت .

معهذا دو لت انگلیس برای سلب‌استقلال کنترول امور خارجی وداخلی ، تو لید نفاق وخانه جنگی و جلو گیری از هر گو نه تجدد و تر قی افغانستان ، دو پارا در یك موزه کرد و آرام نه نشست تا جنگها ی‌اول و دوم افغانستان وانگلستان بعمل آمد و به اثر د سا یس انگلیس با لاخره دو لت امانی هم معدوم شد .

بعد ازظ هور رژیم سقوی ، انگلیس با رضا ئیت تما م منتظر بود که چگو نه جنبش ها ی جو ان کشور ما منهد م شده

بلی‌طعمه‌ی افغانستان‌هرقدربدهان‌غول استعمار نزدیکتر می شد شوق بلعیدن تمام وکمال آن نیز برایش ضروری تر مطرح می شد . چنانچه بعداز تطبیق موفقیت آمیز دومرحله‌ی اول سیاست نظامی وسیاسی انگیس «لارد - پالمرستون» صدراعظم وقت ا نگلیس «لارد- انگلیسی هند نوشت که: «وقت آن رسیده است تا جدا در افغانستان مداخله بعمل آید واز توسعه یافتن قلمرو ایران روبه جانب هند جلوگیری شده وسدی در برابر روس کشیده شود» . (درینجا قابل تذکرمیدانیم که بگوییم استعمار تنها تا بدست آوردن منافع خود از دولت های ارتجاعی پشتیبانی می کند چنانچه در مرحله ی اول پلا ن استعماری خود در مورد افغانستان ، انگلیس هاایران را تقویه وتطمیع نمود ولی اینك دولت انگلیس حکم می کند که از پیشروی ایران جلوگیری شود) همچنان همین شخص (پالمرستون) به پارلمان انگلیس خبرداد که: «حاصل عقیده قلبی من اینست که اگر ماازافغانستان دست بکشیم بزرگترین مصالح دولت انگلیس را بربادکرده ایم . واگر افغانستان رابهر ملاحظه ای که باشد تر ك نماییم متیقن باشیدکه باز روزی فرا خواهد رسید که مجبور گردید با تلفات بسیارمالی ولایات شرقی افغانستان اعلام کردند و از همین وقت به بعد استقلال سیاسی افغانستان معدوم شد وولایات شرقی افغانستان تحت ضربات متوالی وبیرحمانه ی انگلیس واقع شده انگلیس های استعمارگربه این ها هم اکتفا نکرده ونقشه ی انهدام کامل افغانستان را بسر می پرورانیدند ومی خواستند نا م افغانستان را از روی نقشه ی دنیا محو سازند ؟!

لارد گران بروك وزیر خارجه‌ی و قت امپر ا طوری انگلیس تو سط مکتو ب ۱۲ **اکتوبر ۱۸۷۹** عنوانی **لارد لیتن و ایسر ا ی** هند چنین نو شت :

«ازین بعد افغانستان نمی تواند بحیث یك کل مو جو دیت داشته با شد »

پس لیتن به اساس همین نظر یات رهبر ان امپر ا طوری فیصله کرد که **اشغال نظامی کابل دوام نماید• کلنل جان** هم شمشیر تحت الحمایه ی قند ها ر را از **طرف دولت انگلستان درسال ۱۱۸۰ درماه** می بکمر سردار شیر علی خا ن پسر سر دار مهر د ل قند هاری بست و تبر یك **گفت • این سر دار دست نشا نده** در وقت جلو س خود به ولی نعمت خود گفته بود عجا لتا افغانستان را بحیث یك **کل از روی اتلس جهان ز دود • لارد لیتن گفت:**

اشغال افغانستان از طرف قوای انگلستان تا آنوقت دوام می کند تا افغا نها به اطا عت از انگلیس **ها** عادت گیر ند واز قدرت امپر ا طوری بکلی مطلع شو ند .اما **آقای بیکنس فلدیك شخصیت دیگر دو لت آنوقت انگلیس ازین سخاوت !؟ لیتن** انتقاد کر د وگفت :اشغال نظامی **افغانستان** **باید ابد ی وجاودانی ؟! باشد تا د نیا** عادت بگیر د که قدرت ما در افغانستا ن پایدار و جا و دانی است . دولت انگلیس در تما م این اعما ل ظا لما نه و خا صمانه‌ی **خو د در برابر افغا نستان تحت بیرق** **«مقابله باخطر روس»** قرار می گرفت تا دنیا **ومخصوصا مردم انگلستان را اغفال نمایند،** درحالیکه دو لت روس تا جاییکه در آسیا رسید ه بود توقف داشت و در صد د عبور از در یا ی آمو نبود ، زیرا امپر- **طوران روس مصرو ف فعالیت هادر ارو پا** **وبه مقابل دو لت ها ی آن قاره بو دند**

وجا معه ی افغانی بحالت قر و ن و سطی **باقی می‌ماند• و چگونه یکدولت ر هبر ی-** شده از **طرف ا مپریالیزم ستمکار** **مر تجع ، خلق ا فغانستان را به** وسیله ی آتش و خون‌درزیر تسلط یك رژیم **زندان وزنجیر ترورووحشت، مظلوم و فقیرو** دل شکسته می سازد . تا بکلی ا حسا س آزادی و سر فرازی و تر قی خوا هی در ذهن خلق افغانستان بمیرد ، وبه اصطلا ح **انگلیسی « مردم به ذلت وپستی و اسارت** عادی گر دند » . ولی تنها چیزی راکه انگلیس نتوا نسته بودبفهمد این بود که **با لفر ض اگر این پر و گر ا م انگلیسی** تطبیق هم‌می‌شد؟! تنها **برای رخنه در بین** شهر ها ی کشور ما و طبقات حاکمه ی **ار تجا عی این کشور نیم قرن ضرورت‌بود** **در حا لیکه خلق افغانستان** که همه در دره‌ها و دشت ها و روستا ها سا لم ودست نخورده می ماند ند و در او لین فر صتی که مییافتند بمقابل تجا وز گران شدید تر ین عکس- العمل نشا ن خوا هند داد زیرا سیر تاریخ وقا نو ن تکا مل جامعه از حر کت نمی ایستد ونمی توان خلق را بصورت مجمو عی مسخ نمود .البته این یك واقعیت تاریخی است که دولت امپر یالیستی بریتا نیابا آن قدرت نظامی و سیا سی و عظمت که در شرق و غرب جها ن داشت یعنی در هر پنج قاره ی جها ن چار صد و پنجاه‌ملیو ن نفو س بشری را تحت سلطه ی خودداشت و ا ز نظر فر هنگ و تخنیك و **اقتصاد وارد و د ر صف اول دو ل** بزرگ دنیا قرار داشت پس و قتیکه با افغانستان مقابل شد تا جاییکه حر یف‌او **دولت ها و طبقات حاکمه‌ی ار تجا عی** افغانستان بودند . در تطبیق تما م پلان‌های خود موفق و کا میا ب بود .

انگلیس توانست تو سط شا شجاع‌پادشاه **ابدالی افغانستان معاهدات لا هور و قندهار** را (۱۸۳۸ـ ۱۸۳۹) بر افغانستان تحمیل وولایا ت شر قی کشور را مجزا نما بند وهم چنا ن مطا بق پلان وسیلی قوای نظامی خود را در مملکت مسلط و اداره‌ی کشور را نظا رت نماید . امیر دوست محمد خا ن‌نیز از مقا بل قشو ن د شمن جنگ نا کر ده به بخا را فرار کرد و با ز جنگ‌نا کر د ه به انگلیس ها تسلیم شدو با یکصدوپنجاه نفر خا نواده ی‌خود بهند رفت و جیره خوار **دشمن شد همچنان وی در دوره‌ی دوم‌سلطنت** خود معا هده ی‌پشاور (۱۸۵۵) را بافدا- کردن استقلال افغانستان قبول نمود و در هنگا م انقلاب هند و ستان با وجود اصرار زیاد خلق افغانستان در صد د تا مین‌ولایات **از دست رفته ی شر قی افغا نستان بر-** **نیامد• پسر این امیر ترسویعنی ا میر-** شیر علی خا ن نیز جنگ ناکرده از مقا بل **دشمن فرار نمود وبغرض استمداد از یك** **دولت استعماری دیگر (دو لت استعماری** **روسیه ی تزاری)بمزار شریف رفت و به** **گفته‌ی معروف از زیر باران بر خا ست و** بزیر ناوه دان نشست .

ادامه دارد

بقیه‌صفحه ۲۳

دلفین یادوست...



حلقه را دوباره ازآب آوردن برای دلفین‌کار سادهٔ بیش نیست

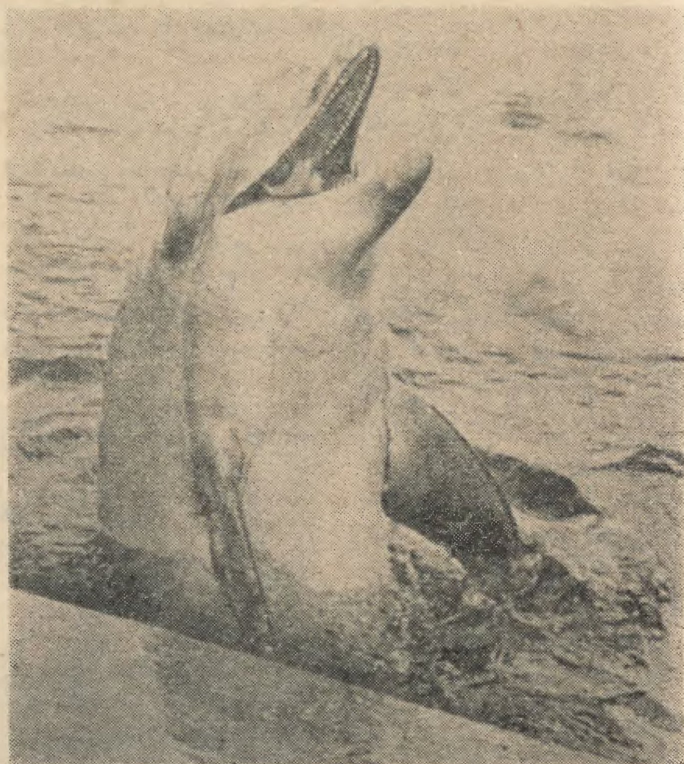
امضا گردید . در ین موافقت‌نامه ذکر شده بود که تاده سال صید دلفین ها منع میبا شد اگر چه از مدت موافقت نامه مذکور سه سال اضافه تر گذشته

اما باز هم از صید دلفین ها در بحیره‌سیاه خود داری میشود .

در قسمت تحقیقات طبی معاینه خون جهاز تنفسی، کارد یو گرام وغیره تحقیقات بالای دلفین ها اجرا میگردد . تحقیقات

طبی قسمت عمده تحقیقات را بطور مکمل تشکیل میدهد زیرا دلفین ها اغلبــاً از بکتعداد امراض منجمله امراض‌جلدی

بلند رفتن غلظت خون، تخریب دوران خون در سر رنج میبرند . مسایل‌فوق‌الذکر نه تنها برای آن است که ازدلفین ها غرض نمایش و تحقیقات لابراتواری کار گرفته شود بلکه حفاظت آنها در بحر آزاد نیز ازجمله پرابلم های مهم و حیاتی بشمار میرود .



ازتبسم دلفین، دوستی اش باانسان‌هویدا است

بقیه صفحه ۲۲

...رنگ‌هاو...

ضریب انکسار نور های‌رنگه مختلف در طیف بوجود می آیند. انسان بادیدن رنگ هــای مختلف عکس العمل های مختلف روانی نشان میدهند واین عکس العمل هادر مقابل رنگ در افراد مختلف ، مختلف است . درین‌شیوه درجات مختلفی برای حساسیت درمقابل‌رنگها وجود دارد وشناخت میزان حساسیت در مقابل هررنگ کاری است ساده وامروز ضمـــن آزمایش های متعدد این شناخت به سهولت عملی میگردد .

ازروی تمایل ویا نفرت بارنگی میزان این حساسیت با یك مقایسه ساده بروی یك طیف رنگه مقابل رنگ ها اندازه گیری میگردد باید گفت مساله هنوز درمراحـــل تحقیق و تجربه است وبزودی از (آزمایشگاه) ها به صحنه عمل وشفاخانه ها پیاده خواهد شد .

رنگ بطورکلی تاثیرات‌متمایزی براعصاب دارد درست مانند طب سوزنی . پس میتوان گفت که طب سوزنی در عین حـال میتواند نوع پیشرفتهٔ از طب رنگی باشد . مثلا رنگ سوزن های‌که استعمال می شود اهمیت‌فراوانی برای مؤثریت آن دارد . در حقیقت امر این سوزن ها برای نقاط مختلف بدن بارنگ‌های مشخصی هستند که این رنگ ها روی سیستم عصبی آن منطقه تاثیر مطلوبی دارد . رنگهای گرم که از رنگ سرخ شروع شده وبه سبز متوسط می انجامد عدم تعادل های راکه در کمبود دفیشنسی نــا شی می شو نـــد تعادل می کند. در حالیکه رنگ های سرد که از سبز متوسط شروع وبه رنگ بنفش ختم میشود عدم تعادل های راکه از «زیادی» ناشی می شود ازبین می برد .

بطورعمومی برای معالجه بیماری هابکاربری رنگ به اساس دوطریقه زیر صورت میگیرد:

۱ـ با رنگ های نوری که درآن نور از فلتر های مختلف می گذرد وبروی بیمار می افتد .

۲ـ استفاده از مجموع هفت رنگ شناخته شده .

اساس معالجه این شاخه طب به معالجه انسان نه مبارزه با امراض استواری دارد .

کدام رنگ‌برای کدام‌بیمــاری؟

۱ـ با گذاشتن دستبند های سبز تیزبروی مچ دست میتوان تب را کاهش داد .

۲ـ رنگ آبی ضدآسما (نفس تنگی) است بکوشید در تزئین منزل (پرده ها، موبل ، باملحفه ها، رخت خواب، بستر خواب) ازین رنگ استفاده کنید .

۳ـ اسهال شدید را میتوان به کمـك دستبند های مخصوص به رنگ زرد تیز در بیمار تخفیف داد .

٤ـ ریزش موی را میتوان بارنگ سبـز پسته یی مهار کرد. اگر پارچه بالش بستر خواب تانرا به این رنگ انتخاب‌کنید، معجزه آنرا خواهید دید که چه سان ریزش مویتان رفع خواهد شد .

٥ـ «انسومینا» بی خوابی بالاخص کودکان رامیتوان با ستفاده ازرنگ زرد زعفـــرانی معالجه کرد .

٦ـ رنگ سبز مایل به زنگاری به‌بیماران زخم معده اثر شفا بخشی دارد .

۷ـ بیماری های ناحیه‌یی عصبی را با جا سازی رنگ آبی بروی‌آن محل میتوان‌آرامش بخشید .

اکر تااین جابا ماهستید وباخوش بینی زیادبه آینده این شیوه درمانی فکرمیکنید.

امیدواریم چند توصیه زیر را مرعــی بدارید :

۱ـ لباس های زیر نباید به رنگ سیاه انتخاب شود زیرا این رنگ بخاطر شعاع تشعش تاثیر خوبی بالای بدن ندارد .

۲ـ رنگ سفره وورومیزی به‌رنگ سبـز پسته یـی انتخـاب شود زیرا ایــن رنگ اشتها بر انگیز است واین رنگ غدوات‌معده رابه فعالیت وا میدارد.

۳ـ رو میــزی سرخ و فــولادی بازایل نمودن اشتها از پرخوری جلو گیــری میکند زیرا در انسان احساس سیری ایجاد میکند .

٤ـ رومیزی بارنگ بنفش حتی خاصیت غذرا تغییر میهد از انتخاب ایــن رنگ برای سفره کناره بجویید .

شناخت رنگها وتاثیراتش مارا روزی‌بجایی خواهد رساند که به کمك آنها خواهیـم توانست بیماری های مسری را ریشه کن‌کنیم وبه کمك تحقیقات علمی روزی فرا خواهـد رسید که روش استفاده درست رنگ هـا را بیاموزیم به امید رسیدن آنروز !

«پایان»

●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●●

بقیه صفحه ۱۲

امواج نیرومند

رابه سویه جهانی به نفع صلح، ترقــی سوسیالیزم تغییــر داد . انقـلاب ثور کـــه در قلب آسیا بر ای اولین بار مشعل فروزان آزادی ورهایی از اسارت استثمار وامپریالیزم رابه رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان بلند نمود برای کــلیه خلق تحــت ستم حس اعتماد وایمان به پیروزی رابه ارمغـان آورد چنانچه خلقهای چیلی به انقـلاب ثـور در آنسوی گیتی افتخار ومباهات نمودنـــد وانهدام دیکتاتوری آبروباخته پنوچت رانابود شونده اعلام نمودند .

همچنان پیروزی انقلاب خلقی در گرینادا وپیروزی انقلاب نیکاراگوا وآزادی بعضی از جزایر حوزه کارابین مژده‌ای دیگری‌میباشند برای خلقهای امریکای لاتین تا صفـوف نیرومند خودرا برضد دیکتاتوری ها و ارتجاع بین المللی هرچه بیشتر فشرده نمایند .

بدون تردید می توان گفت که کلیه‌کشور های امریکای لاتین علی الرغم اینکه تحت نفوذ ارتجاع وامپریالیزم قرار گرفته است دیرویازود بر ضد استثمارگران و مرتجعین پیروز خواهد شد وگلیم کهنه و فرسوده تسلط امپریالستی ازین گوشه جهان نیـــز چیده خواهد شد ، زیرا حکم تاریخ پیروزی خلق‌ونابودی دشمنان‌خلق،ارتجاع وامپریالیزم می باشد .

بقیه صفحه ۱۳

یك گام...

چند روز بعداز امضای معاهده وزیردفاع شوروی وروشیلوف اظهار داشت . «ایـــن معاهده رانه بخاطری امضا نمودیم که گفتگو های مابا انگلستان و فرانسه قطع گـردید بلکه در نتیجه اعمال هیات های نمایندگـی انگلستان وفرانسه صورت گرفت» اماشوروی به معاهده عدم تعرض اعتماد نداشت تنهـا سعی مینمود وقت راکمایی کند وخودراعلیه تجاوز آماده نماید .

ایوان مایسکی که خود در مذاکـــرات اشتراك داشت چنین مینویسد : «این یگانه راه مابود . ما از اثر سیاست بی بندوبار چمبرلین ودالادیه به این جاکشانیده شدیم.» آنها میخواستند شوروی در دام گیرآید اما خود آنها در حلقه گیر آمدند .

درین اواخر در غرب اظهار میکنند که گویا جنگ از اثر معاهده عدم تعرض بیـن جرمنی وشوروی بوقوع پیوست . اما آنها حقایق رامی پوشانند . تاجاییکه به اتحاد شوروی مربوط بود از هیچنوع تلاش دریغ نه ورزیده است .

تاریخ نویسان همیشه‌سوال «چه‌میشداگر» را طرح میکنند . به این ترتیب اگر دول فرانسه وانگلستان در مقـــابل پیشنهادات شوروی جواب مثبت میدادند ممکن بوداوضاع جهانی شکل دیگری را بخود میگرفت .

دانجنير ژغور ندوی ژباړه

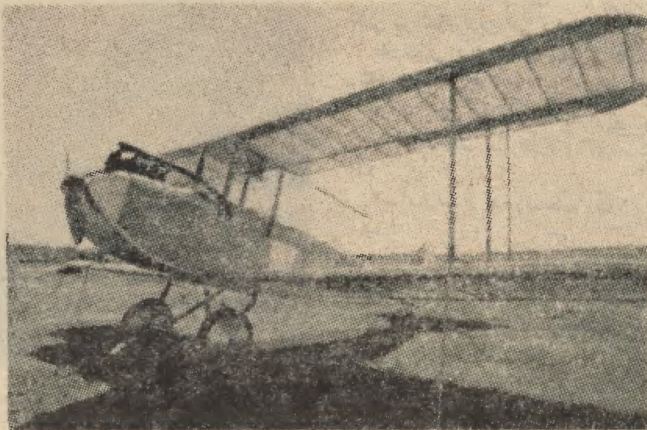
دیاك الوتکه په بهرنی فضاکی



دیاك الو تکی نن په نړی کی زیا ت شهرت لری. دیاك نوم دالکساندر یاکوو - لوف له نو م څخه اخیستل شوی چی ددی الوتکی مخترع دی . اوس دده نوم په ټول نړی کی زیا ت شهر ت لری .کله چــــی یا کوولوف په (۱۹۲۰) کال کی دخپل لمړی الوتکی طرح رامنځ ته او هغه ئی جوړه کړه نو زیا ت شهر ت ئی وگا ټه .په دی الوتکه کی خوان شوروی پیلوت داو ږدی الوتنـــی نړی وا ل ریکارد ټینګ کړ . الکسا ندر- یا کوولوف په مسکو کی دیوه مشهورانجنیر په کو رنی کی ستر گی دسا ینس او تخنیك نړی ته وغړولی. هغه په وړکتوب کـی د مختر عینو زیا ت آثار او کتا بو نه ولوستل او وروسته له خو مودی هغه د ډرګی ایلیو- شن سره اشنا شو. سرگی ایلو شن هـــم په یو بزگری کورنی کی زیږېدلی و چـــی وروسته دالوتکو لوی مخترع شو اودیاکوو- لوف په روندانه کی ئی ستر رول ولو باوه

په هغو کلو نو کی سر گی ایلو شن دالکساندر یاکو ولوف استعداد او ذکاوت ته متو جه شو او هغه ته‌به ئی تل درس او تعلیم ورکاوه چی الوتکی څنګه جوړیږی؟ الکساندر یاکوولوف په ۱۹۳۱ کال کی د فلوت فضائی اکادمی پای ته ورسو له او په دی وخت کی هغه خو ډوله سپکی او سپو رتی الوتکی اختراع کړی وی .دهغو امکا نا تو پـــــه استفاده چی په هغو کلونو کی دالکساندر - یا کوولو ف لپاره برابر شوی ؤو بخپله د الو تکو د جوړ ولو او طرحی دفتر ئی رهبری کاوه او له نورو موادو او تکنالوژی څخـــه ئی کار اخیستـه تر څو دالوتکو چټکـوالـی اوږدو څی .کله چی په ۱۹۳۹ کال کی له هیتلری فا شیستا نو سره دجنګ خطر زیات شو الکسا ندر یاکوولوف دوه موتوره لرونکی بمب غورځوونکی الوتکه جوړه‌کړه ٠ددی‌الوتکی چټکوا لی په یوه ساعت کی (٥٦٠) کیلو متره وبه داسی حال کی چی دهغـــــه وخت دیوی مجهزی ښکاری الـــــوتکی سرعت او چټکوالی په یوه ساعت کی له (٤٦٠) کیلو مترو څخه زیات نه ؤ کله چی د۱۹۳۹ـ۱۹٤٥ کـــلونو په اوږدو کـــی المانی فاشیستــان دشوروی اتحاد پرضدپه جګړه کی ونوشوروی الو تکو خپل عالی کیفیت له ځانه و ښو ده چی دلته یاکوو لوف هم خپل رول ولوباوه.

په هغه وخت‌کی یاك ـ۳ډوله الوتکــو (دالکساندر یاکوولوف په ویاړ) خپل عا لی مانو رونه وښودل او اجرایی کړل . کلـــه چی‌دفرا نسوی‌پیلوټانو څخه‌چی دشوروی اتحاد په خاوره کی د فا شیستا نو پر ضد‌جنګیدل پوښتنه و شوه چی کو م ډول الوتکی‌انتخابوی



دیاکوولوف داستعداد لمړنی ثمره .

هغوی یله څند څخه ویل چی یا ك ـ۳ډوله الو تکی . کله چی جګړه پای‌ته ورسید له نوفرا نسوی پیلو ټان دپخوا نی معمو لـــی آداتو په اساس دیاك په الوتکو کی چـــی دشو روی اتحاد له خوا ورته اهدا ء شو ی وی خپل هیوادته ستا نه شو ل .
کله چی جګړه پای ته ورسیدله‌نودالکساندر- یاکوولوف د طرحی دفتـرونوو او سـر یع - السیرو الوتکو طرحی او جوړ ولو تـــه لاس ځخه دشوروی اتحـــاد سپورت عملا ... سا بقو ته ئی استفادی کوی او همدا ډو ل له هغو څخه دالو تنی دیا دو لو په غرض‌هم گټه اخیستل کیږی . یوری گا گارین‌ددی الوتکی په هکله داسی ویلی دی : «دا الوتکه ډیره ښه تعلیمی الوتکه ده اوپه ډیره‌ساده توګه رهبری کیږی ، مونږ هغه ډیره‌خو- ښوله » .

دالکسا ندر یاکوولوف ورو ستی الو تکه وغږ اوه، له هغی ډلی څخه یاك ـ۲٥ ډو له الو تکی کولای شول چی خوکړی په فضاکـــی پاتی شی .ددی الوتکی حسا سو اوقـــوی دستگاؤ دا امکان برابرؤه چی تر څو الوتکه په هر ډول جوی حا لاتواو هوا کی ټا کل شوی هد ف کشف کړی .

الکساندر یاکوولوف دهلیکو پټر ونـــو مختر ع هم دی په ۱۹٥۳ کال کی دهغه یاك ـ٤۲ ډوله هلیکوپټر د نړی د ... هلیکو پټرونو په‌ډله او قطار کی ځای درلود دهغه دوه مو توره لرونکی هلیکو پټر کولای شول چی د شپږ اعشا ریه پنځه ټنو بو وزن د (۲۰۰۰) مترو په لوړوالی فضا ته پورته کړی .په ۱۹٦۷ کا ل کی دمسکو په هوائی ډګر کی دالکسا ندر یاکوولوف الوتکـــه دننداری او از ماینښت ډګر ته را ووتـــه چی په اسا نی سره جګید لای او کښیناستلای شوای .

دالکساندر یاکوولوف نوی الوتکی نـــن په نړی کی زیا ت شهرت لری. دی‌الوتکو یو ځل‌بیا دهغه او دهغه دطرحی اوجوړ ولوددفتر استعداد ،ذکاوت اولیا قت په ډا گه کړ .

مگر الکسا ندر یاکوولوف خپل سپور تی الوتکی نه هیر وی، دمثال په توګه دهغـه دسپو رتی الوتکو له ډلی څخه یوه هم یاك- ۱۸ډوله سپورتی الو تکه ده چی له‌هغـــه یا ك ـ٥٠ ډوله الوتکه ده چی د ۱۹۷۷ کا ل په نړی والو مسا بقو کی ئی دراپوپـــــه اتفاق دنړی ډیره عالی سپورتی الوتکه وګنل شوه .

دزیاتو هیوادونو دالو تکو دجو ړو لـــو انجنیرانو او متخصصینو دا ټکی په خپل‌خله تکرار کړیدی چی دیا کوولوف الو تکی په عصری تخنیکی وسیلو سره مجهز او سمبال دی ،دالکساندر یاکوولوف له الو تکو څخه یوه هم یاك ـ٤٠ ډوله الو تکه ده چی دنړی په ډولو و جو کی ئی خلك پیژنی. پـــه ۱۹۷٦ کال کی الکسا ندر یاکوولوف خپل د ژوند او یا ومه (۷۰) کـالیزه دمسافرو ـ وړو نکی یاك ـ٤۲ ډوله الوتکی په طرح او جو ړولو سره ونما نځله . دیاك ـ٤۲ ډو له الو تکه د (۱۲۰) تنو مسا فر ینو لپاره ځای لری او ددری مو تورو نو لرو نکی د ٥.دا الو تکه دا لوتنی به وخت کی په سلو کی پنځه ویشت دسون مواد نظر پخوا نه لـــږ مصر فوی او دا یرو فلوت هوا ئی شر کت ته خد مت کوی . په اوسنی وخت کـــی زیار ایستل کیږی تر څو دالو تکو غږ لږ څه کم او هوا خرابه نه‌کړی . یاك ـ٤۲ډوله الو تکه له بین المللی مقر راتو سره سمون لری . دا الو تکه دوه کسه عمده کارکوونکو لری چی یوئی قو ماندان اوبل‌ئی پیلـــوت دی، څکه چی ددی الوتکی زیا تی برخـــی اتوماتیز ه شوی دی. کله چی له‌الکساندر- یاکوولوف څخه پو ښتنه وشوه چی دانسا ن کوم کر کټر خو ښوی اوله هغه سره مینه لری ؟ نوهغه وویل . (دسپلن) .

په ربښتیا هم دهغه د طرحی او جو ړولو په ځا نګړ ی دفتر کی هیڅ وزگار شیـــا ن نه لیدل کیږی او تل دفعا لانه کار فضـــا حکمفرماوی٠ دهغه دطرحی او جـوړولو پـــه دفتر کی دهغه دفکر اوذکاوت دطرحه شـــو او جوړ شوو الو تـــکو مو ډلونه شتـــه په زړه پوری ټکی دادی چی د هغه دطرحی په‌دفترکی دسګر ټو دایرو داچولو لپـــا ر ه هیڅ شی نشته یعنی په دفتر کی ئی سګرټ [illegible]

(الکساندر یاکوولوف) اودهغه نور همکاران او مرستیا لان سګرټ نه څکوی . نژد ی پنځه پنځو س (٥٥) کاله کیږی چی دالوتکو په‌طرحه او جوړولو‌کی کار کوی . ممکنـــه ده په راتلو نکی وخت کی دالوتکو نور هم ډیر ښه ډولونه دهغه پواسطه طرحه اوجوړ شی .

بقیه‌صفحه ۲۳

فرصت‌های تازهٔ تعلیمی...

واثر ساحه کاروتولید بیاموزند. کذاورکتاب تجدید تربیه داخل خدمت در مراکزآموزشی موجود است .

مقامات دولتی میکوشند تا از هر حیث امکانات یك انتخاب آزاد شغل وانکشاف شخصیت هرفرد صرف نظر از ملیت ، نژاد، جنس، موقف اجتماعی وغیره تامین گردد .

عده یی از پسران ودختران نظر به علاقه تحصیلات کوتاه مدت رابرمی گزینند و برخی دیگر تحصیلات دراز مدت راانتخاب میکنند. کسانیکه مایلند تابحیث انجنیر، داکتر ویا معلم کار کنند لازم است تا برای متخصص شدن در رشته مربوط دوره ثانوی را درسن بلوغ تکمیل کنند . باید یادآور شد که متاسفانه اطفالی نیز موجود است که بنابر نواقصی از قبیل ضعف باصره سامعه وغیره نمیتوانند طور عادی ومنظم تحصیلات شان را مثل دیگران پیش ببرند که البته برای آن ها وزارت تعلیم وتربیه اتحاد شوروی تسهیلاتی فراهم ساخته است . ادارات مشخص که کار

مکاتب عمومی وکودکستان هارا تنظیم‌مینمایند طور عملی از اطفال نیز مراقبت بعمل میاورند.

اطفال مصاب نواقص جسمی که قادربرفتن در مکاتب عمومی نباشند در مراکز تعلیمی اختصاصی که مدت تعلیم در آنجا طولانی تراست شامل میگردند وپروگرام های خاصی تعلیمی را پیش میبرند . بطور مثال درمسکو یك مکتب لیلیه برای اطفال معیوب موجود است که در آنجا شاگردان دو سال بیشتر نسبت به مکاتب عمومی درس میخوانند درین مکتب اطفال شش روز هفته درسی خوانده و در روز تعطیل هفته آنها را والدین شان به خانه می برند .

درین مکتب لباس وغذا طور رایگان ازطرف دولت باطفال تهیه می شود . میز هر شاگرد باسیت های تلویزیونی مجهز است که شاگرد را قادر می سازد تا معلم را بخوبی ببیند ولکچر اورا بشنود مربیون هنگام‌تدریس مشخصات صحی هر شاگرد رامدنظرمیگیرند. درین مکتب شاگردان عین دانشی را فرا می گیرند که متعلمین در مکاتب عمومی می آموزند .

اتحاد شوروی در صدد مطالعه مجدد پروگرام های تعلیمی بوده و میکوشد تاچیز های را از پروگرام حذف کندکه نزد آنها ارزش درجه دوم دارد . درین پروگرام هاحق تقدیم به مهمترین موضوع حیاتی ومیتود های درسی شده است .

جهان درخشان برای اطفال :

در قبال پروگرام های همه جانبه که‌برای تربیه ورشد سالم اطفال در اتحاد شوروی وضع شده، اطفال به آیندهٔ مرفه وشگوفان شان مطمئن اند .

در اتحاد شوروی که (۲٦) ملیون نفوس دارد روزانه (۱۳) هزار طفل چشم بدنیا می گشایند . مراقبت از اطفال ومادران ما نند سایر کمك های طبی درین کشور مجانی است . اطفال نوزاد معمولا توسط داکتر در ماههای اول طور منظم در خانه وبعدا درپولی کلینیك ها معاینه می شوند . هر زن کارگر ومامور قبل از ولادت وبعدا زآن (۱۱۲) روز رخصت اند وطی این مدت معاش نیز دریافت میکنند وتا یکسال شغل شان حفظ میشود .

در اتحاد شوروی قریب (۱٤) ملیون طفل در (۱۲۰۰۰۰) کودکستان وشیرخوارگاه ها میروند و(۹۰۰۰) معلم ونرس از آنها مراقبت بعمل می آورد. هشتاد فیصد مصارف قبل از شمول اطفال به مکاتب توسط دولت پرداخته میشود . در زمان موجود (۳۹) ملیون طفل در مکاتب مصروف آموزش بوده و قریب (۷۰۰) مکتب موزیك، هنر وکارتوگرافی نیز برای اطفال جهت رشد استعداد آن ها وجود دارد. (۱۲) ملیون طفل رخصتی های‌تابستانی شان رادر کمپ های معینی در مزارع سر سبز وکوهستانات سپری میکنند .

همچنان آسایشگاه های متعددبرای‌معالجات خاص اطفال در اتحاد شوروی موجود است . در اثر انکشاف وتعمیم طب وخدمات صحی میزان مرگ ومیر درین‌کشورنسبت بگذشته ده چند کاهش یافته است واکسنیشن اطفال منجربه ازبین رفتن امراضی از قبیل پلیو، دیفتری وکاهش قابل ملاحظه امراضی از قبیل توبرکلوز وسیاه سرفه شده است .

تصامیم کنفرانس اخیر جهانی راجع با طفال :

در کنفرانس بین المللی که اخیرا در مورد اطفال در مسکو دایر شد بر مسا ئل مختلف مربوط باطفال ونیازمندی های آنهادر عصر کنونی بحث ومذاکره صورت گرفت . درین کنفرانس که در آن نمایندگان کشور های مختلف جهان اشتراك کردند اختلافات سیاسی دورگذاشته شدوهمه شرکت‌کنندگان کنفرانس بر مصئونیت ونجات اطفال ازمصایب وآلام تاکید کردند .

درین کنفرانس که به مناسبت تجلیل از سال بین المللی طفل دایر شد طرق مختلف نیل بیك آینده مسعود تر در قبال شعار (آینده مصئون وآرام برای همه اطفال) مورد بحث قرار گرفت ودر مورد این نسل انرژیك وپر تحرك که مردان وزنان آینده جامعه است تصامیم لازم اتخاذ گردید .

سال بین المللی طفل در اتحاد شوروی با تاسیس کودکستان ها وشیر خوارگاه ها ی بیشتر نما یش کتب برای اطفال تدویر فستیوال های آثار نقاشی اطفال و ایجاد تسهیلات مزید به آنها همراه بوده است .



یکی از اطفال بانشاط اتحادشوروی

در اتحاد شوروی در ٥٦ زبان کتب برای اطفال چاپ می شود وبیش از ۲۹ نشریه و چهل مجله مخصوصی اطفال باتیراژ ها ی چهل ملیون نسخه به چاپ میرسد . طبق احصاییه مالی منتشره یك ششم تمام کتبی که در اتحاد شوروی چاپ می شود راجع به اطفال است واین کشور از بانیان تیاتر برای اطفال میباشد .

در اتحاد شوروی (۱۳) تیاتر هنری و یك تیاتر موسیقی برای اطفال وجود دارد تکت این نمایشات ارزان بوده ویك شاگردمیتواند در هفته چند بار به تیاتر برود .

در ایجاد تسهیلات برای تربیه اطفال و انکشاف قابلیت آن ها موسسات مختلف دولتی سهم می گیرند بطور مثال اتحادیه کارگران اتحاد شوروی سالانه قریب یك‌هزار ملیون روبل را بر فعالیت های ورزشی و کلتوری برای اطفال به مصرف میرساند.

باید گفت که همه این تسهیلات موافق بااعلامیه حقوق طفل که بیست سال قبل از طرف ملل متحد تصویب شد صورت‌گرفت واتحاد شوروی به تربیه سالم جسمی و ذهنی اطفال وجوانان آنکشور ونقش آن هادرجامعه سوسیالیستی ارزش زیادی قایل است .

بقیه‌صفحه ۱۹

گردا گرد...

تمام روزبی تابانه سعی می کردم مطالب «مفید» رادر مغزم سبك وسنگین نمایم تادر صحبت بعدی منطق پلان شده داشته باشیم .

شام وقتیکه بازهردوی ماپشت میزنشستیم دوست «گرد» بنده از گرسنگی شکایت سر داد وقتی که اواولین پنجه اش را به گوشت بریان شده فرو برد من فکرکردم که وقت «منطق پراکنی» است لذا بادی به‌گلو انداخته گفتم :

«بیا درمی فامی که خوردن گوشت‌بریان. به همان مدتی که هضم می شوه درست به اندازه همان مدت، عمرادمه کوتاه می کنه ؟»

وی با سرعت گوشت بریان را عقب زد ودر حالیکه گیلاس شیر را سرمی کشید گفت :

«تصادفا هر گیلاس شیرگا وچنان پراز مکروب اس که می توان آنرا خطرناك تراز یك گیلاس آب جوش داده دانست» .

من از شگفتی به جایم خشك شدم دوست «گردم» شروع به مالیدن مسکه وعسل‌برتوته نانی کرد .

خواستم انتقام بگیریم .

«بیادر جان می فامی‌که ممکن همی عسل ازیك زنبور افلیج به‌دست آمده باشد» .

این بار نوبت اوبود که فرار کنه .

به دنبالش دویدم .

«چه می کنی از خوردن نان زیاد به جای ای که قدم بزنی به بستر خوس روی ؟» ،

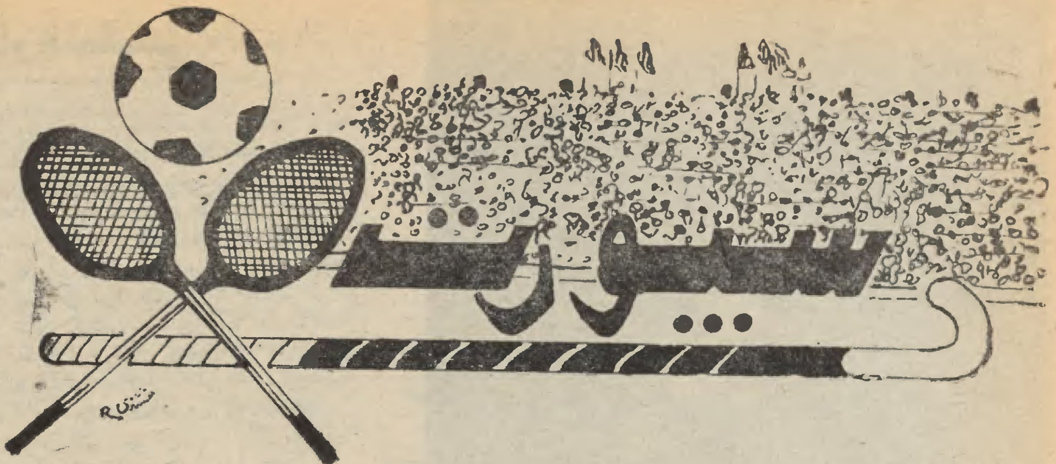
سعی کردم اورا بیشتر بترسانم .

«بیادرجان می فامی که قلب حیواناتیکه درطویله نگه داری میشو ن نصف قلب پرندگان، آهو واسپ های مسابقه یی که ده هوای آزاد زندگی کده وفعال اند می‌باشه».

سعی کرد از بالای میزها بگریزد .

«مه باور دارم‌که تونمی فامی که از هرصد آدم عادی فقط هفتادوشش ، تای آن دیوانه اند وهمین دیوانگان اند که زندگی ۹۹،۲٤ دیگر رابرهم می زنند » .

اودیگر هرگزبه پشت میزم پیدانشد .



بزرگترین مسابقات موترسایکل سواری جهانی

مسابقات بزرگ موتر سایکل سواری که‌در شهر ساموکوف در٦٠ کیلومتری سهرصو فیه بوقوع بپوست یکی از جالب ترین مسابقات جهانی تلقی گردیده است. مسابقه خصوصا در لحظه که باران هم به‌شدت می‌بارید صورت گرفت اما شاملین مسابقه نه تنها با چنین مشکل در وحله اول روبرو گردیده بودندبلکه چنین وضعی را گاهگاهی تیز دیده بودنــد.

در روند‌اول‌مسابقه ۳۱نفر قهرمان اشتراک ورزید که از ان جمله پانزده نفر آن توانستند تا آخر مسابقه‌مقاومت نمایند در روز آخـر مسابقه تعداد زیاد از شاملین مسابقه بدون اینکه مسابقه رابه پایان برسانند از اشتراک درامر پیشبردآن صرف‌نظر کردند.

مسابقه خیلی ها دلچسب و قابل دید بوده کسی که توانست مسابقه را به پایان رساند جینادی موبی‌سف‌از اتحادجماهیر سوسیالستی شوروی بود وی از ابتدا تا انتهای مسابقه‌به موفقیت چشمگیر ی نایل گردید .

وان دل هووان تبعه کشور بلغاریا دریـن مسابقه خطیر ودیدنی مقام دوم رانسبت بـه سایر اشتراک کنندگان حاصل نمود .مقامات مسئول ورزش درین تلاش دارند تا انـواع مسابقات دیگر بین المللی را نیز تشویـق وترغیب نمایند تابتوان مقام ورزش رابالا برد اما هیچ کسی این را گفته نمیتواند که باید فقط به یك روز این کار صورت گیرد روی این ملحوظ وقت وزمان کافی بکاربوده‌تاآمادگی های لازم درمورد اتخاذ گردد.

مقامات امور آموزش وپرورش کشور های سوسیالیستی درین صدداند تاانواع ور زش های دیگر چون واتر پولو ـآب بازی و غیره را نیز تشویق نمایندتابتوان اشتراك کنندگان زیاد را برای مسابقه جلب نمود .

تابستان یکی از مساعد ترین فصل‌است که‌میتوان جوانان‌زیاد رابرای مسابقه ورزش‌آب بازی تحت تربیه قرار داد واین امر یکی از خصوصیات عنعنوی کشور بلغاریا است که آب بازی را نسبت به‌سایر ورزش ها ترجیح میدهندودریای‌دانیوب یکی از بزرگترین مرکز آب بازی این کشور به حساب میاید که در هر هفته لااقل در حدود ۱۲۰ نفر مرد و زن وجوانان در مسابقـات آب بـا زی اشـتراك می‌ورزند .

دریای دانیوب دریای خیلی کلان بـوده و وسعت خوبی برای آب بازی داشته ودر طول فصول مختلف حتی در زمستان های سردنیز امکان آب بازی تاحدی موجـود است روی این ملحوظ است که‌تعدادزیادسیاح‌ازکشورهای مختلف جهان درین کشور مسافرت نموده و چند روز راجهت‌تفریح‌وخوشگذرانی‌درین کشور زیبای اروپایی سیری‌می‌نمایند.

هم چنان مسابقه بایسکل‌دوانی نیزیکی از مهمترین ودلچسپترین مسابقه است که تعداد زیاد جوانان به سنین مختلف در ین مسابقات شگفتی انگیز شرکت می‌نمایند.

یکی از بزرگترین مسابقه بایسکل دوانی که‌بنام بیستمین مسابقه‌جهانی‌ملقب گردیده در شهر بلغاریا د ر ستدیوی واسیل لی وسیکی صورت گرفت .

در طول سه روز ٧٤ بایسکل سوار از یازده کشور مختلف درین بازی مشهوراشتراك ورزیده بودند . درین مسابقه جهانی بایسکل سوار چکوسلواکیایی حایز مقام اول گردید.

تعداد زیاد جوانان از سنین خردی‌درپارك ها وجاهای بخصوص تمرین بایسکل سواری



مسابقات بایسکل دوانی دربلغاریا یك‌سپورت‌کاملا عادی وروزمره شمرده میشود



صحنه‌یی ازمسابقه موترسایکل سواری درشهر سامو کوف بلغاریا

مترجم حفیظ الله عبادی

نقش المپیک سال ۱۹۸۰ در تحکیم مناسبات دوستانه خلق جهان

در مسابقات اولمپیای سال ۱۹۸۰ که در شهر ماسکو بر گـزار میگردد در حدود ده هزار نفر ورزشکار وصد نفر نماینده از کشور های مختلف شرکت خواهند جست. این مسابقات بیست ویك نوع مختلف‌ورزش در شهر های مسکو، لیننگراد، کیف‌وبنسك دایر میگردد.

در جریان این مسابقات کنفرانس هـا ی نیز برگزار خواهد شدکه درآن سه هـزار ورزشکار از نقاط مختلف جهان و در حدود ۷۴۰۰ نفر نمایندگان وسایل مطبوعاتی نیز اشتراك خواهند نمود.

صد ها هزار نفر سیاح داخلی و خارجی درین مسابقات بزرگ المپیك جهانی کـه در مسکو دایر میگردد حضور بهم‌میرسانند وگفته میشود که درحدود اضافه از ۵۰۰٫۰۰۰ تماشاگر از این مسابقه دیدن‌خواهد نـمودودر حدود دو بلیون تماشا کننده دیگر ازطریق امواج تلویزیونی این منظره عظیم ورزش جهانی را مشاهده خواهند نمود.

اولمپیای سال ۱۹۸۰ بحیـث جشنـواره بزرگ هنرو کارهای خلاق مردمی بوده که یك باردیگر نقش ورزش رابه سویه جهانـی وانمود می سازد وهمچنان این عمل درتحکیم مناسبات دوستانه بین خلقها و کشور ها ی مختلف جهان نقش مهمی را ایفا خواهدنمود.

اینکه همه ورزشکاران جهان تحت یـك لوای متحد ورزشی گردهم جمع میشوند این حقیقت را وانمود می سازد که خلقهای‌جهان آرزو دارند تا در فضای محبت، صمیمیت و برادری همزیستی نموده وروحیه همکـاری درین مسابقات بـز ر گ اولمپیای جهانی‌که متقابل را هرچه بیشتر وسعت وغنا می‌بخشند.

در یـن مسابقات بزرگ المپیای جهانـی انواع مختلف ورزش از قبیل وزنه برداری، فوتبال، والیبال ، جودو، واترپولو، کشتی‌گیری هاکی، باسکتبال، آب بـازی وانواع مختلـف ورزش های دیگـر نیز صورت خـواهـــد گرفت.



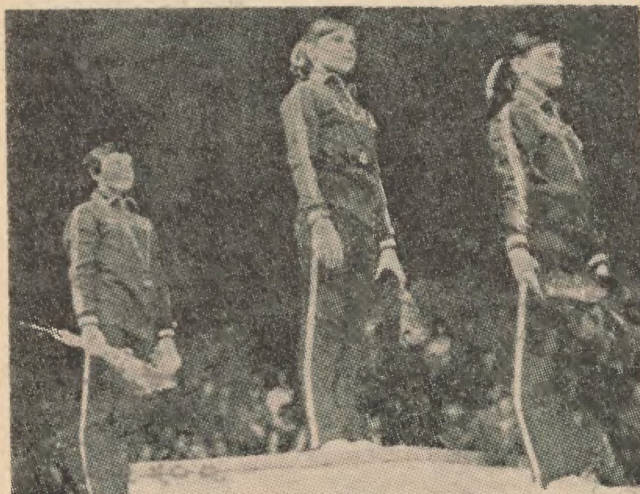
فتبال بازی مشهور است که‌در بلغاریـــامردم زیاد بـــه دیدن آن علاقمندهـستند

نموده وخواهان اشتراك نمودن در مسابقات بعدی می‌باشند.

یوری یوری نوف که یکی از عمده ترین وورزیده تریـــن اشتراك کننده مسابقه بود مسابقه بایسکل دوانی که در بلغاریا دایر در ختم مسابقه چنین گفت:

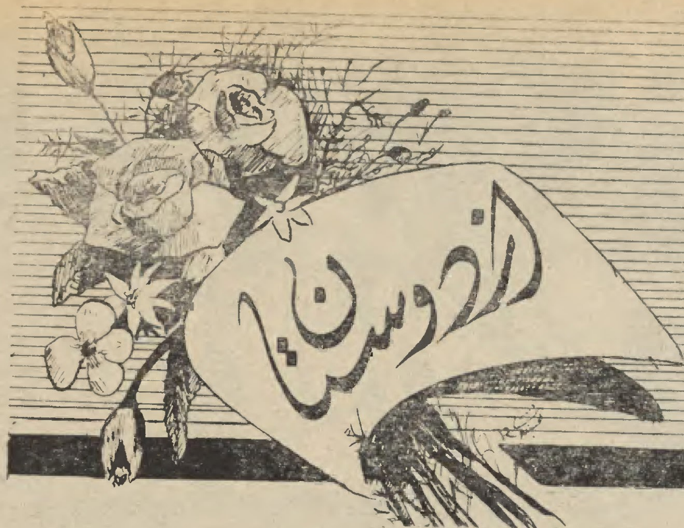
گردید یکی از عمده ترین خصوصیات ایـن مسابقه بایسکل دوانی که‌دربلغاریا دا یـر گردید یکی‌ازعمده تریـن خصوصیات ایـن مسابقه به سویه جهانی این بود که فرصت کافی را برای تعداد زیاد جوانان کشور های مختلف خود مساعد نمود تاباهم از نزدیك تبادل افکار نموده با خصوصیات روانی ـ فرهنگی و کلتوری کشور های مختلف شان معرفیت وشناخت حاصل نمایندکه‌این دیدوباز دیدها در حقیقت‌امر در جهت تحکیم مناسبات بین کشور های وتفاهم متقابل می‌انجامد.

موصوف علاوه نمود اگر چنین مسابقات بیشتر دایر گردد زمینه دید وباز دید جوانان بیشتر فراهم گردد به یقین میتوان گفت که نظرات نادرست وبر داشت های ناقص که از خلای مطبوعات مغر ضانه بعضی منابع بدست میاید نیز تکمیل وتصحیح گردیده راه را برای تفاهـــــم و صلح و همزیستی کشور هاو ملل جهان هرچه وسیعتر می‌گستراند.





آمادگی برای المپیای ۱۹۸۰ مسکو



(یوسف همرزم)

وطن ته ولی مور وایی؟

که خوراك د ی که پوښاك
یاژوندو ن لرو خپلـــواك
که موکور دی یا کیږ دی
که‌مو مرګ دی که‌مو ژوند

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

که مومور ده او کـــه پلار
قربانی ته دی تیار
که موور وردی که مو خور
زموږ ټولو افتخـــــــار

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

که موتوره او غیـــــــرت دی
یامو لوړ شانته همت دی
که مو ننګ که مو میړا نه
که مو قدر او عزت دی

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

که تاریخ که مو قصی دی
که خوږی شان ترانی دی
ستر ویاړونه او یادو نه
که پیاوړو افسا نـــــی دی

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

که‌موغرونه او دری دی
پکی هررنګ خزانی دی
داپه‌کار که کار خانی دی
که دمینی پیما نـــــی دی

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

سره یاقوت دی که لعلو نه
دسرو زرو معد نونه
در نـــو او بورو دو نـــــه
دخوږو میوو با غو نـــــه

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

که بنادی که‌مو اختر دی
یامو یوپربل نظر دی
یاخو هریو بختـــــور دی
چی دټو لوګـــه سنګر دی

پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی
پـــه وطن کی دی ، و طـــن کی

ترجمه : ا

سخنان چند راجع به موهای بدن

پیاز موی (ساختمان بیولوژیکی ایکه ازآن موهامی رویند)تقریبا درنزد.یکی های پوست بدن موقعیت دارد که برای پیدایش و رشد **موی جزء لازمی وحتمی پنداشته میشود بطور** مثال اگر حجره پیاز موتخریب گردد ویا **بکلی ازبین برود در آن قسمت هیچگاه موی** نونخواهد رویید ولی اگر موهادر اثر بعضی بیماری ها ویا عوامل دیگر از بین بـــــرود ویا قطع گردد ولی حجرات پیاز مو تخریب نشود موهای نودران حصه‌بدن‌خواهد رویید.

تعداد پیازموی در سراسر بدن یك‌انسان بالغ به پنج ملیون می رسد . که ازین‌جمله صد هزار آن در تحت پوست سر موقعیت دارند . تعداد حجرات پیازمو بابلند رفتن عمر آهسته آهسته وتدریجی کاهش می پذیـــرد . روئیدن موی بشکلی صورت می گیرد که در قسمت حجرات پیازموی حجرات پروتینی مرده متراکم می گردد وبه مانند ناخنها به صورت تدریجی به طول خود می افزاید .

در بدن انسان ها روئیدن موی به دوره‌های معینی صورت میگیرد ودر قسمت های مختلف بدن این دوره ها تنوع می نماید بطور مثال در ناحیه سر، موها بطور متداوم برای سه الی پنج سال بدون وقفه هامی روید . بعدا برای مدتی روئیدن موها متوقف می گـــردد . در این هنگام موها برای سه الی چهار ماه شروع به ریختن می نماید وبعد از ین دوره کوتاه موها دو باره به روییدن خود آغازمی نماید .

در ابرو ها موی برای ده هفته متواتر می روید وبعد از توقف کوتاهی قسما می ریزد و **بازدو باره به روییدن آغاز می کند نموی‌موی** در یك شبانه روزبه اندازه یك سوم ملـــی متر می باشد .

ولی در بعضی اشخاص این نمو سریع می باشد . تقریبا نود فیصد موهای ناحیه سر در بین انسان ها بطور اوسط نومی‌کند و تنها ده فیصد آن به اساس عوامل گوناگـــون ضایع وتلف می گردد. وقتی موها ضایع ویا تلف می شوند بجای آنها موهای د یگـــری می رویند گویا جای برای موهای نو خالی می کنند .

ریختن روزانه پنجاه الی صد موی ســـر عادی پنداشته میشود. **عوامل مختلف‌پروسه** های داخلی وخارجی می تواند دوره هـــا ی رشد موی را تغییر بدهد . بطور مثال اغلبا دیده شده است که بعد از بیماری هـــای مداوم ، تب شدید، جراحی وخونریزی هـــا مو ها بمقدار زیادی ریخته اند . همچنـــا ن تقلیل ناگهانی وزن بدن نیز باعث ریزش های شدید موی می شود که روزانـــــه بیش از هشتصد موی از ناحیه سرمی ریزند ولی بار ها دیده شده‌که بعد از چند ماه محدود مو ها دو باره قوت گرفته وشروع به نمو ورشد می‌کند خوردن بعضی از ادویـــه ها .نیـــز موجبات ریختن موها را فراهم‌می‌نماید.

در حقیقت با بروز چنین حوادث مو های کهنه عوض می شود . ولی میزان مو ها ی نو از موهای کهنه تدریجا کم می شود واگر چنین حوادث ادامه پیدا کند مو هانیز به‌همان تناسب متاثر خواهد شد وبعداز چندی امکان دارد حالتی بمیان آید که مو ها بکلی تلف شود .

وبدینتر تیب برای عدۀتشوشات روحـی‌ویا ناخوشی های چندی را ببار آورد . درناحیه سرموها عموما غلومی باشد ودر قسمت های دیگر بدن موها بشکل پراگنده می رویند. تعداد موها با بلند رفتن سن کم می شـود . که این قاعده عموما در بین مردان صــدق می‌کند • ولی زنها نیز به این عارضه دچار شده می توانند ولی معمولا پانزده یا بیست سال دیر تر این عارضه در بین زنان نسبت بمردان بمیان می آید .

اطبای جلدی وداشمندان این رشته نظر میدهند که ریزش موی وهمچنان ضعیف شدن وباریك شدن آنرا هورمونی بنام «اندروجن» تعیین می نماید . محققین آلمان غربی در صدد دریافت راهی اند تا بتوانند روزی این عارضه را که تقریبا بسیاری اشخاص از آن رنج می‌برند درمـــان کنند • آنها تـاکنـون یگانه راه معالجه را بامادہ کیمیاوی به نام «دینی تروکلوزونیزین» دریافته اند . همچنان به اساس عقیده داکتر هوارد میباك متخصص مشهور امراض جلدی پو هنتون کالیفرنیای ایالت سان فرانسسکوی ایالات متحده امریکا امراض جلدی مزمن نیز در سرعت عمـــل ریزش موی موثر واقع می گردد . وایـــن امراض جلدی در بعضی موارد معالجه هاوعمل ریزش را متاثر می نماید . همچنین دکتـوران جلدی بدین عقید ہ اند که ماده کیمیاوی «دینی تروکلوروبنزین» ماده موثریك نو ع عارضه تلف شدن موی که به شکل دایروی در ناحیه بالای سر مو ها تلف می گردند و این بیماری موها بنام «الوپیکیاارتیا» یـــاد می گردد، می باشد .

موهای بسیاری اشخاص بدین شکل ازبین میرود . مراحل مقدماتی ریختن کامل موی در ناحیه سر انسانها قبلا تکمیل می گردد. که آهسته آهسته این مراحل بوخامت خود می افزاید ودر نتیجه انسان موهای سر خود را از دست می دهد .

دانشمندان این رشته در مان قاطع ایـن عارضه وا تابحال دریافت ننموده اند ولی در اثر تجربیاتی که تابحال صورت گرفته‌برس زدن متواتر موی، مساژ وهمچنان استفاده از ویتامین ها، منرالها و غذای مقوی می تواند ازریختن موی تا اندازه ای بکاهد .

همچنان طریقه دیگر معالجه این عارضه که درین روزها در بعضی از شهرهای بزرگ جهان رواج یافته است ، عبارت از انتقـــال حجرات پیازموی از نواحی دیگربدن به‌نواحی مورد نظر سر توسط عمل مغلق‌جراحی پیوند داده می شود. ولی موهایی که در ناحیه‌پیوند شده می روید خواص ومشخصات قبلی خود را حفظ می کند . موها باید دایما مرتب وپاك نگهداشته شود وشعاع آفتاب نیز در صفایی ولطافت موی رول مهم دارد . نموی تنـد و افراطی وبیش از حد موها در فیزیولـــوژی انسان تاثیر منفی وارد می نماید .

دژغورندوی ژباړه

خومره ښه ده چې متاهل شوی یم

له کار څخه خلاص اود کور پـــه‌لوروهی شوم ،پنځم منزل ته وختم او دخپل اپارتمان دد روازی تر څنګ‌ودر ید م او ومی ویل‌چی څومره ښه‌ده چی سړی ښځه ولری! دکـــور زنګ می په ګوته کیکاږه او له ځا نـــه سره په چرت کی لاړم چی اوس به مـــی ښځه راوځی ، دروازه به وازوی او له ماسره به روغ بړ کوی ، کالی او لبا سونه به می تبد یلوی ، د غر می ډوډی په خورو او له ډوډی څخه په وروسته په کوچ کی استراحت کوم او ښځه به می راته ورځپانه لولی • له ځانه سره مسکی شوم او بیا می زنګ ته فشار ورکړ مگر هیڅ ځواب نه راته او نه دروازه خلاصید له. بیا می زنګ ته فشا ر ورکړ مگر هیڅ معلو م نه‌ؤ . مسکی خندا کار پسی لاړه ،ټوله ورځ می کار کړی ؤ خسته شوی و م نو مجبو ر شوم چی دروازه پخپله وازه کړم کلی‌می له‌جیب‌څخه‌راوایسته اوپه ډیر زحمت سره می دروازه وازه کړه ، داهی هیره کړی وه چی دروازه څنګه خلاصیږی او پنځه‌کاله کیږی چی واده می‌هم کړی دی اپا رتما ن ته ننوزم مگر هیڅ کوم ښه بوی می‌پوزی ته‌نه راځی ، او ضاع می‌ښه تغییر ومونده گروپ می روښانـــــه کړوینـــم چی کوټه خالی ده او هیڅوك نشته ، خانـم می هم نشته . هغه او دغه لوښی ته مـــی نظرواچوه وینم چی یو ټوټه خط لیکل شوی او هغه خوا لیری ایښو دل شوی دی پـــه خط کی دا سی لیکل شوی ؤ(گرا نه! له نا پا کو بو ټانو سره دی کور کی و نـــه گرځی ، ددر وازی په څنګ کی وړه چوکی ایښود ل شوی ده په هغی کښینه، بو ټان دی له پښو و باسه او چپلکی پـــه پښو کړه څپلکی د چو کی لاندی دی . ددی لپاره چی بو ټان له پښو وکاږ ی لمړی د هغه بښونه سست کړه، لمړی لنډ مزی کش کړ ه‌دبوټان بند ونه دی واز یږی ، بند ونه په ځـــای پر یږده او پښو ته دی لږ حرکت ور کړه پښه دی‌په اسانی سره لـــه بوټه را وزی اوپه همدی تو گه‌دوهم بوت دی هم وکاږه.

گرانه! له واده څخه دی پومبی و عده کړی وه چی ټول کارونه به پخپله کو م‌مگر ددی و عد ی په عوض به نن بیله ما ځنی دغر می ډوډی خوری ، ما ټول شیا ن تا ته اما ده کړی دی ، خوراك ټول دا جا ق‌لپاسه په اشپز خانه کی دی ستا کار دادی چـــی هغه به‌تو دوی ،سوپ او شور واپه هغـــه پشقا ب کی ده کو م چی ستا له خو لی‌سره پوره ورته والی لری‌غوښه او کچالو په‌لوښی اوچای هم په چاینکه کی تیار دی •

گرانه!مه په قهر یږه ... ډوډی په‌اشپز- خانه کی وخوره ، اشپز خانه (پخلنځی)وړه کوټه ده چی دتشناب په څنګ کـــی‌موقعیت لری • ددی لپاره چی اشپز خانـــه ژرپیدا کړی ددروازی له پاسه‌می‌لیکلی دی (پخلنځی) کله چی پخلنځی ته ننوتی مخ دی پنجـــری ته واړوه په ښی خواکی به یوه آلماری و وینی چی سپین لاستی‌لر ی او دا اجا ق‌دی دهغه له پاسه می‌په کاغذکی لیکلی دی (اجاق) ددی لپاره چی خواړه تا وده کړی ، گاز رو ښا نه کړه دا کار په لاندی ډول ترسره کیږی • دلر گیو هغه وړه قوتی چی له پاسه یی عکسونه سرښ شوی دی را وا خلـــه، دا قوتی داجاق له پاسه ایښو د ل‌شوی ده او دا قوتی داور د بلی یا قوتی گوگرد نومیږی هغه خلاصه کړه‌او گوگړ واخله . گوگړد لر گو یوه وړه میله ده هغه دقو تی لـــه مصا لحی سره په تما س کی کړه وروسته له دی چی رو ښا نه شوه داجاق لاستی‌پورته خوا ته را کا ږه او اجاق ته‌ئی نږدی کړه گاز روښا نه کیږی .گرا نه ډیره پاملرنه وکړه چی ځان ونه سوزوی. که چیر ی داجا ق لږ ول اوروښا نو ل په خیراو عا فیت تیر شول نو کا سه او چاینکه په همد ی‌تو گه داجاق له پاسه کښیږه ده . ساعت ته دی گوره وروسته له پنځو‌دقیقو چی‌داجـاق‌لاستی بلی خواته را کاږه ،گازتړل‌کیږی،هـــغه میز چی د اجا ق ترڅنگه دی له پاسه ئـــی بشقا بو نه ایښو د ل شوی دی که چیری دابشقابونـــه دی هـــم مات کـــړل داحتیاط لپاره می یو بل بشقاب هـــم له میز نه‌لیری ایښی دی هغه واخله او که دادی هـــم مات کړنو څلور نور بشقا بونه می هم احتیا طی ایښی دی یوئی را واخله او سو پ‌کښی‌واچوه کله چی چای له چاینکی څخه پیالی تـــه اچوی نو احتیاط وکړه چی سر پو ښی ئـی په پیا له کی ونه لو ئیږی سره له دی چی هغه می په تار تړلی دی مگر بیا هم پـــه لاس ئی ټینگ ونیسه .د ډوډی د خو ړلونه ورو سته لـــه پخلنځی څخه ووزه اوماتـــه په کوټه‌کی انتظارو با سه .زه د آرا یشگاه په خونه کی د مجا ور بلاك په لمړی پوړ کی یم او غوا ړم چی د جشن پ‌ه‌ور څو کی ښه او ښا یسته معلو مه شم تر څو دېخوا په شان ما خو ښه کړی .

گرانه !مه‌خفه کیږه او پرما قهر مه‌کوه ښکل او مچو کو م دی).

مـا څو ځلـه خط ولوست، پخلنځی مـــی و موند ، ډوډی می وخو ړه ، خولی می په سر کړه او د آرایشگاه په لټونی پسی‌ووتم خپله ماند ینه می پیدا کړه له لاسو نو می ونیوله کورته راغلـــم‌او مستقیمامی پخلنځی ته ننه ایسته او وروته ومی ویل :

څومره ښه ده چی متاهل‌شوی‌یم•

امشب

از عشق تو یار دیوانـه تـرم امشـــب — در آتش عشق تو پروانه ترم امشب

خنجر ز نگاه ناز آمد بد لـم یاالـلـه — ویرانه شدم دیشب ویرانه ترم امشب

دیدم نگه مستش از خویش بحمدالله — بیگانه شدم دیشب بیگانه ترم امشب

انجام نمی بینـم افسـانـه عشقـــت را — بنشین زدلـم بشنو افسانه ترم امشب

از خویش نمیدانم «عیار» لیك دانـم — در طرۀ نـاز او زولانه تـرم امشـــب

مخمور نگاه او چـون باده طـرب دارم — پر جوش بدم دیشب مستانه‌ام امشـب

دیدم به گهی مستی از مستی چشم او

دیوانه شدم دیشب دیوانه ترم ا مشب

(عیار)

سری‌ناری

هره خوا سری ناری دی
شور ما شور اوهلهلی دی
کار گران سره یو شوی
دلته چغی دخپلواکی دی
انقلا ب دلته راغلـــی
کارگران ټول پا څیدلـــی
ار تجاع دلته مخـــتور شو
اشرافیت کاسه نسکور شو
کار گری نظام را غلی
دخلك هیلی پوره کیږ ی
هره شاوخواچی گو ری
خلقی سور بیرغ رپیږی

یونس ـهمرزم

ازشگفتی های رنگا

دورنمای استفاده از انرژی شمسی

دانشمندان و متخصصین انرژی در جهان میگویند که دیگر منابع انرژی نفت وذغال سنگ یك موضوع کلاسیك وکهن بوده باید انسان هادر صدد کشف وایجاد منابع دیگر انرژی باشند که بشریت از آن بتواند بدون تکلیف استفاده اعظمی را بعمل آورد.

دانشمندن در مورد این که منابع انرژی موجود نفت وذغال چه‌مدت‌ادامه خواهد یافت وتاچه مدتی‌مشکلات جهان بشری رارفع خواهد نمود عده یی عقیده دارند که ممکن است دوصد سال دیگر نفت ومواد ذغالی بتوانند مشکل جامعه بشری را مرفوع سازند و بعد ازآن دیگرنمیتوان استفاده مزید از آنها صورت گیرد .

متخصصین به این نظر اند که چگونه بتوانند بصورت اقتصادی از منابع موجوده انرژی استفاده نموده وهم زمینه استفاده وبهره برداری ازمنابع انرژی شمسی رانیزدر جامعه بشری امکان‌پذیر سازند تلاش هایی درین مورد در جهان پیشرفته به شدت جریان دارد .

پیش بینی منابع موجود انرژی نفت وذغال در کشور بلغاریا آنقدر اهمیت بخصوص نداشته،گرچه‌بلغاریا کشوری‌است که آنقدر مواد معدنی ذغال ونفت نداشته وسالانه د ر حدود هفتاد فیصد مواد خام انرژی مورد ضرورت را ازکشور های خارج تورید مینماید همچنان سالانه درحدود چاربلیون کیلو وات برق‌مورد ضرورت کشور ودر حدود سی‌ویك بلیون کیلووات انرژی را از خارج کشو ر تورید می نماید .

اما کشور بلغاریا نسبت داشتن روز های آفتابی یکی از غنی ترین کشور های جهان است زیرا کشور مذکور در اصطلاح عام در کمربند مناطق آفتابی قرار دارد که در آ ن درحدود دوهزارالی دوهزاروپنجصد ساعت در سال اشعه آفتاب وجود دارد وگفته‌میشود که درسال های ۱۹۸۰ منابع انرژی که در جهان مورد استفاده قرار گیرد ده هزار مرتبه ا ز مصرف کنونی زیاد خواهد بود که این رقم درآخر قرن حاضر دو هزار مرتبه ازدیاد را نشان میدهد .

روی این لحاظ کشور بلغاریا در یکتعداد زیاد پروژه های استفاده از انرژی شمسی در کشور های مختلف جهان سهم گر فته ودربه ثمر رسانیدن این پروژه های بزرگ تلاش های قابل ملاحظه را انجام میدهد . روی این لحا ظ دومین کنفرانس بزرگ استفاده از انرژی شمسی که از طرف اداره یونسکو (ملل متحد) تنظیم گردیده بو د در کشور بلغاریا برگزار شد که درین کنفرانس‌دانشمندان ازکشورهای سوسیالیستی وغیر سوسیالیستی سهم داشتند .

به اساس هدایت کشور های عضو و بادر نظر داشت لوایح پیمان کومیکان مر کز تجربوی تحقیقاتی استفاده از انرژی شمسی درکنار ساحل بحیره سیاه افتتاح خواهد شد. معلومات مقدماتی درمورد نشان داده‌که استفاده علمی وعملی از انرژی شمسی د ر طول دهه های بعدی کاملا به یك حقیقت عینی وغیر قابل انکار مبدل خواهد شد .

تبدیل وتغییر فوتو الکتریك اشعه آفتاب رابه برق تبدیل نموده وماده سلیکون بحیث تعامل کننده در ین تغییر و تبد یل مورد استفاده قرار می گیرد.

استفاده مستقیم از انرژی شمسی بواسطه ذخیره کننده میتواند مقدار زیاد آب را در طول فصول مختلف گرم نگهدارد که در مرحلهٔ بعدی انرژی ذخیره شده در روز های ابرآلود مورد استفاده قرار می گیرد .

مشکلی که دانشمندان به آن موا جه میگردند این است که یك وات انرژی برقی در حدود سه صد دالر مصرف کار داشته روی این مشکل است که متخصصین کشور بلغاریا بادانشمندا ن دیگر کشور هابصورت مشترك روی این پروژه کار نموده تا بتوان مصارف هنگفتی را تاحدود زیادی تخفیف و کاهش بخشند . دانشمندان در قسمت‌انکشاف ماده یی بنام کت میوم سلفیت که میتواند مصرف انرژی راتخفیف بخشدکار می نمایند.

سیستم ذخیره حرارت در کشور بلغاریا بصورت متفرق وپراگنده بوده ودر حدود نصف منابع انرژی کشور را سالانه می بلعد بنابرین تلاش هایی صورت می گیرد تا استفاده از انرژی شمسی رابه پیمانه زیادی تعمیم بخشند .

دانشمندان ومتخصصین لابراتوار ناپولوس اعلام کرده اند که در پلان های ذخیره‌نمودن انرژی به موفقیت هایی رسیده اند و آنها معتقدند که آب و هوا منابع حرارتی شمرده شده که میتوانند انرژی راتا حدودی ذخیره وقابل استفاده گرداند .

دانشمندان لابراتوار نی‌نی میگویند که استفاده از انرژی شمسی که در اوایل بهار به پیمانه زیادتری وجود دارد که در تهیه هایدروجن از اشعه فوتولیز مورد ضرورت کمك قابل ملاحظه می‌نماید که‌این طریقه رامیتوان بحیث طرق کمکی تذخیر واستفاده از انرژی شمسی مورد استفاده قرار گیرد .

ازعجایب مار های بحری

ترجمه‌غیور

مارگیران سواحل شرق دور اتحادشوروی سوسیالستی اخیرا به گرفتن یك نوع مار بحری دست یافته اند که یکصدودو سانتی متر طول وپنج سانتی متر ضخامت داشته وبنام «راریت» مسمی گردیده است .

پس از آنکه مار مذکور از لحاظ جسامت فزیکی مورد ارزیابی دانشمندان قرار گرفت این موضوع بکلی واضح وروشن گردید که مارمذکور ازنوع ماران جوان تر بوده است زیرا تاحال مارانی هم بدست آمده که بعضا طول بدن آنها از دو متر نیز تجاوز مینماید. طوریکه درتازه ترین راپوردانشمندان تذکار رفته سواحل اوقیانوس‌اتلس وهمچنان حصص ساحلی آبهای فلپاین ازمراکز عمده وبزرگ ماران بحری بشمارمیرود. به‌عقیدهٔ دانشمندان اتحاد شوروی سوسیالیستی یکی از علل بظهور رسیدن مار های نوع (راریت) د ر سواحل شرق آنکشور همانا گرم شدن آبهای ساحلی این منطقه بوده است . برای آنکه عدهٔ کثیری ازمردم شوروی و جهانگردان از مارهای نوع «راریت» دیدن کرده بتوانند ماربحری مذکوردرموزیم حیوالات وخزندگان به نمایش گذاشته شده است . باید گفت که اتحاد شوروی یگانه کشور است که درآن انواع واقسام مار های آبی و بحری بدست آمده است .



راریت مار بحری ایکه یکصدودو سانتی‌مترطول وپنج سانتی متر ضخامت دارد .

رنگ جهان

چه چیزهایی رامیتوان از ابحار بدست آورد

بدون تردید وازیك‌نقطه نظر علمی گفته میشود که‌ابحار یکی ازعمده ترین منابع مواد استهلاکی جهان امروزی شمرده شده و دانشمندان عقیده دارند که برای مدت شصت قرن بعدی در جهان مقدار کافی مس و هم چنان مقدار کافی نکل برای‌مدت ۱۵۰۰۰۰سال وجود خواهد داشت .

یکی از عمده ترین منابع موادخام تحت ابحار در بحیره سرخ بوده وگفته میشود که ارزش مجموع ودیعه مذکور بالغ بر ۲۳۰۰ ملیون دالر تخمین گردیده که این منبع دارای مواد طلا، جست ، مس-مقناطیس وآهن می‌باشد که در بعضی نقاط منرال‌های مذکور ۹۰ متر ضخامت داشته وابحار شناسان معتقدند که به صورت بسیار ساده میتوان این مواد را به روی سطح زمین پمپ نمود تابه آسانی از آن استفاده شده بتواند

برآمدگی های در زیر سطح ابحار درسال ۱۸۷۳ کشف گردید که‌این اکتشافات مدت یك‌قرن درساحه علوم نقش مهم ایفا نمود امادر دهه های آخراکتشافات چنین برآمدگی هاروز افزون گشته و چنین معلوم میشود که این برآمدگی‌همه آنها فلز بوده با شند که از آن در حدود ٤٠ نوع مواد قیمت بها بدست آمده است که از آن جمله میتوان فلزات‌گران بهای چون مقناطیس ، نکل ، کوبالت ومس را میتوان نام برد .

ازنتایج تحقیقاتیکه بعمل آمده گفته میشود که این برآمدگی هادر قسمت های بحیرهٔ سبز مشیگان نیزوجود دارد وبه‌صورت تخمین گفته میشود که درحدود یك‌اعشاریه پنج‌ملیون تن این مواد در قسمت های اوقیانوس اطلس نیز به‌پیمانه زیاد وجود دارد.

مقدار واندازه این مواد که‌به تن ها وجود دارد روز بروز به پیمانه آن افزوده میشود هریك از ین بر آمده‌گی به تدریج وسعت یافتد گفته میشود که بالاخره به ١٦ تن‌در سال افزایش می یابد این که چگونه این برآمدگی هابه تدریج رشد ونمو میکند نظریات دقیق در مورد وجود ندارد امایك نظریه وجود دارد وآن این است که دانشمندان امور بحر شناسی عقیده دارند که در ابحارمقدار زیاد فلزات وجود دارند که‌این فلزات دارای چارچ های برقی بوده ویك دیگر راجذب ودفع نموده وبه شکل یك توته تجمع می‌نمایند . ازآنجاییکه ایالات‌متحده امریکا در حدود ۹۸ فیصد کوبالت، مقناطیس و۹۰ فیصد نکل - ۱۸ فیصد مس مورد ضرورت خودرا به قیمت مجموعی ۲۰۰۰ ملیون دالر ازخارج وارد می‌نماید بنابر همین لحاظ مواد مذکور که از عمق ابحار بدست میاید دارای اهمیت بخصوص‌می‌باشد.



تحقیقات درمورد بدست آوردن موادارزشمند ازاعماق ابحار درجهان به سرعت جریان دارد

درایالات متحده امریکا روی این لحاظ هفده کمپنی بزرگ برای دریافت وبدست آوردن بیشتر این مواد تشکیل‌گردیده مجموعا مبلغ صد ملیون دالر را جهت حضریات‌اعماق ابحار تخصیص میدهند .

روی اهمیت مواد بخصوص که از عمق‌ابحار بدست میاید این‌امر منتج‌به‌بوجود آمدن قوانین بین المللی ابحار گردیده تاهریك از کشور ها در ساحه بخصوص خودشان ازین مواد استفاده نمایند .

دانشمندان مربوط عقیده‌دارند که هایدروجن که‌در آب وجود دارد می‌شود آنرا از آکسیجن جدا نموده و ذخیره بزرگ انرژی را بوجود آورد وتلاش های درمورد تحقق بخشیدن این مسئله جریان دارد و کوشش بعمل میایدتااز انرژی شمسی نیز در مورد استفاده صورت گرفته بتواند که این امر مستلزم ۳۰۰ کیلو وات انرژی بودموگفته میشودکه آفتاب میتواند کمك قابل ملاحظه در مورد نموده بتواند .

یکی از موثر ترین طریقه که میتوان چنین امر را ممکن ساخت همان طریقه تحفظ انرژی حرارتی آبی است .

یکی دیگر از دانشمندان عقیده دارد که‌از ابحار میتوان ٦٠ ملیون تن مواد غذایی برای ساکنین روی جهان بدست آورد•عده یی معتقدند که‌ازآب روی خشکه هانیز میتوانند مواد قابل ملاحظخوراکی راتهیه نمایند چنانچه جان‌واین یکی از محققان رشته زراعت آبی عقیده دارد که از هر متر مربع آب های روی زمین که در خشکه وجود دارد ٦ کیلو گرام خرچنگ بدست میاید وی عقیده دارد که ۲۲۵۰ کیلو گرام‌الی ۳۳۷۵کیلو گرام خرچنگ درهریك هکتار آب روی زمین سالانه میتواند تولید گردد .

دانشمندان عقیده دارند که‌اگر ابحار را فقط بحیث محلی تصور نمود که در آنجا کثافات را بیندازیم وتا آن را ذخیره گاه تولیدات ضایعه رادیو اکتیف بدانیم ودرین‌جهت کار کنیم فقط و فقط یکی از عمده ترین منابع مواد غذایی جهان بشری رااز دست خواهیم داد .



یکی ازدستگاه‌های تحقیقاتی درعمق ابحار دیده‌می شود که موادبدست‌آورده شده‌را در همانجا معاینه می‌نمایند

نیروی برق از کجا می آید؟

بازدن دکمه سویچ برق خانه ما روشن میشود غذای مارا میپزد به رادیو و تلویزیون وصدها وسیله دیگر نیرو میدهد .

برا ی‌ما مشکل است که روزی را بدون نیروی مؤثر برق به شب برسانیم با اینحال مانند بسیاری وسایل ضروری زندگی برق را یك چیزی عادی وبی اهمیت تلقی میکنیم ببینیم برق چیست واز کجا می آید .

اگر اطلاع زیادی در این باره ندارید بدانید که بسیاری کسان نیز ما نند شما هستند یك بررسی جدید توسط دستگاه الکتریکی نشان داده است که از هر سه نفر حتی یك نفر نمیداند که یکی ازسوخت های اساسی مولد برق چیست، کمتر از یك نفردرهرپنج نفر نمیدانند که‌رابطه میان نیروی هستوی وتولید برق وجود دارد .

نکته مهم این است که برقی‌که ما ازآن

بقیه‌در صفحه ٥٣



شاگرد لایق

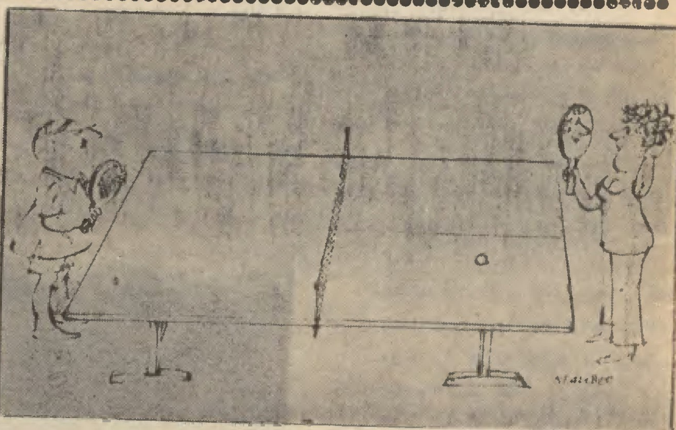
دخترك شش ساله از مکتب بخانه آمد وبابی صبری راجع به رفیق جدید خود به مادرش گفت :

ـ نمیدانی او چقدر بچهٔ لایق است٠اوتمام‌مضامین را که در صنف اول درس داده می‌شود ، می‌داند .

مادرش گفت :

ـ از کجا این همه را می‌فهمی ؟

ـ برای اینکه در سال گذشته نیز درهمین صنف بود .



خودپسند زنها در هنگام پینگ‌پانگ

جواب‌دندان‌شکن

یك کمیدین معروف در یك نمایش ، یك‌زن پرحرف راکه درقطار اول نشسته‌وهمیشه اعتراض می کرد ، به‌این صورت به سکوت وادار ساخت ٠

ـ این اعتراضات را در سال ۱۹۷۰ نیز بمن گردید ٠ من هیچوقت یك لباس را که یك‌مرتبه دیدم، دیگر فراموش‌نمیکنم٠

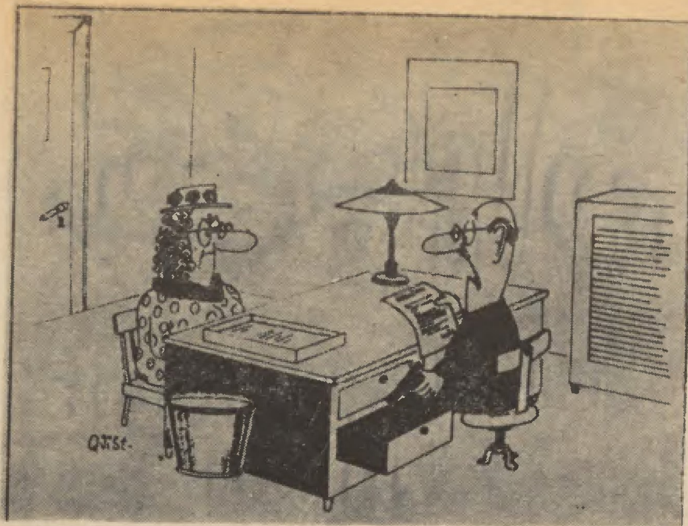
مرض یادفراموشی

زن همسایه ما که یك زن پیراست می‌خواست نسبت یاد فراموشی خود نزد یك داکتر برود. من به اوداکتر لایقی راکه‌سراغ داشتم معرفی کردم . هنگامیکه بعد از طهر اورا دو باره دیدم، نسخه ای راکه داکتر به او داده بود برایم داد .

من یك نگاه کوتاه به نسخه انداختم و خواندم : «یك کتابچهٔ یادداشت .»



٥٠٠٠ سال کهنه بود ٠٠٠؟ اینك دیگرموقع آن‌بودکه باید بشکنند٠



واینك آخرین خواهش شوهر شما راعملی می‌کنم!

افسوس‌بامورد!

دومرد فقیر در گوشهٔ نشسته وبا هم‌صحبت می کردند ... یکی از آنها گفت :

اگر پدرم زنده می بود ... حالا وضع‌وروزگار من بهتر از این بود .

ـ چرا ... مگر پدرت ثروتمند بود ؟

ـ نی ... او بجای من گدایی میکرد ...!

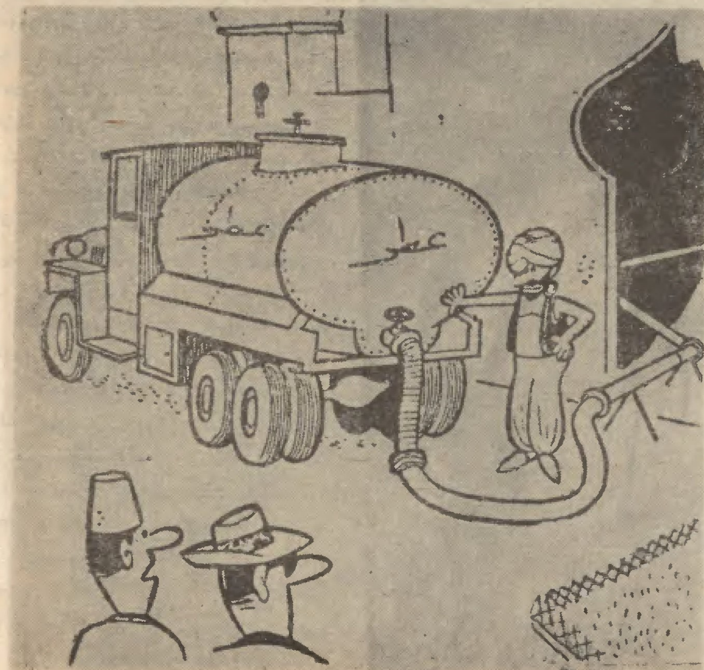
وعدهٔ ملاقات

یك پسر جوان توسط یك دوست‌خود بایك دختری که او را نمی شناخت‌وعدهٔ ملاقات گذاشت ٠ او در ملاقات گاه تقریبادوساعت انتظار کشید . بالاخره یك دختر از دور پیدا شد . اوسوال کرد :

ـ شما لوئیز هستید ؟

ـ شما روبرت هستید ؟ جوان گفت : بلی .

دخترك جوابداد : ـ من لوئیز نیستم .



بدون‌شرح

سالگرد

از اینکه یك روز سالگرد را فراموش نکرده بودم خیلی خرسند بوده وهنگامی که به خانه آمدم بەزنم گفتم :

- این سالگرد را بتو تبریك می گویم، امروز پوره یك سال است که مادر این خانه زندگی می کنیم .

زنم گفت:

- غلط ... فردا یك سال میشود که ما به این خانه آمده‌ایم .

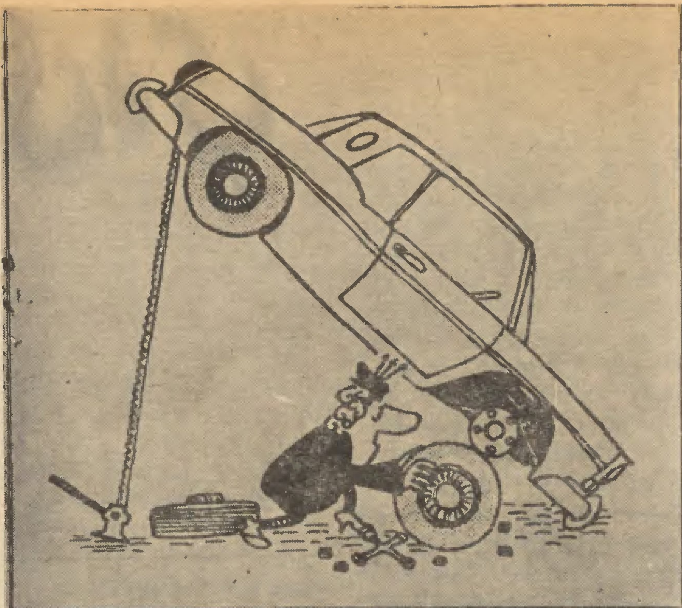
من گفتم :

- تو ازکجا اینقدر دقیق می‌فهمی؟

او با اطمینان خاص جواب داد :

- من خوب بخاطر دارم‌که مایك روز بعد از روز عروسی خود به‌این خانه آمدیم.

اکنون می توانید فکر کنید که چقدر خجالت کشیدم .



بدون شرح



برادر دیگر چپ. چپ به طرف من نگاه نکن بگیر این‌گیلاس شربت رابخور.

همدردی بازن همسایه!

زن- عزیزم ... این یك بوتل دوای‌تقویت موی سر است .

شوهر- متشکرم عزیزم .

زن تشکر لازم ندارد ... این ...دوا رابه زن همسایه پهلوی خانه ما بده ... چون درین تازگی هاموهایش بسیار می ریزد زیرا چند روز پیش موی های آنرا از سر چپرکت خود پیدا کردم .

عقلی که باز گشت

مردی وقتی صبح وارد اداره خود شد ... تیلفون را برداشت وبه اداره پلیس زنگ دایل کرده گفت :

- معذرت میخواهم... حتماًمرامیشناسید... من همان‌کسی هستم که دو روز قبل خدمتتان آمده وبرای پیدا کردن زنم از شما کمك خواستم .

صدایی از آنطرف جوابداد :

بلی ... درست ... خوب حالا چه فرمایشی دارید ؟

- هیچ ... میخواستم از شما خواهش کنم که دیگر دنبال او نگردید .

- چرا ... مگر خانمتان برگشته است .

- نخیر ... او برنگشته ... ولی عقل من برگشته است ..!



دوست عزیز : حالاموقع شوخی نیست که‌خودت رابه این شکل درآورده یی .

چندسال داری؟

شخصی ازپسری پرسید:

بچه چند سال داری ؟

بچه - نمیدانم ... چون مادرم وقتی مرا بدنیا آورد سی سال داشت ... در حالیکه حالا ادعا میکند بیست وپنج ساله است ...!



عزیزم ازبس که ترادوست دارم میخواهم مانند ماهی که آنرا دولفین می خورد ترامن هم بخورم .

ساعتم همرایم نیست

در ضیافتی که (فرانك سیناترا) در هالیوود ترتیب داده بود «لاناترنر» بایکی ازدوستانش گرم‌صحبت بودند ...

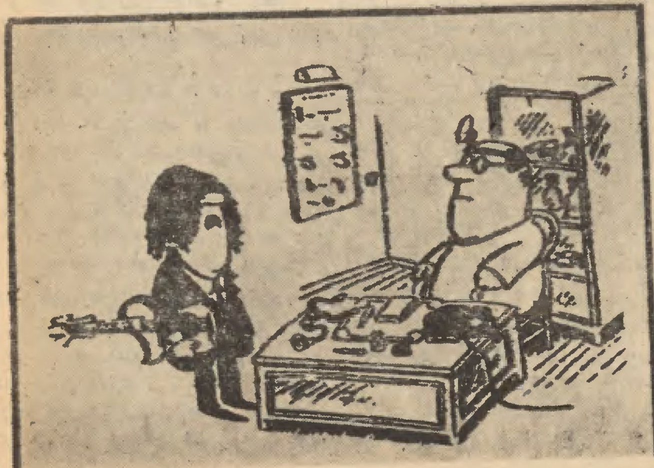
نا گهان «لاناترنر» مردی را بدوستش نشان داد وگفت:

- نگاه کن ... من آن مرد را که در آن گوشه نشسته بسیار دوست دارم .

دوستش نگاهی بطرف مرد انداخت وبعد گفت :

- خوب ... مدت زیادی است‌که باوعلاقه پیدا کرده‌ای؟

- نمیدانم... چون ساعتم همرایم‌نیست...!



داکتر:مدتی است‌چشمانم جایی رانمی‌بیند!!

هغوی چی ژوندی دی

« ژان لافایت »

ددروازی نه بهر موږهریوه ته یو نیکر بوکمیس اویوه جوړه دلرگیونه جوړ شو ی چپلکی راکوی . ددی فرصت نشته چی سړی دخپلو پښو په‌اندازه چپلکی واغوندی، هماغه لمړنی تالار ته بیرته راغلی یو. دغه تالارهم مینځل شوی دی . یواځی په یوه څنډه کی بی ش بکسونه دکانسروتش قوطی کاغذونه او شکیدلی عکسونه کوټی شوی دی .

زمادمور عکس هم پدغه منځ کی ترسترگو کیږی . په منډه سره دزینونه پورته کیږو اودهغو ملگروله ډلی سره چی زموږ نه مخکی دی یوځای کیږو . دباندی باران اوری ریږدو او غابښونه مویو دبل سره خوری . ددی‌لپاره

چی لږخه ناوده سو یو دبل پرتمراوبهودکی ورووړو په څپیرووهو شارلو هم راځی . یولګول شوی سگرت هم په خوله کی لری اوخودانی سگرت هم دملگروترمنځ ویشی دغه‌سگرتونه بی له یوه پخوانی بند ی څخه اخستی دی خپلو اوږونه ټکان ورکوی اوبه غرور سره وایی: «هه،هه، موږ جدی خلك یواو ورو ورو دنویو شرایطو سره ځانونه برابروو». خبره‌یی لاخلاصه شوی نه وه چی یوه درنده څپیړه‌یی پرمخ ـ اویوه لگته یی په نس ور حواله کیږی، دغه سړی دبلوك مشردی چی پدی توگه ځان معرفی کوی او په لوړغږ‌وایی :

«دشپی له خوا په اردوگاه کی دسگرټو څکول منع دی » . پخپله دی هغه سیگارچی زموږ دبکسونو څخه یی په زور اخیستی په خوله کی‌لری.

دغه دبلوك مشر دخپلی وینا دتائید لپاره وایی :«پس له دی به ستاسو ټول کارونه په ماپوری اړه‌لری».

دزینو څخه ښکته کیږی او اټکلانیم‌ساعت وروسته بیرته راځی . ساړه زموږ په هډوکو کی نفوذ کړی زموږ ټول غړی ریږدی .

ـ ناش بلوك المانـی کلمی یعنی «دبلوك خواته » .

زماپه نظر بلوك دغه دلرگیو نه جوړشوی یوه ودانی ده چی دواړ په دواړوخواؤ کـی جوړی شوی دی . زموږ دبوټونو څخه چی بند او تنی نلری داسفالت شوی سړك پرمخ جگ غږ پورته کیږی . له بده مرغه یو میخ په بوت کی زماپښه وهی خو اوس ددی وخت ندی چی دهغه له شرڅخه ځان خلاص کړم.

زموږ لارښوونکی په‌گواښ سره وایی:

ـ این، زوه، دره، ویه ر. (المانی کلمی یعنی یو، دوه، دری، څلور) دبلوك مشر هم دلته دی او دروازی سره ولاړدی . هغه‌کسان چی وړاندی دی خپل بوټونه باسی اوبه لاس کی یی نیسی اوننوځی، دوی بیره نه کوی

تیر پسی

له همدی کبله هغه سړی چی ددروازی سره ولاړدی او متروکه په لاس کی لری له ټول قوت او زور سره هغه کسان چی بیرته پاتی کیږی، وهی. زماپه څنگ کـی یو سپین‌ـ ږیری سړی چی ډیر زهیر شوی دی خپـل لاسونه دعذر په توگه پورته کوی.

هغه څوك چی دلته دمبارزی څخه لاس‌اخلی بدمرغه دی .

دغه زوړ سړی به ترټولونه مخ کی مړ شی.

قهوه هما غسی به ولاړه څکوو بایـد په یوه منظمه ډله کی سره را ټول شو. هغه دوه کسه (شتو بدیه نست) دلیکو دمنځ نه‌تیریږی سړی، دشطرنجو دمـهر و پـه خیرځای‌په‌ځای‌کوی دلنهوونو خاوندان مخ کی او داوږ دوونو خا وندان ورو سته ! زه‌دلیك پـه منځنی ځـای کی یم مـخ کـی مـی اټکل کړی و چی تر ټولو نه ښه ځـای منځنی ځای د ی‌زماڅخه څلور صف مـخ کی دپتی لو ئی غوږ ونه ښکاری چی د هغه دخر یل شوی سر په دواړ و خوا و کـی دمعمو ل څخه غټی ښکاری . با ید دد ی څخه خپل ایضا ح او استقا مت سم کړم.

ـشلب (المانی کلمه یعنی چپ)

پرمخ می لمړی څپیړه لگیږ ی ، مـاد ښی لاس‌استقا مت ته تو جه نه وه کړی(شـریبر) له یو محکم گذار سره زه دغه کا رتـه متو جـه کړم. د یـوی څپیړی زغمل خـو دومره گران کـار نـد ی خو مـا هیڅکله ددغه کا ر سپکاوی په آسا نه تو گـه ندی زغملی . دغـه څپیړه دومره در نـده هم نه وه ښا یی چی دغه سړی دو مره‌بـد سړی نه وی کله چی (شر یبر)موږ څو ځله شمیر ی دبلو ك مشر را رسیږ ی اویو ځـل بیا زموږ نـظم او ترتیب معاینه کـوی د د ی لـپا ر ه چـی د ځیـنو کسا نـو خیټـی لږ دننه لاړی شی خوسوکـان پـر هغوی حوا له کیږی . او س ټول شیا ن دمعا ینی لپاره چمتو دی . د لری نـه دزنگ غږ را ځی .

ـروهه (المانی کلمه یعنی (چپ).

دا حضا را تو په وخت کی غږ ید ل منع د ی ، د احـضاراتـو په وخت کی د ځـایه څخه خو ځید ل منع دی ، با ید انتظار وایستل شي . زه له دغه انتظار له دغـــه سکـون سره چی دآلـمانی دسپلین جـزء دی امو خته شوی یم موږ پخوا په جیل کی

څلور سا عته همدا سی در ید لو . او س یوا ځی نیم ساعت تیر شوی . ددی لپاره چی وخت تیر شی هغه شعر چی د (فر ن) په جیل خا نه کی می و یلی و را یا دوم.

خپلو ا کی ،ای خپلو اکی، څو مره‌ښکلی ښکا ری ...

ـانتو نك (الما نی کلمه یعنی دقت)

سا تو نکی پښی یو په بل و هی اوتیار ـ سی کیږی . یو ځوان اس‌ـاس چی دشلـو کلو څخه کم عمر لری او پدا سی حا ل کی چی یـو سگرت یی په خوله کی دی را ځـی

یو پرا نیتی دفتر په لاس کی لری (شریبر) خولیٔ په‌لاس‌کی‌نیسی اووړاندی ځی. او داس‌ـ اس شاته چی‌په‌بی اعتنایی سره دفترته‌ځیردی روانیږی. هیڅوك کم‌ندی. کله‌چی پلټنه‌یـی پای ته‌رسیږی یو څه‌په‌دفترکی لیکی‌اوپه‌ډیـر بی‌اعتنایی سره هغه نوی پنسل چی (شریبر)

ورکړی و پر مځکه اچوی اوزمـوږ دلیـك په وړ اند ی دریږ ی .

ـفرا نسوزن (المانی کلمه یعنی فرانسوی) (شر یبر) خرا ب ور کوی .

ـیا وو ل .

او س د هغه سپین ږیری سړی تر مخی درید لی دی چی پرون شپه ئی ورته جـزا ورکړی و. دسپین ږیـری سړی ستر گـی دډار اوویری له‌زوره پریښی.

کا سه یی اخلی او د غولی ډیر لیر ی څنډی ته ئی گو زارو ی او سپین ږیری باندی د هغه در اوږ لو امر کو ی. سپین ږیری په منډه هغه پیدا کوی او بیر ته یی را وړی . دوه ځلی دری ځلی ..

لس ځلی دغه صحنه تکر ار یږی تر څو چی سپین ږیری بیخی ستو ما نه کیـږی او دسااېستلو څخه لو یږی . با لاخره‌اس‌ـ اس د هغه کا سه پورته کوی او پـــه ډیر زور سره سریی پری و هی . یو ټیټ څکرو ی غوږ ته راځی سپین ږیری پر مځکه لوییږ ی په تندی کی یی یو غټ تپ ښکاری.

دبلو ك مشر اود هغه نور غړی ددی لپاره چی ښه غوره ما لی و کړی د هغه پد غـه کار باندی خا ند ی او اس ـاس بی له‌دی چی د غی غوره ما لی ته اعتنا و کړی لـه موږ څخه لیری کیږی .موږ دهغه دشکیلی غږ چی د (سپین اس د مسا پر خا نی) سندره پکی وایی او رو .

داحضا ر حالت پر مو ږ با ند ی خلاصه شویده خو پر نو رو با ندی لادوا م‌لری باید ددو هم زنگ داور ید لو څخه وروسته

نیم سا عت نور انتظار وبا سود احضا راو په اوږ دو کی هیڅوك نشی کولای چی دخپل ځای څخه‌ټکان وخوری په‌آخـر کـی دآرام سی حالت غوره کوو . کله چی دبلو ك‌مشر لاړ موږ و غو ښتل د کوټی پر مخ یو څو شیبه کښینو خو یوه عجیبه پیښه را منځ ته کیږی . په هغه کوټه کی چی موږ ټول پکښی ځملا ستلی وو، هیڅ ځای نه و .

سلما نی مو ږ نه لار ښو و نه کو ی.باید هما غه د ځملا ستلو پخوا نی لاری چاری غوره کړ و یوا ځی در یځو نه نو پیر لری پدی معنی چی لمړی سړی پد اسی شکل کښینی چی شا ئی دد یوا ل خوا ته وی او خپلی پښی یود بل څخه لیری ونیـــی دو هم سړی دهغه د پښی په منځ کی‌کښینی او په همد ی شکل تر آخره پو ری .اوپدغه تـوگه دیر ش کسه کولـی شی چی په‌یوه لس متر یزه سا حه کی ځای په ځـــای شی . او کله چی ټول افراد پد غه تو گـه کښینا ستل لادکمر ی نیما یی بر خــــه تش پا تـه کـیږی . دانو (چشم‌بـندی) او م اد هغو جا دو گرانو په یاد ا چو ی‌چی ځانونه یی په‌یوه صندو ق کی ځا یو ل .

زه له‌دی آزمایښت سره دجادوگرانو دجادو ـ گر و یو څخه نه حیرا نیږم .

هغو ما نو گا نو ته ور ته یو چی پـه یوه بیړی کی سره پـارو وهی اودموازنـــی دسا تلولپاره هر سړی مجبو ر دی چــی خپل لاسونه دمخکښی سړی په خیټه با ندی ټینگ ونیسی .

طبعا فرا نسو یان په دوو صفو نو کـی ځای په ځـای شوی دی او بیا درو سانـو پو لند یانو یو گو سلاویا نو وار رارسیږی یو د بله سره غږ یږو .

زما د ښی لاس خوا ملگری ماته دخپل نیول کیدلو کیسه کوی .دی دشرابویـــو سـو دا گر دی چی دهغه دکور له زیر خانی څخه دوسلو دساتلو او زیر مه کـو لـو دپاره گټه اخستل‌کیده . اوس هیڅ ویره‌نلری اوخپل ماجرا په‌ډاگه وایی :

ـآلما نیا ن په ناڅاپی تو گه زما دکور زیر خانو ته ننوتل ، سا عت دسـهـــار څلوربجی وی زه‌له خپلی ښځی سره ویده وم مجبور شوم چی په ډیره بیړه کا لـــی واغـوندم او د هغـو سره لاړشم بـی لـه دی چی د خپلی لور د مچو لو اجازه چی‌په بله کو ټه کی ویده وه راکـړی . پست‌ـ فطر تا ن ! وروسته بیاد تحقیق په اوږدو کی دهغو ی سره یو ځای بیر ته کو رته راغلم په همد غه وخت کی وسلی او نور شیا ن ددوی لاس ته ولوید لی. دهغو دوړ لولپاره دوه ځلی را غلل اولاړل .

(سریر) حیرانتیا سره وایی :

موږ هماغه وخت په یوی‌تپانچی‌پسی گرځیدو.

(سریر) دنورو سره غږیږی، هغه دا سی سړی دی چی هر چیر ته یوه احسا سا تی خبره یاده شی ډیر ژر پکی گډون کـوی او بیا ژر نورو خواوته متو جه کیږ ی. دی یولنډه و نه او پنډ اندام لری له همـدی کبله (پتی لوئی) ته ورته دی له دی نو پیر سره چی عقل او قو ت‌یی دهغه څخه ډیـر دی .

(سریر) اصولا دسربازی لپارهزیږول شوی دی . هغه د فرانسې په پوځ کې دعلیم سره جنګیدلی دی. دیو ماشینګن سره یی دیو الماني لښکر په وړاندې مقاومت کړیدی تر څو چې ملګری یی پهخونړی توګه ونښتي . پههماغه ورځ چې آلماني نیانو د پاریس وا تونه مردار کړل دی دیو سرباز په توګه په پاریس کې پاتې شو . او اوس دلته هم د یو سرباز په څیر ژوند کوی . او ټول کسان د هغه د طاقت او قوت څخه حیران دی .

هغه خپلو خبرو ته ادامه ورکوی :

ـهو کی . په لمړی پړ او کی مو ږدهر یوه لپاره یوه تپانچه درلوده او دغه تپانچه هم ډیره زړه او پخوانۍ وه چې د ۱۹۱٤ کال په جګړوکی یی څپله ازمویینهسرته رسولی وه، زمو ږ یو ملګری په همدغسی تپانچې باندی هغه ملګری خوندی ساتلی وچې دآلماني نیانو د وسلو او مهما تو یوګدام یی چاوداوه دغه ملګری دشپې له خوا دغه تپانچه یو بل ملګری ته ور- کول چیهغه پاکه اوغوړه کړی او بیایی ماته ور سو ی څکه چې ما هم یو ښه ښکار موندلی و.یوآلمانی جنرال هره ورځ سهار وختی په آس باندی سپور اود (بولوی)په ځنګله کی ګر ځیده ماتهدستور را کړ شوی وچې ددغه جنرا ل کار یو طرفه کړم او ما داسی تصمیم ونیوچی په څا نګړ ی توګه دغه کار سر ته ورسوم څکه چې داکار ډیر ارز ښتنا کودغه جنرال (فن اشتو لپنا ګل) نومیده .

وسله می په جیب کې کیښوده او دشپې له خوا په یوه کنده کی پټشوم ،دواټ په څلور متر ی کی . داډیر ښه ځای و.په آسانی سره میګو لا ی شو چې خپل ښکا رله ښیو نه و غور څوم . خو بایسد وویل شی چې ددغه ماموریت نه اته ورځی مخکی ما د(شاوی) په جګړه کی پرکتس کړی و.داسی پټیلشوی وچې دښکار- کو لو نه ورو سته ډیر ژر و تښتم اودځنګله څخه ځان وباسم اود ځنګله په بله څنډهکی یو بایسکلراته منتظرواوما کو لای شو ا ی چې د (پوټو) له لاری نه په آسانی سره و تښتم .

دشپې دلسو بجو په شا و خوا کی ټاکلی ځای کی پټاومنتظرپا تهشوم .له بده مر غه په یوو لسو بجو باران پهاوریدو پیل وکړ ، سهار دوخته باران‌ودرید.ځان سر ه می ویل کا شکی هغه را شی .یوره او ه بجې وی چې را پیدا شو یو سا تونکی یی هم در لود چې له هغه نه لس متره لیری ور پسی روان و . یو هیږی ، پدا سې وختونوکی دسړی حال څرنګه وی ؟ فکر کوم چې زه لږ لږ زیډ م . د خپل با رانی کو ټسره دختو په منځکې ناست وم.جنرال‌ماته نږ دی شو قدم یی واهه ، وخت یئ یا همدا اوس یا هیڅکله . ما شه کاږم ، خو تبا نچه ډزنه کوی بیا ما شه کا ږم او بیا

د ز نه کـوی ! و ر ښت خپل کار کړی وء . په ناچاری سرهدیو ډا رن سړی په توګه بیر ته ستون شوم . دوه ساعته وروسته (ایوون) راغی او تپا نچه یی زما څخه واخیستله چې بل چا ته ئی ور کړی .

څوموده وروسته مو دهمدغی تپا نچې سره د (کلمنت) نو می جا سو س جر ړې وایستلی . پدا سی شرا یطو کی کا رکول کو مه آسا نه خبر ه نه وه له نیکه مرغه په ورستیو وختو کی مو له الما نیا نو څخه و سلی لاس ته راوړ لی او کا ر موسم شو.

زه هم دتپا نچې په فکر کی شوم. زه پو هید م چې د خا ئن (ژیتون) کا ر یسی هم دتپا نچې سره سم کړی و . هغوکسانو چې ددغه کار دسرته رسولو ماموریتی درلوده اوس په همدغهجیل خانه کی زما سره یو ځایدی.

یوهتپانچه دفرانسوی سرتیرودوسلیپههکله سړی کولیشی چهپه ډیرهآسانی سره یو رو ما ن و لیکی . دمثال په توګه دا سی کسان به ډیر لږ وی چې ونه پو هیږ ی هغه سړی چې آلمانی افسریی په۱۹٤۱کال دا ګست په ۲۳ کی د یو ی ګر می وسیلی سره وژلی لثافابین نومیده. اوهغه وسله چې دله هغی څخه کار اخیستی ودهغه ګشتاپو وه، کوم چې داورلثان دروازیتهنږدی وژل شویو.

(سر یر) خپلو خبرو ته ادامه ورکوی.
ـپه هر حا ل . که موږ یوا ځی یو څومیله لاسی ما شین ګنو نه در لودایکوم کارنه وچی سر ته مو نه رسو ل .

ښهده اوس ته ووایه هغه و سلی چې ستا له ګور څخه لاس ته را غلی څه شیا ن و ؟

ـسپک ماشین ګن !ونور .
ـوګو ری ! څو مره به وی ؟
ـدوه ټنه.

سیمون هم په یوښتنو پیل کوی :
ـدغه و سلی او مهما ت له کو م ځای څخه را تللی چې موږ هیڅکله دهغه مخ هم ونه لید ؟
ـفکر کو م چې دانګلستان څخه ...مارك خو یی انګلیسی و .

دغو کسا نو حقدر لو د چې یو ښتنه وکړی : ولی هغو کسانوته چې په همد غو ور څو کی د ځان نه تیرو دغه وسلی نه ور کو ل کید لی ؟ هغو ی ته ګورم . دوی وا قعا دغلیم سره جنګید لی دی . ددوی یو تن د(پیرو) په نا مه لاتر اوسه یو ری پخپل مړ وند کی یوه ګو له لری . او هغه بل یی چې د او سپنې دو یلی کولو یودوه ویشت کلن کارګردی خلورځله ټپی شو ی دی .

«سریر» ته یر ګورم.

د ۱۹٤۲ کا ل په دوبی کی هغه دسرتیرو ډلهچی (فرانتیر ـپارتیزان) نومیده ګشتاپو یی په دوو سپږمو د سو لی و یوه شپه د (سنت آسیز)برج ونړ ید.

دغه کار تو مره اهمیت در لود چې د (ور ماخت) رادیوګا ن دلمړی ځل لپا ره دسر تیرو دو را نکاریو په هکله وغږ یدل دپاریس په هغو ځا یونو کی چې آلما نیان او سید ل اکثرا لاسی بمو نه ډیر چاودیدل دغلیم پر یو ځی منصبدارانو او سا تو نکو باندی تل یر غل کیږی .په رڼا ورځ کی دغلیمپهپوځی ډلوباندی یر غلو نه سر ته رسیږ ی یوه شپه د (سینما ریکس) دوتلو دروازی ته نږ دی دماشین ګنو دو زوله کبله اویا کسه آلما نیا ن وژل کیږی . څو ورځی وروسته هما لته یو بم چا ودل کیږی او هغه آلما نیا ن چې دسینما څخه وځی ټوټې کوی دغه ټول عملیات د (والمی) نومی دسر تیرو د ډلی د فعا لیتونویوه بر خه ده چې دیوبریالیتوب یوسلو پنځو سم کالیزه یی چې په همد غه نامه یادیده، جشن‌نیولیو.

(ددغه جشن په ورځ الما نیا ن چې دکمونیست دګوند دبیا نیی اودکورنی جګړو د پراخید لو څخه په وحشت لو ید لی و د پا ریس او سید و نکی یی مجبور کړ لچی دخپلو کو رو نو څخه ونه و ځی)

(سریر) په همدغه ډله کی و.په حقیقت کی دی د ډلی د نظا می عملیا تو واقعی رئیس وخو یو خا ئن او څو ډا رن کسان د (والمی) دډلی دټولو غړو دبندی کید لو سبب شول نږدی څلو یښت کسه ونیو ل . دغو کسا نو دډری میا شتو په اوږ دو کی بر سیره پر مادی ضا یعاتو دری سوه دری څلو یښت کسه المانیا ن بی وژلی و . (دغه رقم دهغو ګشتا پو افرادو دا عترا فو نو څخه لاس ته را غلی چې په نو موړی تحقیقا تو کی یی بر خه در لود ه)

(سریر) دتحقیق په وخت کی ښهمقاومت وکړ . له همدی امله ټول هغه کسا ن چې ورسره یو ځای جنګید لی و اوس هم دی دخپل رئیس په تو ګه پیژنی .

(توریا)

بقیه صفحه ٤٩

نیروی برق از کجا...

بهره مند میشویم خودبخود از زمین یا هوا جریان نمی یابد . بلکهباید در کار خانه های تولید گردد که برای بکار افتادن این کارخانه ها باید انواع دیگری از انرژی مصرف شود . برق وقتی بوجود می آید که اجزای کوچك اتم که الکترون نامیدهمیشود به حرکت درآیند .

يك نمونه ازاین امر در طبیعت شوك یا تکان جزیی است که بعضی او قات هنگام دست زدن به دستگیر(زمانیکه رطوبت هواکم با شد.) احساس میکنیم این تکان برقی در نتیجه مالش بوت با فرش بوجود آمده والکترونهایی راکه موقع دست زدن به دستگیر رها شده ، بحرکت درمی آورد برقی که مصرف می کنیم با چر خش يك مگنیت در داخل سیمهای مار - وجریان برق را تولید میکند .

مسلماانرژی برای گرداندن توربینها لازم است . این انرژی میتواند از منابع مختلفی سرچشمه بگیرد در کار خانه های هیدرو - الکتریك نیرویآبیکه فرومیریزد توربین را مانند يك چرخ آبی والبته مقیاس خیلی وسیعتر وپیچیده ترمی چرخاند ه . و سایر کارخانه های مواد سوخت مانند ذغال سنگ وگاز نفت برای حرارت دیگهای بخار که توربینها رابه چرخش درمی آورند بکار میروند . در کارخانه های اتمی حرارت لازم برای تولید بخار با شکستن اتم هایسوخت هستوی ويك راکتور ایجاد میشود . در انواع کوچکتریا غیر متداول دستگاه های مولدبرای تولید برق، از سوزاندن زباله، بخار زیر زمینی ، نیروی خورشید وقدرت جزر و مد دریا استفاده می کنند .

استفاده از قدرت ریزش آبشار درکارخانه های برق آبی یکی از موثرترین راه های تولید برق است اما متاسفانه بعضی اوقات سدهای در آبشار وبند ها رخ میدهد که این امرامید به توسعه تولید برق آبی رادرآینده محدود میساز د. سوختهای فوسیلی (ذغال سنگ، نفت وگازطبیعی) به عنوان وسیله اساسی برای تولید برق بشمار میرود. ذغال سنگ که قبلا سوخت کثیفی به شمار میرود اما امروز چون قیمت نفت وگاز طبیعی بلند گردیده ودر بسیاری از ممالك ذخایر نفت وگاز طبیعی روبه کاهش اند اهمیتی زیادی کسب نموده است .

اکنون نیروی هستوی ازتمام منابع اساسی انرژی برای تولید برق بیشتر مورد بحث است . از سال ۱۹۵۰ تاکنون بشر ازتولید برق از اورانیوم بهره مند شده ودر حال حاضر در همان کارخانه های برق اتمی مشغول کار می باشند .

در آینده نزدیك ممکن است نیروی برق بوسیله بطریهای آفتابی تامین شود .

این بطریهای عدسی شکل که از سیلیکان ساخته شده اند نیروی برق را به آسانی تامین میکند وبرای این کار بهچیزی جزنور آفتاب احتیاج ندارد بطریهای آفتابی هرچند که هنوز دوره طفولیت خود را طی میکند به احتمال زیاد مشکل بحران انرژی را تا حدی حل خواهند کرد. کارکنان این رشته امیدواراند که میتوانند از طریق لوحه های آفتابی که بربام منازل نصب خواهند شد تا او اسط ۱۹۸۰ در تامین نیروی برق ارزانقیمت موفق گردند .

واژه‌های سیاسی، اجتماعی واقتصادی

قوانین اقتصادی :

مناسبات تولیدی چگونه بر قرار می شود، آیا هر انسان مؤلدی بمیل خود با سایـر انسانها قرار ومدار می گذارد آیا فئـودال (صاحب زمین) بایك یك از دهقانان وبا هر یك طبق شرایط بخصوص وجداگانه کنـار می آید که آنها زمین اورا بکارند ، آیامیان هرکارگر و سرمایداری مناسبات بخصوص وجداگانه ای برقرار است که آندو بر سرآن **باهم توافق کرده اند ؟**

پاسخ همه پرسشهای بالا منفی اسـت . مناسبات تولیدی یا ساختار اقتصادی جا معه **امریاست عینیو خارج از اراده ایانسانها** که طبق قوانین دیالکتیکی ومستقل ازخواست **این وآن تکامل میابد مناسبات تولـیدی** قرار ومدار این فرد باآن فرد نیست ، اگرنه به تعداد افراد متفاوت مـی بو د . مناسبات تولیدی متناسب با سطح نیرو های مؤلـده بوجود می آید . قالب وشکل عمل کرد این نیرو هاست که بصورت نظام معین و مشخص مثلا بصورت نظام بردگی، نظام فئودالـی ، نظام سرمایه داری، نظام سوسیالیستی د ر جامعه حاکم می شود . این اندیشه‌ی بنیادی وسازنده ای اولین آموزگـار زحمت کشان جهان که انسان هاقبل ازینکه بیاندیشند و بکار هنری بپردازند ابتدا باید بخورنـد و بنوشند و... الزاما در قالب ونظام معینی که همانا مناسبات تولیدی حاکم است قرار می گیرند، مناسباتی که خارج از اراده‌ی آنها وجود دارد وخارج از خواست آنها، موافق **قوانین ویژه‌ی خویش تکامل‌میابد.**

اولین رهبر کارگران جهان مجمـوعـه‌ی تئوری اجتماعی، اقتصادی خودرا روی همیـن واقعیت که داهیانه موفق به کشف آن شده **است ، بنامی کند وی در میابد که‌انسانـی** ازمادر زاده می شود، بدون آنکه خودبخواهد ودخالتی درآن داشته باشد در جامعه‌ی معینی وارد می شودکه این جامعه در سطح معینی **از تکامل نیرو های مولده قـرار داشته‌ودرآن** مناسبات تولیدی معینی برقرار است .

نوزاد الزاما در درون این مناسبات قـرار می گیرد واز زمانیکه بکار تولیدی بپـردازد، مجبور است این مناسبات را بپذیرد و د ر درون آن تولید ومصرف کند. کـسیکه د ر جامعه‌ی فئودالی زاده شده خواه نا خواه بـا مناسبات تولیدی فئودالی سروکـار دارد و کسیکه در جامعه‌ی سرمایه داری زاده شده بامناسبات سرمایه داری . این امر کــه ساختار اقتصادی جامعه فئودالی باشــد یا سرمایداری تابع تمایل اشخاص نیست، بلکه سر انجام تابعی است از سطح تکامل نیرو های مؤلده‌ی مادی که جامعه‌ی مفروض در اختیار دارد .

روشن است که جامعه‌ی بشری نسجی است بسیار بغرنج ، در هر جامعه ای علاوه بـر مناسبات تولیدیانواع مناسبات دیگرفرهنگی **حقوقی ، مذهبی، سازمان دولتی وانواع‌نـهاد های دیگر اجتماعی ، سیاسی موجوداسـت** که در هم تنیده واندام بی نهایت بغـرنج و نوجوانبی را بوجود آورده اند . درست در همین جا وبرای تشریح واناتومی این انـدام بغرنج ویافتن قوانین رشد وتکامل آنست که اولین رهبر کارگران جهان مارا متوجه این کشف بزرگ ودر عین حال این امربدیهی می کندکه انسانها قبل ازپرداختن به‌فرهنگ هنر ودولت ونظایر اینهـا باید بخـورند ، بنوشند ، بپوشند و... ولذا آن ساختـار اقتصادی، آن مناسبات تولیدی که خارج از اراده‌ی انسانها وجود دارد وتکامل می یابد وتولید نیاز مندی های انسان در قالب آ ن انجام می گیرد، زیربنای مادی جامعه است. بروی این پایه ی مادی است کـــه همـه سازمانهای فرهنگی، هنری، مذهبی، دولتـی وغیره وبعبارت دیگرهمه مقوله ها ومؤسسات روبنایی ساخته می شود وبالا می آید .

اولین، رهبر کارگران جهان می گوید : «انسانهابه هنگام تولید اجتماعی زندگی‌خویش وارد مناسبات تولیدی معین ونا گزیری می شوند که تابع اراده‌ی آنها نبوده، بلکـه متناسب با مرحله‌ی تکامل نیرو های مؤلده مادی آنان است . مجموعه‌ی این مناسبـات تولیدی ساختار اقتصادی جامعه، یعنی پایه‌ی واقعی است که بروی آن بنای حقوقـی و سیاسی جامعه ساخته شده وبالا می آید و اشکال معینی از شعور اجتماعی باآن مطابقت دارد ...» (از اثر مشهور نقدی در اقتصـاد سیاسی) .

وی توضیح میدهد که وقتی نیرو هـا ی مؤلده تکامل می یابند، لحظه ای فرامی رسد که دیگر در قالب ساختار اقتصادی مـوجود نمی گنجد، باآن در تناقض می افتد وشکستن ساختار اقتصادی موجود وساختـن ساختار اقتصادی نوین ضرور می شود . آنگاه دوران انقلاب اجتماعی فرامی ر سد تا مجموعـه‌ی سیستم اقتصادی، اجتماعی موجود فرو ریزد وفورماسیون (صورتبندی اجتماعی، اقتصادی) نوین پدید آید .

جامعه‌ی انسانی‌تاکنون‌ازپنج مرحله یاپله‌ی اساسی تکامل گذشته ومی گذرد که‌عبارتند از کمون اولیه، برده داری ، فئودالیـسزم، سرمایه داری وسوسیالیزم . هریك از یـن مراحل تکاملی ساختار اقتصادی و متناسـب **با آن روبنای ویژهٔ خویش دارد .گذارازین** مراحل روندی است قانونمند . بررسی ایـن جانب از قانونمندی تکامل جامعه‌ی بشری و تحقیق در قوانین گذاری دربی جامعه‌یانسانی ازیك فورماسیون به فورماسیون دیگر کـه همان درك ماتریالیستی تاریخ است موضوع ماتریالیزم تاریخی می باشد .

۲ موضوع اقتصاد سیاسی :ـ

اما این بررسی جانب دیگری هم دارد و آن اینکه ساختار اقتصادی هر فورماسیون خود بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد وقوانین تکامل ساختاراقتصادی هرفورماسیون ومجموعه‌ی مناسبات تولیدی مربوط به هـر مرحله وهرپله‌ی ا زتکامل جامعه‌ی بشری بررسی شود . درست همین جانب بر رسی است که موضوع علم **اقـتصـادسیاسی‌را** تشکیل میدهد .

از آنجا که جامعه‌ی بشری تاکنون ازپنج پله یامرحله ای تکاملی گذشته ومی گذرد اقتصاد سیاسی نیز در خطوط اساسی خویش به پنج بخش تقسیم می شود. ولی مناسبات تولیدی وقوانین اقتصادی از زمان پیدایش و تکامل سرمایه داری است که بسیاربغرنج شده است ودرین زمان است کـه اقتصاد سیاسی بعنوان یك علم مستقل پدید آمده وتکامل یافته است . اقتصاد سیاسی امروزین در درجه‌ی اول عبارتست از اقتصاد سیا سی سرمایه داری واقتصاد سیاسی، سوسیالیستی. طوریکه در مباحث قبلی تشر یح کـردیم مناسبات تولیدی را نباید به معنی محـدود کلمه گرفت وباید توجه داشت که مبادله وتوزیع نیز جزء مکمل تولید است . وبنابر این باید گفت :

(اقتصاد سیاسی علمی است که مناسبات اقتصادی راکه درروند تولید، توزیع، مبادله‌ی خواسته های مادی در مراحل‌گوناگون تکامل جامعه‌ی بشری میان انسان ها برقرار میشود وهمچنین قوانین اقتصادی تکامل این‌مناسبات را بررسی می کند .)

تقسیم بندی جامعه به پنج مرحله‌ی یاد شده، تقسیم بندی بسیـار کـلی است . درکشور های گـوناگـون ودر میان اقوام گوناگون مراحل تکامل عینا در بستر واحدی سیر نکرده ودر هر جا ودر هــر دورانـی **ویژگیهای داشته ودارد. برخـــی ازاقوام‌از** پنج مرحله‌ی یاد شد ه نگذشته اند و هم اکنون جلو چشم ما اقوام معینی از مرحله‌ی فئودالی وگاه از مراحل ماقبل فئودالی ، راه **به سوسیالیزم می گشایند ، بدون اینکه‌الزاما مرحله ی سرمایه داری راطی کنند،** در اغلب کشور های آسیایی مراحل تکامل برده داری وفئودالی شبیه جوامـع اروپایی نبـوده و خصوصیاتی داشته است که اولین رهـبر پرولتاریای جهان آنرا شیوه‌ی تولید آسیایی نامیده وهنوز تحقیقات علـمی بیشتری لازم است تاهمه جوانب آن روشن گردد .

رشد مناسبات سرمایداری ویاسوسیالیستی نیز درهرکشور وهر دورانی ویژ گیهایـــی بوجود می‌آورد که‌باکشور دیگر ودوران دیگر **مـتـفاوت است . بر علا وه‌تعیین‌ساختار** اقتصای جوامع بشری خالص وبطور قـطع مرزبندی شده نیست وجـه بسا در کـنار مناسبات اصلی تولیدی که‌مشخصه‌ی مر حله‌ی معینی است بقایای فراوانی از انواع‌مناسبات پیشین ویانطـــفه های ساختار آینده‌طبقاتی ومراحل گذار وجود دارد.

لذا ساختار اقتصادی‌جوامع‌بشری بمراتـب بغرنجتر ازآنست که بتوان دریك تقسیم بندی **کافی به پنج مرحله خلاصه‌کرد.ازینجاست‌که فریدریش همرزم نزدیك اولین‌رهبرپرولتاریای جهان ضمن تعریف اقتصاد سیاسی یادآوری وتاکید می‌کند که‌اقتصاد سیاسی نمی تواند** برای‌همه کشور هاوهمه دوران ها هما نند باشد. به گـفته‌ی او اقـتصاد سیاسی : «علم شرایط واشکالی است که‌در هر جامعه‌ی مفروض تولید ومبادله در درون آن انـجام می‌گیرد ومحصول بدست آمده در درون آن توزیع میشود. وی اضافه می‌کند: «اقتصـاد سیاسی نمی‌تواند برای همه‌کشور هاو همـه دوران های تاریخی همانند باشد»

(از اثـر مشهور انـتی دور ینـگ)

وهرکشور درهرمرحله‌ی تکاملی و هر دو ران اقتصاد سیاسی ویژه‌ی خودرا دارد.

شایدبعضی کسان ازین گفتار به‌این‌نتیجه برسد که اصولا اقتصاد سیاسی برای‌دوره‌ی معینی از تکامـل ،مثلا: اقتصاد سیا سی **سرمایه داری واقتصادسیاسی‌سوسیالیستی کارعبثی باشد . ولی در واقعیت‌امرچنیـن** نیست . کشف ودرك قوانین عام تکامـل اقتصادی جامعه درهر مرحله‌ی آن بما امکان میدهد که استخوان بندی وچوب بست‌اساس این مرحله‌ی تکاملی‌را بشناسیم تا سپس‌آنرا بهر جامعه‌ی مشخص ومفروض انطباق دهیم. رهبر پرولتاریا ی جهان درمـوقـع نگار ش «کاپیتال» **ساختار اقـتصـادسرمایه داری** رادر نمونه‌ی انگلستان بررسی میکند. او در عین حالیکه برین نمونه تکیه دارد، با قدرت تجرید، شاخ وبرگ آنرا کنارمی زند تابـه ماهیت قوانین تکامل اقتصاد سرمایـه داری قوانینی که‌جنبه‌ی عام دارد وویژه ی ایـن یاآن کشور نیست دست یابد. ودرین کـار بزرگ بـــه اوج دانش **اقتصادسیاسی‌ونـــه** (فقط این دانش) دست میـابد. پس ازاو، زمانیکه سرمایه داری به‌دوران نوین وبـه عالی‌ترین وآخرین مرحله‌ی تکاملی خـو یش، مرحله‌ی انحصاری گام می‌نهد ،رهبر انقلاب کبیر اکتوبر کار اولین رهبر زحمتکشان‌جهان را دنبال می‌کند تا اقتصاد سیاسی امپریالیزم مرحله‌ی انحصار سرمایه‌داری رابنیان نهدوآن قوانینی راکشف کند که‌جنـبه‌ی عـام دارد وویژه‌ی این یـاآن کشور امپـریا لیستی نیست.

درموقع تعین موضوع علم اقتصاد سیاسی باید به‌این نکته توجه داشت که‌تولیدخواسته های مادی دوجنبه دارد، یکی مسایل فنی و تکنولوژیـك ودیگری مسایل‌اقتصادی واجتماعی بعبارت دیگر تولید ازدوجنبه قابـل بررسی است. یکی ازنظر مناسبات میان انسان‌ها و طبیعت دیگری **ازنـظرمناسبات‌میان‌انسان‌هاو** انسان در روند تولید .وقتی می‌پرسیم ایـن بوت چگونه تولید شده است؟ به‌این پرسش می‌تـوان جـواب دوگانه داد. یکـی پاسخ دانشمندان علوم طبیعی ومهندسیـن واستاد کاران چرم سازی وکفاش درین باره که چه عملیات فزیکی وکیمیاوی لازم است ر و ی پوست حیوانات انجام گیرد واین عملیـات فنی چگونه سازمان داده شود تاکفش مـورد

نظر ساخته شده وحاضر برای پوشیدن باشد• ودودیگر پاسخ دانشمندان اجتماعی درین باره که چه مناسباتی میان شبانی که از گوسفندان وگاوان نگهداری می‌کرد باصاحب این حیوانات برقرار بوده، چه رابطه ای بین دباغ وشاگردش باصاحب کارخانه ی چرم سازی باکارگرانش وغیره وغیره وجود داشته است•

درهم آمیختن این دوجانب جداگانه‌ی تولید وحتی درهم آمیختن سازماندهی امور فنی کارخانه وکارگاه وامور حسابداری ، بازارو نظایر اینها بامناسبات تولیدی میان انسانها جایز نیست • علم اقتصاد سیاسی علمی است اجتماعی ومناسبات میان انسانها را بررسی میکند ونه مناسبات میان انسانها وطبیعت راکه موضوع علوم وفنون گوناگون طبیعی و فنی است•

دانشمندان بورژوا این دوجانب را بهم میآمیزند• کلاسیک های اقتصاد سیا سی بورژوایی نظیر آدام‌سمیت وداوید ریکاردواین کاررا نادانسته می‌کردند• اماامروز آمیختن انواع مطالبی که‌ربطی به‌علم اقتصاد سیاسی ندارد بااین علم ، زاده فکر حساب‌شده‌ی دانشمند نمایان بورژواست تا بدینوسیله مناسبات اجتماعی را پرده پوشی کنند• اقتصاد دانان بورژوا در واقعیت امر به‌آن‌چیزی ایراد می‌گیرند که‌ازدست آورد های مهم اقتصاد سیاسی رهبر پرولتاریا ی جهان است • اولین رهبر کارگران جهان و همرزم نزدیك وی نخستین دانشمند انی هستند که بوجود مناسبات تولیدی میان انسان‌ها‌پی‌بردند وتوانستند جانب تکنولوژی تولید را از جانب اجتماعی آن ازهم تمیز داده و جدا کنند• و

بدین ترتیب موضوع علم اقتصاد سیاسی را دقیقا مشخص ومسجل نمایند• رهبرانقلاب کبیر اکتوبر درهمین باره است که می‌گوید :

«برخلاف آنچه اغلب گفته می‌شود موضوع علم اقتصاد سیاسی تولید ارزشهای ما دی نیست بلکه موضوع تکنولوژی است و مناسبات اجتماعی انسانها در امر تولید است•»

درجریان بحث ازمسایل اقتصادی که بعدا بررسی مفصل ازآن صورت خواهد گر فت، خوانندگان محترم خواهند دید که بر خلاف ادعای‌دانشمند نمایان بورژوا، علم وایدیالوژی مترقی وانقلابی درزمینه‌ی اقتصادی واز جمله درزمینه‌ی پول، قیمت ها، تجارت وغیره‌بسیار چیز ها آورده واین علم مترقی است که ریشه‌های همه‌ی این مفاهیم ومقوله‌های‌اقتصاد بورژوایی رابطور علمی کشف کرده است• اماعلم مترقی میان اقتصاد، به‌معنی فنی و حسابداری این کلمه با اقتصاد سیاسی به‌معنی علم بررسی مناسبات اجتماعی انسانها درروند تولید ،مرز کاملا مشخص کشیده است تا بازی وسفسطه با مسایل نوع اول ما نع از کشف ودرك مناسبات اجتماعی نشود وهمین نکته است که‌مدافعین سرمایه داری را نگران می‌کند واقتصاد سیاسی بورژوایی‌رابیش‌از پیش بسوی ابتذال وفرار از موضوع اصلی اقتصاد سیاسی می کشاند•

قبل ازپیروزی انقلاب ثور درسنامه ها ی قلب ساخته شده‌ی که‌در کشور ها ی امپریالیستی تدوین وتالیف می‌شددرپوهنتون های‌مانیز تدریس می گردیدخصوصا درساحه‌ی علوم اجتماعی این کار بشدت روا داشته می‌شد ودر اغلب این درس نامه ها استثمار بهره کشی وغیره توجیه می شد واز حقایق تلخ بشکل بسیار ماهرانه گریز بعمل‌می‌آمد ولی اینك باپیروزی انقلاب ثور که مطابق قانون تکامل جامعه وبه اراده ی خلق آزاده‌ی افغانستان بمیان آمد درپهلوی‌سایر تحو لات کیفیت درس نامه های مرا کز علمی نیزبطرف واقعیت سیر کرده وقرار گرفته‌است•

نوشته محمد روحانی

احساس ودرك نقاش امروز

اینکه میگویند احساس ودرك هنرمند بافرد عادی متفاوت‌است به این‌معنی که‌آن یکی باریك بین و متجسس است وآن دیگری زود گذرو بی تفاوت ، آن یکی واقعیت را چنانکه هست می‌نمایاند وآن دیگری واقعیت رانمی شناسد • این گفته در هنر نقاشی هم بیشتر مورد قبول است •

نتایج مراحل هنر نقاشی نشان میدهد که هر قدر رنگها و خطها ساده ترو آسانتر باشد همانقدر تاثیر بیشتر و مثبت دارد ،عین موضوع در شعرونشر هم صدق میکندچنانچه امروز (شعر نو) آسانتر وساده تر از شعر کهن‌است ودر اذهان خلق تاثیر بسزایی دارد •

اینکه هنر مندی به یك سبك مخصوص نقاشی متمایل میشود ویا به آن علاقمند میگردد وسبك دیگری را نفی می‌کند ودر واقع تکامل هنر رانفی‌میکند واینجاست‌که اویا احساس هنری ندارد ویاآنرا اصلا درك وهضم نتوانسته است •

مثلا هنرمندی که به سبك ریالیزم یا واقعیت گرایی نقاشی میکند برای وی خطهای درهم وبه اصطلاح کش شده معنی ندارد ،در حالیکه نقاشی هیچگاه داخل یك‌چوکات مشخص نیست، به این معنی که هنر(بخصوص نقاشی) از ادوار گذشته تاحال به یك شکل نمانده وهمیشه باایجابات زمان‌ازیك‌شکل مبهم وپیچیده‌به یك شکل‌آسان‌وساده‌تبدیل شده است ، بطور مثال، در دوره قبل از امپرسیونستها در نقاشی ریزه کاری های فوق‌العاده پیچیده ای کار میشد، تابالاخره که خود هنرمنداحساس خستگی وبیننده احساس یکنواختی کرد وهنرمندان کو شیدند که‌روشی را تخلیق‌کنند تا نقاشی‌راازشکل بغرنج و پیچیده آن به شکلی در آورند که هم هنر مند و هم بیننده از آن راضی باشد • بخاطر باز کردن همین گره سبك امپرسیونیزم به وجود آمد، بانهم با تغییرشرایطزندگی (از نظر اقتصادی‌و اجتماعی)سبك امپرسیونیزم همچنان فراموش شد وجای آنرا سبك جدید دیگری گرفت‌تابالاخره بعداز مرور دوره های مخنلف وبرتر از یکدیگر سبك کوبیزم بوجود آمدوپابلو پیکاسو این سبك رابه اوجش‌رساند درین سبك همان خطهای بروی هم افتاده ویاخط های منحنی معنی‌بسیار وسیعی دارد، مثلا تابلوی (خواب) از سبك کوبیزم است‌که خطهای‌منحنی و تقسیمات رنگها بااستادی‌کامل پابلو پیکاسو کارشده‌ومورد قبول هنردوستان و صاحبان احساس هنری وا قع گر دیده است •

درکشور عزیز ما افغانستان هم اکنون مردم به نقاشی ایکه باریزه کاری زیادکار شده باشد علاقه فراوان نشان میدهند ، زیرا مردم مااز نظر اقتصادی عقب‌مانده‌نگهداشته شده‌بودند لذاشعورهنری نیزبحالت‌پایین باقی مانده بود واین هنرمند باریك‌بین وحساس است که‌باید منتظر (جبر) دوران نباشد بلکه هنر (خصوصانقاشی) رااز شکل ابتدایی وبغرنج آن بشکل پیشرفته در بیا ورد وتحت تاثیر سبك یاد گرفته اش نرود، تاباشد که هنر نقاشی بشکل ساده‌وپرمحتواتر ازگذشته راهش را ادامه بدهد ودر اذهان توده تاثیر بجا کند •



بقیه صفحه ۲۷

نکاتی چند از زندگی

تان می افزاید واورا بیشتر ازپیش مســرور میسازد وحس حق شناسی واعتماد در اوایجاد میگردد .

نکته سوم- شکایت :

البته مقصود ما از این نکته آن نیست که شما همیشه شکایت کنید یا هرگز شکایت نکنید . غرض اینست که وای برحال‌مردیکه درحضور دیگران از کار های زنش ایراد بگیرد ... وهمچنان وای بر حال زنی که‌باز هم در حضور دیگران از رفتار شوهــرش انتقاد کند وبا این رفتار وحرکت همسرش احساس حقارت نماید . وقتیکه شخصیــت زن ومردی جریحه دار شد دیگر مشکل‌است به زندگی خانودگی شان ادامه دهند .

نکته چهارم :- گذشت ایام بالاخره زنی راازشوهر (وشوهری را اززن) خود جداخواهد کرد که دایما بگوید : «بله دیگر .. همه مردها همینطور اند!» «بله دیگر ... همه‌زنها مثل همدیگراند ومن نمیتوانم باتو دیگرزندگی کنم!»

در این دنیا هرکس توقع داردکه اگــر دیگران قدر وجود عزیز وبی مثالش را نمی دانند، لااقل شریك زندگیش ، او ودیگران رابایك چوب نرانند وبین وی وسایریــن تفاوتی ، هرقدر هم جزیی باشد، قایل باشد. تجربه نشان داده‌که همین بی تفاوتی هاوهمین تمسخر های بی جا وبی مورد زن وشوهــر زندگی سعادت بار آنهارا به جهنمی سوزان مبدل ساخته است .

نکته پنجم - یك شوهر خوب وعاقــل، آنچنان مردی است که بداند وبتواند بخاطر بیاورد که جای هرچیزی در منــــزلش در کجاست تــــا اگـــر یک‌روز یا چند روز همســرش به مسافرت رفته باشد و یا د ر خانه نباشد دست روی دست بگذارد وبــه انتظار بنشیند که زنش بیاید ··· نتیجه این قبیل انتظار ها همیشه عصبانیت و نتیجــه عصبانیت ایراد گیری ونتیجه ایراد گیــری دعوا وجنجال ونتیجهٔ همه این ها کـدورت، نفاق وجدایی است .

پس چه بهترکه مرد از همان آوان زندگی مشترك خودرابه این نکته ملتفت سازد که ممکن است روزی پیش آیدکه نظربه‌مشکلات زندگی همسرش چند روزی از او دور باشد واو باید تمام مسوولیت خانه را بدوش‌گیرد فلهذا آشنایی بکارهای منزل یکی ازموفقیت های مرد در زندگی خانوادگی است .

نکته ششم :- شماکه مرد زندگی هستید موقعی که زنتان باشما حرف میزند به حرف های او گوش نمیدهید وزیر لب زمزمه‌میکنید وگاهی میگویید : «درست است» یا «بلــه همینطور است» یالااقل صدا ی شبیه این الفاظ از خود در می آورید میدانید آخر این بی توجهی وبی تفاوت ودست کم گرفتن ها چه میشود ؟

مثــلا یك روز خانمتان‌میگوید :«شوهرعزیز فرداوقتی کارت تمام شد به منزل نیا، چون شب به خانهٔ مادرم دعوت هستیم ضمنا یادت نرود که ساعت پنج بعداز ظهر هم به‌معاینه خانه داکتر دندان باهم برویم، تواز اداره راسا به معاینه خانه بیامن هم آنجامی‌آیم» وشما هم‌بدون اینکه توجه داشته با شنید همسر تان به شما چه گفته میگویید، بله، درست است وبنابر عادت همیشگی موضوع راجدی نمیگیرید وبعد فردا محشری برپا می شود .

چون شما مطابق معمول از محل کار تا ن به منزل خود که بامعاینه خانه داکترفاصله زیادی دارد می آیید وطبعا زنتان رادر منزل نمی یابید . اوهم به معاینه خانه داکتر رفته وطبعا شما رادرآن جاپیدا نمیکند · وابدا هم بفکر ش نمیرسد که ممکن است شما د ر منزل باشید، شمابه تمام جا هایی کــه به عقلتان میرسد، غیر معاینه خــانه داکتــر و منزل خوشویتان تیلفون میکنید و خانم تان نیزبه همه جا تیلفون میکند غیر از منزل . آنوقت در همان لحظه ای که شما از شدت عصبانیت زمین وزمان رابه باد ناسزا میگرید وکاسه رابه کوزه می زنید زنگ تیلفو ن صدا میکند . گوشك تیلفون را برمیدارید. خانم هستند، ولابدخودشما بهتر میدانید کــه این قبیل مکالمات به کجا می انجامد وچــه صورتی پیدا میکند .

نکته هفتم :- این راهمه میدانند که هر زنی نظربه قدرت مالی خویش از خود اشیای داردکه برایش عزیز است مانند لباس، ویا بعضی زیورات که دایم می خواهد ازدسترس بــــد و ر بـــــا شد و لی بعضی ا ز شوهران بدون در نظرداشت این مو ضوع گاهی با دست چرب وآلوده به‌سیاهی انواری و لباس خانم راباز میکند تا فلان عکسی که در انوای وجود دارد بردارد، این وضع خانم رابرآشفته وعصبانی میسازد وای بسا که همین موضوع ساده وبظاهر کوچك باعث جنجال خانوادگی بین زن وشوهر گردد .

اگر از این شوهران پرسیده شود کــه چرابخاطر یافتن عکس یا چیز دیگر انواری لباس خانمرا با ز میکند در حالیکه شایــد اصلا آنچه را که می خواهد در آن جانباشد دست به اینکار می زنند شاید بگویند که:

می خواستم فلان چیز را از انواری بیابم اما باید به این مردان خاطر نشان کرد که هر کس چه‌زن وچه مرد از خود راز های دارند که نمی خواهند دیگران ولوکه خیلی هم برایش نزدیك باشد به آن دسترسی پیدا نمایند بناء هیچکس چه مرد وچه زن نباید بدون اجازه طرفین دست به عملی بزنند که باعث‌عصبانیت‌وجنجال‌ومشکلات‌خانوادگی گردد.

بقیه صفحه ۱۰

اشتراك ملل متحد در ···

پروگرام کمك خود را برای مبارزه با بیسوادی بصورت عمومی بیك شکل واحد ترتیب داده اند تا آنکه بشکل یك سرمایه گـــذاری سه گانه جنبه های مختلف مبارزه را حمایت نماید .

(ب) مقدار کمك مستقیم ملل متحد برای مساعی سواد آموزی نظر بگذشته به بیشتر ازپنج چند افزایش یافته است .

(ج) در طرز کمك ملل متحد نیز تغییر مهمی وارد شده ونظربه گذشته در صــرف مبالغ ومساعی برای مواد و تریننگ تاکید بعمل آمده است .

در حالیکه قبلا از شصت فیصد کمك ملــل متحد برای فراهم ساختن متخصصین بــود اکنون تنها بیست فیصد در آن راه به صرف میرسد . تخصیص برای مواد وتریننگ که قبلا سی فیصد بود اکنون به هشتاد فیصــد افزایش یافته است .

کمك مجموعی ازسه اورگان ملل متحد در مبارزه علیه بیسوادی بشرح ذیل است :

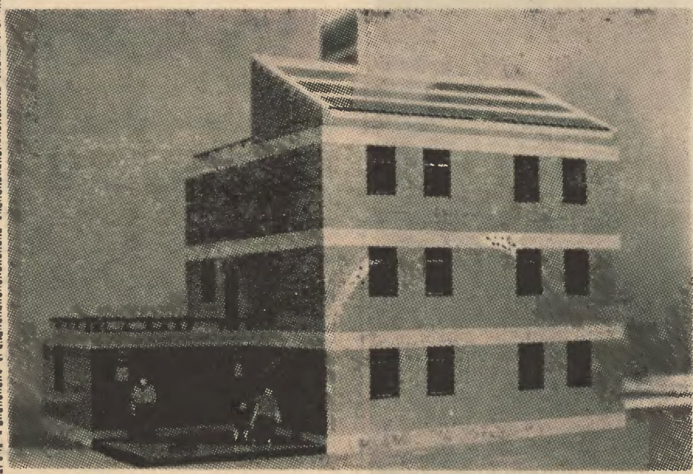
پروگرام انکشافی ملل متحد : از مــارچ ۱۹۷۹ تا دسامبر ۱۹۸۲: ۱۵۰۰۰۰۰ دالــر صندوق ملل‌متحد برای فعالیتهای مربوط به نفوس : ازجولای ۱۹۷۹ تادسامبر ۱۹۸۲ : ۱٤٤۸۰۰۰ دالر .

یونسیف: ۱۹۷۹ تا۱۹۸۰: ۱۰۹۰۰۰۰دالر.

برای دو سال اول مبارزه مواد و تجهیزات بقیمت مجموعی ۱۷۵۰۰۰۰ ملیون دالر معادل (۷۳۵۰۰۰۰۰) افغانی . هم اکنون فرمایش داده‌شده‌وتورید بسیاری از آنهــا شــروع گردیده است .

بعلاوه پروگرام مواد غذایی جهان برای تقریبایك‌ملیون کارگرسوادآموزی موادغذایی منظور نموده است . از بانك جهانی تا جهت اعمار ساختمانها برای ریاست مبــارزه علیه بیسوادی ومدیریت های ولایتی سواد آموزی اکابر در حدود مبلغ پنج ملیون دالر کمك درخواست گردیده است .

چنین مینماید که در تاریخ اشتغال ملل متحد بتعلیم وتربیه برای اولین بار چنیــن کمك باشتراك چندین سازمان مختلــف در چنین محتوی توجه ملی تحقق پذیرفته است. ملل متحــد دریــن مبارزه عمیقا عــلا قــه دارد وامیدوار است که دیگر جوامع دارای نظیر این اهداف ازین تجربه مستفید گردند.



ساختمان هاییکه از انرژی آفتاب استفاده‌میکند، این ساختمان ها تسهیلات زیادی را فراهم ساخته است .

بقیه صفحه ۱۱

کنترول ···

و٤٥فیصدجمله مریضانی که تحت‌معالجه‌میباشند ادویه خودراازمراکزمذکوربدست می آورند.

البته دسترسی به نتایج حقیقی‌اپیدایمالوژیکی مدت زیادی را در بر میگیرد اماهم اکنون‌امید های خوبی ایجاد گردیده است · نقش کمك بین‌المللی درین پیشرفتهاقابل مــلاحظه‌بوده است· قابل‌تذکراست‌که‌کمك پروگرام‌انکشافی ملل متحد وسازمان صحی جهان هم اکنون برای ٤سال آینده تحت غورمیباشد·یونیسف ٦۳۱۸۰۰دالر میرسد ومبلغ ٤۲۸۰۰۰دالردیگر ازسالهای زیادی باینطرف‌یگانه منبع ادویه‌و واکسین ضدتوبرکلوزبوده‌وتوقع‌میرود که این کمك ادامه‌یابد · سازمان موادغذایی‌جهان‌بو- سیله فراهم‌ساختن‌اغذیه اساسی جهت‌کمك به تداوی موفقــانه مریضــان معــاونت میکنند .

حکومت جاپان تعمیر جدید موسسه توبرکلوز وتعمیر مرکز منطقوی توبرکلوز رادر کابل در تحت کمك بلاعوض خود اعمار نمــود . موسسه همکاری بین المللی جاپان تجهیزات ازقبیل اکسریز سامان لابراتوار وسایل حمل ونقل مواد تربیوی وغیره را فراهــم نمود . هدف نهایی همکاری بین المللی تاسیس یك سرویس متکی بخود تخنیکی واداری کنترول توبرکلوز در مرکز ملی کنترول توبرکلوز میباشد که قادربه ادامهٔ فعالیت وتوافق دادن به احتیاجات وشرایط متحول باشــد ازیــن نقطه نظر سهمگیری بین المللی درپروگرام هنوز هم ضروری میباشد . در وضع کنونی انکشاف پروگرام گفته شده میتواند کـــه اقدامات وموقف حکومت در مقابل پرابلــم توبرکلوز وادامه سهمگیری بین المللی بهمان پیمانه از شرایط ضروری رسیدن بهدف‌نهایی در ظرف سه الی چار سال آینده میباشد .

سی‌وچارمین سال پیروزی ویتنام قهرمان

امسال سی و چارمین سالروز انقلاب اگست ویتنام روز ملی جمهوری سوسیالستی ویتنام مصادف با دهمین سال یاد بود رادمرد بزرگ هوچی من بنیادگذار حزب و دولت این کشور میباشد.

خلق ویتنام باصداقت کامل مطابق آرمانهای رهبر خویش جاده پیروزی را با گامهای متین واستوار می پیمایند کشور ویتنام مجددا متحد گردیده و مطابق سیاست مطروحه چارمین کانگرس حزب کمونست ویتنام کار اعمار سوسیالزم را بنانهاده اند.

امسال خلق ویتنام روز ملی خود را در فضا و اتمو سفیر وسیع با حرارت کامل جشن می گیرند.

در بهار این سال بود که خلق این کشور پیروزی های شایانی را در سرحدات جنوب غربی و شمال کشور خود کسب کردند. ودر جنگ تجاوزکارانه که ازجانب رهبران ارتجاعی کشورمتحدین چپ‌نمای امپریالیزم ورژیم دست نشانده پولپوت ینگ ساری به آنها تحمیل گردیده بود خنثی کردند. چنانچه آنها از استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی خود با جسارت کامل دفاع کردند با برادران خلق کمپوچیاد ر قیام مسلحانه‌شان برای سرنگونی رژیم فاشیستی پولپوت ینگ ساری مساعدت انترناسیونالیستی نمودند.

خلق ویتنام در اعمار سوسیالیزم پیروزمندانه به پیش می تازند.

بخش بیشتر کار برای بلند بردن محصولات زراعتی تخصیص داده شده است وزراعت به یك بخش مهم اقتصادی مبدل گردیده است. در حدود یك مليون هکتار زمین بایر در سه سال اول پلان پنجساله (۱۹۷٦ـ۱۹۸۰) برای زراعت آماده گردید. در حدود یك مليون وسه صد هزار نفر در ساحات جدید اقتصادی بکار گماشته شدند سرعت افزایش صنایع سالیانه بطور متوسط ده برابر افزایش یافته است. هم چنان در ساحه کلتور، تعلیم ووقایه صحت پیروزیهای چشمگیری بدست آمده است.

بیسوادی درکشور محو گردیده است و (۲۲٦۰۰۰) متعلم در مکاتب مشغول آموزش هستند.

دولت روز بروز از حمایه بیشتر کارگران برخوردار می گردد. چنانچه این امر از تصویب مسوده قانون اساسی (اولین قانون‌اساسی کشور ویتنام متحد سوسیالستی) بخوبی نمایان گردید.

دست آورد های حاصله زمانی موثر تر جلوه می نماید که آن مشکلاتی را که خلق این کشور تا هنوز به آن مواجه هستند از میان برداشته شود.

ویتنام کشوریست که در آن سطح تولیدات به پروژه های کوچك منحصر بوده نتایج چار جنگ طی سی‌و چارسال (جنگ ضد استعمار گران فرانسه، امپریالیست های ایالات متحده امریکا، رژیم غارتگر پول پوت وکشورتوسعه طلب متحدین چپ نمای امپریالیزم. خانمانسوز ووخیم بود. پرستیژ واعتبار خلق ویتنام درعرصه بین المللی روز افزون است زیرا خلق این کشور ثابت قدم در راه استقلال ملی، صلح وسوسیالیزم به پیش می روند.

اکنون جمهوری سوسیالستی ویتنام با بیش از صد کشور روابط دیپلوماتیك برقرار نموده است وفعالانه با سازمانهای مهم بین المللی مثلاشورای تعاون اقتصادی، ملل متحد و جنبش عدم انسلاك همکاری می نماید.

استحکام بیشتر همپیوستگی روابط دوستانه و رفیقانه با همسایه گان، لاوس کمپوچیا واتحاد شوروی وکشور های دیگر جامعه سوسیالیستی قابل اهمیت است.

ویتنام سوسیالستی تلاش های مذبوحانه امپریالست ها ومتحدین چپ نمای امپریالیزم‌را که بغرض تضعیف اتوریته بین‌المللی و روابط دوستانه ورفیقانه‌ویتنام با لاوس کمپوچیا، اتحاد شوروی و کشور های دیگر سوسیالستی صورت می گیرد خنثی نموده است امپریالست ها و متحدین چپ نمای امپریالیزم تلاش بخرچ می دهند تا تخم نزاع ونفاق رابین ویتنام و کشور های جنوب شرق آسیا و کشور های غیر منسلك بپا شند. یکی از نمونه های عینی این فعالیت های کین توزانه به پیش کشیدن مساله نام نهاد (پرابلم پناهندگان) به شمارمیرود کشورمتحدین چپ‌نمای امپریالیزم درمذاکرات خود با هیات نمایندگی ویتنام با پیشنهادات قانونی ویتنام سرمخالفت می گیرد ومانع می گردد تا صلح استوار بین سرحدات هر دو کشور برقرار گردد.

خلق ویتنام قویا معتقد هستند که آنها به درخواست های عادلانه خود پیروز میشوند زیرا از جانب حزب پرتوان کارگری رهبری می گردند واز حمایت اتحاد شوروی کشور های دیگر جامعه سوسیالستی و تمام‌نیرو های مترقی جهان برخوردار می باشند.

در اثنائی که آنها روز ملی خود راجشن می گیرند این موضوع را نیز به‌صراحت ابراز می دارند که طی تاریخ مبارزات انقلابی خلق ویتنام اتحاد شوروی همیشه رفیق و فادار آن در مجادله بوده است واز مساعدت ها و حمایت موثر اتحاد شوروی در جنگ های آزادی بخش واعمار سوسیالیزم برخوردار بوده اند. با وجود تمام مشکلات در ویتنام بسیاری از شوروی ها پهلو به پهلوی خلق ویتنام‌به کار پرداختند، اتحاد شوروی در اعمارصدها پروژه، فارم های دولتی و پروژه های کلتوری در ویتنام مساعدت های تخنیکی را فراهم نموده است.

هزاران تن از جوانان (مردان وزنان) در اتحاد شوروی تحصیل نموده و می نمایند واز دستاورد های علمی و تخنیکی اتحاد شوروی مستفید می گردند.

جای مسرت است که مناسبات حزب کمونست ویتنام و حزب کمونیست اتحاد شوروی که مناسبات بین خلق و یتنام وشوروی محسوب می گردد به اساس تیوری علمی وانترناسیونالیزم پرولتری بنا یافته و روز به روز گسترش می یابد.

امضای قرارداد دوستی وهمکاری در نوامبر گذشته بین ویتنام و شوروی آغاز یك مرحله جدید به شمار میرود ودر استحکام همپیوستگی پیکار انقلابی‌ودوستی شکست نا پذیر بین اتحاد شوروی وجمهوری سوسیالستی ویتنام نقش بسزائی دارد. بر مبنای این قرارداد اتحاد شوروی حمایت پرتوان و مساعدت های بیدریغ خود را در مبارزه علیه متحدین چپ نمای امپریالیزم واعمارسوسیالیزم ودفاع ازسرزمین های ابائی ویتنام جاری خواهد داشت.

تمام خلق ویتنام عمیقا به حزب، دولت وخلق اتحاد شوروی احترام می گذارند واز تمام امکانات دست داشته خویش برای تقویت وانکشاف روابط دوستی‌وهمکاری بین خلقهای دو کشور استفاده بعمل می آورند.

اکنون که خلق ویتنام پیروزی خویش را جشن می گیرند از سهمیگری خلق شوروی در تمام بخشهای ساختمان سوسیالیزم درویتنام رضایت کامل داشته ومبارزه انها را برای صلح و دوستی بین ملتها می ستایند و پیروزی بزرگ خلق شوروی را در امضای قرارداد سالت دو که از سیاست عاقلانه خارجی دولت شوروی ناشی گردیده است تبریك می گویند.

بقیه صفحه ۱۹

انتون چخوف...

«وگوره ! غواړم‌چی دمکتب‌دیوی ښوونکی یوی ملحدی په باره کی یو داستان ولیکم.

هغه د ډاروین ستاینه کوی. هغه‌عقیده لری چی د خلکو د تعصباتو او موهوم ـ پرستی سره باید مبارزه‌وشی، مگر په خپله دیوه سړی د توجه د جلبولو او په هغه کی د مینی د پیدا کولو په خاطر نیمه شپه حمام ته ځی ترڅو چی هغه توره پیشو چی .... هلو کی یی غلا کړی دی په تودو اوگرمو اوبو وسوځوی.»

هغه خپلی ډرامی د (سرگرم کوونکو په نامه بللی، او حقیقتا، ربښتیا هم بی له ریا څخه معتقد شوی چی (سرگرم کوونکی ډرامی لیکی). شك نشته چی ساو امور وزوف هم عین د چخوف کلمات تکرار وی. کله چی په سر سختی سره وایی چی:

(دچخوف ډرامی باید د تغزلی کمیډیو په شکل د صحنی په مخ وښودل شی.)

مگر چخوف ادبیاتو ته په ډیره زیرکی سره توجه کوله، خصوصا د نو و اوتازه لیکوالانو دکار په‌باره کی‌ویل‌به‌یی:

(موږ لازیاتو لیکونکو ته ضرورت‌لرو، تر او سه زموږ په ورځنی ژوند کی اد بیات یونو ظهوره شی‌دی. حتی دپیشرفته‌اووتلی طبقی له پاره هم. په ناروی کی دهرو (۱۲٦)کسو له پاره یو لیکونکی وجود لری او دلته دیوه ملیون کسو له پاره یوازی یو لیکونکی وجود لری.)

کله نا روغی دهغه څخه یو مالیخولیا جوړوی او یا داچی له بشر څخه د بیزاری حالت په ده کی پیدا کوی. په داسی حالت کی به ډیر سخت انتقادی شو. او سړی په سختی سره کولی شول چی دهغه سره جوړه و کړی او قانع شی.

یو ځلی چی د کړ کی په منځ کی ناست و او په لیری ځای کی‌یی یو سپند ته ځیر ځیرکتل، ناڅاپه یی وویل:

(موږ عادت پیدا کړی دی چی د ښی هوا، ښه خرمن، دیوی ښکلی عشقی ماجرا په امید ژوند وکړو. دبهایتوب امید، یاد پولیسو دریاست مقام لاس ته راوړل، خوما هیڅکله داسی خوك پیدانه کړ چی دپوهی او دانایی په آرزو ژوند وکړی

خپل ځانو نوته وایم چی د نوی تزار په حکومت سره او ضاع ښه کیږی. او دوه سوه کاله چی نور هم تیر شی نو ښه به شی ـخو هیڅوك دا هڅه نه کوی چی دغه ښه روزگار دسبا په وجود کی تجلی وکړی. په عمومی صورت سره ژوند هره ورځ لانور هم پیچلی کیږی او په خپله خوږه اراده مخ په وړاندی ځی. او د خلکو حالت او وضع لاخرابیږی او لازیات له ژوندانه څخه لیری کیږی.)

دخندا په وخت کی د چخوف سترگی ډیری ښکلی کیدی ـ یوه ښځینه‌نرمش په هغه کی دخندا په وخت کی لیدل کیده. ډیر ظریف او لطیف شی او دغه تعریبا بی غږه خندا په خپل ځان کی، مخصوصا یو جذاب شی در لود. د سړی په نظر کی داسی راتله چی حقیقتاله خنداڅخه خونداخلی زه هیڅ وخت له چاسره نه یم مخا مخ شوی چی وکړای شی له (روح سره) دومره خاندی. که چیری دغه تعبیر مجاز وی.

دچخوف په باره کی سړی کولی شی چی‌ډیر څه‌ولیکی. مگر دغه کار دقیقی شرحی ته ضرورت لری، او په دی کارکی زه وارد نه‌یم. دده په باره کی داستان دداستان په ډول چی په خپله یی لیکلی دی په خلاصه هواکی، په زیرکانه، تفکر انگیز او کاملا روسی ډول باید ولیکل شی.

ښه دی چی سړی دده غوندی د یوه انسان یادونه وکړی. دده یادونه په حقیقت کی یوی ناڅاپی ښادی ته‌رسیدلی‌دی‌او دوباره ژوندانه، درنها معنی وربخښی.

بقیه صفحه ٤

متن بیانیهٔ رئیس شورای انقلابی...

ملی و بین المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش موثر داشته باشند و خود را همچون شما در برابر خلق زحمتکش خود مسوول احساس کنند و معتقد باشند مثلی که شما همیشه در برابر خلق حساب مید هید و با افتخار خود را مورد باز پرس خلق قرار مید هید هر فردی از کار کنان جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز مورد باز پرس خلق واقع میباشد و در برابر خلق مسوولیت دارد خلق همیشه از فرد فرد دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام قدرت و توانایی که دارد حساب گرفته میتواند.

تاریخ را خلق میسازد

قدرت نیرو مند خلق است. کشور محبوب ما کشور مشترک و پر افتخار خلق زحمتکش پشتون، بلوچ هزاره، ترکمن، از بک نورستانی و اقوام دیگر یکه در افغانستان زندگی میکنند میباشد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در خدمت خلق زحمتکش و ملیتها ی پر افتخار افغانستان و اقوامی که در کشور محبوب ما زندگی میکنند میباشد و مسوول رهبری امور اجتماعی و اقتصادی کشور خود می باشند که در این خدمتگذاری و در این رهبری نزد خلق خود احساس مسوولیت میکنند و احساس حساب دهی میداشته باشند.

خلق عالیترین قدرت کشور محبوب ما افغانستان عزیز است.

بزرگترین افتخار ما در این است که خلق زحمتکش ما از حزب دموکراتیک خلق افغانستان واز دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با احساس گرم وطن پرستانه حمایت میکنند و در هر امری که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان بخاطر دفاع از وطن دفاع از انقلاب و اعمار افغانستان عزیزدر پیش میگیرند نه تنها حمایت میکنند بلکه بازو به بازو دست بدست در آن سهم میگیرند.

ازین جاست که با افتخار همه ما و شما میگوییم که زنده باد خلق زحمتکش افغانستان

پیروز باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پیروز باد جمهوری دموکراتیک افغانستان

پیروز باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان.

امید وارم که احترامات و سلامهای گرم صمیمانه و برادرانهٔ مرا شما رفقای دلیر و قهرمان بتمام کارکنان صادق و وطنپرست جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق زحمتکش پر افتخار ما برسانید. با احترام

بقیه صفحه ۲٦

غذا و ارتباط آن...

اعتقاد دارند که‌نباید کمتر ازهزار و هشتصد کالوری باشد. با این حال صرف نظر از شرایط زندگی که قسمت اعظم مردم جهانرا برای یک عمر کمبود غذایی محکوم میکند، عده دیگری هم خواه بعلل دشواری های اقتصادی وخواه به میل واراده خود از اندازه لازم کمتر غذا می خورند.

بیم از سؤهاضمه وبخصوص بیم از چاقی سبب میشود که عده زیادی از جوانان خود را به کمبود غذایی محکوم کنند واین امر برای سلامت آنها عواقب خطرناکی ببار می آورد. گاه بظاهر این تغذیه های نارسابرای مدت‌محدودی هیچگونه ناراحتی تولید نمیکند، امابتدریج آثار ناراحتی، خستگی، حساسیت های‌پوست، کم‌خونی، کسرکلسیم،روماتیزم وغیره ... نمودار میشود، وکمبود غذایی بخصوص برای کودکان ونوجوانان وبرای‌همه کسانیکه فعالیت زیاد دارند خطرناک میباشد.

گذشته از این ها کسر غذا بدن راآماده برای بیماری های مانند سل‌میسازد، تا جوری های دیگر مانند نارسایی غدد مغز، لاغری ویا برعکس چاقی بیش از حد از عواقب این کمبود میباشد.

پرخوری نکنید :-

در حالیکه اکثریت مردم به ناچار کمتر از اندازه لازم خوراک می خورند عده ی هم در خوردن غذا افراط میکنند این پر خوری و غذای اضافی در کشور های متمدن یکنوع بلا وآفت شمرده میشود.

چه بسا مردمی که از تغذیه روزانه خود سه تا چهار هزار وگاه تاپنج هزار کالوری میگیرند، واگر احتیاج طبیعی برخی ازبدن هایا روش زندگی ویا شدت فعالیت های بدنی برخی از افراد رادر نظر بگیریم، بازهم‌این ارقام ازاندازه های عادی فوق‌العاده بالاتر میباشند.

طبعی است که عده ی از این گروه برای مدت محدودی با این پرخوری ادامه میدهند بدون اینکه احساس ناراحتی کنند. امامعمولا این تغذیه افراطی وبخصوص زیاده روی در مصرف گوشت وچربی امری زیان آوراست ویك سلسله ناراحتی ها ازقبیل سؤ هاضمه احتیاج بخواب بعدازغذا، ترشی معده، سردرد وخستگی ناراحتی های فکری به همراه می آورد.

وبگذریم از اینکه بقول دوکتوران در اکثریت قریب به اتفاق موارد پرخور ها و دچار چاقی می شوند وبعلاوه از فعالیت ونشاط به اندازه قابل توجهی کاسته میشود وبدنبال این‌چاقی، پیری زودرس فرا میرسد، قبول دارید که همه چاقهامسن تر از سن واقعی شان به نظر میرسند؟

وبالاخره نتیجه پرخوری مریضی های مانند، مریضی قلب، وبخصوص فشار خون و بیماری شریان هاکه انواع مختلف آن‌بیماری اختصاصی پرخ ور هاست (مخصوصاکسانیکه گوشت وچربی زیادمی خورند) همچنین روماتیزم، نقرس، ورم گرده ها، مرض شکر وبعضی بیماری های جلدی نیز ناشی از پر خوری هستند.

میگویند که در بعضی موارد بیماری سرطان ازسبب پرخوری زیاد پیدا میشود. به موجب ارقامی که‌بدست آمده بیشتر کسانیکه چاق بوده اند به مرض سرطان گرفتار شده اند.

یك موضوع را نیز بیاد داشته باشید که بکودکان زیاد غذا ندهید. بسیاری از پدر ومادر ها بزور با فشار به کودك غذا می خورانند که این امر آهسته آهسته وضع صحی ومزاجی کودك را متاثر ساخته باعث بعضی مریضی ها مانند جگر، گرده، معده وغیره میگردد.

بقیه‌صفحه ٦

سوم عقرب...

برداغ های سابقه‌ی جبین ارتجاع افزوده یکی از این واقعات که توسط متحدین چپ نمای امپریالیزم به تحریك وپشتیبانی دولت ارتجاعی ظاهر شاهی بوقوع‌پیوست شهادت یکفر زندمبارز و نوجوان‌خلق عبدالقادر قهرمان می باشد که در روزروشن ودر ملای عام هدف ضرب ات وحشیانه ی دشمنان خلق در طی تظاهرات بمناسبت بزرگداشت روزسوم عقرب درسال ۱۳٥۱ درهرات برگذار شده‌بود، واقع شدوبا این عمل ددمنشانه و غیر انسانی خود ماهیت وحشیانه و ضد خلقی خود را هر چه بیشتر نمایان ساختند.

ولی همه ی این اعمال به‌رشد نهضت‌و مبارزات طبقاتی و سست شدن بنیان ارتجاع وفئودالیزم درکشور منتج‌گردید.

آری مبارزات پیگیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان نتیجه‌ی بس گرانبها و بزرگی بخلق ارمغان آورد که نه تنها خلق را ازهمه آلام وآفات نجات داد بلکه روح شهدا ی قهرمان سوم عقرب رانیز کاملا آرام ساخت آری انقلاب ثور در کشور به پایمردی خلق افغانستان پیروز گردید.

زنده باد مبارزه ی‌پیگیر خلق افغانستان شاد باش ارواح شهدای سوم عقرب.

جواب نامه های شما

سلام خوانندگان عزیز !

اینبار ، صفحه جواب به‌نامه هارا‌به بوتهٔ نقد وانتقاد می اندازیم . صفحه یی کـــه خوانندگان آنرا شمامیسازید. همین‌شماییکه فعلا مجله را به دست دارید وبه جواب نامه‌ها، پاسخ نامهٔ ارسالی خویش را می جویید وبی صبرانه انتظار می برید‌که جواب نویس نامه های دوستان چه حرف وسخنی با مـــن در میان دارد وچاپ مضمون من را، به کدام شماره وعده میدهد ... از اینگونه بسیار.

تاحال به چند شیوه وروش گونه گـــون به پاسخ نامه های علاقمندان و همکاران‌مجلهٔ ژوندون پرداختیم که در فرصت مناسب آن، گفتگوی نیز براه انداختیم وعلاقمندان را به صفوف منتزع ازهم، نیز، نشناندیم .. واز همینگونه‌دسته‌یی اندکه‌خرده‌گرفتند واعتراض نمودند که به جواب نامه های دوستان ازروش واصول «تلگرافی» نباید کار گرفت . اگر به محدودیت مکانی سردچارید،لااقل‌به محدودیت کلامی رغبت نشان ندهید ونامه یی‌که شرح وتفصیل بیشتر میخواهد قطعا جواب تمام‌معنی ومکفی ارایه نمایید .

ما، نظروعقیدهٔ خوانندگان خویش راگرامی میداریم وهمچو روش رانیز، دنبال می‌نماییم اما فعلا دنبالهٔ صحبت رامی گذاریم به بعد، وعلی الرغم فکر ونظر یکعده که خارج ا ز دنبالهٔ صحبت مانیست ، میپردازیم به نشر نامه یی عبدالرحیم، که لطف نموده اند، ازراهٔ دوربه ماچیزی ارسال داشته اند :

بعداز دعای سلامتی به حق ما، دوست‌عزیز ما چنین می نگارد : «... چند انتقـــاد و پیشنهادی دارم در اطراف مجله ژوندون، امید که باپیشانی باز قبول گردد :

۱ـ چرا در شماره های مجله ژونـدون ، آدرس مجله را چاپ نمی‌کنید ... تاهموطنان ماکه نومیخواهند با مجله ژوندون همکـاری کنند، ازآن استفاده نمایند. پس خواهشمندم که در شماره های که بعد از این به چاپ میرسد ... آدرس مکمل مجله را نیز ذکر کنید .

۲ـ جواب به نامه های همکاران مجلـــه باید کوتاه ومختصر باشد واز پرگویی پرهیز شود مثال خوب آنرا د ر شماره ۲۲ بالای داستان ضیا مهاجر میتوان دیدکه اگر بــه عوض این همه پرگویی هابه نامه های‌دیگران جواب بدهید، ازاین چه بهتر .

۳ـ در صفحه جوانان، بیشتر با جوانان مامصاحبه کنید وزیادتر عکسهای از آنـان به چاپ بسپارید .

٤ـ چون انیس یك روزنامه است و صرف وظیفه داردکه اخبار روز، اوضاع جهـــان و رویداد ها را گزارش بدهد باید ازگزارشات فلمی واختراعات واکتشافات صرف نظر نمابد وبهتر است این مطالب را مجله ژوندون و آواز که هم ازلحاظ قیمت وزحمت‌گران است، انجام دهد ... امضا» .

دوست گـــرامی سیدرحیم یا بگـــویم عبدالرحیم !

مطلع جواب نامهٔ شمارابه این مناسبت به شوخی گرفتیم که به پشت پاکت نوشته اید : «ازطرف عبدالرحیم ... ولایت‌کندز» مگر در پای انتقادات وپیشنهادات تان امضا گذشته اید «سیدرحیم «رحین» مگر شمایك انسان دو بعدی اید؟ یاگاهی خودرا سیدرحیم مینامید وزمانی عبدالرحیم ... بهر صـــورت ازشوخی میگذریم وبه انتقاد و پیشنهاد شما پاسخ ارایه میداریم :

۱ـ نخست از همه سلام مارا نیز بپذیرید. راست میگویید رفیق، از این بعد، آدرس مجله را مینویسیم ودوستداران نوکار مجله را، سردرگم نمی گذاریم، مطمئن باشید ... انتقاد شما بجاست واطاعت واجرایش نیـز بجاتر ... ولی این گفته نیز بجاست رآنرا به‌ضم انتقاد تان بگیرید، که، گرخواستیـد به مجله ژوندون چیزی بفرستید، فقط کافی است که‌به‌پشت پاکت بنویسید: «به مجلـه ژوندون » وآنوقت به پست بیاندازید . وچندی بعد نامه شما بدست ماست .

دوست عزیز! گاهی بعضی جاها از بسکه معروف اند خود آدرس اند وبه توضیحـات بیشتر نیازی ندارند، از همین جمله اند : وزارت اطلاعات وکلتور ورادیو افغانستان و... که هرگاه نامه یی به وزارت اطلاعات وکلتور روانه دارید ... لازم نیست که بگویید بـه وزارت اطلاعات وکلتور... مقابل فلان تعمیر ویانزدیك فلان شی دیگر . همین بس‌که به پشت پاکت بنویسید به وزارت اطلاعـات و کلتور .. اما در نظر داشته باشید که نامه رابه پست بیاندازید ...

۲ـ با پیشنهاد دومی تان سر موافقـــت نداریم وبه‌شهادت نامه‌های ارسالی‌خوانندگان ایشان نیز سر مخالفت دارند ومارا ازمختصر گویی منع می کنند ودلیل ودلایل می‌آورند ومیگویند : «که اگر مضمونی را قابل چاپ نمیدانید وعرض میدارید که قابل چاپ‌نیست این بسنده نیست وطرف را جواب درخــور نیست» وبقول معروف استناد میکنند، سخن چوگفتی، دلیلش بیار ... باید دلیل مبنـــی برعدم چاپ مضمونش ارایه شود تا قناعت همکار عزیز ما فراهم گردد وبه کاستی هاو ضعف های‌نوشته اش روشنی افگنـده شود. تا او را بکار آید ودر نوشته های دیگر، آن نکته هارا آویزهٔ گوش خود بگیرد واستفاده برد، چه اگر تنها، مابه (بلی) و (نی) اکتفا ورزیم وخوبی ها وبدی های یك نوشته ر ا ارزیابی نکنیم، کارمثبت وعقل پسندی انجام نداده ایم وصفحه یی جواب نامه هاجز کمك بیشتر با قلمزنان تازه کار وجز نشان دادن افق ها وحلول ها به همکاران مجله و جـــز دلگرم ساختن تازه کاران به مسایل ادبی ، کاردیگر ی نـدارد اگرفقط به «نی»قابل چاپ نیست» چشم داشته باشیم که کار سهل و آسانی نیز است ، ما ازتعهد ورسا لتمندی گریخته ایم ، کـه شرمناك است چنیـن گریختن ... وچه بهتر است که این تعهد و التزام را ، در سطح گسترده اش خود زیر نظر گیرید

۳ـ در قسمت پیشنهاد شماره سوم شمـا باید بگوییم که، صفحه جوانان مجله ، اکثر همینگونه بوده است وباز هم ، بار دگرنظر شما را به متصدی صفحـــه جوانان در میان میگذاریم تا چه پسند آید ...

٤ـ میگویید اوضاع جهان ورویداد هــا راگذارش بدهید.. مگر اختراعات واکتشافات جز ورویداد های‌زمانه واوضاع جهان نمیشود؟ وفقط روز نامه وظیفه دارد که اخبار روز را پخش کند ودیگر ازهرچه که خبر روزنیست بگذرد وهر روز بگویید که وضع جوی چطور است ؟ باران می‌بارد ؟ هوا ابر آلود است و کی کجارفت وچه‌آورد ؟ اگر حرفهای شوخی آمیزاش را جدا کنیم وبگذریم میرسیم بـــه اینکه مجله ژوندون باآنکه به قو ل شمـــا «به تناسب روزنامه قیمت است وکارش پر زحمت» آنچه را در این سطور ذکرکرده‌اید، درخوددارد یعنی که هم مطالب از دنیـــای اختراعات واکتشافات دارد وهم ترجمهٔ ازفلم های سراسر جهان سینما ... در حاشیهٔ این پاسخهای دو ستانه به‌عرض تان بر سانیم که آیا جواب این پیشنهادات شما با کلمه «آری» و «نی» میشد پاسخ گفت ؟ و آیـا میشد ضیا مهاجر را بایك «نی» که تازه به نوشتن داستان پرداخته است، قبول داد ؟ وآیا یك «نی»گفتن بدون اقامه دلیل‌پذیرنده، درهمین زمینه، نوعی استعـدادکشی ادبـــی نیست ؟ وآیا یك «نی» گفتن با شرح جامع الاطراف، خود تشویقی ودعوتی به بهتر نوشتن نیست ؟ این چند جمله که گفتیم فقط وفقط رفع مسوولیت وجدانی نموده ایم والاچیززیادی می نماید وبقول شما پرگویی که وقت عزیز تانرابه هدر داده ایم !!

دوست ارجمند محمد صابر ثبات متعلم لیسه حبیبیه !

علیك میگوییم وسلام میفرستیم . خـوب است که دانسته اید، در قضاوت ما غرض و مرضی در کار نیست وآنچه گفته ایم شرط بلاغ بوده است وبس، که خواه شما پند می گیرید وخواه ملال ... اما خوشوقتیم کـه (غبار یاس وکدورت، دربین ما، تار عنکبوت وارنه تنیده است وهرچه گفتیم به دوست گفتیم که هرچه «اگر در هر چه آن شـك می کنید، چیز دیگری بجایش بگذارید» از دوست میرسد نیکوست . هدف مابه یك.... شمانبوده است، اینهم قسمتی از تراوشات ذهن مبارك شما که میخوانید :

پاییز بیامد در جای بهـــاران
پاییز چه زیباست کـــه بیامد
برگ زرد درختان بمن گفتند
پاییـــز بیامد ، پاییز بیامـــد
چغ چغ پرندگان خوش خـوان
شوریـــده و نالیده در بـــا غ
گفتند که پاییز بیامد در گلستان
برگـــان درختان فر و ریختند
با شورافغان، ناله‌کشیدند وگفتند
عمری که داریـم حاصلی نـدارد
وآخرش چنین سر فصلـی دارد
کیهان به زیبایی شب‌های‌بهاری
گویدکه پاییزبیامد پاییزبیامد....

انتظار مطالب خوبتر وبهتر تانرامی کشیم ، خدامددگار تان .

دوست مهربان عبدالقدیر بران متعلم‌لیسه رحمن بابا !

مضمونی بنام «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» به اداره رسید وتوصیه یی که داریم اینست که در نوشتن هر مطلب، کمی توجه بخرج دهید وآنچه را مینویسید ،یکباردیگر مرور کنید ودقیقانه ارزیابی کنید . آنچـه سهواً ازقلم مانده است مجددا آنرا تمــام نمایید وبه مابفرستید . این مضمون شمارا به متصدی صفحه جوانان ویا دوستان مـــی سپاریم که درقسمت نشرش تصمیم‌بگیرند...

دوست گرامی شکریه متعلم لیسه‌زرغونه!

از لطف ومهربانیکه به حق قلمزن ایـن ستون روا داشته اید، متقابلا سلامتی وموفقیت تانرا آرزومندیم‌وکوشش می نماییم‌همینگونه که می پذیرید ودوستانرا خوش می آید ، جواب بنویسیم وآنهم پاسخهای بقول شماهم خوب وقابل قبول وهم خواندنی وطنزگونه ...

دوست عزیز، آن اندازه که هم به تعریف قلمزن این صفحه قلم فرسایده ایدسزاوار نیست وبه این همه تعریف نمی ارزد ..... امابه جواب این خواست تان که فوتوی از جواب نویس نامه ها را با شـــرح اسم و تحصیلش وآیا خارج رفته است یاخیر؟ به چاپ بسپاریم، مقدور نیست وفقط به پاسـخ تان میگوییم که خارج نرفته است وطنـز و شوخی آن اینکه تنها کـو ر خانه نشین بغداد بی خبر است ... واز دیگر حر فها میگذریم ومیگوییم ، خدا حافظ خوانندگان

والسلام



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمرچاپ : علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر مدیر: ٢٦٨٤٩

مطبعه دولتی

د سيف الدين لودين کتابتون
کتاب پر لیسي شمېره

n.Ashraf
1976 kabul.AF.